

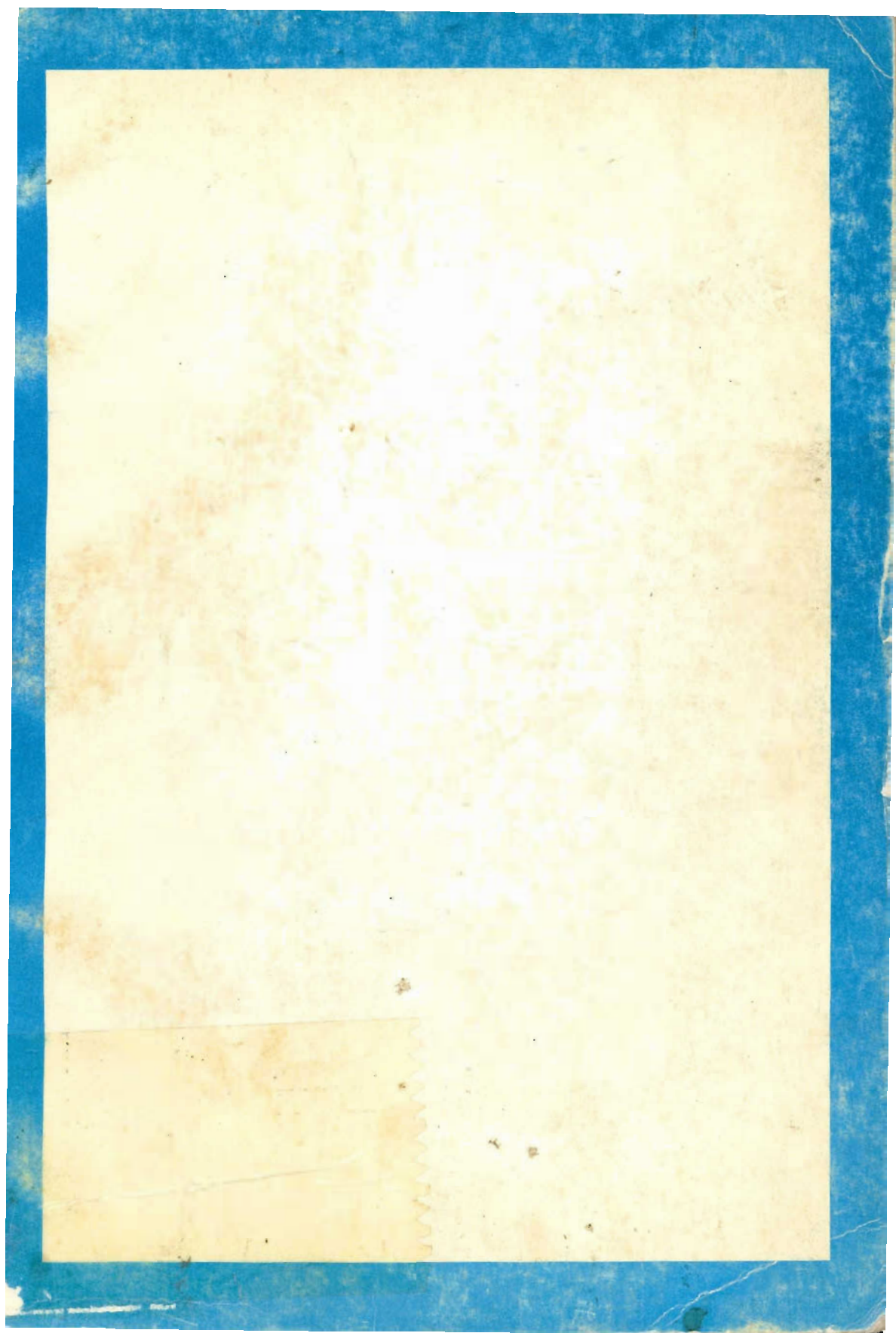
توریهای ترجمه

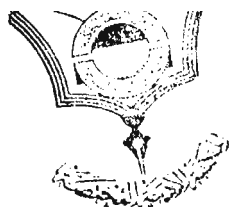
و تفاوت ترجمه مکتوب و همراه

تحقیق و تالیف

«دکتر سید علی میر عبادی»

استاد دانشگاه علامه طباطبائی





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تئوریهای ترجمه
و تفاوت ترجمه مکتوب و همراه

تحقیق و تألیف

دکتر سید علی میرعمادی

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

نام کتاب : تئوریهای ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان
مؤلف : دکتر سید علی میرعمادی
تیراژ : ۳۵۰۰ جلد
ناشر : انتشارات بهارستان
نوبت چاپ : اول ۱۳۶۹
چاپ و صحافی : پردیس



بنام خداوند بخشنده و مهربان

مقدمه :

از پیا میبرزگوار محمد (درود خدا بر او باد) نقل است که فرمود : اطلبو العلم ولو به الصين (علم را بجوی حتی اگر به چین باشد) . این گفته مغزو شیوا که فی نفسه رسا و گویاست نه تنها نشان دهنده توجه خاص آن حضرت به علم و نیاز انسان به گسترش قدرت تفکر و اندیشه خود است بلکه به نیاز ذاتی و همیشگی انسان به ایجاد و برقراری روابط انسانی بین اقوام و ملل مختلف اشارت دارد . مهم نیست که ایدئولوژی ها ، سنن ، اندیشه ها و آداب و رسوم آنها تا چه حد از هم متفاوت باشند و یا تا چه حد این ملت ها از نظر جغرافیایی از هم دور باشند .

جوامع گوناگون ، هم آنهایی که همچنان در مراحل بدوی و ابتدائی تحول و تکامل اجتماعی خود قرار دارند و هم آنهایی که به پیشرفت های چشمگیری نایل شده و تغییرات اساسی را در بطن خود ناظر بوده اند ، همواره دوراه اساسی را بر سر راه داشته اند . اول آنکه خود را در حصار محدود و بسته جغرافیایی خود محبوس سازند و از پیشرفتهای شگرف علمی پیرامون خود دور و پیداهای تکنولوژی که در دیگر جوامع در حال وقوع است روی بگردانند و دوم آنکه به صورت فعال به برقراری روابط فرهنگی ، اقتصادی ، علمی ، و نوعی صادرات و واردات اندیشه ای همت گمارند . شیوه نخست که شاید مقبول طبع جوامع اولیه در ادوار گذشته بوده است امروز چندان مورد استقبال قرار نمیگیرد

شیوه دوم که امروز مورد توجه جوامع مترقی است چنان گسترش یافته و خود را مطلوب یافته است که در عصر حاضر و در جهانی که ما در آن زیست می‌کنیم یکی از مشکلات عمده انسانها چگونگی ایجاد ارتباط بین ملت‌ها و ابداع شیوه‌های نوین مراد و منطقی و اصولی است. این نیاز به ویژه پس از جنگ جهانی اول و دوم و سرعت یافته و بیش از هر زمان دیگر محسوس بوده است.

این نیاز از کجا آغاز شده و قدمت آن به کجا می‌گردد؟ از اعمار قبل از تاریخ مربوط می‌شود موضوعی است قابل تأمل و تفحص که علی‌رغم جالب بودن آن نمیتواند به عنوان مقوله‌ای از مباحث این کتاب مطرح گردد. معذرت آنچه می‌تواند به عنوان یک تفکر سطحی و به صورت یک حدس مطرح باشد این است که احتمالاً "تماسهای اولیه بین اقوام و ملل مختلف توسط سوداگران برقرار شده که محققان به گسترش دانش و اندیشه انسانی توجه نداشته و از ایجاد و برقراری مراودات و ارتباطات تنها به سود و نفع شخصی خویش می‌اندیشیده اند و هدفی جز استثمای ملت‌های ناآگاه نداشته اند. این سوداگران در ایجاد ارتباط بین اقوام و ملل به راههای خدا پسندانه و دوستانه توسل نمی‌جستند بلکه سعی داشتند از راه رعب و ایجاد استثمای گروهی به اهداف سودجویانه خود نایل گردند. دلالت سوداگران، سودجویان و میسیونرهای مذهبی تنها می‌تواند خود را در جهت سرکوبی خلق‌ها بکار بردند و بهره‌کشی از ملت‌های مستضعف را وجهه همت خود قرار دهند. شیوه‌های مطلوب و دوستانه تروقتی مدنظر قرار گرفت که ملت‌ها به این اندیشه وقوف یافتند که ادا مهربان و حسن همجواری ملت‌ها فقط از راه برقراری آرامش و صلح میسر است و نیل به این هدف و الا تنها وقتی میسر است که دوستی و همکاری صلح آمیز بین ملت‌ها برقرار گردد. آنچه در این میان و برای نیل به این هدف نقش‌آرزنده و مهمی ایفا کرده همکاری و مساعدت مترجمان و تلاشی بود که آنها در جهت القاء روحیه همکاری و جایگزینی دوستی‌ها و

مودت‌ها بجای دشمنی‌ها و خصومت‌ها معمول داشتند. مترجمان کوشیدند تا به دشمنی‌ها خاتمه دهند. نوررا از تاریکی و ظلمت برگیرند و به قسول ساموئل دانیل (Samuel Daniel) کوشیدند تا از دوستی‌ها به عنوان وسیله‌ای جهت نضج و گسترش دانش استفاده کنند و جهان را به مکانی بهتر مبدل سازند که در آن: "روح وحدت اجتماعی تبلور یابد و دریاها، بیابانها و کوهها و دشتها هرگز نتوانند برتر در داندیشه‌ها سدی باشند."

عطش سیری‌ناپذیر برای دانستن و آگاهی یافتن از اندیشه‌ها و تفکرات مردم ملت‌های مختلف در بعضی از ملت‌ها وسیع و در برخی دیگر نسبتاً اندک است. مع هذا ایرانیان از زمره ملت‌هایی بوده و هستند که نه تنها به این آگاهی‌میل داشته‌اند بلکه خود مبتکران اندیشه‌های بزرگ بوده و همواره در تحقیق و تفحص جهد وافر داشته‌اند. ادوارد براون (Edward Browne) در کتاب تاریخ ادبیات فارسی خود شعری از شاعری گمنام نقل کرده است که به بیان همین حال است:

ویشوم واشوم از این عالم به درشوم

ویشوم از چین و ماچین دیرترشوم

ویشوم از حاجیان حاج پرسم

که این دیری بسه یا دیرترشوم

زبان چه بصورت گفتاری و چه بصورت نوشتاری آن وسیله‌ای برای بیان افکار و اندیشه‌ها و تظاهرات آگاهی‌هاست. مع هذا زبانها از یکدیگر متفاوت‌اند و پیدا کردن عبارات جهت تبیین و انتقال مفاهیم از یک زبان به زبان دیگر کار ساده و سهل الوصولی نیست. علی‌رغم پیچیدگی و غامض بودن آن، نیاز به آگاهی و دانستن انجام این امر مشکل اما میسر برای طلبد و افراد با تجربه که به روش و متدهای آن علم دارند باید به این مهم بپردازند. بیټس (Bates) می‌گوید:

هیچ جنبشی بدون تجربه میسر نیست . تجربه
 انسانها بر سه وجه استوار است : عواطف ،
 تکنیک و تفکر . عواطف و احساس (چون ترس
 و امثالهم) تغییرناپذیرند اما تکنیک ها و
 تفکرات دائما " در حال تغییر و تحول اند
 اما تغییر در تکنیک ها و تفکرات هرگز
 بدون تجربه میسر نیست زیرا اگر قرار باشد
 تفکرات تغییر یا بندها انتقال تفکرات
 از جامعه ای به جامعه دیگر یا بدانجام
 پذیرد و عنداللزوم رفت و برگشت
 گفتاری و شنیداری بین زبانها
 اجتناب ناپذیر است .

تعداد افرادی که به ترجمه مشغول اند و خود را در انجام دادن این امر
 مهم خیره می دانند فراوان اند اما تعداد افرادی که حقیقتا " برای علم
 وقوف کامل و حتی نسبی دارند و شیوه ها و تکنیک های مختلف ترجمه را می دانند
 اندک است . استانیلی آن وین (Stanely Unwin) می گوید : این تفکر
 که تنها دانستن دوزبان برای شروع ترجمه کفایت میکند اندیشه ای است
 باطل و سپس می افزاید که آگاهی مطلق زبانی بدون علم به تکنیک ها ،
 تئوریها و دانش جامع در مورد جهان واقعیت نمی تواند وسیله ای راهوار
 در ارائه یک ترجمه خوب باشد . مترجم باید بر تمام ابعاد زبان مادری
 و زبان مبدا و یا مقصد آگاهی کافی و وافی داشته باشد .

متلسفانه ، ترجمه ، علی رغم اهمیت آن در نشر افکار و ایجاد ارتباط
 بین ملت ها هنوز هم بصورت یک هنر دست دوم مطرح است و عملا " بر آن
 اعتبار چندانی قایل نشده اند . هیلر بلاک (Hilaire Belloc)

میگوید: ترجمه هرگز اعتباری معادل با اصل نیافته و در نظر صاحبان ادب به عدالت مورد قضاوت قرار نگرفته است (صفحه ۶). جای شک نیست که یکی از عوامل عمده در این قضاوت ناصحیح و ناروا وجود افرادی بوده است که بدون داشتن تبجركافی و برخورداری از شایستگی لازم و بی اعتنا به تئوری ها و تکنیک های موجود در این زمینه به ترجمه کتب پرداخته و این هنر اصیل را در دیدگاه اهل نظر خراب داشته اند. برای بررسی علت این تصوراتی که نشأت یافته از ترجمه های انجام یافته توسط افراد ناآگاه است مثالی از "رُوت رُونالد" (Ruth Ronald) شاهد میآوریم . او میگوید :

در مذاکرات سال ۸۱- ۱۹۸۰ بین آمریکا و ایران برای حل مسالمت آمیز گروهک ها ، نوعی سوء تفاهم زبانی حاصل ترجمه برداشت اختلافات افزود زیرا در موارد گوناگون از چهار زبان انگلیسی ، فارسی ، عربی و فرانسه استفاده می شد. کلمه فارسی "تعهد" که طبق قاموسهای فارسی - انگلیسی معادل با کلمات "guarantee" ، "commitment" و "undertaking" در انگلیسی است عامل اصلی این توهم بود و در مراحل حل و فصل اختلافات موجود وقفه ای را باعث شد. وقتیکه نخست وزیر ایران محمد علی رجایی با اطلاع خبرنگاران رسانید که آیت الله خمینی با پیشنهاد الجزایر موافقت کرده است ، کلمه "تعهد" را بکار برده که به "undertaking" در انگلیسی تعبیر و برگردانده شد در حالیکه دیگران آنرا به "guarantee" "تضمین" تعبیر نمودند. رادیو ایران در تفسیر های بعدی کلمه "تضمین" بکار برد اما مترجمان همچنان آنرا معادل با "undertaking" قرار دادند (صفحه ۳).

رونالد مثال جالب دیگری را ذکر میکند که نشان دهنده اهمیت ترجمه در ایجاد ارتباط بین ملت ها است و از سویی نشان دهنده این واقعیت است

که چگونه عدم توجه به آن می‌تواند موجب برپیدایش نابسامانی‌ها و سوءتفاهات و احیاناً "حوادث رقت‌انگیز" باشد. ظاهراً "پس از کنفرانس پوتسام (Potsdam) در سال ۱۹۴۵، دولت آمریکا اظهاریه‌ای برای دولت ژاپن فرستاد و آن کشور خواست تسلیم شود. دولت ژاپن به این اظهاریه پاسخ داد که ضمن آن از کلمه "mokusatsu" (بمعنی: تا آنجا که مذاکرات و بررسی‌های لازم تأمل شود) استفاده شده بود. این عبارت اشتباهاً "به رد می‌شود" ترجمه شد و در نتیجه سوءتفاهات سیاسی را بین دو کشور باعث گردید.

ترجمه در ایران هنوز مراحل اولیه خود را می‌گذراند و در روند ترجمه ذوق و نظر شخصی مترجم بر شیوه‌ها و تکنیک‌های این فن غالب است. با کمال تأسف این امر باعث شده است که ترجمه‌های انجام یافته توسط مترجمان زبردست نیز مورد بی‌مهری قرار گیرد. برخی از این ترجمه‌ها بقدری ماهرانه انجام یافته‌اند که از نظر اهمیت با اصل برابری می‌کنند. در برخی موارد تلاش مترجمان در ایجاد تسهیلات در مبادلات فرهنگی بین ملت‌ها مورد توجه قرار نگرفته و حتی مقامات رسمی و عالیرتبه نیز بر ترجمه نظر مساعد نداشته‌اند. مردم عادی که جای خود دارند، از این امر نمی‌توان غافل شده که چگونه یکی از مقامات عالیرتبه پس از مشاهده فهرست اسامی هیات نمایندگی عراق در یکی از کنفرانسهای بین‌المجالس و بررسی سمت‌های افراد مذکور در لیست اظهار داشت که فقط چند نفر نماینده اند و بقیه "آشغال" اند. منظور این مقام عالیرتبه از "آشغال" همراهان و مترجمان آن هیات بوده است. ایشان مسلماً "فرا موش کرده بودند که بدون همکاری و تشریک مساعی مترجمان در هیات‌های مختلف سیاسی، انتقال نظریات نمایندگان بهیچوجه میسر نمی‌گردید.

اهداف این کتاب در چهار بخش عمده خلاصه می‌شود:

الف : بررسی تاریخ ترجمه و تئوریهای ارائه شده در این زمینه
از قبل از میلاد مسیح تا زمان حاضر .

ب : بررسی مشکلات ترجمه مکتوب و ترجمه شفاهی و ارائه شیوه‌هایی
برای رفع نسبی آنها .

ج : بررسی ترجمه ماشینی و تاریخچه آن و تحولاتی که در این زمینه حاصل
آمده است .

د : بررسی ترجمه همزمان و اقسام آن .

در انجام این تحقیق خود را مدیون دانشگاه علامه طباطبائی و وزارت-
فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران می‌دانم که وسیله این تحقیق
را با تمویب فرصت مطالعاتی اینجانب فراهم آورده‌اند . وظیفه خود میدانم
که از دکتر براج کچرو (Braj Kachru) رئیس بخش زبان دانشگاه
ایلینوی تشکر نمایم که موجب پذیرش اینجانب را فراهم آورد و تسهیلاتی
را جهت استفاده از کتابخانه غنی آن دانشگاه در اختیار اینجانب قرار داد .
فرصت را مغتنم دانسته از همسرم فروغ تشکر می‌کنم که با تحمل یکسال
جدایی از من و فرزندان و ایثار غیرقابل وصف مرا در انجام این تحقیق
یاری داد .

"بدون ترجمه، دنیایی که در آن زندگی

می‌کنیم بی رحم و محدود خواهد بود."

(شوت) (Chute)

۱۰ ترجمه برای چیست؟

اسناد تاریخی نشان نمی‌دهند که ترجمه همزمان از چه زمانی بین اقوام اولیه رایج گشته و همچون پلی ملت‌ها را بهم پیوند داده است. اما آنچه محقق است این است که پس از اختراع خط و نوشتار در میان قبایل عهد قدیم ترجمه نیز جای خود را بازنموده و به عنوان یک وسیله مطمئن ارتباطی بکار برده شده است. علی‌رغم این مقوله که ترجمه سابقه‌ای پایدار دارد، این سوال همچنان مطرح است که ترجمه برای چیست. آیا واقعا "ما به ترجمه نیاز داریم؟ پاسخ به این سوال از دودیدگاه قابل بررسی است. از یک سو ترجمه یک امر غیر ضروری بنظر می‌رسد و از ارزشی چندانی برخوردار نیست زیرا کلیه امور انسانی‌ها می‌تواند بدون دسترسی به ترجمه نیز انجام پذیرد. اگر در میان طایفه و یا قومی، علاقمندی به آگاهی از ویژگی‌ها و تفکرات ملل دیگر نباشد و برای یک جمع مهم نباشد که جمع یا جوامع دیگر چینی‌کنند آنگاه ترجمه با در نظر گرفتن مشکلات و نارسائیهای آن یک امر غیر ضرور، وقت‌گیر و بی‌حاصل می‌نماید. شاید عده‌ای به دستیابی به این آگاهی و درک مسائل عاطفی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ملت‌های دیگر راغب باشند. در این قبیل موارد محدود و معدودشاید راه حل واقعی آن باشد که این افراد را ساء به یادگیری زبانهای مربوط به آن جوامع اقدام نمایند و مستقیما "از منابع دست‌اول استفاده نمایند. اما اگر از دیدگاه دیگری به ترجمه

بنگریم درمی یابیم که حیات و بقاء مناسب بدون ترجمه تحقق نمی یابد زیرا میل و شوق به آگاهی از افکار، عقاید و دیدگاه های سایر ملت ها هر روز فزونی می گیرد و فرا بیندگی این تمایل نقش پراهمیت ترجمه را غیر قابل اجتناب می نماید. رافائیل برتون (Raffel Burton) می گوید :

تا زمانی که میل به دانستن و شوق به
آگاهی از فرهنگ ها وجود داشته باشد
نیاز به ترجمه نیز احساس می شود و
این نیاز هر روز فزونی می گیرد.

(۱۹۷۳:۲)

در ارتباط با سؤال فوق، سؤال دیگری مطرح می شود. انسانها از این آگاهی و دانشی که از راه استفاده از متون ترجمه شده کسب می کنند چه بهره ای می گیرند و تا چه حد این آگاهی مورد نیاز است. پاسخ را از زبان "رافائیل برتون" می شنویم که :

ترجمه تا زمانی که ما بخواهیم و میل
داشته باشیم خود را در مقایسه با
دیگران بشناسیم و از خود ارزشیابی
صحیحی داشته باشیم لازم می نماید.
چگونه می توانیم خود و فرهنگ خود
را بشناسیم وقتی از فرهنگ های
دیگری خبریم و مقایسه بین آنها
میسرنیست؟ هر چه ما بر فرهنگ ها و
افکار ملل دیگر بیشتر وقوف یا بیم
خود و فرهنگ خود را بیشتر و بهتر

خواهیم شناخت. (۱۹۷۳:۶)

۳ تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان

این خود آگاهی وقتی از راه صحیح و با مقایسه دقیق و بر مبنای ارزشیابی آگاهانه انجام پذیرد به انسان نوعی قدرت واقع گرایی می دهد و انسان را در مقابل با مسایل جهانی و بشری بینا تر و واقع گرا تر می نماید. حاصل این واقع گرایی نیل به زندگی بهتر و موفق تر خواهد بود.

اگر تعلیم و تربیت را یک روند و یک نیا ز جهان شمول فرض نمائیم. و از سویی گسترش و تغییرات فاحش جهان را از نظر دور نداریم متوجه خواهیم شد که برای نیل به اهداف عالیه تعلیم و تربیت فراگیر، دسترسی به ترجمه و استفاده از آن امری غیر قابل اجتناب خواهد نمود. در واقع ترجمه در چرخه مطمئنی به واقعیات جهان برون است. وقتی به مشکلات تعلیم و تربیت از زاویه دیگری بنگریم در خواهیم یافت که ایجاد تسهیلات لازم و فراوانی ترجمه های معتبر و قابل استفاده تنها کلید تسریع و تسهیل در آموزش و پرورش است.

وقتی جوایع بصورت انتزاعی و در حصار خود زندگی می کردند، تعلیم و تربیت در معنی محدود خود تنها به آگاهی یافتن از سنت ها، باورها، افکار و آینده های هر جامعه محدود می شد. معذا دور آن تاریک و ظلمت افزای قرون وسطی اگر چه برای بشریت بطور اعم فاجعه ای بیش نبود یک واقعیت اساسی را مبرهن داشت و آن اینکه بلند نظری و وسعت نظری و بیداری آگاهانه می تواند تضمین کننده بقا و پیشرفت و تکامل انسانها باشد. انسانها برای آن خلق نشده اند که در انزوای سر بر ندیده هدف از حیات انسانی، پیگیری و کشف واقعیات و شناخت ملل دیگر و تدارک یک زندگی صلح آمیز است. برای رسیدن به این هدف متعالی، نظام های آموزشی و تعلیم و تربیت باید به بازار مطمئن مجهز باشند تا زمینه رویارویی با این نیازهای جهانی فراهم آید. ترجمه می تواند نقش موثری در توسعه و پیشرفت برنامه های آموزشی جهان شمول داشته باشد و راه را برای آشنایی با تجربیات ملل دیگر و درک آنها هموار

نماید. محققاً " بدون ترجمه وقوع این امر و تحقق این آرمان محتمل نخواهد بود.

۱۰۱ روابط فرهنگی

ترجمه نوعی روند و تبادل رفت و برگشتی اندیشه و فرهنگ است. بدین معنی که از طریق ترجمه فرهنگ یک قوم به اقوام دیگر و فرهنگهای بیگانه به فرهنگ خود معرفی میشود. به عبارت دیگر، ترجمه در یک حرکت دوجانبه پلی است بر انتقال مفاهیم فرهنگی بین دوزبان. اگر از نقطه نظر تکنولوژی دسترسی به راهزور موز موفقیت های بدست آمده در جوامع صنعتی برای کشورهای " عقب نگه داشته شده " یک نیاز است بهمان نسبت نیز فرهنگهای منحل و سرخورده اما بظاهرمترقی نیازمند به ایده های متعالی جوامع با اصطلاح " کمتر توسعه یافته " اما در اصل غنی از اخلاقیات و شعور اجتماعی هستند. افکار و ایده های متعالی هر چند گهگاه توسط عوامل منحل به سوی انحطاط کشانده شده و خدشه دار گشته اند مع هذا باید به طریقی راه خود را بسوی ملت های نیازمند باز کنند و جای خویش را باز یابند. هدف غایی آن نیست که فقط تنوع فرهنگها معرفی شود بلکه این افکار متعالی باید به نحوی به جوامع غرق در انحطاط منتقل گردند تا راه صحیح زیستن را به مردم جوامع به پوچی گرایش یافته باز نمایند. بدون ترجمه، انسانها از کنار یکدیگر می گذرند اما وجود همدیگر را احساس نمی کنند (شوت ۶۶: ۱۹۷۶). این تبادل و رفت و برگشت فرهنگی نه تنها در مواردی که دو فرهنگ مختلف رویارو می شوند مطلوب و مقبول است بلکه در مواردی نیز که روح تشنه انسان متفکرو عطش فرو نشده و از فرهنگ جامعه خود سرخورده و دروادی پوچی سرگردان است نیز مطمئن نظر است. در جوامع امروزی جهان این عطش فرونشسته ملموس است. بلاک (۵۳: ۱۹۳۱) میگوید:

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۵

ما امروز در اروپا بیش از هر زمان دیگر به ترجمه نیازمندیم. از نقطه نظر مادی به ترجمه نیازمندیم چون به رضای نیازهای زندگی عادی خود راغب هستیم. میل به کشف واقعیات و پی بردن به رموز زندگی در همه جوامع دیده می‌شود و به یک قوم خاص محدود نمی‌گردد. از بعد معنوی نیز به ترجمه نیازمندیم تا از قبل آن بتوانیم تلاشهای فرهنگی مختلف را با هم مقایسه کنیم و مورد ارزشیابی قرار دهیم.

الزاگرس (Elsa Gress) بصورت ضمنی بیان حقیقت می‌کند و با بنویسی را بر شناخت و معرفت گشوده و می‌گوید:

اگر ترجمه نبود آنچه ما تمدن غرب می‌دانیم از ازمنه قدیم به زمان حاضر راه نمی‌یافت و تصور آن برای عصر ما میسر نبود.

(۱۹۷۱:۵۶)

با احتمال قوی منظور نظر او ترجمه‌هایی بودند که فلسفه و حکمت یونان قدیم را از طریق زبان عربی به اروپای قرون وسطی معرفی مجدد نمودند. اشاره وی به گسترش اسلام به اروپا و نشر افکار فلسفی و عرفانی به آن خطه است. می‌دانیم که اسناد و مدارک علوم به زبان یونانی بسیار نادربودند و پس از نفوذ اسلام به اروپا ترجمه‌هایی که از زبان عربی به زبانهای اروپایی مخصوصاً "لاتین" انجام گرفت توانستند علوم عهد قدیم را با چهره‌ای نوین دوباره تجدید حیات بخشند.

۱۰۲ اهداف فرهنگی - اجتماعی

در نظر بسیاری از مردم، اولین تعبیری که از واژه "ترجمه" متبادر به ذهن می‌شود عبارت است از وسیله‌ای که توسط آن تبدیلی از یک ساخت به ساخت دیگر انجام می‌پذیرد. به عبارت دیگر اولین تصویری که از این واژه در ذهن نقش می‌بندد تصور وضعیتی است که حین آن اشکال صوری از یک

زبان به اشکال صوری از زبان دیگر تجلی تازه می یابد، کت فوردر (Catford) این روند را تحول "بین زبانی" (interlingual) می خواند. معیضاً ترجمه به عنوان یک روند تحول و تغییر "در زبانی" (intralingual) (یعنی دگرگونی ساخت در یک زبان واحد) نیز همواره مطمح نظر گردانندگان یک جامعه چندقومی و چندفرهنگی به ویژه در شهرهای بزرگ بوده است. در این قبیل مجامع، تنوع فرهنگها و تمایز نگرشها چنان گسترده است که عدم انطباق آنها گاه به رکود ارتباطات کلامی می انجامد.

جنگها، حوادث ناخوشایند و مصائب طبیعی، بحرانهای سیاسی، تلاطمهای اجتماعی و نیز مهاجرت های تحمیلی سیاسی و اجتماعی گاه چنان جوامع و فرهنگهای متنوع را درهم می آمیزد که اگر ترجمه های "در زبانی" انجام پذیرد و راهی بر رفع ابهامات و سوء تفاهات پیدا نشود، این عقده ها و گره های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجب بربروز درگیری ها و قرنهای ملی برای مناقشات و منازعات خواهد بود. مثال روشن این امر را میتوان در دوران بعد از جنگ تحمیلی در کشور خودمان مشاهده نمائیم. در اثر این جنگ تحمیلی و جابجائی ها و مهاجرت های پیش بینی نشده از سوی مناطق جنگ زده به مناطق امن تر "سوء تفاهات زبانی" (linguistic misunderstandings) را بدنبال داشته که عنداللزوم مراقبت های روانی، اجتماعی، زبانی و فرهنگی را می طلبد. درست است که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور در همه بلاد مورد استفاده قرار می گیرد معیضاً تفاوت های موجود در تنوع گفتارها به حدی هست که وقفه های زبانی را در درک مطالب پدید آورد. اگر بخواهیم عدالت را رعایت کرده باشیم باید به این کاستی های زبانی توجه خاص نمائیم. بسیاری از مطالبی که ویژه یک موقعیت جغرافیایی - زبانی خاص تدارک دیده شده به شیوه ای تغییر یا بدتاً بتواند مورد استفاده مهاجران قرار گیرد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۷

ساده کردن (simplification) کتبی که برای بزرگترها نوشته شده (ساده کردن نوعی ترجمه "درزبانی" محسوب می‌شود) لازم است تا بتوانند نیاز کودکان را برآورده سازد. قوانین و مقررات که گاهی یا زبانی پیچیده و مغلق نوشته می‌شود یا بدبزه‌بان ساده برگردان (یا ترجمه "درون زبانی") شود تا بتوانند مورد استفاده عموم قرار گیرد.

در جوامعی که فرهنگهای متفاوت درهم می‌آمیزند، تعدد نظریات و دیدگاههای متفاوت مردمی و برداشت آنها از جهان واقعیت گاه به عدم درک صحیح میانجامد. علت آن است که مردم یک فرهنگ از ایده‌ها و نظریات فرهنگهای دیگر غافل‌اند. ترجمه می‌تواند به عنوان یک عامل مهم و مطمئن برای بسط این آگاهی و آشنا ساختن اقوام به فرهنگهای مختلف ایفای نقش نماید.

۱۰۳ مبادلات علمی

تحولات و تغییرات صنعتی از سال ۱۷۵۰ میلادی آغاز گردید. این تحولات صنعتی به قدری سریع و برق‌آسا حادث شدند که در واقع به نوعی انقلاب تشبیه شدند. در حقیقت تحولات و دگرگونی‌های عظیمی در روند فکری و زندگی اجتماعی و نیز نوع خواسته‌ها و نیازهای مردمی پدید آمد. استفاده از ماشین نه تنها مبدع دگرگونی‌های شگرفی در اروپا گردید بلکه تمامی جهان را متأثر از خود ساخت. انزوا و خودمحوری که تا آن زمان مقبول جوامع و معمول و مرسوم بود دیگر نتوانست مصداق و عینیت پیدا کند و بقاء یا بد. اقوام و ملل متفرق ادا مہ بقاء را منتزع و مستقل از جوامع دیگر مشکل و غیر عملی یافتند بزودی این خبر در همه دنیا پراکنده گردید و این تصور نضج گرفت که ماشین پاسخ و راه‌حلی بر تمام معضلات و نارسایی‌های جهانی است. این مسأله عالمی برای بروز مسایل دیگر گردید. آیا به راستی ماشین تسهیلاتی در زندگی فراهم می‌آورد و اگر چنین است تحقق آن توسط ماشین چگونه است!

اختراعات جدیدانسانها و ملت‌ها را بیش از پیش به هم نزدیک ساخت . مع‌هذا گسترش دامنه‌استفاده‌ها را این پدیده‌ها اگرچه به‌ایجاد تسهیلات در زندگی انسانها انجامید مع‌هذا مصیبت‌های تازه‌ای را برای کشورهای جهان سوم به‌ارمغان آورد که پیش‌اندیشی وقوع آنها عملاً غیرممکن بود . ابزاروآلات - پیچیده تسلیحاتی ، ماشین‌آلات گوناگون ، راکت‌های مجهز به سیستم‌هدایت شونده از راه دور ، تجهیزات هسته‌ای ، موشک‌ها و سایر ابزار مرگ‌آفرین - کشورهای صنعتی را بیش از پیش مستقل و به‌برق‌قدرت مبدل ساخت . در عوض کشورهای کمتر توسعه‌یافته هر روز خود را از نقطه نظر مادی مانده از نظر معنوی وابسته‌تر و محتاج‌تر یافتند . شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته چنان عمیق شد که پرکردن این خلاء نیاز به برنامه‌های متقن و حساب‌شده را الزامی داشت .

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در عصر حاضر یک حقیقت را بیش از پیش مبرهن داشت و آن اینکه استقلال فرهنگی بدون دستیابی به دانش علمی میسر نیست . به عبارت دیگر بر ما معلوم شد که علم و تکنولوژی - گرچه نه آن‌گونه که تصور می‌شد تنها عامل موثر باشد - یک عامل کلیدی در به دست آوردن پیروزی و نیل به موفقیت است . از همین روجوانان تشویق شدند تا با تلاش خود را به خودکفایی علمی برسانند . در انجام این مهم ترجمه تاکنون نقش بسیار عمده و اساسی بازی کرده است هر چند تکنیک‌های بکار رفته خالصی از نارسایی نبوده و پیشرفت‌های آتی مطلوب است . امروز در کشور خودناظر آن هستیم که جوانان - هر چند تعدادی از آنها در خدمت ترجمه کارآموز هستند - تلاش بسیاری بکار می‌برد تا با ترجمه کتب و اسناد علمی زمینه این خودکفایی را فراهم آورند . مجلات علمی با گنج‌نیدن مقالات و مطالب علمی ترجمه شده به غنای کیفی خود افزوده‌اند .

از طرف دیگر ، تجربیات حاصله در استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی

و پیشرفت‌های جراحی بویژه در امر توانبخشی توجه جهان را به کشور م—— معطوف داشته و دنیای علم به کسب اطلاعات به دست آمده رغبت نشان می‌دهد و این گرایش باعث فزونی ترجمه از فارسی به زبانهای دیگر شده است کنفرانسهای پزشکی همه ساله برگزار می‌شود و صدها متخصص از سراسر جهان جهت بهره‌گیری از دست‌آوردهای علمی به کشور ما می‌آیند. بدیهی است هیچکدام از این کنفرانسها نمی‌توانند بدون همکاری مترجمان (مکتوب و همزمان) به اهداف مربوطه نایل گردد.

اقتصاد اسلامی و نظام جدید با نكداري اسلامی در کشور ما تجربیاتی هستند که تا کنون در جهان سابقه نداشته اند و باید از طریق ترجمه به مردم جهان معرفی گردند.

۱۰۴ صدور انقلاب اسلامی و ایدئولوژیک

اولین ترجمه مهمی که در عهد قدیم انجام یافت ترجمه تورات بنام سپتواگینت (Septuagint) بود که بنا به درخواست کلیمیا^۱ سرگردان به زبان یونانی ترجمه شد. بخشی از قوم کلیم که از موطن خود به دور مانده بودند زبان اصلی خود را فراموش کرده و برای بهره‌گیری از کتب مقدس خود دنیا زمت ترجمه بودند. کتاب مقدس انجیل و سایر کتب مذهبی در طول قرون متمادی بارها به زبانهای مختلف ترجمه شده و این امر بی وقفه تداوم داشته است. هدف این بوده است که جهان از شر شیطان رهایی یابد (داثره المعارف آمریکا - ۱۹۸۷).

- ترجمه تورات به زبان گوتیک (Goethic) توسط اولفیتا (Ulfita) تجدید ترجمه تورات در قرن دوم میلادی توسط آکیولا (Aquila)، ترجمه انجیل مقدس به زبان لاتین توسط سنت جروم (St. Jerome) در قرن چهارم

میلادی، ترجمه کتاب "نگرانی های چوپانی"، (Pastrol Care) (۱) اثر پاپ گرگوری (Gregory) توسط آلفرد کبیر در ۸۹۴ میلادی، ترجمه کتاب "زندگی قدسین" توسط آلفریک (Aelfric) در قرن دهم میلادی، مکتوبات "میمون" (Maimonide) با عنوان "قوانین اورشلیم" به زبان عبری و مجموعه واژگان اوپیرامون قوانین متافیزیک با عنوان "عبادات و تفکرات یک روحانی" Millatha Higayon در قرن دوازدهم، نسخه ترجمه انجیل ویکلیف (Wycliffite) در ۱۳۸۳، "افسانه های زنان مقدس" (Legends of the Holy Women) اثر باکنهام (Bokenham) با الهام از چوسر (Chaucer) (داثره المعارف بریتانیا ۱۹۷۳)، علاقمندی و گرایش کاکستن (Caxton) به چاپ و انتشار ترجمه "زندگی پدران روحانی" (Lives of the Fathers) در قرن پانزدهم، ترجمه انجیل مقدس به زبان آلمانی توسط لوتر (Luther) در سال ۱۵۳۴، دفاعیه فولکه (Fulke) در ارتباط با لزوم ترجمه تکنیکی کتب مقدس به زبان انگلیسی در سال ۱۵۸۹ ترجمه "بندگی مردم مسیحی" (The Obedience of a Christian man) توسط تایندل (Tyndale) و ترجمه نسخه انجیل مشهور به جیمز (King James) در قرن هفدهم و ترجمه های بسیاری که از کتب مذهبی در دنیا ی مسیحیت صورت پذیرفته و به زبان های مختلف دنیا ترجمه می شود نشان دهنده تلاش بی امان و میزان تعهد مترجمانی است که تما می نیروی خود را وقف توسعه و گسترش فرهنگ مسیحیت به جهان غیر مسیحیت نموده اند. تا زمانی که تنها عقاید مسیحیت به مردم جهان عرضه می گردد وایدئولوژی مسخ شده آن به شیوه ها و به اشکال مختلف به جهان نیان عرضه می گردد، جایی برای عرضه ایدئولوژی های دیگری نمی ماند. واضح است که آشنایی با این

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۱

فرهنگها و ایدئولوژی‌ها از طریق ارائه ترجمه‌های اصیل و بی غرض یک نیاز است مشروط بر آنکه ایدئولوژی اسلامی نیز بتواند از طریق ترجمه‌های مناسب به شیفتگان عرضه گردد. چگونه می‌توان به حقیقت دست یافت اگر دسترسی به ایدئولوژی‌های گوناگون وجود نداشته و تنها محدودی از آنها در اختیار همگان باشند؟

آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهور می‌گوید:

از یکصد و پنجاه سال پیش تا کنون نیروهای سلطه‌گر و استکباری ورزیم‌های مرتجع و سرسپرده آنها اسلام را مورد حملات خود قرار داده‌اند. علت اساسی آن است که اسلام در بطن خود، زنیروی بالقوه عظیمی برخوردار است و آمادگی تحول و بازسازی دارد.

(بیست و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل

۱۹۸۷- ص ۷)

ایشان درجای دیگری می‌گوید:

نظام سلطه گر جهانی اعتقادات و باورهای مردم جهان را به بازی گرفته و آنها را به شکلی که مایل باشد تغییر و تبدیل می‌دهد و سعی بر آن دارد که مفاهیم مسخ شده و خدشه یافته را در ذهن ملل جهان تزریق کند.

(۱۹۸۷: ۲۵)

برای آنکه بتوانیم از ایدئولوژی و مواضع خود دفاع کنیم باید نه تنها به گسترش ترجمه از زبانهای بیگانه به زبان فارسی بپردازیم بلکه باید ترجمه‌ها ز فارسی به زبانهای بیگانه را نیز رونق بخشیم. ترجمه همزمان سخنان رئیس‌جمهوری ایران در سازمان ملل نمونه‌ارزنده‌ای از نقـ

ترجمه در ایجاد ارتباطات جهانی و تبادل افکار و نظریات است. چگونه ممکن بود که بدون ترجمه، بیانات ایشان در بیان انقلاب اسلامی ایران به سمع جهانیان برسد؟

متأسفانه بسیاری از ترجمه‌هایی که تا کنون در ارتباط با انقلاب اسلامی وایدئولوژی اسلامی از فارسی ترجمه شده است عمدتاً "به زبانهای انگلیسی آلمانی و فرانسه بوده‌اند. آنچه امروز کشور ما به آن احتیاج دارد تا سیستم مرکزی است که در آن کتب و مقالات از فارسی به زبانهای مختلف اقوام و ملل و نه تنها به زبان حکومت‌های حاکمه بر آنها ترجمه شود.

علی‌رغم تصویری که از انقلاب اسلامی ایران یا برجسته "صدور انقلاب" ترسیم یافته است، ترجمه اگر با عنایت به اصول اساسی و بنیادی آن انجام پذیرد می‌داند تصویری صحیح و غیرمخدوش از مفهوم انقلاب وایدئولوژی اسلامی عرضه دارد. دانشجویان ترجمه باید توجه خویش را به این قبیله کتب معطوف دارند و با بهره‌گیری از اصول نوین ترجمه نسبت به برگردان کردن آنها به زبانهای بیگانه همت گمارند.

۱۰۵ حذف واغافه و مساله حمایت از فرهنگ قومی

این مسأله که آیا مترجمان باید به متون اصلی وفادار باشند به حدی که ترجمه "لفظ به لفظ" ارائه نمایند و یا باید تنها به ترجمه "مفهوم" بسنده کنند و در حذف و اضافه مختار باشند مسأله‌ای است با قدمت زیاد که عده‌ای از تنویریین‌های ترجمه را در قطب موافق و تعداد دیگری را در قطب مخالف خود قرار داده است. الکساندر وود هوسلی (Alexander Woodhouslee) ضمن توصیه "حذف و اضافه" می‌گوید: مترجمان می‌توانند از این آزادی - (یعنی حذف و اضافه) استفاده کنند اما باید همیشه جانب احتیاط را نگاهدارند (۱۷۹۷: ۳۹) و در جای دیگری می‌افزاید:

درمقایسه با این آزادی، مترجم با ایدای این آزادی نیز برخورد را با شده عبارات غیر صحیح را که در متن اصلی یافته است از ترجمه حذف نماید منوط بر آنکه این تغییر کمی خدش‌های بر کیفیت متن وارد دنیا ورد.

(۱۷۹۷:۵۹)

دنام (Denham) در مقدمه دومین کتاب خود به نام Virgil میگوید:

"شعرا زچنان ظرافتی برخورد را راست که وقتی از زبانی به زبان دیگر ترجمه شود تبخیر می‌شود." و بعد اظهار می‌دارد:

"... اگر روح تازه‌ای به این انتقال مفاهیم دمیده نشود، چیزی به جز یک کمیت مرده (caput mortuum) باقی نخواهد ماند."

(وود هوسلی ۱۳:۱۷۹۷)

رافایل برتون نیز بصورت ضمنی از این نظر حمایت می‌کند و می‌گوید:

"... ترجمه لغوی دروغ و فریبی بیش نیست، همگی نیرنگ و حیل است." (۱۳:۱۹۷۳)

"راست‌انلی انوین" در آنجا که مساله "غرور ملی" National Pride و شوخی‌های رکیک در میان باشد حذف و اضافه را جایز می‌داند منوط بر آنکه به گفته وی "کتاب (مورد نظر) خدشه‌دار نشود و از کیفیت آن کاسته نگردد." (۸۱:۱۹۶۲)

ناید (Nida) مواردی را ذکر می‌کند که در آن حذف، اضافه و یا تغییر جایز شده می‌شود. ناید به ویژه به روشها و شیوه‌های تصحیح و حذف و اضافه

اشاره می کند. سه مقوله ای که نایدا به آنها اشاره میکند عبارتند از:

الف - اغافه

۱- افزودن عبارات مستوره (elliptical)

۲- ابهامات

۳- بازسازی نحوی

۴- بسط کلامی از حالت ضمنی به حالت عرضی

۵- پاسخ به استفهام (rhetorical)

۶- نشانه های گروهی

۷- کلمات ربطی

۸- مقوله هایی از زبان مبداء که در زبان مقمّدیافت نشود.

۹- موارد دوگانه (doublets) مثل : answering said

asked and said

he said ... said he

و غیره

ب - حذف

۱- حشو (tautologies)

۲- ویژگی مرجع

۳- کلمات عطفی (conjunctions)

۴- کلمات ندایی (vocatives)

ج - تغییر

۱- اصوات (برای مثال : فاطی — فاطمه

سیدی — سادات

مارتی — مرتضی

۲- ترتیب اجزاء جمله

۳- عوامل غامض معنایی

(نایدا ۲۳۳-۲۲۶: ۱۹۶۴)

دنام وکالی (Cowley) هردومعتقدندکه: "برای جبران آنچه در ترجمه از دست می‌رود باید چیزی بجای آنها افزوده شود." (استینر ۷۳: ۱۹۶۶) در عین حال تعدادی معتقدند که دخل و تصرف و حذف و اضافه در ترجمه جایز نیست و به جز در مواردی که ضرورت استفاده از آنرا تجویز نمی‌کنند، هیچکس (Higden) اظهار می‌دارد:

"در بعضی از قسمت‌ها من کلمه را بجای کلمه، جمله معلوم را بجای جمله معلوم، جمله مجهول را بجای جمله مجهول بکار برده‌ام و بدون آنکه نظم کلمات را تغییر دهم هر سطر را در جای خود قرار داده‌ام."

(آ موس ۱۷: ۱۹۲۰)

آنچه به عنوان حذف و اضافه فرهنگی از آن نام می‌بریم عبارت است از حذف و اضافه آن قبیل نکاتی که نویسنده اصلی به عمد در کتاب خود منظور داشته تا تصویری غلط از یک فرهنگ و یا یک ایدئولوژی در اذهان خوانندگان ترسیم نماید. باگلی (۱۹۸۵، Bagley) کتاب علی دشتی را با عنوان "بیست و سه سال" از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده است که در آن مولف اصلی کتاب حقایق را قلب و به میل خود عبارات و آیات قرآنی را حذف و اضافه نموده به قسمی که در برخی از موارد معانی متضاد تظاهریافته است و مقصود اصلی گم گشته است. متأسفانه مترجم متن را عیناً "ترجمه کلمه به کلمه کرده است. در نتیجه خوانندگان کتاب از متن ترجمه شده چیزی را نمی‌فهمند که با آنچه افراد متعهد از خواندن متن اصلی ادراک می‌کنند تغایر دارد. اگر مترجم ضمن ترجمه متن از اصول و عقاید اسلامی بهره‌مند می‌شد و قسمت‌های حذف شده را که نویسنده اصلی به عمد از قلم انداخته است به ترجمه می‌افزود، ترجمه‌ای کامل تر و متفاوت تر حاصل می‌شد. بعضی از تئوریسین‌ها با ورقه را در ترجمه نشانده ضعف ترجمه می‌دانند و آنرا

تجویز نمی‌کنند مع‌هذا استفاده از پاورقی در مواردی شبیه به مورد بالا -
می‌توانند به قضاوت بهتری از متن اصلی بیاورند.

بسیاری از مطالبی که مخصوصاً "پس از انقلاب اسلامی ایران به سوی ایران روانه می‌شوند قصد بدنام کردن انقلاب اسلامی را دارند و هدفشان آن است که اذهان را مغشوش سازند. اگر این قبیل متون بدون حذف و اضافه و عیناً "به گونه‌ای که آمده‌اند در اختیار عموم قرار گیرند، همه افراد از آن به یک شیوه بهره نمی‌گیرند. و یا این امکان وجود دارد که از محتوای متون تصویری غلط برداشت نمایند. در این قبیل موارد ترجمه این متون با اضافه حواشی جهت اطلاع بیشتر خوانندگان می‌توانند به مراتب از متن اصلی سودمندتر و کم‌ضررتر باشد.

۱۰۶ چند نکته و چند لحظه تا مل

آنچه در زیر مشاهده می‌شود نظریات مختلفی است که اهل نظر در مورد محاسن و معایب ترجمه و عمدتاً "در رد یا قبول آن ذکر کرده‌اند. اینک سه طرفداران و یا مخالفان ترجمه کدایک ذیحق هستند مساله‌ای است درخور تا مل و بحث مجدد. مع‌هذا خوانندگان می‌توانند با بینشی که دارند - در پذیرفتن یا نپذیرش هر کدام از مقوله‌های زیر دلایلی را اقامه نمایند. ۱- بعضی از مترجمان وقتی خود را با تضادهای و ناملایمات لاینحل جامعه خود روبرو دیده و از بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه خسته شده اند برای تسکین خود به ترجمه روی آورده و وقت فراغت خویش را به این اختصاص داده‌اند. ژولیا س زولایسکی (Julias Zulawski) مقوله‌جالبی را عنوان می‌کند. او می‌گوید:

"در سال ۱۹۵۰ به کار ترجمه پرداختم و تنها هدفی که از این کار داشتم آن بود که مدتی خود را از مضایب

زندگی در قرن حاضرها نم."

از این گفته برمیاید که ترجمه نباید الزاما "تلاشی در جهت اقصاء و ارضاء امیال افراد جا معه باشد بلکه میتواند به عنوان وسیله‌ای برای ارضاء میل و یا امیال خود مترجم بکار گرفته شود. .

۲- براین آنکه شخص بتواند نویسنده‌ای ما هروکاردان شود باید دروادی و قلمرو اندیشه انسانها رهروی جست و جالاک باشد. انسان باید بتواند به عنوان بخشی از پدیده هستی همانند سایر انسانها احساس کند، درک کند، بفهمد و مکنونات قلبی خویش را بر زبان آورد. برای نیل و دستیابی به این توانایی مورد نیاز، مترجم جوان باید از طریق ترجمه به کند و کاو افکار و نظریات متفکران و نویسندگان اعصار مختلف بپردازد و از آنها بهره‌گیرند. (مک شین ۱۹۷۱، Mac Shane 1971) .

۳- ترجمه یک متن ادبی همچون "توت فرنگی آب پز شده" بی طعم و بی مزه است. " (هاری دو فارست اسمیت (Harry de Forest Smith ۱۹۵۹: ۱۷۳)

۴- "تقریبا" تمامی ترجمه‌های انجام یافته بطوریکه دست بدونا مطلوب هستند. " (ماکس ایست من Max Eastman)

۵- " ترجمه‌ها مانند یک گمرک است که اگر مقامات مسئول از عنایت فارغ گردند، اصطلاحات بیگانه از طریق آن همچون سیل مواد قاچاق به فرهنگ جامعه رسوخ می‌کنند، این گذرگاه از هر مرز فرهنگی و زبانی نفوذ پذیرتر است. " (ژولی کاسارس ۱۹۵۹، Juli Casares)

۶- " ما باید به این اصل پی ببریم که برهیچ ترجمه‌ای نباید اعتماد کرد. " (جورج جوی، قرن هفدهم، George Joy)

۷- " ترجمه خوب انسان را به دنیاهای ناشناخته رهنمون می‌شود. " (گوته، قرن نوزدهم)

۸- "ترجمه کردن یک اثر گناه است."

(گرانٹ شاورمن ۱۹۱۶، Grant Showerman)

۹- "ترجمه کردن از یک زبان به زبان دیگر همانند وارونه نگاه کردن به

یک پرده دیوار کوب منقوش است." سروانتس، قرن هفدهم (Cervantes)

۱۰- "شهرگز قابل ترجمه نیست." (ساموئل جانسون، قرن هفدهم،

(Samuel Johnson).

۱۱- "ترجمه همانند یک زن است، اگر زیبا باشد پس نمی تواند وفادار

باشد." (وزارت تحقیقات علمی هندوستان ۱۹۶۲:۴۵)

۱۲- "فقط افراد معدودی می توانند از خواندن کتب به زبان اصلی بهره

کافی بگیرند ولی افراد بسیاری می توانند از ترجمه ها بهره مند گردند."

(الزاگرس ۱۹۷۱)

۱۳- "ترجمه خوب مثل یک قطعه الماس است. مرواریدی است که ارزش

آن نامحدود است." (شوت ۱۹۷۱)

۱۴- "گاهی با خود فکر می کنم که "جهان" چیزی جز یک برگردان از-

اصل واقعیت و آنچه خداوند آفریده است نیست. بهمین دلیل است که همه

چیز در هم برهم و مغشوش است. فرضیه من این است که خداوند بزرگ به

شیطان اعتماد کرده و به او اجازه داده که از اصل خلقت برگردانی فراهم

آورد و قبل از آنکه فرصت شود تا این ترجمه تصحیح شود انتشار یافت.

(اسحق با شویس)

۱۵- "ترجمه عاملی است برای عریان ساختن یک متن ادبی تا بتوان به

واقعیت نهفته آن اثر پی برد. بسیاری اتفاق می افتد که مولف و قلمی

مطلبی را به زبان اصلی خود می پرورانند و می نگارد از معایب و محاسبات آن -

بی اطلاع است ولی ترجمه آن اثر بسیاری از کاستی ها را می نماید.

ترجمه واقعیات تلخ را بیان می دارد و پرده پوشی ها را نمایان می سازد."

(اسحق با شویس Isac Bashevis)

۱۶- "برای آنکه انسان بتواند به زبان مادری خود وقوف یا بدهیچ چیز بهتر از ترجمه از زبانهای بیگانه به زبان مادری نیست زیرا از این طریق است که می‌توان فهمید زبانها تا چه حد هم از نظر معنایی و هم از نظر نحوی از یکدیگر متفاوت اند. این درست همانند وضعیتی است که انسان تا از کشورهای بیگانه دیدن نکنند درکی واقعی از کشور خود ندارد." (آدن Auden)

۱۷- "نویسندگان زبده‌ای چون پوشکین، داستایوفسکی، تورگانیف، بوتین، بلاک، پاسترناک، آخمتوف و دیگران همیشه خود را مترجم می‌دانسته‌اند و قبل از آنکه به نویسندگی بپردازند به ترجمه دست می‌زدند." (کورنی چوکافسکی ۱۹۸۴ Kornei Chukovsky)

۱۰۷ نظر متقدمان در ارتباط با هدف ترجمه

مترجمانی که به برگردان کردن آثار نویسندگان بزرگ همت نموده‌اند دلایل مختلفی را برای اهداف خویش برشمرده‌اند. اما جملگی برای این اصل اذعان دارند که اگر مترجمی بتواند با مهارت بسیار به خلق ترجمه‌ای کامل از یک متن اصلی به زبان دیگر همت نماید باید این امر خطیر را برعهده گیرد و در انجام آن بکوشد. ترجمه یک اثر برای مترجم یک مسئولیت خطیر اجتماعی است و مترجم نباید از نمایاندن دغدغه‌ای که خود به آن دست یافته دریغ ورزد.

در اینجا به نقل برخی از این نظریات می‌پردازیم. از خوانندگان وبه ویژه مترجمان می‌خواهیم که اگر اهداف و نظریات زیر را موجه می‌دانند آنها را مدنظر داشته و بکار گیرند. این اهداف عبارتند از:

۱- "هدف باقی‌گذااردن خاطره‌ای است که نشا نگروشا هدی بردوران صلح

آ میزی باشد که نویسندگان بزرگ در آن زیستند.

(فیلمون هلند، Philemon Holland)

۲- "هدف خدمت در جهت منافع عامه است." (نیکلسون Nicholson)

۳- "هدف خدمت به ملت است." (اودال Udall)

۴- "هدف بیان عشق و الفت به سرزمین خویش است." (تاوورنر

(Taverner)

۵- "هدف اهمیت دادن به گنجینه علمی گذشتگان و نقل و انتقال این

گنج پر بهاء به فرهنگ و زبان خود است." (جان برانده John Brende)

۶- "هدف تعقیب و ترغیب تلاشهای وطن پرستانه ای است که در کشورهای

دیگر به منصفه ظهور رسیده است." (ویلسون Wilson)

۷- "هدف ارائه قوانین و رهنمودهایی است که از آنها پادشاهان در

حکومت، مشاوران در مشورت، کاهنان در اجرای شعائر مذهبی، فرماندهان

در امر فرماندهی، متاهلان در مسئولیتهای خانوادگی، سعادتجویان در

تعقیب غنا و بینوایان و درماندگان در تسکین آلام خود سودجویند. هدف آن

است که باب مراودت و مکاتبت با همه انسانها گشوده شود." (ویلسون)

۸- "هدف برانگیزاندن مقاومت ملی در مقابل کشورهای دیگر است."

(ویلسون)

"ترجمه یک هنرنیست
بلکه یک هنربرتر است"
(کورنی چوگا فسکی)

۲۰- تئوریهای ترجمه

علم ترجمه ، خواه به عنوان "هنر" محسوب شود و یا "علم" به حساب آید، در شکل امروزی آن ، حاصل کوشش و خطاها ، تحول و تغییرها و ابتکارا ت فراوانی است که در طول تاریخ معمول گردیده است . در رشته های دیگر علم و هنر و بسیاری دیگر از زمینه های عملی نیز همین روند معمول بوده و آنچه امروز به عنوان اکتشافات و یا یافته های جدید از آن نام می برند ریشه های دیرین و کهن دارند . و حاصل تلاشهای پویانده ای است که در گذشته انجام یافته است . برای مثال می توان به خطاطی ، عکاسی ، فلسفه ، سیاست و بسیاری از شاخه های دیگر علم اشاره کرد . همه آنها از گذشته های غنی - که بدواً " با نظریات و ایده های ساده ای آغاشده اند ، برخوردارند . در عصر ما بسیاری از این دیدگاهها مردود و مطرودند . وجوه متعالی و تکامل یافته این ایده ها امروز علم جدید را تشکیل می دهد . هنرمندان عصر حاضر تکنیک ها و شیوه هایی را در خلق آثار هنری بکار می برند که اگر متقدمان آنها حیات می داشتند محققاً " بر آنها به دیده تمسخر می نگریستند ، از طرف دیگر بسیاری از شیوه هایی که متقدمان بکار می بردند اکنون به عنوان روشهای ما خود از تصورات ساده اندیشان زمانهای گذشته مورد بی توجهی و کم لطفی قرار می گیرند .

ترجمه نمی تواند از این اصل کلی منفک باشد و استثناء به حساب آید .

اما آنچه ترجمه را از بقیه شقوق علمی و هنری مبرزتر می‌دارد توجه به این حقیقت است که بسیاری از متفکران بزرگ و نه فقط عده‌ای قلیل به مترجمه عنایت داشته‌اند. همه آنها به نحوی از انحاء از ترجمه بهره گرفته‌اند. به نقل از "ماخن" (۱۹۸۵:۲) (Machan) اگر از مزایای ترجمه بهره‌گیری نشده بود، شاید آثار چوسر (Chaucer) نویسنده شا عرو مترجم انگلیسی، همچون "Melibee" و "Boerce" داستانهای کشیش (Parson's Tales) و "داستانهای شوالیه" (Knight's Tales) هرگز خلق نمی‌شدند، رافائل برتون (Raffel Burton) معتقد است که بسیاری از اندیشه‌ها و نظریات بلندمرتبه شکسپیر، نمایشنامه‌نویس مشهور انگلیسی، از ترجمه‌های انجام یافته نشأت گرفته‌اند (۱۹۷۳:۳). اگر مترجمان مکتب تولدو (Toledo) در اسپانیا، متون عربی آثار ارسطو، افلاطون و سقراط را به لاتین برگردان نمی‌نمودند، ایده‌های والی آنها که رنگ و بوی اسلام نیز یافته بود هرگز به اروپا و جهان غرب راه نمی‌یافتند (رابین (Robins ۱۹۷۶:۷۵)

برای آنکه بتوانیم تئوریهای جدید ترجمه را بهتر درک نمائیم لازم است بدو "با متقدمان این رشته و با آنها بی که سنگ زیربنایی این علم را نهاده‌اند آشنا شویم. باید از معایب و محاسن و از نقاط ضعف و قوت آنها آگاهی یابیم و از طرفی نیز لازم است که با چگونگی ورود تحولی و تکاملی کیفی و کمی نظریات در ارتباط با این علم آشنا شویم.

برای حصول به هدف فوق، بخش زیر به معرفی تئوریهای ترجمه اختصاص یافته و روندهای فکری در این مقوله به صورت تقویمی مرتب شده و عرضه گردیده است. هدف غایی این است که خوانندگان با پیشروان این علم آشنا شوند و زمینه‌ای در شناخت افکار و تکنیک‌هایی که متقدمان در باب ترجمه ارائه و عرضه نموده‌اند حاصل آید.

به معایب و محاسن به‌طور اجمالی اشاره شده — معهذاسعی شده است پیشرفت‌ها و تحولات به‌صورت مرحله به مرحله ردیابی شوند.

این بخش به‌سه‌عنوان اصلی تقسیم شده که عبارتند از:

۱- تحول تئوریهای ترجمه در اروپا

۲- تئوریهای مدرن .

۳- تحول ترجمه در ایران (۱)

عناوین تابعه عمدتاً " به شرح و تفصیل و ارائه مثالها اختصاص یافته است .

۲۰۱ تحول تئوریهای ترجمه در اروپا (۲)

اروپا - به معنی وسیع کلمه - چه در زمان عصر شکوفایی امپراطوریهای روم و یونان و چه بعد از سقوط قسطنطنیه که به بروز و تظاهرات هر نسانس انجامید همواره مرکز تلاشهای مستمر سیستماتیک علمی و تحقیقاتی در تمامی ابعاد علم و منجمله ترجمه بوده است . البته بیان این حقیقت نباید ما را از ذکر این مقوله غافل نماید که در میان اقوام و ملل غیر اروپایی نیز تلاشهایی برای تعالی و تکامل و پیشرفت ترجمه و نیز سایر رشته‌های علمی معمول گردیده است معهذایونان و روم باستان از آن جهت اعتبار یافته‌اند که مبدع تحقیقات و کارهای سیستماتیک علمی بوده‌اند .

(۱) تحقیق در این زمینه داده‌ها را در حوصله در نسخ بعدی ارائه خواهد شد .

(۲) واژه "اروپا" در معنی عام آن بکار رفته و به دوران قبل از میلاد مسیح نیز اطلاق شده است .

۲۰۱۰۱ ترجمه مکتوب و ترجمه شفاهی در دوران باستان (قبل از میلاد مسیح تا آغا زقرون وسطی)

اولین آثار ترجمه مکتوب به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح یعنی به دوران پادشاهان مصر باستان مربوط می‌شود. قسمت‌های پراکنده‌ای از - "حماسه‌های سومری" (Sumerian Gilgamesh Epic) مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد به چهار رتای پنج زبان آسیایی کشف گردیده است (دایره المعارف آکادمیک آمریکا ۱۹۸۶). نوشته‌هایی که در منطقه "کاتاراکت" (Cataract) کشف شده نشان می‌دهد که در نوشتن یک متن آزدوزبان استفاده شده است (نیومارک ۱۹۸۱: ۳ Newmark). سنگ سیاه بازالتی که در سال ۱۷۹۹ در منطقه رودخانه نیل در مصر کشف شده خطوط هیروگلیف و ترجمه آنها به زبان یونانی مزین است که از طریق آن باب شناخت خطوط هیروگلیف مصر باستان مفتوح گردیده است (نایدا ۱۹۶۴: ۱۱ Nida). همچنین در اسناد آمده است که وقتی اسرای کلیمی در سال ۳۹۷ قبل از میلاد از بین النهرین به (Nehemia) بازگشتند متون دینی و کتاب مقدس تورات را به زبان عبری مشکل یافتند و خواستار آن شدند که مترجمان به ترجمه آن متون همت گمارند (نایدا ۱۹۶۴: ۱۱ Nida). از قرن سوم قبل از میلاد به بعد بخش عظیمی از ادبیات غنی یونان به صورت سیستماتیک به زبان یونانی ترجمه شد (رابین ۱۹۷۶: ۱۶ Robins). در حدود ۱۳۰ قبل از میلاد، تورات از زبان عبری به زبان یونانی ترجمه شد (نیومارک ۱۹۸۱: ۱۳ Newmark). امکان این نیز وجود دارد که از زمینه‌های پیشین نیز ترجمه معمول بوده است اما شواهد تاریخی دال بر این مدعی وجود ندارد. لیکن آنچه مشخص است این است که "مترجمان همزمان" (interpreters) در ترجمه از یک زبان به زبان دیگر مخصوصاً "دوران امپراطوری‌های

یونانیان و ایرانیان نقش عمده‌ای را ایفا نمودند .
 وقتی یوسف پسر یعقوب پیا مبریا کمک کاروانیان از جاه خلاصی یافت
 و به مصر برده شد به زبان دیگری آشنا شد و به آن تکلم کرد . به رواایت
 نخستین کتاب تورات (Genesis) ، یوسف در صحبت با برادران -
 خود از مترجم همزبان استفاده کرد . متن روایت چنین است .
 " آنها نمی دانستند که یوسف زبان آنها را می فهمد .
 زیرا یوسف با برادرانش با رابطه مترجمان سخن
 می گفت "

(تورات ۴۲:۲۳)

در زمان سلطنت "سامتیک دوم" (Psamtik II) از فرعون مصر
 (۵۸۸-۵۹۴ قبل از میلاد ،) گروه بزرگی از جوانان و طلاب مصری به یونان
 فرستاده شدند تا ضمن یادگیری زبان یونانی با فن ترجمه مکتوب و شفاهی
 نیز آشنا گردند (رونالد ۱۹۸۲:۲۸ Ronald) . نقل است که پسر ازاهالی
 لیسای قدیم (Lycia)^(۱) که از تبار ایرانیان بوده است
 اسکندر مقدونی را در حمله اش به ایران باستان همراهی می کرده و رابط او
 بین دوزبان بوده است (رونالد ۱۹۸۲:۲۸) .

سنگ نبشته‌ای بردیوار تخت جمشید ، پایتخت داریوش ، که قدمت آن به
 سال ۵۱۳ قبل از میلاد می رسد متونی با سه زبان پارسی ، اکاد (Akkadian)
 و ایلامی بر خود منقوش دارد . حتی از زمان کوروش ، بنیانگذار امپراطوری
 ایران (۵۳۰-۶۰۰ ق م) ، علی رغم زبان آرامی (Aramic)^(۲) که

۱- زبان "لیسیا" طبق کتیبه‌های موجود به الفبای یونانی نوشته شده
 و با زبان (لویان) (Luian) و یا هیتی و زبانهای هندو
 اروپائی شباهت داشته است .

۲- زبان باستانی مردم شامات و بین النهرین

بطور گسترده‌ای مورد استفاده قرار داشته و زبان رسمی بحساب می‌آمده است. زبانهای دیگر نیز رایج بوده و افراد دوزبان (bilinguals) در مراودات نقش عمده‌ای داشته‌اند. "رونالد" دو واقعه جالب را که حکایت از کاستی‌ها و بی‌کفایتی مترجمان آن از منهدارد نقل می‌کند. به نقل از "رونالد" اردشیر اول Artaxerxes (۴۶۴-۴۵۰ ق م) قاصدی را بنام آرتافرنس Artaphernes که به دوزبان پارسی و یونانی تسلط داشته به اسپارات (Sparta) (۱) گسیل داشت تا به مقامات اسپارت اطلاع دهد که مترجمان نشان از عهده ترجمه خوب برنیا مده و باعث کدورت روابط شده‌اند. "رونالد" در جای دیگر ذکر می‌کند که اسکندر کبیر به دین و فلسفه هندوان علاقمند شد. سه مترجم سخنان راهبان برهمنی را ترجمه می‌کردند. هرچند مترجمان را به زبانهای مورد نظر مسلط یافتند مع هذا راهبان پشتوانه مترجمان را در فلسفه تهی دیدند و اظهار داشتند که:

"تلاش برای تشریح نظریات مکتبی و فلسفی از طریق

این صافی (۲) بمثابة آن است که انتظار داشته باشیم

آب از جوی گل بگذرد و همچنان خالص و پالوده باقی

بماند." (رونالد ۳۳: ۱۹۸۲)

همانطور که قبلاً ذکر شد در دوران وابسته به کلیمی‌های یونانی زبان

(Hellenistic age) (۳) اولین ترجمه از کتاب مقدس تورات بوسیله

طلاب کلیمی تبار به عمل آمد. در همان زمان، "زنون" (Zeno) پایه‌گذار

مکتب رواقیون (۴) (Stoic) که از نژاد سامی‌ها بود و سپس زبان

۱- دریونان باستان

۲- منظور مترجمان بوده‌اند.

۳- دوران مربوط به زبان و فرهنگ یا هنریونانی که آثار بیگانه در آن راه یافته و از زمان اسکندر آغاز می‌شود.

۴- رواقیون معتقد بودند که این جهان مظهر اراده الهی است و انسان باید احساسات خود را کشته و لذات دنیوی را فراموش کند

یونانی را فراگرفت، از این دوزبان به نحو شایسته استفاده کرد (رابین (Robins ۱۹۶۷: ۱۶).

وقتی رومی‌ها تسلط خود را بر دنیای متمدن آن زمان گسترش دادند به لحاظ روحیه کشورگشایی و توسعه طلبی که از آن برخوردار بودند به تماس با ملل آن زمان رغبت نشان دادند و این امر باعث شد که استفاده کنندگان از زبانهای مختلف در تماس با یکدیگر قرار گیرند. در این دوران، بسیاری از متون به زبانهای معمول آن زمان ترجمه شد. شیوه‌های معمول در ترجمه همزمان تحول یافت، معهذ اسناد معتبری که از چگونگی این شیوه‌ها حکایت نماید به دست نیامده است.

زبده‌ترین چهره‌های علمی این دوران که بخشی از توجه خویش را به ترجمه معطوف داشتند به شرح زیرند. لازم به تذکر است که فعالیت آنها به ترجمه خلاصه نشده و در دیگر زمینه‌های علمی نیز تلاش وافر داشته‌اند.

۲۰۱۰۱۰۱ لوسیوس آندروونیکوس لیویس (Lucius Andronicus Livius) (حدود ۲۰۷-۲۸۰ قبل از میلاد)

او برده‌ای بود که احتمالاً پس سقوط و تسلیم شدن رومی‌ها به اهلانی "تارانتوم" (۱) در سال ۲۷۲ قبل از میلاد از اسارت نجات یافته است. با عنایت به تسلطی که به دوزبان لاتین و یونانی داشت به تدریس این دوزبان پرداخت و بعداً "مکتب شعرونما پشنامه حماسه‌ای روم را بنیاد نهاد. کلی (Kelly) معتقد است که ترجمه‌های لیویس اولین ترجمه‌های منظوم قیاسی (analogical) محسوب می‌شوند. (۱۹۷۹: ۱۹۸).

با تجربه‌ای که از تدریس لاتین و یونانی به دست آورد. به ترجمه منظومه

حماسی (Odyssey) هومر^(۱) پرداخت و بر آن عنوان " Odyssia " نهاد. احتمالاً از این ترجمه به عنوان کتاب درسی استفاده می شده است. قسمت عمده کتاب ترجمه شده با استثنای پنجاه خط که آنهم از تفاسیر هورس (Horace) و سیرو (Cicero) استخراج شده از بین رفته است و در دسترس نیست. او در ترجمه خود از جمع و قافیه زبان لاتین استفاده کرد. از این رو ترجمه او را اولین ترجمه هنری بحساب آورده اند.

لیویس بعداً " به نوشتن نمایشنامه، کمدی و تراژدی روی نهاد. متأسفانه تنها ۴۰ بیت یا سطر از هر کدام باقی مانده و بقیه از بین رفته اند. عناوینی که بر آثار آمده است نشان می دهد که این آثار احتمالاً ترجمه های یونانی از آشیلوس (Aeschylus)^(۲)، سوفوکلس (Sophocles)^(۳)، یورپیدس (Euripides)^(۴) بوده اند (دایره المعارف بریتانیا) به علت عدم دسترسی کامل به آثار او، تاریخ نویسان از شیوه های ترجمه او سخنی بمیان نیاورده اند.

۲۰۱۰۱۰۲ مارکوس تولیوس سیرو Marcus Tullius Cicero

(۱۰۶ تا ۴۳ قبل از میلاد)

سیرو از دولتمردان، حقوقدانان، علماء و نویسندگان رومی بود. آثار او شامل کتبی در زمینه فصاحت و بلاغت، خطابه گری، رساله های

۱- هومر شا عریونانی که ظاهراً " در قرن هشتم قبل از میلاد می زیسته و منظومه حماسی او مشتمل بر شرح مسافرت های پیرا دثا دیسوس (Odysseus) در راه محاصره شهر تروا می باشد.

۲- شا عرومبدع تراژدی یونان.

۳- شا عریونانی بین سال های ۴۹۶ تا ۴۰۶ قبل از میلاد می زیسته و نمایشنامه های تراژدی نوشته است.

۴- شا عریونانی که بین ۴۸۰ تا ۴۰۶ قبل از میلاد می زیسته است.

فلسفی و سیاسی و مرقومه‌های متعدد بود. بهترین آثار منظوم او حماسه‌ای با عناوین "De consulata" و "De Temporibus Suis" می‌باشد که بارها توسط منتقدان به عنوان خودستایی مولف مورد انتقاد قرار گرفته است (دایره‌المعارف آمریکا، ۱۹۸۶).
به گفته "نیومارک"، "سیسرو معتقد بود که:

"... مترجم باید با مفسر و عالم علم بدیع باشد و چه‌کس نمیداند که دانش مفسر با دانش یک شخص دو-زبانه متفاوت است. عالم علم بدیع تنها به‌ظواهر و وساخت عنایت ندارد بلکه به اعماق و بررژف ساخت عبارات عنایت و توجه دارد."

(نیومارک ۱۹۸۱)

سیسرو در ترجمه لغوی و واژه‌به‌واژه (literal) تجدیدنظر کرد و آنرا کاری عبث و غیره‌نری نامید. در مقابل، مترجمان کلیمی تصور می‌کردند که تنها از طریق ترجمه واژه‌به‌واژه، خلق تصویر کاملی از متن اصلی میسر است. کلی (۱۹۷۹: ۳۶، Kelly) متذکر می‌شود که مترجمان سده‌های بعد چون "جروم" (Jerome) به پیروی از سیسرو همواره بر این مقوله اصرار داشتند که ترجمه شاخه‌ای از فن خطابه است (۱۹۷۹: ۵۱). در ترجمه‌های سیسرو، نوعی تضاد و مقابله آشکار با ترجمه واژه‌به‌واژه را می‌توان ردیابی کرد. سیسرو معتقد بود که ترجمه باید مفاهیم را مستقیماً بیان نماید (کلی ۱۹۷۹: ۱۷۱).

در تفاسیری که از آثار افلاطون ارائه می‌نماید، سیسرو از "برابره‌ای نحوی پویا" (۱)، استفاده می‌کند در حالیکه در واژه‌یابی از "معادل‌های

صوری " (۱) بهره میگیرد (کلی ، صفحه ۱۸۰) . هم سیسرووهم هورس (بسه قسمت ۲۰۱۰۱۰۳ مراجعه نمائید) ترجمه را در تعلیم یک سری کنش ها و بیان مفاهیم ادبی بسیار سودمند یافتند (کلی : ص ۷۹) . به نظر "کلی" ، "سیسرو معتقد بود که تعدد کلمات در مقابل سهولت روانی و وزن عبارات از اهمیت پائین تری برخوردار است . بنظر سیسرو قوت کلام در همین راز نهفته است (کلی ص ۱۶۳) .

۲۰۱۰۱۰۳ هورس (Horace) (از ۶۵ تا ۸ قبل از میلاد)

هورس بخاطر اشعار بزمی و غنایی و نیز مظاهر بیهوشی اش شهرت فراوان یافت . علی رغم اینکه پدرش یک برده آزاد شده بود ، "هورس" در آتن و روم به تحصیلات عالی پرداخت و بر دوزبان لاتین و یونانی تسلط کافی یافت . پس از قتل قیصر ، هورس ملک الشعراء زمان خودش و در دوران پادشاهی اگوستوس (Augustus) شهرت به سزایافت . بسیاری از اشعار او در زمینه عشق ، دوستی ، فلسفه و هنر شاعری است (دایره المعارف بریتانیا) هورس مترجم نیز بود . "مورتون" (Morton) روش و شیوه ترجمه هورس را به سبک ترجمه واژه به واژه می دانند و اظهار می دارند که به نظر هورس ، "هدف ترجمه باید جای معنی بین دوزبان باشد به نحوی که حتی المقدور تصویر از متن اصلی در زبان مبدا به دست آید و ساختار نحوی ، معنایی و واژگانی آن دگرگون نگردد ."

(مورتون ۱۹۸۴: ۵۷)

"مورتون" در جای دیگر از کتاب خود می افزاید که به نظر "هورس" مسئولیت مفسر و مترجم در آن است که در ترجمه خود واژه ها را در مقابل واژه ها

قراردهد" (مورتون ص ۵۹)

۲۰۱۰۱۰۴ آکویلا (Aquila) (قرن دوم بعد از میلاد)

بیشتر با عنوان آکیلان (Akilas) شهرت یافته است. در اثر فعالیت‌ها و تلاش‌های او، ترجمه‌های ملی از کتاب مقدس تورات به زبان یونانی با موفقیت انجام گرفت و در سده‌های بعد به عنوان یک کتاب مرجع بکار گرفته شد. بدین ترتیب ترجمه‌های قدیمی کتاب تورات (Septuagint) (۱) که توسط علمای یهود در دوران بعد از عصر اسکندر ترجمه شده بود بی اعتبار گشت و جای خود را به ترجمه‌های "آکیلان" سپرد. این ترجمه نه تنها به طور گسترده و وسیعی مورد استفاده کلیساها و قرون بعد از میلاد قرار گرفت، بلکه به عنوان مرجع توسط "جروم" (به بخش ۲۰۱۰۱۰۶ مراجعه کنید) بکار گرفته شد (رابین ۱۹۶۷: ۷۰). در تواریخ نقل شده است که ترجمه آکویلا از شیوه و روشی که توسط خاخم آل ابن یوسف بکار گرفته می‌شد، متأثر بوده است. آکویلا شیوه معمول در "ترجمه هفتاد" را که سعی داشت متن ترجمه شده را بر قوالب نحوی زبان یونانی تطبیق دهد مطرود دانست. علمای یهود که کتاب مقدس تورات را ترجمه کردند برای این عقیده بودند که تورات بیان مستقیم از سوی خداوند است و بنا بر این هیچ تغییری و جرح تعدیلی در ترجمه آن جایز نیست (کلی ۶۹: ۱۹۷۹).

اثر آکویلا از دو نظر اهمیت ویژه یافته است. اول اینکه به بیان حقایق در اصل و زیربنای کتاب مقدس انجیل اشاره دارد و دوم اینکه چگونگی تعلیم و تربیت را در آن زمان نشان می‌دهد (دایره المعارف بریتانیا). متأسفانه

۱- هفتاد نفر از علمای قوم یهود در قرون دوم و سوم قبل از میلاد کتاب عهد عتیق را به زبان یونانی ترجمه کردند. این ترجمه بنام "ترجمه هفتاد" شهرت یافت.

فقط جزئی از آثار او باقی مانده که در ممرنگهداری می شود .

۲۰۱۰۱۰۵ اولفیتاس (Ulfitas) (۳۱۱ تا ۳۸۴ میلادی)
اولفیتاس یکی از اسقف های گت (Goths) ^(۱) بود که قسمت هایی از کتاب مقدس انجیل را به زبان گت ها ترجمه کرد (رابین ۱۹۶۷: ۱۰). زبان مادری او "گت" بود ولی به زبانهای یونانی و لاتین نیز تسلط کافی داشت . نقل است که او بر مبنای الفبای زبان یونانی نوعی الفبای خاص برای زبان گت اختراع کرد . وقتی "گت ها" از اسپانیا کوچ کردند ، ترجمه کتاب مقدس انجیل توسط اولفیتاس را با خود بردند . متأسفانه با از بین رفتن زبان گت ها ، قسمت اعظم ترجمه اولفیتاس نیز مفقود گردید . اولفیتاس ترجمه را وسیله ای برای درک و گسترش دانش بشری می داند . در ازمنه های قدیم بر این استنباط ارج بسیار می نهادند .

۲۰۱۰۱۰۶ جروم (St. Jerome) (۳۴۷ تا ۴۱۹ میلادی)
اسم واقعی او اوسیبوس هیرونیמוس (Eusebius Hieronymus) و نام مستعار ادبی او سوفرونیوس (Sophronius) بود . زبان عبری را از یک عالم یهودی که به مسیحیت گرویده بود آموخت و زبان یونانی را به نزد خود آموخت . رهبریت خانقاه های را به عهده داشت و در سال ۳۸۲ میلادی به سمت منشی پاپ اعظم منصوب شد . در سال ۳۸۹ میلادی ، خانقاه بیست اللحم (Bethlehem)^(۲) را برپا داشت .

از خدمات ادبی ارزنده او می توان ترجمه کتاب مقدس انجیل را به زبان

۱- یکی از اقوام آلمانی قدیم که در سده های سوم تا پنجم میلادی بر ایتالیا و فرانسه و اسپانیا هجوم آوردند .

۲- زادگاه حضرت مسیح

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۳۳

لاتین نام برد. در ترجمه خود از آکویلا متا ثربودا ما به نوبه خود بر بسیاری از متاخران خود در سده‌های بعد تا شیر گذاشت. روش ترجمه او نسبت به علما و مترجمان متقدم برتر و مقبول تر بود. دلایلی که برای این ویژگی می‌توان بر شمرد عبارتند از:

الف- یکی از مراسله‌های خود را به ارائه تئوری ترجمه اختصاص داد که سنگ بنای تحولات در این زمینه در ادوار سده‌های بعد گردید.

ب- نه تنها ترجمه واژه به واژه "را قویا" محکوم کرد بلکه به تجویز و ترغیب تئوری خود بر مبنای ترجمه "مفهوم به مفهوم" (Sense for sense) همت گمارد (رابین ۱۹۶۷: ۷۰، Robin).

این دواصل عمده بر شیوه‌های ترجمه و نیز بر علما و مترجمان قرون وسطی تا شیر فراوان گذاشت. "جروم"، همانند متاخران خود چون لوتر (۱۵۳۰) و ودرایدن (dryden) (۱۶۸۴) به ترجمه "طبیعی و اصطلاحی" (۱) از متون اصلی مایل بود (نیوما رک ۴: ۱۹۸۱).

۲۰۱۰۱۰۷ بوتیوس (Boethius) (از ۴۷۰ تا ۵۲۰)

بوتیوس یکی از علما و دولتمردان رومی بود که به آثار ارسطو علاقمند شد و تعدادی از آنها را به زبان لاتین برگردان کرد. بسیاری از ترجمه‌های او به عنوان اسناد مهمی در زمینه ادبیات و فلسفه یونان حتی تا اواخر قرون وسطی نیز بکار گرفته می‌شد و بر آنها استناد می‌گردید (رابین ۱۳۶۷: ۶۹).

بوتیوس منطق و ریاضیات یونان را نیز ترجمه کرد. قصداً و برای این بود که کلیه آثار ارسطو و فلاطون را به لاتین ترجمه کند و تفسیر خود را بر آنها بیفزاید و بر آنها حاشیه بنویسد. در سال ۵۱۰ میلادی، مقدمه‌ای بر منطق ارسطو را که توسط "پورفیری" (Porphyry) در سده سوم به زبان یونانی نوشته

شده بود به زبان لاتین ترجمه کرد. در سال ۵۱۱ میلادی، (Kategoriari) را ترجمه کرد و تفسیری بر آن افزود. بویوسی ترجمه‌های دیگری نیز ارائه نمود که همگی بعنوان متون درسی در نهضت‌های فلسفی و مذهبی قرون وسطی بکار برده شدند.

پس از بویوسی ترجمه در قرون وسطی تنها به انتقال اطلاعات معنوی متوجه گردید و در اصل کارآیی چندانی نداشت.

۲۰۱۰۱۰۸ خلاصه روند ترجمه از باستان تا دوران قبل از قرون وسطی (تا ۵۰۰

میلادی)

به عنوان یک اصل اساسی، هرگاه تنوع در نظریات و بحث‌و جدل‌ها در محیطی غالب گشته است، پرس و جو و چراها آغاز شده و نهایتاً "به قضاوت‌های نوانجا می‌دهد". از طرفی قضاوت‌های نوین وقتی حاکمیت خود را بناور داشته اند به تئوریهای جدید مبدل شده‌اند. تئوریهای جدید نیز در یک حرکت دورانی و دایره‌ای مورد سؤال قرار گرفته و به دایره‌های جدید فرا خوانده شده‌اند. این تسلسل بر تمام امور علمی و فرهنگی حاکم بوده و کوشش همواره بقاء یافته است. معیذا هرگاه چراها متوقف شده اند تئوریها موقتا "در قلمرو خود ثابت و بی تغییر مانده‌اند. ترجمه نیز در ادوار گذشته از این امر مستثنی نبوده و بحث و جدل‌ها و تغییرات نیز در این مقوله همانند دیگر موارد مستدام بوده است.

علمای دین یهود که به ترجمه کتاب مقدس تورات و نوشته‌های دینی همت گماردند، مولا "به تئوری علاقمندی نشان نمی‌دادند و در ترجمه متون دینی و مذهبی همواره از یک اصل کلی و لایتغیر تبعیت می‌کردند. هیچ نظریه و یا ایده‌ای ورای متون کتب دینی و مذهبی از اهمیت و ارزش برخوردار نبود و نظریات که انسان در واقعیت هستی ذره‌ای بیش به حساب نمی‌آمد اظهار

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۳۵

نظر در مورد کلام خدا و روابط بین اجزاء واقعیت و نشانه‌ها که بر حسب های آنها محسوب می‌شدند در حوزه فعالیت انسان نمی‌گنجید (کلی ۱۹۷۹:۲۲۱). حتی پس از ظهور انجیل مقدس نیز این تمایل و نگرش پایدار بود. انجیل مقدس نیز که کلام خدا بود با پدیده‌ها گونه محترم و مقدس شمرده شود.

آنچه ارزشیابی تحول ترجمه را در دوران باستان و حتی در اوایل و صدر مسیحیت مشکل می‌سازد نبودن تئوری خاص ترجمه است و یا اگر هم تئوری خاص وجود داشته مترجمان معتبرا زبانیان آن‌ها را نه خالی کرده و ذکر از آن به میان نیاورده‌اند. شیوه‌های آنها نیز غالباً "از نظر رد و رمانده است (ماخن Machan ۱۹۸۵:۴) • به هر حال آنچه مشخص است این است که ترجمه لغوی یعنی ترجمه واژه به واژه و ویژه در مورد ترجمه کتاب مقدس انجیل از دوران باستان تا قرن چهارم میلادی حاکمیت داشته است. هدف اصلی در ترجمه کتاب مقدس انجیل ارائه متنی بود که دقیقاً "بر اصل منطبق بوده و قابل فهم برای خوانندگان آن در زبان مقصد باشد (آموس ۱۹۲۲:۴۹-۵۰). تا کید بر ارائه ترجمه لفظ به لفظ فریادی بود که از همه مترجمان شنیده می‌شد. تبلور آنرا می‌توانیم در گفته هورس (Horace) به شرح زیر ببینیم. او میگوید:

"وظیفه یک مترجم وفادار آن است که متن را به صورت کلمه به کلمه ترجمه نماید."

(مورتون ۱۹۸۴:۵۹ Morton)

اسناد تاریخی نشان می‌دهند که این روند از قرن سوم قبل از میلاد تا عصر جروم (Jerome) در قرن چهارم میلادی ادامه داشته است (رابین Robin ۱۹۶۷:۴۶).

جروم بین گرایش (attitude) و هدف (Purpose) تمایز قایل می‌شود و این تمایز اساسی به عنوان یک واقعیت ملموس در تنوع انواع

ترجمه پایه قرار میگیرد (کلی ۲۲۲: ۱۹۷۹ Kelly) شعار معروف -
"جروم" با عنوان :

" non verbum e verbo, sed sensum exprime sensu "
در ترجمه به عنوان یک اصل قرار میگیرد. البته " جروم " زیرا که نه کتب
مقدس را از این قاعده استثناء می‌دارد و در مورد آنها قویا " به استفاده از
شیوه ترجمه واژه به واژه سفارش می نماید زیرا به نظر او در هر کلمه و یا هر
جمله از کتب مقدس را زور رمزی نهفته است (آموس ۳۶-۳۵: ۱۹۲۲) (Amos).
بدین ترتیب از زمان جروم ببعیدیک مرز مشخص بین کتب مقدس از یکسو و
کتب و نوشته‌های معمول از سوی دیگر ترسیم شد. در مورد مقوله اول، ترجمه
واژه به واژه و سایر موارد ترجمه " مفهوم به مفهوم " تجویز گردید. از-
این دوران ببعده صورت ضمنی، تفاوت بین ترجمه لغوی (literal)
و ترجمه آزاد (free) مطرح گردید و پایه تئوریهای قرون بعد
قرار گرفت (کلی ۲۲۰: ۱۹۷۹). کلی (Kelly) معتقد است که
این تمایز به تمایز دیگری بین معنی به عنوان یک اصل ثابت و مشترک
بین زبانها و حالت صوری زبان به عنوان یک سری نشانه‌هایی که بیشتر به
زبان واحدهای تعلق دارند انجامید. بدین ترتیب "معنی" حاشیه‌پراک
زبانها و "صورت" وجه تمایز زبانها قلمداد گردید (۱۹۷۹: ۲۲۱).

در نظر بعضی از مترجمان چون بوتیوس (Boethius) تعهد به صور
ظاهری جملات و کلمات زبان مبداء از بیم آنکه خیانتی در ترجمه پیش
نیاید و مقصود مولف خدشه دار نگردد به عنوان یک هدف تلقی شد در حالی که
مترجمان دیگر چون "آگوستین" Aguestine - (۳۵۳ تا ۴۰۳ -
میلادی) استفاده از قدرت قضاوت و داور و مترجم در تفسیر متن را نه تنها
مقبول بلکه مطلوب می دانستند (کلی ۲۲۲-۲۲۱: ۱۹۷۹).

یکی دیگر از ویژگیهای این دوران (و حتی اوایل قرون وسطی) دون

نگری بر ترجمه و مترجم و سفلگی مقامی بود که ترجمه‌دار را بود. یونانی‌ها همسایگان خود را وحشی (barbarians) می‌نامیدند و بنا بر این رغبتی به ترجمه از زبان‌های آنها یا به زبان خود نشان نمی‌دادند. از طرف دیگر رومی‌ها ترجمه را لازم نمی‌دانستند و معتقد بودند که طبقات تحصیل کرده و عالیرتبه گان باید زبان یونانی را فراگیرند. از سوی دیگر کتب قلیلی در اختیار مترجمان بود تا به ترجمه آنها همت گمارند.

۲۰۱۰۲ روند ترجمه در قرون وسطی (۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی)

سالهای ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی را اصطلاحاً "قرون وسطی نام نهاده‌اند. این دوران نسبتاً "طولانی بین عصر پر عظمت یونان و روم باستان و عصر تحولات جدید قرار گرفته است. همه چیز در این فاصله دستخوش تغییر و تحول قرار گرفت. مورخین، این دوران را عمدتاً "به دو قسمت تقسیم کرده‌اند. قسمت اول دوران تغییر و دگرگونی و در عین حال آشفتگی بود. امپراطوری اسلام به سرعت دایره و قلمرو فرما نروایی خود را گسترش می‌داد و هیچ نیرویی نمی‌توانست جلوی این قدرت نورسیده را بگیرد. برخوردها و نزاع‌های قومی و قبیله‌ای بین اقوام مختلف اروپا نضج یافت و این درگیری‌ها تا قرون متعادی تداوم یافت. در نتیجه ویرانی، بیماری، فقر و بی‌حرکتی بر تمامی اروپا سایه گسترد. در این دوران قانون زور بر حاکم معاد اروپا حاکمیت داشت و اغنیای به چپاول ملت‌های مظلوم مشغول بودند. در مقابل و درگیری بین طبقات حاکم و رقیب، کتابها و اسناد تاریخی مهمی یا مفقود گردیده و یا بی‌شرمانه سوزانده شدند. تعداد کمی از کتب و اسناد مربوط به تمدن یونان و روم نیز که توانستند از این مهلکه جان سالم بدر ببرند عمدتاً "در دیرها و کلیساها نگهداشته می‌شدند. برخی از راهبه‌ها و راهبان که زندگی خویش را وقف کلیسا کرده بودند به کپی برداری از کتب قدیمی پرداختند و فاجعه‌ای را که می‌رفت تا آثار تمدن بشری را به اضمحلال و نابودی کشاند تا حدی مانع شدند. مع هذا گسترش این حرکت فراگیر نبود و فقط تعدادی از کتب باستانی رونویس شدند.

از قرن پنجم تا قرن هفتم میلادی یعنی ظهور اسلام اثر مهمی از کارهای تئوریک و علمی در زمینه ترجمه بدست نیامده است. تنها اثر ترجمه شده معتبری که در اختیار داریم نسخه انجیل مقدس است که در قرن چهارم میلادی توسط "جروم" (Jerome) برگردان شده است.

"روث رونا لد" در کتاب خود ذکر می‌کند که "زیدبن ثابت" منشایی پیا مبرگرا می‌حضرت محمد (ص) با تسلطی که به دوزبان عربی و عبری داشت نقش مهمی در ترجمه ایفا نمود و در ترجمه نامها و مراسلات یهودیان مدینه که به پیا مبرگرا می‌ارسل می‌گردید نقش ارزنده‌ای ایفا نمود (۱۹۸۲: ۴۱)۔

(Ruth Ronald).

حکومت اسلامی و پادشاهی عبدالرحمان و اعقاب او بر اسپانیا بیش از پانصد سال ادامه یافت. در این مدت، تمدن درخشان اسپانیا گسترش چشمگیر یافت. بسیاری از علمای مسلمان، مسیحی و یهودی به تحقیق و تتبع پرداختند و آثار مهمی از علم و تمدن یونان و روم باستان مجدداً از عربی به زبان لاتین ترجمه گردید و این تمدن مدفون شده با ردیگر حیات و بقاء یافت. تمدن اسلامی از اسپانیا به سایر نقاط اروپا نیز راه پیدا کرد و مقبولیت تمام یافت.

دردوران حکومت سزارسیمون اول (۸۹۳ تا ۹۲۷ میلادی) (Czar Simon I) پسر بوریس اول از کشور بلغارستان (Borris I of Bulgaria) که به دین مسیح گرویده و مسیحیت اختیار کرده بود آثار برجسته ادبی به تحریر درآمد و مترجمان بزرگی به خلق و بازآفرینی شاهکارهای مهم ادبی همت گماردند و آثار آنجا که توانستند به ترجمه آثار به زبانهای مختلف پرداختند (رونا لد ۱۹۸۲: ۴۱) (Ronald). در این دوران مترجمان مشهور و زبدها زمره راهبان و علمای تحصیل کرده و علم اندوخته بودند که با تمامی شقوق و انواع ادبی زبانهای جاری و ساری آن زمان آشنایی وافر داشتند. در مقایسه با این مترجمان بزرگ، مترجمان همزمان عمدتاً از طبقات پائین اجتماع بودند که تنها از طریق مترجمی حضوری امرار معاش می‌نمودند (رونا لد: ۱۹۸۲: ۴۲).

از قرن دهم میلادی به بعد دیوانها و مجموعه‌های نظم نیز به زبانهای

مختلف ترجمه گردیدند (کلی ۱۹۷۹:۲۲۲ Kelly). معه‌ها در این قرن، علی‌رغم اینکه در کلیه زمینه‌های فلسفی و منطق از روش بحث و جدل و استنباط و استدلال استفاده می‌گردید، به تئوریهای ترجمه توجه و عنایت ویژه‌ای مبذول نگردید (کلی ۱۹۷۹:۲۲۲ Kelly).

در اوایل قرن دوازدهم میلادی، زندگی در اروپا شاهد تغییرات بزرگی بود. اروپایی‌ها با ملت‌ها و زبانهای دیگر نیز آشنا شدند و این آشنایی مخصوصاً با فرهنگ و سنت‌های مردم آسیا باعث بروز تحولات و دگرگونیهای بزرگی در آن جامعه شد. در نهایت، این تغییرات به تحولات عظیم قرن چهاردهم انجامید و با ظهور رنسانس به دوران آشفتگی قرون وسطی پایان داده شد.

علماء و مترجمانی که در گسترش و پیشرفت تئوریهای علوم انسانی بطور اعم و ترجمه بطور اخص همت گماردند در این بخش معرفی می‌گردند و بسه اختصار به شرح نظریات آنها مبادرت خواهد شد.

۲۰۱۰۲۰۱ علمای "تولدو" در اسپانیا (Toledo)

در سال ۷۱۴ میلادی، شهر "تولدو" در اسپانیا به صورت یک شهر بزرگ علمی و مرکز ارائه ترجمه‌های مهم درآمد. شخصی بنام دومینسیو گوندیسولوی (Domincio Gundisolv) مدرسه زبان‌شناسی را بنیاد نهاد و بدین ترتیب زمینه برای جذب علما و زبان‌دانان برجسته در سده‌های بعد فراهم آمد. مربیانیکه به تعلیم و تربیت مترجمان جوان مشغول بودند معمولاً از علمایی بودند که به زبانهای عربی، عبری، یونانی و لاتین تسلط کافی داشتند. در این مرکز علمی نسخ عربی آثار بزرگان یونانی چون ارسطو به زبان لاتین برگردانده شد (رابین ۱۹۶۷:۷۵ Robin). در سده‌های بعد کسانی که به فلسفه ارسطویی علاقمند بودند از این نسخ

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۴۱

ترجمه شده بجای کتب اصلی بهره‌گرفتند. مدرسه زبان‌شناسی "تولد" سالهای سال بقاء یافت و در سال ۱۲۵۰ میلادی بصورت مرکز مهمی برای تحقیقات و مطالعات شرق‌شناسی درآمد (رونالد ۱۹۸۲: ۴۶). (Ronald)

۲۰۱۰۲۰۲ آلفرد بزرگ (۸۴۹ تا ۸۹۹ میلادی Alfred the Great)
آلفرد پادشاه طوایف ساکسون‌های غربی بود که تمامی هم‌خویش‌رام‌صروف نجات انگلیسی‌ها از سلطه و فرمانروایی دانمارکی‌ها نمود. آلفرد نه تنها پادشاهی مدبر و مدیر بلکه عالمی اندیشمند و شیفته علم بود. هدف او این بود که به اشاعه علم و آموزش و پرورش در اروپا بطور عم و در انگلستان بطور اخص بپردازد. از آنجا که نتوانست معلمان لایقی را در انگلستان بیابد که این مهم را بر عهده بگیرند، الزاما " علما و معلمان مشهوری را از سایر کشورها و سرزمین‌ها به انگلستان آورد و آنها را به ترجمه آثار ادبی لاتین کمی توانست در انگلستان بکار برده شده مورد استفاده قرار گیرد ترغیب و واداشت.

آلفرد در سال ۱۸۹۰ میلادی کتاب "نگرانی‌های چوپانی" (۱) اثر پاپ گریگوری (Pope Gregory) را ترجمه کرد و سپس به ترجمه اثر ترجمه شده ارسطو بوسیله بویتیوس (Boethius) اهتمام ورزید. آلفرد مبدع شیوه‌های در ترجمه بود که مورد انتقاد مترجمان آن عصر و حتی اعا ربعد از آن قرار گرفت و مقبولیت نیافت. شیوه‌ای که آلفرد تجویز می نمود این بود که متن لاتین در ابتدا به نثر انگلیسی ترجمه شود و سپس این ترجمه مجدداً به نظم گشایده شود (آموس ۱۸: ۱۹۲۲ Amos). مقدمه‌ای که آلفرد بزرگ بر ترجمه اثر پاپ گریگوری با عنوان "گفت و شنود" (Dialogues) نوشت از ویژگی خاص برخورد راست و نشان دهنده تشریک مساعی و همت او

درگسترش این شاخه از علم است. در مقدمه خود بر ترجمه کتاب پاپ کریگوری با عنوان "Pastoral Care" پادشاه آلفرد تلویحا "به دنباله روی خود از مکتب "جروم" (Jerome) اعتراف نموده و میگوید:

"در ترجمه خود به زبان انگلیسی گاهی از شیوه ترجمه واژه به واژه و زمانی از شیوه ترجمه "مفهوم به مفهوم" استفاده نموده ام."

(آموس ۱۹۲۰:۳ Amos)

۲۰۱۰-۲۰۳ آلفریک (۴ از ۹۵۶ تا ۱۰۱۰ میلادی Aelfric)

آلفریک از نثر نویسندگان انگلوساکسون بود. کتابهای بسیاری نوشت و به اشاعه دین مسیحیت و مکتب رهبانیت در جوامع مختلف پرداخت. عمدتاً به تعلیم راهبه‌ها و راهب‌ها میل داشت و برای این شیوه نیز زندگی می‌گذراند. اثر عمده او با عنوان "فن وعظ و خطابه در مسیحیت" (Catholic Homilies) که در سال ۹۲۲ میلادی به تحریر درآمد محتوی سخنرانی‌ها و وعظ و خطابه‌ها بود. آلفریک همچنین کتابی با نام کتاب "گرامراتین" (Latin Grammar) نوشت که قرن‌ها مورد استفاده دیرها و کلیساها بود.

آلفریک در تشریح تئوری و سبک ترجمه خود با رها به دنباله روی از نظریه "جروم" یعنی نفی ترجمه واژه به واژه و توسل به شیوه ترجمه مفهوم به مفهوم اعتراف داشت. یکی از ویژگیهای آلفریک توجه و عنایت به استفاده از زبان مردم عامی بود چنانچه میگوید ترجمه باید به "زبان خالص مردمی انجام یافته و به واژه‌های متعارف این مردم مزین گردد" (از مقدمه آلفریک بر کتاب "فن وعظ و خطابه" ۲ آموس ۱۹۲۰:۴).

در باره‌ای موارد آلفریک به شیوه تفسیر (interpretation)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۴۳

در ترجمه پرداخت و معتقد بود که تفسیر در ضمن ترجمه به رفع ابهامات می‌انجامد و از یکنواختی متن ترجمه شده می‌کاهد. یکی دیگر از ویژگی‌های آلفریک قدرت پذیرش انتقادات و در مقابل ایرادهایی بود که بر کار ترجمه او می‌شد. بیشتر این انتقادات از سوی مترجمان و علمایی آرائه می‌گردید که معتقد به وفاداری بیشتر به متن اصلی بوده و شیوه ترجمه آزاد را که توسط آلفریک پیشنهاد می‌گردد نمی‌پسندیدند (آموس ۴: ۱۹۲۰).

۲۰۱۰-۲۰۴ موسی میمون (از ۱۱۳۵ تا ۱۲۰۴ میلادی (Moses, Maimonides) قرن دوازدهم میلادی شاهی یکی از بزرگترین علمایی بود که پایه‌گذار و بنیادگذار کارهای علمی در دهه و سده‌های آینده محسوب می‌شد. نام اصلی او "ابو عمران موسی ابن میمون ابن عبید..." بود. میمون یک فیلسوف حقوقدان و فیزیکدان یهودی بود که به زبانهای عربی و عبری تسلط کامل داشت. پدر او "میمون" نام داشت و از علمای مشهور زمان خود بود. موسی در خدمت اوبه کسب علم و معرفت پرداخت. آثار برجسته او عبارتند از:

الف: عبادات و تفکرات روحانی (۱) (Millotha - Higgayon)
مطالعه‌ای در باب واژه‌های منطق و علم معقولات و فلسفه نظری

ب: کتاب احکام (Books of Precepts) به زبان عربی

ج: "قوانین اورشلیم" به زبان عبری

اگرچه "میمون" را کمتر به عنوان مترجم شناخته‌اند، مع هذا توجه خاص اوبه مسایل مربوط به ترجمه مبدا الهام برای مترجمان نسل‌های آینده بود. او شیوه ترجمه "واژه به واژه" را قویاً محکوم نموده و آنرا مضر و

دانست . او میگوید ".... ترجمه کلمه به کلمه باعث پیدایش یک ترجمه مغشوش و مخدوش خواهد بود" (نایدا ۱۴ : ۱۹۶۴ Nida) .

۲۰۱۰۲۰۶ جفری چوسر (از ۱۳۴۰ الی ۱۴۰۰ میلادی Geofry Chaucer) علی رغم اینکه جفری چوسر به عنوان یک نویسنده بزرگ شهرت یافته است مع هذا او را می توان در زمره مترجمان نیز بحساب آورد . داستانهای معروف او چون "مالیبو" (Malibee) "بوئرس" (Boerce) و داستانهای کشیش (Parson's Tales) ترجمه محسوب می شدند و از طرفی "داستان شوالیه" (Knight's Tale) و نوعی اقتباس تلقی می شود (ماخن ۱۹۸۵:۲ Machan) . بطور کلی بخشی از مجموعه عظیم آثار چوسر را می توان ترجمه بحساب آورد . یکی از مشکلات ارزشیابی آثار چوسر و سایر مترجمان قرون وسطی این است که آنها معمولاً از زبان صریح شیوه ترجمه خود سربا زده اند و بسیاری از ارزشیابی ها و نتایج بدست آمده حاصل کنکاش محققین معا ضربوده است . طبق نظر "ماکن" تکنیک و شیوه کار چوسر و انتخاب او از کلمات برای ترجمه متن از زبان اصلی بر این منوال بوده است که او از نحو زبان انگلیسی در تبیین و تظا هر قواعده نحوی زبان مبدا استفاده می کرده است و شیوه استفاده از سبکهای مناسب و آرایش و پرداخت کلمات و اصطلاحات در متن ترجمه شده نشان دهنده لیاقت شایستگی و تبحر چوسر در ترجمه است (Machan ۱۹۸۵:۱۰) .

"ماخن" شیوه "چوسر" را در استفاده از کلمات زبان مادری در ترجمه

آثار به سه جزء تقسیم می کند :

- ۱- ترجمه های پیش بینی شده
- ۲- ترجمه های پیش بینی نشده .
- ۳- کپی گری (calque)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۴۵

در این شیوه، از شبیه‌ترین وجوه نحوی و معنایی در زبان مقصدجهت جایگزینی کلمات در زبان مبدأ استفاده می‌شود. در حقیقت یک تکواژ از زبان مقصد جایگزین تکواژی از زبان مبدأ می‌گردد.

به نحوی که شباهت در معنی و صورت حتی الامکان محفوظ بماند. در این نقل و انتقال نحوی - معنایی قواعد حاکم بر زبان مقصد حاکمیت می‌یابد.

۴- اصطلاحات

"چوسر" علی‌رغم عدم مقبولیت اصطلاحات در انگلیسی قرون وسطی بنحوی شایسته‌ای از آن سود می‌جوید. در ترجمه اصطلاحات، یا از ترجمه واژه به واژه استفاده شده و یا مفاهیم واقعی عبارت و یا اصطلاح برگردان شده است

(Machan ۱۹۸۵: ۲۱-۱۴)

آن گونه که "ماخن" نقل می‌کند، "چوسر" از روش "ترجمه مرکب" (combined translation) استفاده می‌نموده است. بدین معنی که اگر تکواژهای بکار رفته در زبان مقصد با تکواژهای متون اصلی به زبانهای لاتین و فرانسه که معانی مربوط را به صورت ضمنی یدک می‌کشیدند همطرازی نمی‌نمودند، "چوسر" از هر دو تکواژ بهره می‌گرفته است. از طرف دیگر "چوسر" در استفاده از "قرینه" (doublets) تبحری تام داشته است و در هر کجا که ایجاب می‌نموده در مقابل یک کلمه یا یک تکواژ لاتین یا فرانسه از دو عبارت هم معنای انگلیسی استفاده می‌نموده است. برای مثال در مقابل کلمه لاتین Inquam که در فرانسه معادل "dis" یافته است، چوسر از عبارت " Answeride and said " استفاده نموده که هر دو از نظر صورت و فرم متفاوت لیکن از نظر بار معنایی در ارتباط با متن یکسان اند (Machan ۱۹۸۵: ۳۵). شیوه دیگری که "چوسر" در ترجمه بکار گرفته روش "اقتباس" (adoption)

در اختیار نمودن کلمات زبانی مبداء و بکار بردن آنها در زبان مقصداست .
 "چوسر" از دونوع "اقتباس" سودجسته است .

الف - استفاده از کلماتی که در زبان مقصود وجود داشته و ریشه آن با
 معادل آن کلمه در زبان مبداء قرابت داشته است .

ب - استفاده از کلمات زبانی مقصود یا زبان مرجع که سابقه ای از آن در -
 واژگان زبان انگلیسی وجود نداشته است . (Machan ۱۹۸۵:۴۶)

در ترجمه اجزاء نحوی ، چوسر به جای تبعیت از زبان مبداء به ترجمه
 آزاد رغبت نشان می دهد . در مواردی که ابهام در صفات مطلق وجود داشته
 است چوسر با استفاده از عبارات کامل از زبان مقصود مقابل تکواژهای
 زبان مبداء به رفع ابهام پرداخته و ترجمه سلیس ارائه نموده است . این
 تکنیک در نوع خود جالب و ابتکاری بوده است (Machan ۱۹۸۵ :۷۰) .

در ارتباط با سبک ترجمه ، تکنیک و شیوه ای که "چوسر" استفاده نموده
 شیوه ترجمه مضاعف (double translation) است بدین معنی که
 او در ابتدا کلمات لاتین را معادل سازی نموده و سپس معادل فرانسه آنرا
 بعنوان یک پشت بند معنایی قید کرده است (Machan ۱۹۸۵:۷۹) .

آنچه ذیلاً درج میگردد ویژگیهای متمایز ترجمه "جفری چوسر" است که
 در ترجمه سایر مترجمان مشاهده نشده است :

الف - در مواردی که به اسم خاص در زبان مبداء برخورد ، مرجع آنرا
 نیز قید نموده است . برای مثال متذکر شده است که اسم مورد نظر به کوه ،
 رودخانه ، شخص و یا جسم دیگری اشاره دارد .

ب - در موارد عطفی (appositions) از عبارت "that is to seyn"
 برای جدا ساختن اسم و عبارات عطفی استفاده کرده است .

ج - از عبارات و جملات پیوندی (cleft sentences)

و نیز عبارات مبتدی بی مرجع (empty introductory clauses)

استفاده نموده است .

بطورکلی ، ما خن برایین عقیده است که " جوسر " در ترجمه متون بیشتر به ترجمه لغوی (واژه به واژه) و توانمان با آن دقت و صحت معنایی رغبت داشته و کمتر به خلق یک شاهکار از نقطه نظرسبک میل نموده است (۱۰۶ — ۱۹۸۵:۱۰۴) .

آموس می گوید که جوسر در عصر خود عنوان مترجم بزرگ داشته است

(Amos ۱۹۲۰:۹)

۲۰۱۰۲۰۶ جان ویکلیف (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۴ John Wycliffe)

ویکلیف از مصلحان مذهبی زمان خود بود . در سال ۱۳۷۲ به مرتبه تخصص در علوم الهی ارتقاء یافت و پس از آن به نوشتن تفسیر بر آنچه " قانون خدا " می نامید پرداخت . منظور او از "قانون خدا " کتاب مقدس انجیل حضرت مسیح بود .

یکی از تصورات غلطی که بر ذهن همه مترجمان دوره قرون وسطی حاکمیت داشت ترس از ترجمه بخش و یا تمام کتاب مقدس انجیل به زبانهای مختلف بود . تصور بر این بود که اگر در ترجمه متن کتاب مقدس انجیل به زبانهای مختلف تعدد کلمات و فراوانی و بسامدی واژه ها رعایت نشود و در معادل یابی در زبان مقصد زیاده روی گردد نسبت به متن اصلی خیانت نا بخشودنی شده و از این امر بیدالزاما " اجتناب نمود . بدین ترتیب مترجمانی که به ترجمه کتاب مقدس انجیل و یا کتب مذهبی دیگر می پرداختند تمام هم خود را مصروف با آفرینی دقیق کلمات و حتی معادل یابی وجوه مختلف با توجه به بار کمی و کیفی متن اصلی می نمودند (آموس ۱۹۲۰:۵۸) .

در ترجمه کتاب مقدس انجیل دو نظریه رویارو قرار داشتند . از اوایل قرون وسطی به بعد نظریه کاتولیک ها (Catholic Views)

دال بر مشکل بودن ترجمه کتاب مقدس انجیل حاکمیت داشت و ما حينظران و خبرگان سعی می نمودند مترجمان را از ترجمه این آثار بازدارند و در موارد ضروری و اضطراری بروفا داری کامل مترجم به متن اصلی بدون هیچ گونه ابداع و خاشیه روی تاکید می نمودند (آ موس ۵۷: ۱۹۲۰ Amos).
 در بخش پا نزدهم کتاب پلارد (Polard) با عنوان "پا نزده قرن نظم و نثر" نکته ای جالب در باب ترجمه انجیل مقدس توسط "ویکلیف" و نظرا و آ مده است که عینا "نقل می شود :

"بهترین نوع ترجمه آن است که مترجم با عنایت به جمله و نه کلمه به ترجمه مبادرت نماید
 بنحوی که جمله ترجمه شده برگردان با زوآزادی از متن اصلی باشد.... جمله ترجمه شده باید کامل و آزاد باشد زیرا کلمات فقط وسیله بیان مقصود جمله اند."

ویژگی عمده ترجمه "ویکلیف" روانی و آزاد بودن سبکی است که در ترجمه بکار رفته است .
 در اوایل قرن پا نزدهم ، شورای ولایتی و نمایندگی پا پ فرمانی به شرح زیر صادر می نماید . این فرمان نشانگر جو حا کم و فشا رهای تعمیلی بر مترجمان آن زمان و محدودیت هایی است که آنها با آن روبرو بوده اند :

"درآینده هیچکس حق ندارد بدون اجازه مبادرت به ترجمه کتب مقدس به زبان انگلیسی نماید . از سویی هیچکس حق ندارد کتاب ، جزوه یا رساله هایی را که اخیرا "توسط شخصی بنام " جان ویکلیف" (ویا افرادی پس از او به تبعیت از او) ترجمه شده و یا حتی آن قبیل کتبی را که درآینده تالیف

و تصنیف خواهد شد بخواند، هر کس چه در خفا و چه آشکارا

به این امر دست زند مورد تکفیر واقع خواهد شد.

(نقل از دایره‌المعارف آکادمیک آمریکا ۱۹۸۷)

۲۰۱۰۲۰۷ کولوسیو سالوتاتی (۱۳۳۱ تا ۱۴۰۶ Coluccio Salutati)

سالوتاتی از ادباء عصر خود و رئیس شورای ادبی فلورانس بود. در ضمن

نامه‌هایی که به دولت‌مردان و سران کشورهای مختلف نوشت نظریات فلسفی

و عقاید خود را در باب ادبیات و نقد ادبی آشکار ساخت. در مقام یک ادیب،

سالوتاتی توصیه نمود که "کلمه" به عنوان واحد کلام و در سطح تجرید شمرده

شود اما به عنوان یک عالم علم بدیع برای امر اصرار داشت که "کلمه"

به عنوان واحدی از یک متن منظور گردد بنحوی که مفاهیم آنها در ارتباط

و در تقابل با سایر کلمات بکار رفته قابل استنباط باشد. بدین ترتیب

بنظر "سالوتاتی" ترکیب بافت و سبک عامل اصلی برای تعیین معانی

کلمات و مرجع‌های مربوط به آنهاست و هیچ کلمه‌ای فارغ و خارج از چهار

چوب متن نمی‌تواند مفهوم مطلق داشته باشد.

سالوتاتی توصیه نموده است که مترجمان در ترجمه آثار به شیوه‌ای عمل

نمایند که حاصل کار آنها متون و ساختارهای "مطلوب" (Pleasant)

باشد. او معتقد بود که اگر مترجم در ترجمه متن سعی به جایگزینی لغوی

و واژه به واژه نماید کار عبثی را پی گرفته و هرگز ترجمه مطلوبی به دست

نداده است. به نقل از مورتون (Morton)، "سالوتاتی" توصیه

می نموده که ترجمه باید شبیه به :

"... بذریابی بریک زمین بکربا شد و حذف و اغافات

بطریقی صورت پذیرد که عنداللزوم جان کلام را در

متن خلق شده بنمایاند.

(۱۹۸۵:۷۰)

۲۰۱۰ تا ۲۰۰۸ مانول کریسولوروس (۱۴۱۵ تا ۱۳۵۳) (Manuel Chrysoloros) کریسولوروس یکی از علمای یونانی و پیشتر از تدریس زبان یونانی بود. کتاب دستور زبان یونانی و با عنوان "Erotemata Sive Questiones" "مقبولیت تام یافت. در این کتاب تئوری جدیدی از آموزش زبان ارائه شده که بر مبنای آن آموزش زبان از طریق سوال و جواب صورت می پذیرد. کریسولوروس کتاب هومر با عنوان "اودیسه" و کتاب "جمهوری" افلاطون را به زبان لاتین برگردان نمود. در ترجمه های او نوسانی بین سبک محاوره ای (Conversational Style) و سبک و شیوه استفاده از واژه های معادل محسوس است. تا حدی می توان گفت که سبک ترجمه او حرکتی بسوی ترجمه آزاد و رهایی از قیود دست و پا گیر ترجمه و از به واژه بوده است.

(مورتون ۱۹۸۵:۴۶ Morton)

۲۰۱۰ تا ۲۰۰۹ جان لیدگیت (۱۳۷۰ تا ۱۴۵۰) (John Lydgate) لیدگیت یکی از شعرای انگلیسی زبان است. به مطالعات مذهبی علاقه وافر داشت و از این رو در سال ۱۳۹۸ به خدمت رهبانیت در آمد و سپس به مقام کشیش ارتقاء یافت. آثار برجسته او عبارتند از "کتاب ترویا" (The Troy Book) برداشتی از کتاب (Historia destructionis troiae) اثر "گیدودل کولون" (Guido del Colonne) "محاصره تبسس" (The Seige of Thebes) اثر یک نویسنده گمنام فرانسوی با عنوان (Theban Legend) و "سقوط شاهزاده" (The Fall of Princis) اثر بوکاچیو (Boccaccio) با نام (Decasibu Virorum)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۵۱

Illustrium). تا شیرنظریات لیدگیت را می‌توان در شاگرد

اوبنام "ازبورن بوکنهام" مشاهده کرد.

۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ (Osbern Bokenham ۱۴۴۷ تا ۱۳۹۳)

بوکنهام نویسنده مشهور انگلیسی و شاگرد "جان لیدگیت" بود. کتاب

اوبنام "افسانه‌های زنان مقدس" (Legends of Holy Women)

شامل دوازده داستان در مورد دوازده زن مقدس است. احتمال زیاد می‌رود

که بوکنهام در خلق این اثر از کتاب "افسانه‌های زنان نیکو خصال" نوشته

"جوسر" الهام گرفته باشد.

در ترجمه متون، بوکنهام به تاسی از "جروم" و سایر علمای قبل از خود

از ارائه هر نوع ترجمه واژه به واژه خودداری نموده و آنرا مطرود دانست.

در عوض به ترجمه جمله به جمله و حتی مفهوم به مفهوم رغبت بسیار داشت.

البته برای این نکته نیز اذعان داشت که در موارد ضروری، وفاداری به کلمات

ساختارها و سبک نویسنده نیز لازم است. از طرف دیگر توصیه نمود که اگر مفهوم

متن اصلی محکوم به دیگرگونی باشد شایسته است که ساختار جمله تغییر یابد

و فی المثل در هر کجا که لازم است جملات معلوم بجای مجهول و بالعکس

بکار رود. مع هذا تحت هیچ شرایطی فدا کردن مفهوم را جایز ندانست.

گفته بوکنهام به نقل از "موس" مبین تکنیک و سبک ترجمه اوست:

"ترجمه واژه به واژه پس از شعار "جروم" مطرود

است. آنچه مراد است ترجمه جمله به جمله است."

(Amos ۱۶: ۱۹۲۰)

۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ ویلیام کاکستون (از ۱۴۲۲ تا ۱۴۹۰ William Caxton)

در تاریخ انگلستان، کاکستون اولین نفری است که به چاپ کتب به

زبان انگلیسی همت گمارد. او نه تنها چاپ کننده کتب سایر نویسندگان بود بلکه خود نیز از زمره مترجمان محسوب می‌شد. اثر ادبی برجسته و ترجمه کتاب "تجدید خاطرۀ تاریخ ترویا (The Recuyell of the Histories of Troy) اثر راؤل لوفوره (Raoul Le Fevre) می‌باشد. این کتاب اولین کتابی است که به زبان انگلیسی و در انگلستان به زیور طبع آراسته شده است.

در بعد ثنوی، بنظر می‌رسد که کاستون ملاک و معیار ترجمه را درک و ارزش‌گذاری خوانندگان خود می‌دانست و معتقد بود که هدف ترجمه باید جلب رضایت و خوشایندی خوانندگان باشد. معیاد در عمل خلاف آنرا ثابت نمود و خود بر اصلی که معتقد به آن بود پای بند نبود. "مورتون" معتقد است که کاستون در ترجمه آن رضایت خوانندگان عادی و عامی را نطلبیده و بدنبال جلب رضایت اشراف زادگان و طبقاتی بوده است که با صلاح او "عشق و دوستی درک صحیحی دارند" (Morton ۱۹۸۵:۳۹)

۲۰۱۰-۲۰۱۲ لئوناردو برونی Leonardo Brouni (۱۳۶۹ تا ۱۴۴۴ میلادی)
(وی بیشتر بنام لئوناردو آرتیتینو Artetino شهرت داشته است.)
"برونی"، ادیب ایتالیایی، بخاطر ترجمه آثار کلاسیک یونان شهرت فراوان یافت. "برونی" با ترجمه آثار افلاطون، ارسطو، گزنفون و دموستنس خطیب مشهور آن (قرن چهارم قبل از میلاد) زمینه ساز برپایی نهضت رنسانس شد.

"برونی" سعی نمود در ترجمه آثار جدا جدا لغات بین ترجمه لغت و (Philological translation) و ترجمه معنایی را رعایت کند و به وقت ضرورت از هر دو سودجوید. "برونی" برای امر تا کید نمود که مترجم نباید مفهوم را فدای واژه و واژه را فدای مفهوم نماید بلکه باید

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۵۳

در هر دو جنبه تعادل بوجود آورد، به عبارت دیگر "برونی" معتقد بود که نه "شیوایی و زیبایی سبک" و نه "مفهوم" باید بر یکدیگر اولویت یا بند و قربانی یکدیگر گردند بلکه هر دو باید به فراخور حال و موقعیت متن مطمح نظر قرار گیرند (مورتون ۱۹۸۵: ۴۳). بنظر او تنها ترجمه‌ای را می‌توان موفق و از قدرت بیان مقصود برخوردار دانست که متن اصلی با تمام ظرایف و محسنات و ویژه آن در زبان مقصد بازآفرینی شود و معادل‌های هر دو زبان در رویارویی از قدرت بیان مفهوم خوب و مناسب برخوردار باشند. در ارتباط با توانایی‌های مترجم، "برونی" معتقد است که مترجم باید تسلط کامل به دوزبان مبدأ و مقصد داشته باشد. معتقد است که مترجم حتی المقدور از حذف و اضافات بهره‌برداری و از شیوه اقتباس (imitation) بهره‌گیرد. به نقل از "مورتون" برونو معتقد بود که مترجم باید هنرمندی قابل نیز باشد و در ترجمه "به بازآفرینی تصویری از مولف" بپردازد و بنحوی که "حرکات، رفتار و حالات نویسنده طابق النعل به نعل منعکس گردد و رد پای حرکات و سکنات مترجم در آن دیده نشده و محتوای ابداً غایت مترجم نباشد (Morton ۱۹۸۵ : ۴۴-۴۳)

۲۰۱۰۲۰۱۳ گیانزو مانیتی (Giannozzo Manetti)

"مانیتی" را می‌توان در بعضی جهات شبیه "برونی" دانست اگر چه در پاره‌ای از جهات از او متمایز است. مانیتی به امتزاج تئوری و عمل بیش از "برونی" معتقد بود (مورتون ۱۹۸۵: ۴۵). همانند "برونی" معتقد بود که مترجم باید بر دوزبان مبدأ و مقصد تسلط کافی و وافی داشته باشد معیناً "مانیتی" بر این نکته اصرار ورزید که دانش زبانی مترجم نباید در حد دانستن دوزبان محدود گردد بلکه باید از تمام می‌زیروبم‌ها، متعلقات و فرهنگ‌های وابسته به آنها نیز برخوردار باشد. "مورتون" به نقل از مانیتی

می‌گوید که آنچه مترجم با یدازد و زبان مورد نظر بداند :

"جنبه‌های عمومی زبان نیست بلکه مترجم با ید اطلاعات دقیق ، کامل و مبسوطی از دانش پیرامونی زبان داشته باشد ، با شعرا و نویسندگان و تاریخ‌نویسان و فرهنگ‌نویسان آن دوزبان آشنا بوده و - آثا منتقدان ، نویسندگان و فلاسفه را خوانده باشد"

(مورتون ۱۹۸۵:۴۶)

همانند "برونی " ، "مانتی" ترجمه را یک هنر با آفرینی نامید که در آن متن اصلی به طریقی با آفرینی می‌شود که نه تنها افکار و مفاهیم به صورت سیستماتیک و با صحت منعکس می‌گردد بلکه اصلیت متن هم از نظر جمله‌پردازی ، نوع سبک نگارش و تعلقات نیز محفوظ می‌ماند. البته به این نکته اعتراف نمود که در صحت و دقت ترجمه با ید معیار تقریب در نظر گرفته شود زیرا که لایق یک ایده آل است .

"مانتی" معتقد بود که وقتی زبانها را بر یکدیگر قرار می‌گیرند ، تنها دستیابی به معادل‌های همپایه و شبیه‌ونه یکسان میسر است . به عبارت دیگر در دوزبان مورد نظر نمی‌توان واژه‌هایی یافت که دقیقاً قابل برابری نحوی و معنایی باشند . به گفته "مورتون" ، "مانتی" معتقد بود که در ترجمه یک متن تنها تصویری از یک متن اصلی در حد کمال آن "قابل انتظار است (مورتون ۱۹۸۵:۴۷) . وظیفه مترجم آن است که با افزودن و خلط اصطلاحات مناسب و ارائه برابرهایی مناسب متن ترجمه شده را روح و غنا بخشد بطوریکه ترجمه‌های به‌شمار رسیده حالت بیگانگی نداشته و آن‌ها بوی غربت بر مشام ننشینند .

در دوران اول قرون وسطی، حالت آشفته‌ای که از دوران قبل از مسیحیت نشأت گرفته بود همچنان ادامه یافت اگرچه فعالیت‌های درزمینه تئوری ترجمه بطورجسته گریخته اما نه فراگیرانجام می‌گرفت. انگیزه‌های جدید، علما را به خلق تئوری‌های نوین درزمینه ترجمه تشویق و ترغیب می‌کرد گفته "جروم" که ترجمه با دیدبراصل تقابل "مفهوم به مفهوم" باشد و نه بر روند "واژه به واژه" یکی از اساسی‌ترین ابتکارات و نوآوری‌هایی بود که سکوت دهه‌ها و قرن‌ها را شکست و تغییرات اساسی و بنیادی در ترجمه پدید آورد. علت اینکه دوران سکوت به درازا کشید احتمالاً این بود که علمای یونان به ترجمه علاقه چندانی نداشتند و به این هنر ظریف رغبت نداشتند و از سویی زبان‌های دیگر را در مقایسه با زبان یونانی از مرتبه‌ای پائین تر و سفلی‌تر برخوردار می‌دیدند. رومی‌ها نیز ترجمه کتاب را از یونانی به زبان لاتین چندان مقبول و مطلوب نمی‌دیدند و با مسئولیت یا دگیری زبان یونانی را بر همه اهل علم و ادب فرض می‌داشتند. مع هذا وقتی رومی‌ها بر اروپا و بطور جامع تر بر دنیای غرب زمان خود حاکمیت مطلق و تادمیافتند زبان لاتین را بر همه ملت‌های تحت قیمومیت خود تحمیل نمودند و این تحمیل به تمام می‌جهان علم و ادب گسترش یافت. هر نوع نوشته به زبانی به غیر از لاتین جزء مهملات قلمداد می‌گردید و مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت. طبیعی است که در چنین شرایطی متون ترجمه شده نیز مشمول این محکومیت قرار می‌گرفتند و با مترجمان نیز به همان شیوه رفتار می‌شد که با مولفان و نویسندگان معمول می‌گردید.

در قرن هشتم میلادی، مدرسه زبان‌شناسی "تولدو" (Toledo) نقش عمده‌ای در بخش و انتقال میراث فرهنگی اسلام ایفا نمود و مع الاسف در تاریخ این نهضت و یا بهتر بگوئیم رنسانس اسلامی نام "تمدن عرب" به

خود گرفته در حالیکه حرکت‌های اسلامی در همه ادوا را از صدر اسلام تا امروز نشأت یافته از فکر و عمل بزرگانندیشان همه ملت‌های مسلمان بوده است. به هر تقدیر از طریق این مرکز مهم علمی و فرهنگی، فلسفه یونان قدیم — از دیگر به جوامع غرب معرفی گردید. این حرکت نوین تا پایان قرن چهاردهم میلادی ادامه داشت. عقاید، افکار و ایدئولوژی اسلامی هم او نظر معنوی و هم از نقطه نظر مادی زمینه ساز ظهور و وقوع رنسانس گردید و پیشرفت‌های چشمگیر قرن‌های بعد را پایه گذاری کرد. ترجمه‌هایی که توسط علمای مکاتب "تولدو" و "کوردوا" (Cordeva) انجام یافت مکتب ادبی جهان غرب را بیش از پیش غنی ساخت و بر اعتبار آن بیفزود.

در قرن نهم، راهب‌ها و راهبه‌های علم‌اندوخته و تحصیل کرده همست والایی در اشاعه علم و ادب معمول داشتند و از طریق ترجمه‌های غنی از آثار فلسفی و علمی مصدر خدمات برجسته‌ای در راه گسترش و پیشرفت علم و ادب گردیدند.

شور و اشتیاق پادشاه آلفرد کبیر در قرن دهم نسبت به جمع آوری کتب و آثار هنری، فلسفی و مذهبی و ارائه آنها به زبان انگلیسی مشهور مترجمان گردید تا به ترجمه آثار برجسته روی آورند. مترجمان از این موهبت برخوردار شدند که با فکری با زوآزادانه نسبت به معیارها و ارزشیابی‌های اسلاف خود دوباره اندیشی نموده و به بنیاد نهادن استانداردهای نوین همت نمایند. آلفرد کبیر خود نیز در این کوشش سهیم بود و علاوه بر ترجمه‌هایی که ارائه نمود، مقدمه‌های فراوانی بر آثار ترجمه شده دیگران نوشت.

از قرن سیزدهم میلادی تا پایان قرن پانزدهم، ترجمه به عنوان یک هنر نضج و آفریافت و هم در بعد کمی و هم در بعد کیفی به پیشرفت‌های شگرفی دست یافت. اعتبار یافتن ترجمه‌هایی که بر اصل "ترجمه مفهوم به مفهوم" انجام یافته بود و مطرود ماندن ترجمه‌هایی که از این اصل تخطی نموده و هم

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۵۷

چنان بر شیوه "ترجمه" واژه به واژه "عینیت می‌افتند" زیکسو و بحث وجدل در ارتباط با "ترجمه لغوی" در برابر "ترجمه آزاد" از دست آورده‌ای این دوران است که نه‌ای "به ابداع و خلق تئوری‌های نوین ترجمه منتهی شد.

آنچه در زیر ملاحظه می‌شود فهرست ویژگی‌های اساسی ترجمه‌های انجام یافته در قرون وسطی و با لاص در قرن‌های سیزدهم الی پانزدهم میلادی است:

۱- در ترجمه متون، وفاداری به محتوای متن اصلی مقبولیت تمام

یافت.

۲- بعضی از مترجمان در ترجمه‌های خود عبارت "ترجمه من" را فراوان بکار بردند و تکرار این عبارات این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که احتمالاً ترجمه‌های دیگری نیز از متن مورد نظر وجود داشته است.

۳- در بعضی موارد، تصنیف، تالیف و ترجمه از حالت انتزاعی خود خارج شده و عمدتاً "به یک عمل اطلاق می‌شد و گاهی تمیز دادن آنها مشکل بنظر می‌رسد. برای مثال کتب ویلیام کاکستون را می‌توان از این مقوله دانست.

۴- مترجمان کمتر از تئوری سخن گفتند و اگر نظریه ویژه‌ای داشتند یا بطور ضمنی عرضه داشته‌اند و یا از آن سخنی بمیان نیاورده‌اند.

۵- اغراق و زیاده‌روی در وفاداری به متن تا حدی معمول گردید که عباراتی چون:

الف - "نظور که از داستان برمیاید"

ب - "نظور که در داستان آمده و از آن استنباط می‌شود"

ج - "نظور که کتاب می‌گوید و انسان‌های واقعی نیز چنین گویند"

د - "نظور که انسان‌های آگاه می‌گویند"

ه - "من نیز شنیده‌ام و می‌گویم"

در اغلب ترجمه‌ها به چشم می‌خورد (آموس ۲۲-۲۱ : ۱۹۲۰ Amos).

۶- نوعی تکنیک خاص که شاید بتوان نام "ترجمه مکرر"

(echo translation) (یعنی ترجمه بر روی ترجمه انجام یافته)

بر آن نهاد ابتدا بوسیله پادشاه آلفرد کبیر بکار گرفته شد ولی مورد

استقبال سایر مترجمان زمان واقع نگردید.

۷- مترجمان در برخورد با کلمات بیگانه که معادل در زبان مقصد

نداشتند دچار مشکل بزرگی شدند و بجای واژه آفرینی (Coining)

به تکرار همان کلمات رغبت نشان دادند. آموس (Amos) مورد خاصی

را ذکر می‌کند که مترجم در ذکر توصیف پرندهای که کودکی را به منقا رکشیده و

با خود میبرد می‌نویسد: "..... griffin (عنقا یا سیمرغ) (۱) نظور

که کتاب ... (۲۴-۲۳: ۱۹۲۰).

۸- هر کجا که وزن و قافیه متن اصلی با وزن و قافیه زبان مقصد

و خصوصاً " زبان انگلیسی مطابقت نداشته است مترجمان از استفاده از کلمات

تی که فقط نقش پرکننده فواصل داشته و به معنی متن مربوط نبوده است

دریغ ننموده اند (آموس ۲۴: ۱۹۲۰)

۹- در این دوران ابتکار جدیدی توسط مترجمان بویژه لیدگیست

(Lydgate) و کاکستون (Caxton) باب و تفسیر نویسی و نگارش

مبسوط پیرامون متن اصلی همراه با ترجمه معمول گردید.

۱۰- مترجمان کم تجربه و شهرت نیافته خود را در مقابل مترجمان

بزرگ کم بهاتر یافتند و چون در انجام دادن کاری که در دست داشتند بر خود

و توانایی خود مطمئن نبودند به نوعی " خوددودن - نگرانی "

(self-inferiority-type) دچار گشتند. آموس (Amos) نقل

می‌کند که مترجمی بنام " مری لونلیج " (Mary Lonelich) در ترجمه

خود به عذرخواهی تشبیه یافته و از بروز نقایص احتمالی از خوانندگان

۱- به گفته "آموس"، مترجم معنی خاصی برای کلمه griffin ارائه نداده است

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۵۹

خود عذرخواسته است عذرخواهی شعرگونه^{۱۱} او به شرح زیر است :

"And I, as an unkonning man trewly into
English have drawen this story; and
thowgh that to you not plesying it be,
yit that ful excused ye woulde haven me
of my necligence and unkonning."

(Amos ۱۹۲۰:۳۱)

۱۱- در قرون چهاردهم و پانزدهم آنچه از ترجمه مراد داشتند بیشتر
ارائه یک استدقیق و منطق با متن اصلی بودند خلق یک ترجمه آراسته.

(Machan ۱۹۸۵:۱۱۲)

۲۰۱۰۳ نهضت ترجمه در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی یا دوران پس از

رنسانس

قرون وسطی بطور اتفاقی و ناگهانی به پایان نرسید. در سالهای بین ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی وقایع مهمی روی داد که به آوج گیری خردگرایی (intellectualism) و تفوق اندیشه در امور انسانی منتهی شد. استانداردهای حیاتی و زیستی تغییر یافت و دگرگونی های شگرفی در توقعات انسانها پدید آمد.

واژه "رنسانس" ما خود از یک کلمه فرانسوی است که به معنی (حیات دوباره rebirth) بکار رفته است و در اصل به معنای تجدید حیات ارزشها و سبکهای هنری عصر کلاسیک و باستان آمده است. چهره مشخص و اصلی این تجدید حیات هنری و با زگشت به سوی عصر تمدن شکوفای کلاسیک و میراث گرانبهای عهد کهن شخصی بنام "پترارک" (Petrarch) بود که تمام تلاش خویش را متوجه گردآوری آثار و اسناد یونانیان نمود. عهد کهن و تمدن و هنر مربوط به آن حیات دوباره یافت و مورد تحسین قرار گرفت.

مترجمی بنام "ماسیلیو فیسینو" (Massilio Ficino) ترجمه های جدیدی از آثار افلاطون عرضه داشت و ترجمه کتاب انجیل "ایراسموس" (Erasmus) به زبان لاتین گرایش جدیدی را در ترجمه بنیاد نهاد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۶۱

شخصیت‌هایی که در این برهه از زمان به شکل‌گیری و توسعه تئوری ترجمه در قرون شانزدهم و هفدهم کمک موثر نمودند به شرح زیر اند:

۲۰۱۰۳۰۱ مارتین لوتر (۱۴۸۳ تا ۱۵۴۶ Martin Luther)

"لوتر" یک کشیش، عالم و محقق کتاب مقدس انجیل و یک زبان‌شناس خبره بود. در سال ۱۵۰۷ خود به‌جا معیت حاکم بر کلیسا حمله کرد و خودمداری‌های روحانیت را نکوهش نمود. و از طریق سخنرانی‌های جامع‌ای که بر طلاب و دانش‌جویان خود عرضه داشت زمینه نهضت اصلاحات مذهبی را بنیان نهاد.

در قرن پانزدهم، در میان مترجمان و به‌ویژه دانش‌پژوهان، میل به ترجمه کتاب انجیل مقدس به زبان‌های مختلف فزونی گرفت. این گرایش به میل به ایجاد اصلاحات مذهبی تعبیر شد. ترجمه کتاب انجیل مقدس به زبان آلمانی که توسط "لوتر" بازآفرینی شده بود در سال ۱۵۳۴ چاپ گردید (رابین ۱۰۰: ۱۹۶۷). نظر "لوتر" بر این بود که کتاب مقدس انجیل وقتی می‌تواند در میان ملل مختلف کارآیی داشته باشد که به زبان آنها ترجمه گردد. در نظر "لوتر" ترجمه وقتی با ارزش است که متن ترجمه شده سلیس و روان و قابل درک باشد بنحوی که عوام مردم متن آنرا بفهمند. پس، از نظر او معیار اصلی یک ترجمه شایسته میزان روانی و قابلیت فهم (intelligibility) آن است. "لوتر" همچنین برای این نکته اصرار داشت که "قابلیت فهم" باید هدف اساسی هر ترجمه باشد (ناید ۱۵-۱۴: ۱۹۶۴ Nida). ناید تکنیک‌های مترجمی لوتر را در ارتباط با واژه‌یابی کلماتی که در زبان مقصد معادل نداشته‌اند به شرح زیر عنوان می‌نماید:

۱- تغییر در ساختار جملات و درهم‌ریزی ترتیب کلمات (تغییر)

۲- بکارگیری واژگون افعال معین (اضافه)

۳- افزودن کلمات ربطی لدی الاقتضاء (اضافه)

- ۴- حذف کلمات عبری و یونانی که در زبان آلمانی معادل نداشته‌اند .
 - ۵- معادل سازی یک عبارت از زبان مقصدبجای (گسترش)
یک واژه از زبان مبدا
 - ۶- تغییر عبارات اصطلاحی به عبارات توصیفی و بالعکس (ساده سازی)
 - ۷- توجه دقیق به کونا کونی و تنوع متون (ناید ۱۵-۱۴: ۱۹۶۴)
(آنچه در پیرانتز آمده افزوده شده است)
- "کلی" اظهار میدارد که یکی از عوامل موثر در موفقیت ترجمه کتاب انجیل مقدس توسط لوتر سودیابی و بهره مندی او از نظر مترجمانی است که به عنوان همکار روی دراموردینی، زبان و سنن او را یاری میدادند (۱۸۲ :
- Kelly ۱۹۷۹). "لوتر" اولین کسی بود که اظهار داشت ترجمه خوب فقط در صورتی می‌تواند موفقیت آمیز و رضا ی بخش باشد که مترجم متنی را از یک زبان مبدا به زبان مادری خود ترجمه نماید (شوارز ۱۸: ۱۹۶۳: Schwarz).
- "لوتر" به کرات اسلاف خود را به خاطر ترجمه های لغوی و واژه به واژه ای که ارائه نموده بودند نکوهش کرد. او معتقد بود که نگارش در زبان و - معمولاً من خلق ترجمه های موفق است . (کلی ۱۸۲: ۱۹۷۹: Kelly).
- در قرن بیستم ، برخی از تئوریسین ها ترجمه کتاب انجیل توسط لوتر را مورد انتقاد قرار داده و این ایراد را وارد دانسته اند که او آنقدر درگیر معنا بوده است که اشکال و صور ظاهری کلام التفاتی نداشته و همه جنبه های نوشتاری را فدای معنی کرده است .

۲۰۱۰۳۰۲ ویلیام تاییدل (از ۱۴۹۴ الی ۱۵۳۶ William Tyndale)
"تاییدل" یک اصلاح طلب مذهبی انگلیسی بود به نظر می‌رسد که

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۶۳

در ترجمه آثار از خط و ربط و غوابط "لوتر" پیروی کرده است (نایندل ۱۹۶۴: ۱۵). نایندل کتاب انجیل مقدس و اسفار پنجگانه (Pentateuch)^(۱) را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. میل به اصلاح طلبی او در انتخاب عهده‌سند که در سال ۱۵۱۳ به زندان افتاد و تلاش "کریم‌دول" (Kerim-dol) و سایرین برای نجات وی میسر نگردد و بدو با لاجرم در سال ۱۳۵۶ به دار آویخته شد و جسدش را سوزانند.

نایندل در مقدمه‌اش بر کتاب "بندگی یک انسان مسیحی" (Obedience of

a Christian Man) (صفحات ۱۴۹-۱۴۸) نظریه‌برخی از خبرگان و اهل ادب را رد کرده ترجمه متون از زبان یونانی به زبان انگلیسی مشکل و یا غیرممکن است. به نظر او بین دوزبان یونانی و انگلیسی همسویی و هماهنگی بیشتری وجود دارد تا بین زبان‌های لاتین و یونانی. بنا براین این استدلال را پیشه گرفت که اگر ترجمه متون از زبان یونانی به زبان لاتین مبسوط‌تر است دلیل خاصی برای غیرعملی بودن ترجمه از یونانی به انگلیسی وجود ندارد.

ترجمه کتاب مقدس انجیل توسط نایندل که در سال ۱۶۱۱ منتشر گردید بعداً "بوسیله دستیار او" جورج جوی (George Joye) مورد انتقاد قرار گرفت. او چنین بیان داشت که "ما با دیدن واقعیت صرافت یا بیم که نباید ترجمه انجام شده را بطور مطلق بپذیریم" (آموس ۱۹۲۰: ۴۹) (Amos). سبکی که "نایندل" در ترجمه کتاب مقدس انجیل بکار برد و تکنیک‌های ویژه‌ای که به آن متوسل گردید بر ترجمه کتاب مقدس (نسخه کیسگ جیمز

۱- منظور کتب پنجگانه تورات (یعنی سفر پیدایش، سفر خروج، سفری

زبان، سفر اعداد، سفر تسیبه) که "عهد عتیق" نیز نامیده شده‌اند

(آریا نیور)

King James) تا شرفوق العاده داشت. مترجمان کتاب مقدس انجیل برای این عقیده هستند که کلیه کتب مقدس انجیل که تا کنون ترجمه شده اند به نحوی از انحاء از ترجمه "تایندل" متاثر بوده اند (دایره المعارف بریتانیا ۱۹۸۶).

۲۰۱۰۳۰۳ آلفونسو دومادریگال (Alfonso de Madrigal)

تئوری ترجمه که توسط آلفونسو ارائه گردید کم و بیش حول وحوش همان محور تفاوت بین ترجمه واژه به واژه و ترجمه مفهوم به مفهوم است. در جمع به دو نوع ترجمه قایل است:

الف - ترجمه بیانی (interpretation)

در این نوع ترجمه، مترجم کلمات و واژه های زبان مقصد را در مقابل کلمات و واژه های زبان مبدا قرار می دهد و هیچگونه شرح و بسطی بر آن نمی افزاید. در حقیقت وظیفه عمده مترجم پیدا کردن کلمات مناسب از زبان مقصد برای ادا کردن و بیان مفاهیم در زبان مبدا است.

ب - ترجمه تشریحی (exposition)

در این نوع ترجمه، مترجم خود را مقید به واژه یابی به شیوه مطروحه در ترجمه بیانی نمی نماید بلکه در هر کجا و به هر صورت که صلاح بداند عبارات و یا کلماتی بر مفهوم متن می افزاید و یا از آن می کاهد. به عبارت دیگر در ارائه ترجمه، مترجم خویشتن نگری را نیز جاشنی قرار داده و تجزیه و تحلیل خود را از متن اصلی دخالت می دهد و حاصل ترجمه برداشتی است که مترجم از متن اصلی داشته است.

این تفکیک از مکاتب یونانی قرون دوم و سوم میلادی نشأت می گیرد که در آن ها طلاب و دانشجویانی که به علم و عظمت و خطابه علاقمند بودند به تمرین پرداخته و از دوشیوه زیرین استفاده می کرده اند:

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۶۵

- ۱- ترجمه و بازگردانی عبارات از یک نوع به نوع دیگر در یک زبان و یا به عبارات دیگر معادل یا بی عبارات در یک زبان .
 - ۲- ارائه معادل هایی از نظم به نثر و یا از نثر به نظم طبق اصولی که فن موعظه و خطا به تجویز می نموده است .
- این پدیده تئوری - علمی در طول قرن پانزدهم رواج داشته و بکار گرفته می شده است .

۲۰۱۰۳۰۴ نیکولاس اودال (از ۱۵۰۵ تا ۱۵۵۶ Nicholas Udal)

"اودال" در سال ۱۵۲۴ از دانشگاه آکسفورد فارغ التحصیل گردید. وی نمایشنامه نویسی ، محقق آشنا به زبان لاتین و مدیر مدرسه بود. چندین سال به زندان افتاد. اما با وساطت و تحت توجهات عالیه کاترین ، ملکه هنری هشتم (Henry VIII) آزاد گردید .

"اودال" قسمت هایی از کتاب مقدس انجیل ترجمه شده "ایراسموس" (Erasmus) و "تارترنس" (Terence) را ترجمه کرد .
در زمان " کاکستون " (قرن پانزدهم) برای واژه یابی در ترجمه متون از یک زبان به زبان دیگر معمولاً "دوشیوه متداول بود و بطوریکسان از آنها بهره گیری می شد .

الف - بومی سازی (Naturalization) لغات بیگانه یا به عبارتی وام گیری از زبان مبدا
ب - ریشه یابی واژه های مهاجر در زبان مقصد و بازآفرینی آن در تبیین مفاهیم زبان مبدا .

"اودال" در ترجمه آثار از این دوشیوه به نحو احسن واکمل و به دفعات و کرات استفاده نمود . او معتقد بود که "ترجمه نباید تابع قوانینی خشک و بی روح گردد". (آموس ۱۲۰: ۱۹۲۰ Amos) توصیه او این بود که ترجمه :

۱- ساده

۲- کوتاه و موجز

۳- خالی از هرگونه کلمات مهمل و بی اثر

باشد. ترجمه باید حقیقت نما و متکی بر واقعیت باشد. بطور کلی "اودال" معتقد به ترجمه آزاد بود و از ارائه ترجمه لغوی بیم داشت.

۲۰۱۰۳۰۵ اتینیه دولت (از ۱۵۰۹ تا ۱۵۴۶ Etienne Dolet)

اغلب او را با عنوان اولین شهید رنسانس می شناسند. او ادیب و عالم فرانسوی بود. کتاب او با عنوان "تفسیری بر زبان لاتین (Commentarii Lingae Latinae) در رواج زبان و ادبیات لاتین نقش عمده ای ایفا نمود (دایره المعارف بریتانیا). از طرفی او را به خاطر مخالفت های آشکار با جامعه روحانیت کلیسایی و شوق وافر او نسبت به نصیح و گسترش رنسانس ادبی می شناسند.

"دولت" "اراسموس" را مورد حمله قرار داد زیرا "اراسموس" سبک سیرور را مورد انتقاد قرار داده بود. به ارائه یک کتاب علمی و ارزنده با عنوان "زیرویمی مسیحیت" (Cato Christianus) دست زد که در آن اعترافات خود را نیز تحریر نمود. آثار بسیاری از نویسندگان کلاسیک را ترجمه کرد و از کتاب مقدس انجیل نیز ترجمه ای ارائه نمود.

سرانجام هیات دانشکده الهیات دانشگاه سوربون او را به کفر و انجمن متهم ساخت و جسد او را سوزاندند. نسخه هایی از کتب او نیز که موجود بود به همراه وی سوزانده شد.

"دولت" نظریات خود را در باب ترجمه در مقاله ای که تا ده سال ۱۵۴۰ منتشر ساخت (رابین ۱۹۶۷: ۱۰۰ Robin). اهم اصول ترجمه که "دولت" پیشنهاد نموده است به شرح زیر است:

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۶۷

۱- مترجم باید قبل از آنکه به ترجمه‌اشری بپردازد از محتوای کلام نویسنده آگاه بوده و مقصودنهایی او را درک کند.

۲- مترجم باید اطلاع دقیق و کامل از دوزبان مورد نظر داشته و بر هر دو زبان تسلط جامع داشته باشد.

۳- مترجم باید از ترجمه "واژه به واژه" جدا "پرهیز نماید.

۴- مترجم باید برای اجتناب از وام گیری واژه‌ها از زبان مبدا، سبک نوشتاری خود را بر زبان عامه مردم تطبیق دهد و از صورتهای زبانی زبان محاوره بهره گیرد (کلی ۱۳۸: ۱۹۷۹ Kelly).

۵- مترجم باید خالق یک اشرا مع و فراگیر با آهنگی مناسب باشد

(ناید ۱۷-۱۴: ۱۹۶۴). به عبارت دیگر مترجم باید به "قصد" نویسنده و نه به نحوه واژه پردازی او امعان نظر نماید (اشتینر ۶۲: ۱۹۷۰ Steiner). یکی از ویژگیهای ترجمه "دولت" در این است که اوسعی نموده در ترجمه یک اثر "روانی نثر، نظم، آهنگ و زیروبمی کلام را مطابق با شیوه نویسنده تدوین نماید" (کلی ۱۸۲: ۱۹۷۹ Kelly).

۲۰۱۰۳۰۶ فرانسوادومالهریه (۱۵۵۵ تا ۱۶۲۸ Malherbe, Francois De)

"مالهریه" شاعر فرانسوی قرن شانزدهم بود که بخاطر اقدامات اش در

جهت برپایی نهضت شعر کلاسیک شهرت فراوان یافت (دایره المعارف بریتانیا)

وقتی در قرن شانزدهم مساله "ماهیت استعارات شعری" (Poetic metaphor)

مطرح گردید و بحث و جدل پیرامون آن رونق یافت مالهریه به عنوان یک

مدعی اصلی پای به صحنه گذاشت و نظریات خود را درباره "زیباشناسی ادبی"

(literary aesthetics) آشکارا بیان داشت.

ترجمه او از کتاب سی وسوم "لیوی" (Livy) به همراه مقدمه

مختصری که بر آن نوشت در سال ۱۶۱۶ منتشر گردید. در مقدمه این کتاب به

"مالهریه" توصیه کرد که :

۱- روانی و وضوح متن ترجمه شده باید چنان باشد که رضایت خوانندگان آن حاصل و تضمین گردد.

۲- ترجمه واژه به واژه باید مطلقاً "مطروود گردد و این شیوه نباید بکار گرفته شود.

۳- روح (esprit) حاکم بر متن اصلی نه تنها باید ترجمه و برگردان شود بلکه باید به نحوی عرضه گردد که خوانندگان از خواندن آن جان کلام را دریا بند و آن لذت برند (اشتینر ۶۳-۶۲: ۱۹۷۰ Steiner).
از فحوی کلام و نوع توصیه‌هایی که برای مترجمان و نحوه عرضه متن ترجمه شده‌ها را در بخوبی می‌توان به این حقیقت پی برد که "مالهریه" مـلاک ترجمه را پذیرش خوانندگان می‌داند. (audience-oriented).

۲۰۱۰۳۰۷ لورنس هافری (Lowrence Humphry)

"ها فری" معتقد بود که متن ترجمه شده باید از ویژگیهای زیر برخوردار باشد تا بتواند مقبولیت عامه یافته و مطلوب طبع اهل ادب واقع گردد.

۱- مـظا بـقه (Copiausness)

مترجم باید به وزن، آهنگ، نحوه جمله‌پردازی و فحوی متن اصلی توجه ویژه داشته باشد. به عبارت دیگر مترجم باید شیوه ترجمه خود را با شیوه نویسنده مطابقت دهد و به فراخور موضوع کتاب شیوه پردازش و آرایش جملات را تغییر دهد.

۲- با رواژگانی (lexical property)

مترجم باید مدل و چهارچوب ترجمه خود را بر مبنای روابط واژگانی که نویسنده اصلی در کتاب خود برقرار ساخته تنظیم نماید.

۳- خلوص (Purity)

مترجم باید نسبت به اصالت و ماهیت متن وفادار باشد و از زمتناطلی ترجمه ای عرضه نماید که اصالت آن مخدوش نباشد.

۴- قابلیت (aptitude)

مترجم باید از قابلیت و توانایی ویژه‌ای برخوردار باشد تا بتواند موضوع، سبک و ویژگیهای متن را درک نماید و به درکی کامل از نویسنده‌نایل گردد و شناختی کافی از شیوه‌ای که نویسنده بکار برده است داشته باشد (مورتون ۱۳: ۱۹۸۴ Morton).

طبق نظرهای مفری، مترجم باید در ترجمه متون از توانایی‌های زیر برخوردار و از آن به وقت ضرورت استفاده نماید:

۱- قریحه (natura)

منظور قریحه ذاتی و خدا داده‌ای است که مترجم فی‌ذاته از آن برخوردار است.

۲- آگاهی زبانی (Doctrina)

مترجم باید به تمامی ابعاد زبانی هر دو زبان مورد نظر تسلط کافی داشته باشد و ویژگیهای دستوری، سبک‌های نوشتاری، بدایع و گوناگونی لهجه‌های زبانی آنها را نیکو بداند.

۳- ایمان (Fides)

مترجم باید به نویسنده و متنی که ارائه نموده مومن و با آگاهی کافی متن را برای ترجمه برگزیند و هرگز بر سیل اتفاق و بر حسب تصادف به ترجمه یک متن مشکوک اقدام ننماید.

۴- اهتمام (diligentia)

مترجم باید تمامی تلاش خود را در جهت ارائه یک ترجمه خوب و قابل قبول بکارگیرد. (مورتون ۱۴: ۱۹۸۴ Morton)

"ها مفری" برای این امر اصرار داشته که مترجم باید در آشناء ترجمه همواره

بدین مناسبت پیشنهاد می‌دهد، مگر خود را مورد ارزشیابی مجدد قرار ندهد و در صورت لزوم در سبک ترجمه خود تجدیدنظر نماید. مترجم با بدیه مقتضای حرفه مترجمی خود بنا بر این مسئولیت سنگین را بپذیرد و هرگز از این اندیشه غافل نگردد که ترجمه یک روایت بیواست و سه یک دیدگاه است و ثابت و رفت و سرگشتی زبانی (encoding - decoding) (مورتون ۱۹۸۴: ۱۵)

۲۰۱۰۳۰۸ ویلیام فولکه (قرن شانزدهم William Fulke)
فولکه ترجمه را وسیله‌ای برای بیان جنبه‌های کاربردی (Pragmatic) پیام میداند. گفته‌های زیر نشان دهنده این حقیقت است:

"برای آنکه متنی با دقت کافی از زبان عبری ترجمه گردد لازم نیست که ترتیب کلمات و عبارات آن زبان دقیقاً رعایت شود بلکه باید مفهوم و معنی کامل عبارات به زبان ما برگردان شود و بطریقی و برایش شود که شک آن میسر گردد."

(مورتون ۱۶: ۱۹۸۴)

"فولکه" مترجمان را از مراجعه مکرر به لغت نامه‌ها و توسل به معانی لغوی کلمات که در آنها مستتر است بر حذر داشت. وی مترجمان را به این امر آگاه می‌دارد که کلمات الزاماً نباید بر طبق روابط عمومی نشانه‌ها (دیداری و شنیداری) ترجمه شوند بلکه باید بر طبق نقش معنایی که در جمله دارند برگردان گردد. علاوه بر این در نظر فولکه، حتی متن نیز نباید به شیوه‌ای که توسط اهل ادب و ارباب معانی تعبیر و تفسیر شده مورد استفاده قرار گیرد و از سویی در ارتباطات متن نشانه‌های زبانی با معانی وابسته به آنها نباید همان ارتباطاتی مدنظر قرار گیرد که در زبان حواریون مطرح بوده است. فولکه با تائید تفسیری از نظریه‌های "جروم" و "آگوستین" (که هر دو از علما

و مترجمان قبل از قرون وسطی بودند) به این استدلال پرداخت که:

"برای ترجمه‌م‌تون دینی الزامی در آن نیست که
از شیوهٔ رهبران کلیسا پیروی کنیم و آنها را
قوانین بدون تغییر و وحی منزل بدانیم. مترجمان
باید از روابط واژگانی بنحوی که مرسوم زمان است
استفاده کنند و نه به شیوه‌ای که در زمان حواریون
نضج و حاکمیت داشته است."

(کلی ۱۱۴: ۱۹۷۹ Kelly)

آنچه "فولکه" به عنوان مدلی برای ترجمه انتخاب و توصیه کرد
عبارت بود از استفاده از واژگان مردمی و روابط واژگانی که بر زبان
روزمرهٔ مردمی حاکمیت دارد، و بر این نظریه ابرام* و اصرار داشت که
مترجمان زبان انگلیسی مردمی را انتخاب نمایند (آ موس ۷۲: ۱۹۲۰ Amos)
گفته زیر که از "فولکه" نقل شده نشان دهندهٔ این حقیقت است که او از
متدولوژی ترجمهٔ عصر خویش فاصله گرفته و مبدع روش نوینی بوده است، او
می‌گوید:

"ما بر طریقهٔ اندیشه و گفتار مردمی سمت و لایمی و
خدایی نداریم چرا که اگر اندیشه ایشان را دریابیم
قدرت خود داشتیم به آنها می‌آموختیم که صحیح تر
سخن بگویند. اما حال که خود را از این برتری و تسلط
عاری می‌بینیم به راهنمایی ارسطو متوجه می‌شویم
که ما را به جمعیت گفتار و استفاده از واژگان به نحوی
که مردم قایل بدان هستند توصیه می‌کند."

(آ موس ۷۲: ۱۹۲۰ Amos)

"فولکه" همچنین خاطرنشان کرد که مترجم الزاما "باید" ... از برابرهای و معادل‌های پویا استفاده نماید تا تفسیر و ترجمه بدست آمده برای عامه مردم مفهوم باشد" (کلی ۱۰۳ : ۱۹۷۹). منظور "فولکه" از استفاده از معادل‌های پویا احتمالا "زبان زنده و طبیعی است که مردم از طریق آن به ایجاد ارتباطات کلامی دست می‌زنند."

۲۰۱۰۲۰۹ جورج چاپمن (۱۵۵۹ تا ۱۶۳۴ George Chapman)

"چاپمن" شاعر، نمایشنامه‌نویس و درام نویس شهیر انگلیسی بود که "ایلیاد" و "اودیسی" هومر را نیز به انگلیسی برگردان نمود. در دوران رنسانس، به تئوری ترجمه در سرزمین انگلستان اهمیت چندانی داده نشد. تئوری آشکاری عرضه نگردید بلکه قسمت‌های پراکنده‌ای از کارهای هنری و ترجمه شده عرضه گردید که نشان دهنده تلاش‌های پراکنده اما منسجم در خلق تئوری‌های جدید ترجمه است. نوشته "چاپمن" با عنوان "سپر آشیل" (Achilles Shield)^(۱) که در سال ۱۵۹۸ منتشر گردید نمونه بارزی از این تلاش است (اشتینر ۵۵: ۱۹۷۰) (Steiner). چاپمن به تفصیل به شرح و بسط شرایط و ماهیت ترجمه پرداخت.

به نظر "چاپمن" مترجم موفق کسی است که نه تنها از احساس ادبی نویسنده در خلق و آفرینش اثری که عرضه داشته است آگاهی کافی و واقعی داشته باشد بلکه باید بتواند به درک و جذب آن نیز نایل و به یک استنباط جامع و منطقی برسد حتی باید به نقش جمله‌ها و نحوه پرداخت و ردیف‌سازی عبارات نیز توجه خاص معطوف دارد زیرا ممکن است مولف با شیوه خاصی که برگزیده پیام خاصی را منتقل ساخته باشد، این گرایش شاید جنبه

۱- اخیوس یا آشیل قهرمان داستان ایلیاد هومر

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۷۳

واژه‌گرایی (literalism) را در مقابل با ترجمه آزاد (free rendering) تقویت بخشیده باشد. معه‌ذا در یک دهه بعد، "چاپمن" موضع خود را تغییر داد و از ترجمه واژه به واژه در زمینه ادبیات قویا "انتقاد نمود (اشتینر ۵۶: ۱۹۷۰). البته "چاپمن" به این نکته اعتراف نمود که زبانهای مختلف از ماهیت‌های مختلفی برخوردارند و از این جهت رویارو قرار دادن زبانها به تصور پیدا کردن تقابل‌های برابر اری غیر ممکن است.

"چاپمن" همانند سایر تئوریسین‌ها بیشتر به معنی و مفهوم عبارات در مقابل صور ظاهری آن توجه داشت. اما آنچه او را از اسلاف و حتی معاصران خود متمایز می‌ساخت این بود که در نظر او ترجمه موفق یک متن وقتی میسر است که مترجم پارا از حد آشنایی به متنی که در ترجمه دارد بپیر و ن نهاده و به اندیشه هنری نویسنده وقوف کامل یابد.

نظریات "چاپمن" در مورد ترجمه به شرح زیر خلاصه می‌شود.

- ۱- از شیوه‌های مبتنی برگشاده دستی (over loose) و تنگ نظری (over strict) در ترجمه باید اجتناب نمود.
 - ۲- ترجمه واژه به واژه مقبول نبوده و زیر سوال است.
 - ۳- برای ترجمه هر متن باید شیوه‌ای درخور و متناسب با آن اختیار شود و تما می جوانب به نحو احسن مورد سنجش قرار گیرد تا ترجمه بدست آمده در برابر با متن اصلی هم از نقطه نظر معنایی و هم از نقطه نظر کلامی تطابق داشته باشد (آموس ۱۳۱: ۱۹۲۰).
- نظریه "چاپمن" در باب ترجمه بوسیله مترجمان و تئوریسین‌های قرن هفدهم پی گرفته شد.

۲۰۱۰۳۰۱۰ دنهام (قرن هفدهم Denham)

"دنهام"، یکی از چهره‌های سرشناس عالم در قرن هفدهم، همانند سایر

معاصران خود چون "کالی" (Cowley) (به قسمت ۲۰۱۰۳۰۱۱ مراجعه نماید) به ترجمه آزاد متن اصلی معتقد بود. او معتقد بود که تعارض و تفاو^ت نحوی، معنایی و بافتی زبانهای مختلف الزاماً "بر عدم تطابق بیــــن ساختارها دلالت دارد و از این جهت در ترجمه از یک زبان به زبان دیگر کاستی‌هایی معنایی و تفاوتهای بین نیت‌ها اجتناب‌ناپذیر است. بنا بر این بر مترجمان فرض است که از تله‌ها و دام‌هایی که مفروض است آگاه بوده و عالمانه عمل نمایند و پیش از شیوه مطلوبی که لازم است اطلاع کافی داشته باشند. توصیه او این بود که مترجمان:

- ۱- به هنگام احساس بروز نارسائیه‌ها و شکاف‌های معنایی و در صورت لزوم در افزودن عبارات و کلماتی که به توضیح و بیان بیشتر عبارت می‌انجامد تردید نکنند.
 - ۲- به ترجمه خود روح و جان ببخشند. در غیر این صورت آنچه حاصل می‌شود. ترجمه‌ای است در حکم یک جسم بی روح.
 - ۳- در ترجمه اثر، به ظاهر کلمات و عبارات بسنده نکنند و همت خود را متوجه شناخت و لمس روح و جان کلام که از متن برمی‌آید نمایند.
 - ۴- در ترجمه شعر "از شعر شعری دیگر بیا فریند"
 - ۵- از این اندیشه غافل نمائند که:
- "در ترجمه اشعار، حفظ اما نت‌داری در لفظ مراد نیست. بگذار این مقوله در مورد حقایق و بیان شواهد و بیابان تبیین موضوعات مربوط به ایمان مجری گردد. اما آن کس که به شعرو شاعری را غب است اگر آنچه لازم است انجام ندهد به تحقیق به آنچه قصد نموده نخواهد رسید. وظیفه مترجم این نیست که فقط از یک زبان به زبان دیگر ترجمه کند بلکه باید بتواند شعری را به

شعر دیگر برگرداند-میرهن است که در این نقل و انتقال
مقداری از مفهوم تبخیر می‌شود و حاصل با آنچه در اصل
یافت می‌شود کاملاً "منطبق نیست".

(اشتینر ۷۵: ۱۹۷۰)

ع- با ایده کلیه آثار نویسنده‌ای که قصد به ترجمه کتاب او را دارد.

آشنایی داشته باشد. (آموس ۱۵۷-۱۵۶: ۱۹۲۰)

دنهام و چاپمن از شخصیت‌های برجسته‌ای هستند که زمینه خلق تئوری‌های
نوین ترجمه در قرن هفدهم را فراهم آوردند.

۲۰۱۰۳۰۱۱ کالی (از ۱۶۱۸ الی ۱۶۶۷ Cowley)

کالی و دنهام هر دو بر این عقیده اند که در ترجمه یک شعرا یک زبان به
زبان دیگر، شکاف‌های معنایی که الزاماً "به تغییرات در مفهوم و ساختار
می‌انجامد اجتناب‌ناپذیر است. بدین معنی که در این نقل و انتقال مفهوم
مقداری از معنی در پیچ و خم تغییر و تبدیل ها گم می‌شود. بنا بر این—
مترجم باید با مسئولیت را به دوش کشیده و با افزودن و اضافه کردن آنچه
کالی "زیبایی نو" (new beauties) می‌نامد به رفع کاستی ها کمک
نماید و شکاف‌های معنایی را پر نماید (آموس ۱۵۰: ۱۹۲۰). کالی بر
این عقیده بود که مترجم باید آزادی کافی برخوردار بوده و دستش در
افزودن و یا کاستن از متن با زبانش متن ترجمه شده با شیوه و اصول متن
اصلی همطرازی معنایی و ساختاری داشته باشد و مورد استقبال قرار گیرد.
کالی خود بر این نکته با سلاست ویژه‌ای اقرار دارد و می‌گوید:

"در ترجمه دو چکا مه" "پندار"^(۱) هر کجا که ضرورت

۱- شا عریونا نی (Pindar) که از ۵۲۲ تا ۴۸۸ قبل از میلاد میزیسته است.
"پندار شا عری بزمی و دارای سبک شعری مطلق نویسی بوده است.
(آرپا نه‌ور)

یافته عبارتی را افزوده و یا حذف کرده ام و دنبال
این هدف نبوده ام که خواننده دقیقاً "بدا ندکه
شا عر چگونه و بر چه سیاقی سخن گفته است .

(نایدا ۱۹۶۴:۷۳ Nida)

کالی معتقد بود که زبانها هم از نظر ساختاری و هم از نظر معنایی از
یکدیگر متمایزند بنا براین مترجم باید از ارائه مقوله های نحوی، معنایی
و یا هر چیزی که بر ذاتاً فرهنگ و زبانی خواننده خوش نشیند احتراز
نماید .

به نظر "کالی " آنچه با بدیر متن ترجمه ها کم باشد ، روح ، شیوایی و حالت
زبان مقصد است . "توماس کریک " (Thomas Creek) معتقد است که به نظر
کالی :

"اگر نحوی کلام نویسنده منتقل گردد . تنوع در سبک
رعایت شود و ظرافت متن مخدوش نگردد حاصل حد معقول
ترجمه مورد انتظار است ."

(آموس ۱۵۲-۱۵۱ : ۱۹۲۰ Amos)

"فانشاو" (Fanshaw) شیوه ترجمه "کالی " را با ظرافت
بیشتری ترسیم می کند و می گوید که در نظر کالی ، مترجم باید بر سیاق زیر
عمل نماید :

"اگر بخواهی ترجمه ای شایسته ارائه نمایی و مترجمی
لائق باشی باید که شیوه ای معقول تر پیشه کنی .
مترجمان ناقابل به خاکستری اندیشند و تو باید
به آتش بنگری ، جان کلام نویسنده را دریابی و
محبوبیت او را خدشه دار نسازی . در آنجا که آتش را
بی رمق یافتی باید که بجرا رتش بیفزایی ، از خود

ما به گذاری و اعتلای آن را فزونتر نمایم .
و عاقلانه تر و آگاهانه‌تر برنا یافته‌ها که حاصل
تضادهای زبانی است وقوف یافته و در رفع نا بسا -
مانی بکوشی .

(آموس ۱۵۳ : ۱۹۲۰ Amos)

آزادی در ترجمه متون که از ویژگیها و مشخصه‌های قرن هفدهم میلادی
است حاصل نظریات "چایمن" ، "دنها م" و "کالی" است .
"کالی" همانند "درایدن" (به بخش ۲۰۱۰۳۰۱۲ مراجعه شود) ، در مقدمه
ترجمه خود با عنوان "چکامه‌های پندار" (Pindarique Odes)
کپی‌سازی و برگردان نمودن متن را به شیوه واز به واز به مطرود دانست .
و معتقد بود که با این شیوه هرگز به اثری اصیل و زنده نمی‌توان دست یافت
(۱۶۱۳:۸۴) .

"کالی" برای این عقیده بود که زبانها دارای ارزشهای مختلف زبانی
و فرهنگی هستند و وقتی دویا بیشتر از زبانها در طول تاریخ از یکدیگر منفصل
شده و بین آنها فاصله زمانی بعدی حادث می‌شود ، دگرگونیها و تفاوت
هایی پدید می‌آید ، برای رفع کاستی‌ها توسل به یک شیوه خاص مقبول
نیست و باید شیوه‌های گوناگون ترجمه تجربه گردد . به عبارت دیگر مترجم
باید در انتخاب شیوه ترجمه به مقتضای هر متن اتخاذ تصمیم نماید و از
تکنیک‌های پویا و بایسته استفاده نماید . (کلی ۱۴۷ - ۱۴۶ : Kelly ۱۹۷۹)

۲۰۱۰۳۰۱۲ جان درایدن (از ۱۶۳۱ تا ۱۷۰۰ John Dryden)

"درایدن" شاعر ، نمایشنامه‌نویس و منتقد ادبی بود . تحصیلات خود
را در وست‌مینستر (Westminster) به انجام رسانید و در آنجا
با ادبیات کلاسیک آشنایی یافت . این آشنایی باعث شد که "درایدن"

قدرت خلاقه لازم را برای ترجمه متون به شیوه ترجمه اصطلاحی (idiomatic translation) به دست آورد. بعضی از اشعاری که به او منسوب است در اصل ترجمه هستند. اثر هنری وارزنده او ترجمه "ورژیل" (Virgil)^(۱) است که در سال ۱۶۹۷ منتشر گردید.

"درآیدن" در ترجمه متون از یک زبان به زبان دیگر توصیه‌هایی دارد که ذیلاً به صورت اختصار ذکر خواهد شد:

- ۱- مترجم باید زبان نویسنده را بفهمد.
- ۲- مترجم باید با افکار و عقاید نویسنده آشنا باشد.
- ۳- مترجم باید ویژگیهای خلقی و فردی نویسنده و قوف داشته باشد.
- ۴- مترجم باید ذائقه و شیوه خود را با شیوه نویسنده تطبیق دهد.
- ۵- ترجمه وقتی به سهولت انجام می‌پذیرد که مفاهیم زبان مبدأ که زبان نویسنده است با مفاهیم زبان مقصد که زبان مترجم است همطرازی برابری نشان دهد
- ۶- اگر مفاهیم زبان مبدأ با معادل آنها در زبان مقصد برابری و همطرازی نداشته باشد، تغییر و تبدیل و حذف و اضافه اجتناب‌ناپذیر است. معیذا در هر دو حالت (۵ و ۶ بالا) اصلیت متن اصلی نباید به مغایرت افتاده و خدشه دار گردد (آموس ۱۵۹-۱۵۷: ۱۹۲۰ Amos).

"درآیدن" را میتوان از آن جهت از دیگران متمایز ساخت که او بر لزوم حفظ ویژگیهای مولف و نویسنده اصرار دارد. او معتقد بود که حفظ اصالت باعث می‌شود که خواننده اثر هنری نویسنده را بهتر بشناسد و ضمن بهره‌وری از آن به شناختی کاملتر دست یابد و بر آن اثر ارزش بایسته بگذارد. "درآیدن" در مقدمه خود بر کتاب مجموعه اشعار (Sylvae ۱۶۸۷) --

۱- ورژیل شاعر رومی است که دهه اول قبل از میلاد می‌ریسته است.

می‌گوید: مترجم باید تصویری شایان از نویسنده عرضه دارد مشروط بر آنکه به شخصیت او خدش‌های وارد نیاید و چیزی به جز او آفریده نشود" (پوست گیت ۱۹۲۲:۵).

"درآیدن"، معتقد بود برای آنکه مترجم بتواند شعری را برگردان نماید خود باید نفسی یک "شاعر تمام عیار" (A thorough poet) باشد (آموس ۱۵۸: ۱۹۲۰). علی‌رغم اینکه "درآیدن" خود یک شاعر برجسته بود همواره از سختی ترجمه شعر به زبان انگلیسی شکوه داشت و به ویژه مشکل را در انتقال و تطبیق بحور (meters) و وزن و قافیه می‌دانست. همین مشکل را "روزکامان" (Roscommon) به شیوه دیگر و به صورت نظم بیان داشته که تلخیص آن به شرح زیر است:

"ابتدا ذائقه خویش را محک زن و طبع و احساس
حاکم بر اندیشه، خویش را بیا زمای و آنگاه شاعری
را برگزین که اندیشه‌اش با توقیرین باشد و او را چون
دوستی شفیق و مونس قدیم در کنار خود بگذشت
زمان و آشنایی بیشتر این علقه و صمیمیت و دوستی
را در تو عجب خواهد ساخت.
و آنگاه خواهی دید که احساس تو، اندیشه تو، سبک
و کلام تو بر اندیشه و فکر و کلام او منطبق است.
و آنگاه خواهی دید که تو دیگر بر اثر او تفسیر
نمی‌گذاری بلکه "خود" خود او را عرضه می‌داری و زبان
حال او را داری.

در انتخاب سبک ترجمه، "درآیدن" شیوه متعادل‌تری یعنی حداقل
بین ترجمه آزاد و ترجمه مقید (Close translation) را برگزید.
در قرون بعد، بسیاری از مترجمان از این شیوه تبعیت نمودند. "درآیدن"

ترجمه را به سه نوع عمده متمایز ساخت و نه تنها مبلغ نوع دوم بود بلکه از آن شیوه نیز بسیار سود جست :

الف - ترجمه عبارت‌ی یا تحت‌اللفظی (metaphrase) به نوع ترجمه‌ای اطلاق می‌شد که در آن مترجم هر واژه زبان مقصد را بجای همان واژه در زبان مبدا قرار داده و هر سطر از سطر متن به زبان مبدا را با همان سطر در زبان مقصد تطبیق می نمود.

ب - ترجمه تاویلی یا ترجمه آزاد (Paraphrase) در این نوع ترجمه، معنی که مرا دنویسنده بوده است از متن اصلی استخراج و به زبان مقصد بازگردانی می‌شده و در هر کجا نیاز به تغییر صوری نحوی بوده مترجم درنگ را جایز نمی شمرده و به فراخور متن تغییرات لازم را عرضه می داشته است.

ج - ترجمه تقلیدی (imitation) در این نوع ترجمه، به وقت ضرورت و نیاز، مترجم به تغییر معنی و صورت اقدام می‌نمود و این تغییر بنا به مقتضای فحواي کلام نویسنده صورت می‌گرفته است. (نایدا ۱۸-۱۷: Nida ۱۹۶۴).

کلی (Kelly) سبک و شیوه ترجمه "در ایدن" را نوعی ارائه یک متن با الهام و تاثیر پذیری از نویسنده می‌داند (۱۹۷۹: ۴۶).

۲۰۱۰۳۰۱۳ خلاصه (ترجمه در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی) نهضت رنسانس باعث گردید تا آثار هنری قدیم مورد عنايت و توجه مجدد قرار گیرد. "پترارک" (Petrarch) و سایر پیشروان نهضت به جمع آوری اسناد یونانی اقدام نمودند و بدین وسیله پایه و بنیاد موفقیت‌ها و دست‌آوردهای بیشتر را در باب ترجمه نهادند. نظراً که مردم نسبت به ترجمه و ارزشهای آن تغییر یافت. خوانندگان مشکل پسند به خواندن

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۸۱

ترجمه‌های تحت‌اللفظی و عبارتی رغبت‌ناشان نداده و مخصوصاً " از ترجمه کتب دینی و فلسفی تنوع بیشتر و روش دقیق‌تری را طلبیدند. به‌ویژه خواستار آن شدند که مترجم منظور و مقصود اصلی حضرت عیسی مسیح را عرضه دارد و نه کلمات و عبارات مهجور و الفاظ مجوف متون قدیمی را.

تلاش‌های فراوانی توسط مترجمان زبده بعمل آمد تا آثار هنری مجدداً ترجمه شوند و به قسمی تدوین یا بند که رضایت عامه حاصل و حس کنجکاوی خوانندگان ارضا گردد. در این برهه از زمان، پیشرفت‌های عظیمی در زمینه ترجمه و تئوری زبان حاصل آمد. سبک تقلید در ترجمه تغییر یافت و شیوایی سبک مقبول افتاد.

بطور خلاصه، دست‌آوردهای این دوران فهرست‌گونه به شرح زیر

است:

الف- متون دینی

۱- نسخ مختلف کتب دینی که به زبان لاتین نوشته شده بودند به زبانهای مختلف ترجمه و به زیور طبع آراسته گردیدند.

۲- چاپ و انتشار کتب دینی و کتب مقدس به زبانهای انگلیسی، آلمانی و فرانسوی جامعه کلیسا و ارزشهای حاکم بر آن، به‌مخاطره انداخت و این امر باعث شد تا هیأت حاکمه کلیسا ترجمه و انتشار این قبیل کتب و یا حتی کتبی را که تنها اشاره‌ای به دین دارند ممنوع نماید. این مقوله از معضلات قرن شانزدهم میلادی محسوب می‌گردد.

۳- در مقابل تحریم ترجمه از سوی کلیسا، نویسندگان و مترجمان از انگیزه ترجمه به زبانهای بومی استقبال و از آن دفاع نمودند. دفاعیه فولکه (۱۵۸۹) و مقدمه‌ای که تاین‌دال (Tyndale) بر ترجمه خود با عنوان "بندگی یک انسان مسیحی" (Obedience of a Christian Man) نوشت شاهیدی بر این مدعی است.

۴- ایده‌ای نضج گرفت مبنی بر اینکه اگر مفاهیم با دقت و با شیوایی خاص برگردان شوند، عبارات و کلمات نامانوس زبان مبدأ به تدریج جای خود را در ترجمه می‌یا بند و رفته رفته به صورت عبارات آشنا استعمال می‌گردند.

۵- ترجمه کتاب مقدس انجیل توسط "لوتر" (Luther) که در سال ۱۵۲۲ منتشر گردید مورد استقبال و بخاطر روانی و سلامت کلام و قابلیت فهم و درک آن مورد تمجید و ستایش قرار گرفت (ناید ۱۵-۱۴: Nida ۱۹۶۴).

۶- نه تنها بر لزوم ترجمه به زبانهای بومی تاکید فراوان شد بلکه استفاده از زبان مردمی و اصطلاحات عامیانه که فهم و درک متن را آسان می‌کند تجویز گردید (به دفاعیه "فولکه" توجه نمائید). نوعی تمایل به ارائه شعرگونه کتب مقدس بجای استفاده از شعر رایج گردید. جورج ویتن (George Witten) می‌گوید:

"زبانی که حضرت موسی از آن برای ارائه مزامیر (Psalms) و سرودهای مذهبی استفاده نمود نمی‌تواند بصورت نثر بیان گردد بلکه باید از نظم در زبان مقصداً استفاده نمود. به طور کلی عبارات استفاده شده برای ستایش پروردگار، بیان تمجیدها، و ستایشها، سوگواریه‌ها، پیروزیها و موضوعات مربوط به سرودهای غنائی، مرثی و یا امتزاج آنها نمی‌تواند به نثر ترجمه شود و یا اصولاً از یک سبک و شیوه ساده نثری سودجوید" (آموس ۷۶: ۱۹۲۰).

ب- آثار هنری و ادبی

۱- انگیزه و فکر جدیدی نضج گرفت که بر مبنای آن مترجم، در ترجمه متون باید هدف و انگیزه اصلی نویسنده را دریا بدو منتقل نماید و فایده سودی را که از آن نشات می‌یابد به خواننده منتقل نماید. مترجم باید بتواند نیازم برخوردار را شدتاً بدواً "این احساس را درک کند

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۸۳

وسپس یا فتهء خود را با خوانندگان زبان متن به زبان مقصد در میان نهاده آن‌ها را نیز سهیم نماید. (کلی ۲۲۳: ۱۹۷۹ Kelly).

۲- علی‌رغم دست‌آورد های قابل ملاحظه در امر ترجمه، تئوریسین‌های ترجمه بیشتر هدف ترجمه را پی‌گرفتند و کمتر به شرح و تفصیل پیرامون تکنیک‌های لازم برای نیل به اهداف خود پرداختند مع هذا پایه‌های تحولات و نوآوری‌های بعدی نهاده شد.

۳- قرن شانزدهم شاهد این اعتقاد بود که وفاداری در ترجمه ————— fidelity به وفاداری در حفظ کلمات و روابط نحوی خلاصه نمی‌شود و به مقوله‌هایی ماوراء آن نیز ربط می‌یابد.

۴- این دوران را با ید دوره طرد کامل ترجمهء واژه به واژه دانست. گفتهء کالی (۱۶۵۶، Cowley) برای نکه "اگر کسی از" پندار" (Pindar) ترجمهء واژه به واژه ارائه نماید دیوانه‌ای بیش نیست " گواه برای مدعی است.

۵- تعدد کسانی که به ترجمهء آثار رغبت نشان داده و عملاً "به آن پرداختند شگفت‌انگیز است. حتی شخصی بنام "نیکولانس" که پیشهء زرگری داشت و "ملکه الیزابت" نیز به ترجمه کتب پرداختند (آموس ۱۹۲۰: ۸۱).

۶- اختراع چاپ و هم‌توالی "کاکستن" (Caxton) در انتشار آثار بزرگ ادبی، تغییرات و تحولات شگرفی را در زمینهء ترجمه همراه داشت و باعث گردید که افراد و مترجمان بیشتری به این امر پرداختند.

۷- اهداف جدیدی برای ترجمه در نظر گرفته شد و مورد بحث قرار گرفت (به صفحات پیشین مراجعه نمائید).

۸- مترجمانی چون دنهام، کالی و درایدن بر لزوم ارائه ترجمه به شیوهء آزاد اصرار نمودند.

۹- این مقوله مطمع نظر قرار گرفت که کنجکاو وی خواننده برای آشناسان شدن و دریافتن ویژگیهای نویسنده و آثار هنری که عرضه داشته است بایست ارضا گردد. ذکر گفته "نورث" (North) خالی از لطف نیست:

"گاراآمدی یک ترجمه تنها برآن نیست که مترجم در ارائه و برگردان نمودن متن اصلی حفظ وفاداری به واژه‌ها نموده باشد بلکه مترجم باید به شیوه‌ای نحو کلام و شیوایی گفتار نویسنده را بازگو کند و تصویری ضمنی از آن به دست دهد" (نایدان ۱۰۶: ۱۹۶۴ Nida)

۱۰- بحث وجدل بر سر اینکه آیا بایدویا نبایدواژه‌های بیگانه را وام‌گیری کردن ضج گرفت. تعدادی از مترجمان براین عقیده بودند که وام‌گیری مخصوصاً "از زبان یونانی به زبان لاتین باعث غنای زبان وام‌گیرنده می‌شود. درحالی‌که مترجمان دیگر معتقد بودند که به وام‌گیری واژه‌ها نیاز نیست و بدون توسل به آن نیز ارائه ترجمه خوب می‌رست (کلی ۱۳۷: ۱۹۷۹ Kelly). "دولت" (Dolet) بطور ضمنی مقوله دوم را اصل قرار داد و براین عقیده اصرار داشت که از وام‌گیری در ترجمه باید پرهیز نمود و بایدهتمام برآن داشت که کلمات و عبارات بدانگونه که در کلام مردمی معمول است مورد استفاده قرار گیرد.

۱۱- همانند دفاعیه "فولکه" که در آن به استفاده از کلمات و عبارات جاری در زبان به‌هنگام ترجمه کتب مقدس تاکید شده بود، مترجم دیگری بنام "مانتوان" (Mantuan) در ترجمه خود با عنوان "سروده‌های کوتاه" (Eclogues) بر اصل "قابلیت فهم بودن" متن ترجمه‌شده تاکید نمود و اظهار داشت که شیوه متن ترجمه‌شده باید بر شیوه متن اصلی منطبق باشد. آموس (Amos) عین گفته "مانتوان" را به شرح زیر تقریر کرده است.

تئوژی‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۸۵

"در حقیقت آن کس که یک داستان چوپانی را ترجمه کرده و در ترجمه خود
سبک نوشتاری ویژه سروده‌های رزمی و یا قهرمانی را بکار برده است یک
معنی ساده را در قالب عبارات پرطمطراق عرضه داشته است. تعبیری که من
از این ترجمه دارم این است که مترجم گردن یک اسب را با سرب یک انسان در
هم آمیخته است" (۱۹۲۰: ۱۱۵)

۲۰۴ تئوریهای جدید ترجمه

۳۰۲۰۱ تحول ترجمه در قرون هیجدهم و نوزدهم میلادی

قرن هیجدهم شاهد تحول عمده در ترجمه بود.

الف - در دهه ۱۷۵۰، موازنه‌ای بین ترجمه لغوی و تحت‌اللفظی از یک سو و ترجمه آزاد از سوی دیگر پدید آمد.

ب - ترجمه‌های فنی مرسوم و در حد زیاده‌روی با زار گردید.

(کلی ۲۲۴: ۱۹۷۰ Kelly).

علاوه بر این، بحث وجدل پیرامون اینکه آیا ترجمه باید "زاد" باشد یا "مقید"، "دقیق" باشد یا طبیعی و "زیبا" باشد یا "وفا دار" همچنان ادامه یافت. بعضی از اهل نظر، گرایش به سوی حفظ امانت نویسنده را یک اصل دانستند و برخی دیگر نظر خواننده را در مقبولیت ترجمه شرط دانستند. عمده‌ای برای این عقیده بودند که زیان مقصود قوانین و قواعد حاکم بر آن نباید اصل و مبنی قرار داده شود و عمده‌ای دیگر اصرار داشتند که زیان مبداء بایست

ملاک قرار گیرد. (نیومارک ۹۸۱: ۳۸ Newmark)

قرن هیجدهم که عمدتاً "به گردآوری آثار و اطلاعات اختصاص داشت به قرن نوزدهم که برهه تحول تئوریهای ترجمه بود پیوسته شد (کلی، ۱۹۷۹). قرن نوزدهم عصر دقت در ترجمه و آزادی در سبک و شیوه ترجمه بود. ارزشهای کهن در ارزشیابی یک اثر ترجمه شده تغییر یافت و جای خود را به

ارزشهای جدیدتری داد.

علی‌رغم این واقعیت که بسیاری از آثار هنری ترجمه و عرضه گردیدند، تعداد تئوریسین‌ها و صاحبان اهل نظر که به شرح و تفضیل تئوریهای ترجمه خود پرداختند در مقایسه بسیار اندک بود. آنچه ذیلاً از نظر خوانندگان می‌گذرد معرفی چهره‌های برجسته‌ای است که در این عصر به بسط تئوری خود پرداخته‌اند.

۲۰۲۰۱۰۱۰ قرن هیجدهم

۲۰۲۰۱۰۱۰۱ الکساندر پوپ (۱۶۸۸ تا ۱۷۴۴ Alexander Pope)

"پوپ" یکی از بزرگترین شعرای اوایل قرن هیجدهم بود. در او آن کودکی و جوانی به چهار زبان یونانی، لاتین، ایتالیایی و فرانسوی تسلط کافی یافت و مخصوصاً "به ادبیات و شعر این زبانها رغبت و میل وافر داشت. اولین اثر ترجمه‌اش "ایلیاد هومر" (در چهار مجلد) در سال ۱۷۱۵ منتشر گردید و بقیه آن نیز در سال ۱۷۲۰ انتشار یافت. به قدری در ترجمه "ایلیاد" خود را موفق دید که تصمیم گرفت کتاب "اودیسه" هومر را نیز برگردان نماید. این اثر نیز همانند ترجمه "ایلیاد" با استقبال شایانی روبرو گردید و عنوان بهترین ترجمه را به خود اختصاص داد.

به عنوان ابتدائی ترین اصل ترجمه، "پوپ" اظهار داشت که ترجمه

باید ساده، دقیق و صحیح (simple, accurate, correct)

باشد. "پوپ" معتقد بود که مفهوم و معنی از آن نویسنده است اما شیوه تقریر و سبک آرائی بر عهده مترجم است (کلی ۱۹۷۹: ۴۱ Kelly). عین‌گفته پوپ به شرح زیر گویا،ترین بیان برای درک تئوری او در ترجمه است. پوپ میگوید:

"بر عهده و در مسئولیت مترجم است که نویسنده را به

کمال معرفی نماید و سبک و شیوه کار را و را بنمایاند
 و اولویت‌های او را در بیان و تقریر مفاهیم نشان
 دهد. مترجم باید، در انتقال بخش‌های تشریحی
 متن گرمی و جوش نویسنده را منعکس سازد، در-
 عرضه قسمت‌های آرام تر و توصیفی، سادگی و
 رسمیت سبک نویسنده را محفوظ بدارد، در ارائه
 گفتارها جانب مزاح و کمال در بیان را رعایت
 نماید، در جمله‌پردازی جانب احتیاط و ایجاز
 نگهدارد و حتی از کوچک‌ترین نشانه‌ها و علائم غافل
 ننماید. برعهده مترجم است که از عرصه زمان غافل
 ننماید، شعایر و رسوم را نه حذف نماید و نه بـ

سنت‌های کهن درهم آمیزد" (نایدا ۱۷۱: ۱۹۶۴ Nida).

یک حقیقت بر همه اهل علم در قرن هفدهم مکشوف بود که تجلی آن در
 عقاید "پوپ" در باب ترجمه کاملاً مشهود است. واقعیت آن بود که نسانهایی
 که در جوامع مختلف زندگی می‌کنند به زبان مانوس و غالب برجا معه خود
 بهتری فهمند (کلی ۱۹۷۹: ۵۹ Kelly). "پوپ" از این مزیت
 برخوردار است که توانسته است بین مفهوم و عبارت تفاوت قایل شده و از-
 این تمایز در ترجمه کتب بهره‌گیرد.

"در آیدن" قبلاً به بحث این مقوله پرداخته بود که آنچه یک شاعر را از
 شاعر دیگری متمایز می‌سازد تنها تفاوت در محتوا و مفهومی که عرضه می‌دارد
 نیست بلکه سبک و شیوه شاعری او نیز از دیگران متفاوت است. بنا بر
 این آثار دوشا عرا حتی اگر معاصر یکدیگر باشند نمیتوان با یک سبک
 ترجمه کرد (کلی ۱۱۵: ۱۹۷۹ Kelly). "پوپ" نه تنها برای این عقیده
 راسخ بود بلکه در ارائه ترجمه‌های خود از این اصل تبعیت نمود.

۲۰۲۰/۱۰/۱۰۲ الکساندر فریزر تیتلر و وود هوسلی Alexander Woodhouslee

"الکساندر فریزر" را بیشتر با عنوان "تیتلر" (Tytler) می‌شناسند. کتاب او با عنوان "مقالاتی در باب اصول ترجمه" (Essays on the Principles of Translation)

در آخرین دهه قرن هیجدهم انتشار یافت.

"وود هوسلی" کوشیده است از مجموع بحث و جدل‌هایی که در طول قرن هیجدهم و قرون قبل از آن در زمینه ترجمه وجود داشته است به نوعی جمع‌بندی دست یازد. کتاب او اولین کتابی است که در آن تئوریها و تکنیک‌های ترجمه در ضمن بخش‌های طولانی شرح و تفصیل فراوان یافته و در ارتباط با آن مثال‌های بسیار ارائه گردیده است. "وود هوسلی" به شرح و بسط مشکلات ترجمه پرداخته و سعی نموده است خوانندگان را با خطوط اصلی و رهنمودهایی که برای ارائه یک ترجمه هنری ارزنده لازم است آشنا سازد. در نظر "وود هوسلی"، وفاداری به متن اصلی، اگرچه یک اصل مسلم و انکارناپذیر بحساب می‌آید، معیاد تنها محک برای تبیین و تشخیص یک ترجمه خوب نیست بلکه به عقیده وی ترجمه باید به شیوه‌ای باشد که مشمول "قبولیت عامه" (Public acceptability) قرار گیرد. به عبارت دیگر، وفاداری به متن اصلی تنها در این نیست که تعداد و تسلسل کلمات در دو زبان مبدأ و مقصد رعایت گردد بلکه هدف مترجم باید این باشد که نقش کلام را در زبان مبدأ به نقش معادل آن در زبان مقصد برگردان نماید. "تیتلر" معتقد است که ترجمه خوب ترجمه‌ای است که:

"... در آن مزایای متن اصلی به طور کامل به

زبان مقصد منتقل گردیده مقبولیت یا بدواً ظرفی

متن ترجمه شده برانگیزنده همان تاثیر و احساس

در خوانندگان زبان مقصد باشد که متن اصلی توانسته

است برخوانندگان خود در زبان مبدأ داشته باشد.

(۱۴: ۱۷۹۷)

بنا بر این برای آنکه یک متن ترجمه شده با موفقیت قرین باشد و مورد استقبال قرار گیرد، باید:

الف - ایده ها و نظرات نویسنده را دقیقاً " بازگو کند .

ب - در سبک نوشتاری با سبک نویسنده قرابت و همسانی داشته باشد .

ج - از همان روانی که بر متن اصلی فرض است برخوردار باشد .

"وود هوسلی" (تیتلر) معتقد است که مترجم خوب نه تنها باید به دوزبان مورد نظر تسلط کافی داشته باشد بلکه باید از ذکاوت و فراست کافی برخوردار باشد تا بتواند سبک و شیوه نویسنده را بشناسد و با ویژگیهای آن آشنا شود .

در غیر این صورت مترجم نخواهد توانست احساس نویسنده را درک کند (۱۷: ۱۷۹۷) . از طرف دیگر شناخت سبک نویسنده نیز به تنهایی کفایت

نمیکند بلکه دانش و آگاهی مترجم از نویسنده و سبک او باید در حدی باشد که بداند سبک بکار رفته به کدام طبقه ورده مربوط میشود . "وود هوسلی"

میگوید :

"مترجم خوب باید بتواند حقیقت و واقعیت را در سبک

نوشتاری نویسنده دریا بدو بداند که این سبک در

چه طبقه ورستهای قرار دارد . مترجم باید بداند

آیا سبک بکار رفته سنگین و مغلط است ، ساده است ،

سلیس و شیواست ، پرطمطراق است و یا ساده و بی

تکلف است" (۱۳: ۱۷۹۷)

بنظر میرسد که "وود هوسلی" پیرو و مدافع این عقیده باشد که دست

مترجم در حذف و اضافه عبارات به هنگام برگردان ساختن متون باید بسیار

باشد . معذراً و برای تحقق این امر شرط و شروطی را نیز فرض میدارد . اقویاً

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۹۱

برای این نکته اصرار دارم که اگر مترجم بخواهد عبارت را در ترجمه خود به متن اصلی بیفزاید آن مطلب باید با محتوای متن اصلی همسانی داشته باشد و از سویی حذف عبارت و یا مفهومی از متن اصلی نباید بر اصلیت آن خدشه وارد سازد و باعث تضعیف و رکود در اثر آن گردد (۱۷۹۷: ۳۹). "وود هوسل" افزودن به متن را در بعضی موارد لازم می‌داند و معتقد است که انجام دادن آن "برقوت و قدرت متن می‌افزاید و به آن غنای بیشتری می‌دهد" (۱۷۹۷: ۵۱).

طبق نظراو، مترجم به مثابه یک مفسر است که به مقتضای حال و سیاق گفتار می‌تواند عبارت را که از سربلندی و بی‌توجهی نقل گردیده و حذف آن‌ها به مفهوم کلی ضرر نمی‌رساند در ترجمه خود برگردان ننماید. (ص ۵۹)

"تیتلر" به تبعیت از "پوپ" و "دنهام" شیوه حذف واغافه را بیشتر در مورد شعر تجویز می‌نماید چرا که اگر این عمل انجام نپذیرد حاصل، به گفته "دنهام" ترجمه‌ای است "مده و بی روح" (caput Mortuum)

(۶۲-۶۳)

"تیتلر" به دو نوع شعر معتقد است:

الف - غزلیات

در این مورد ترجمه نظم به نثر نثره تنها غیر عملی بلکه ناموجه است.

ب - سایر انواع شعر

در این مورد ترجمه نظم به نثر میسر است اما بهتر آن است که ترجمه از نظم به نظم رعایت گردد.

به طور کلی، می‌توان مشاهده کرد که "تیتلر" به ترجمه شعر به صورت نثر معتقد نیست و بیشتر از حالت برگردانی نظم به نظم تبعیت نموده است. او بر این عقیده است که ویژگی اصلی ترجمه شعر در "حفظ ملاحه، شیوایی و - نظم پردازی" آن است و بر پایه این اصل چنین می‌گوید:

"تنها یک شاعر می‌تواند به ترجمه شعر از یک زبان به زبان دیگر مبادرت

نماید" (۱۹۸-۱۹۰: ۱۷۹۷) ". بدیهی است که این نظر نو و بدیع نیست بلکه

پیشینیان نیز به این اصل معتقد بوده اند .

"تیتلر" معتقد است که یک دسته از کلمات به واژگان جهان شمول

(universal) تعلق دارد در حالی که تعداد دیگری از کلمات و عبارات

ویژه یک زبان خاص هستند و از قواعد و ویژگیهای آن زبان تبعیت می نمایند .

او معتقد است که گروه اول مشکلاتی را فراهم می آورد مترجم قرار نمی دهند و ترجمه

و انتقال آنها بین دو زبان امری ساده و ساده است در حالی که ترجمه

گروه دوم (که عمدتاً اصطلاحات و عبارات اصطلاحی را نیز شامل می شود) کار

نسبتاً "مشکلی است و در این زمینه است که مترجم باید تمام می هم خود را مصروف

دارد (۲۳۹: ۱۷۹۷) . به عبارت دیگر مترجم وقتی می تواند به خلق یک ترجمه

خوب مبادرت نماید که "... بتواند در زبان مادری خود یا زبان مقصد

معادل های اصطلاحی برای واژگان زبان مبدا بیابد" (۲۳۴: ۱۷۹۷) .

"تیتلر" توصیه می کند، در مواردیکه پیدا کردن معادل اصطلاحی در زبان

مقصد میسر نگردد، مترجم باید با زبانی ساده و روشن به انتقال مفاهیم

بپردازد (۲۶۰: ۱۷۹۷) .

۲۰۲۰۱۰۲ قرن نوزدهم

۲۰۲۰۱۰۲۰۱ جان کبل (John Keble ۱۹۱۸)

کتاب " کبل " با عنوان "ترجمه از زبانهای مرده"

(On translation from dead languages)

در سال ۱۸۱۲ منتشر شد . استدلال "کبل" چنین بود که ترجمه انجام دادن -

عملی است در جهت اغنای حس کنجکاوی جامعه ای که در آن بعضی از افراد

به علت مشغله (و یا احیاناً "سستی و کاهلی") به یادگیری زبانهای دیگر

نمی پردازند . "کبل" نقش مترجمان را در اشاعه فرهنگ ، آداب و سنن و

اخلاقیات ستود. به گفته او مترجمان همیشه کوشیده‌اند تا :

"... از اصول مسلم حق و عدالت و داوری هم‌در

جهت مسایل اخلاقی و هم در بعد مسایل انتقادی سخن

گویند و شمره عقل و منطق یا شکوفه‌های استدلال را که

همگان از آن بی بهره‌اند ندردهند." (۱۰-۱۸۱۲)

برای نیل و ارائه یک ترجمه خوب و قابل ، "کبل" صفات ویژه ترجمه

را برمی‌شمارد معتقد است که ترجمه باید دارای صفات زیر باشد :

الف - وفاداری مطلق به متن اصلی بدون آنکه مترجم اغوا شده و معنی

را خلاف و یا متفاوت از آنچه هست نشان دهد .

ب - با زآفرینی متن اصلی در زبان مقصد با دقت و صحت کامل .

"کبل" میگوید : به همان دلیل که نویسنده حق ندارد در جهت پرداخت کتاب

خود حقایق را قلب نماید مترجم نیز نمیتواند بر متن اصلی پیرایه‌ای

ببندد (۲۸:۱۸۱۲) .

مترجم باید نویسنده‌ای را انتخاب کند که نه تنها سبک او را بشناسد

بلکه به آن علاقمند باشد . مترجم باید از چنان قابلیت برخوردار باشد .

که بتواند سبک نویسنده را در نوشتار خود تقلید و با زآفرینی نماید و از سویی

به موضوع و زمینه متن آشنایی داشته و احساس مولف را درک نماید .

(۲۴:۱۸۱۲) .

۲۰۲۰۱۰۳ خلاصه روند ترجمه در قرون هیجدهم و نوزدهم میلادی

۲۰۲۰۱۰۳۰۱ قرن هیجدهم

در این قرن ، ترجمه به عنوان یک صنعت و حرفه چهره نمود و اگرچه

مترجمان در ترجمه متون نفع مادی چندانی را نصیب خود نمی ساختند

معهد بسیاری از تازه‌واردان به این حرفه روی آوردند ، شخصی بنام

" پیتر ماتوکس Peter Motteux " که یک پناهنده بود کتاب

"دون کیشوت" (Don Quixote) را در سال ۱۷۰۳ ترجمه مجدد نمود. او اولین مترجم آثار تورویا به عبارت بهتر کارورزی بود که ترجمه‌های روان و قابل فهم ارائه نمود. معهذا در هر کجا که مطلبی و یا بندی از متن اصلی را نمی دانست در حذف آن درنگ نمی کرد.

یکی از تصوراتی که در این قرن جا معیت یافت و مقبول نظر صاحبان قلم قرار گرفت این بود که سبک نوشتاری در قرن هیجدهم بهترین، زیبا-ترین و کامل ترین سبک نویسندگی است و بنا بر این اگر نویسندگان عصر گذشته از این روند تخلف و یا تخطی نموده اند شایسته است که آثار آنها بازبینی مجدد شود و مطابق با اصول نوشتاری این قرن تزکیه گردد و یا به عبارتی به سبک "طبیعی و عادی" بازنویسی شود.

در طول این قرن، بازگردانی کتب و نوشتجات مورد تشویق و ترغیب قرار گرفت و اگر چه نفعی مادی بر آن مترتب نبود معهذا با استقبال معنوی فراوانی روبرو شد. از گوشه و کنار سیل توصیه ها، رهنمودها و ارائه طریقها جهت عرضه ترجمه های بهتر سرازیر بود (آموس ۱۳۶: ۱۹۲ Amos).

برای آنکه از بحث های طولانی بپرهیزیم و به اطلاله کلام نپردازیم و از سویی توانسته باشیم تصویر شمایی کلی تری از روند ترجمه در قرن هیجدهم داشته باشیم حقایق و صفاتی چند را که این قرن به آن متصف است فهرست گونه بازگو می کنیم:

۱- ترجمه بدوا "روندی بحساب می آید که از طریق آن نیروی خلاقه نویسندگی نویسندگان بزرگ جوامع مختلف با آفرینی و برآنها تفسیرهایی ارائه می گردید (کلی ۱۹۷۹: ۳ Kelly).

۲- آثار مشربی دغدگی برای این قرن سایه افکند و مترجمان با فراغت بال به ترجمه آثار پرداختند. از همین رو قرن هیجدهم و بویژه دوران "پوپ" (Pope) را "عصر طلایی ترجمه" نام نهادند (آموس ۱۳۵: ۱۹۲۳ Amos).

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۹۵

۳- هواخواهی ملی (national enthusiasm) در آثار
و نوشته‌ها جا بگزین عرق وطنی (Patriotic enthusiasm)
قرون گذشته‌ها ما ترجمه به عنوان یک هنرهنوزهم مورد استقبال و حمایت
قرار داشت (آموس ۱۳۵: ۱۹۲۰ Amos).

۴- شعار "تنها یک مترجم شایسته می‌تواند شعری را ترجمه کند" بیش از
پیش‌ورد زبانها قرار گرفت و بر آن تکیه شد.

۵- اغلب کتب و آثار ترجمه شده، مقدمه‌های طولانی را یکدک می‌کشیدند
که در آنها رهنمودهایی در جهت ترجمه‌ها، ملاتراژ آثار کلاسیک به زبان
انگلیسی منظور شده بود (آموس ۱۳۷: ۱۹۲۰ Amos).

۶- در ارتباط با متدوشیوه کلی برای ترجمه آثار، تئوری‌های عرضه
شده تا زگی چندانی نداشتند و بیشتر ملهم از نظریات و تئوریهای ارائه
شده در قرن‌های پیشین بود و در پاره‌ای موارد عین آن اصول تکرار و تاویل
می‌گردید.

۷- بسیاری از مترجمان، در ترجمه آثار، شیوه‌ای را انتخاب می‌کردند
که مقبولیت یا بدیاه قولی به عنوان یک شاهکار در تمام اعصار بماند.
این انگیزه به شدت رواج و قوت فراوان داشت. در مقدمه‌اش بر کتاب
"لوسیاد" (Lusiad)، مایکل اظهار داشت:

"(هدف این نیست که) ترجمه‌ای ارائه شود تا
معدودی را خوشایند باشد که تنها به دانستن آنچه
نویسنده گفته است رغبت دارند بلکه هدف خلــق
شعری است که در ادبیات زبان انگلیسی جاودانگی
یابد."

(آموس ۱۶۵: ۱۹۲۰ Amos)

۸- رغبت و میل به ارائه ترجمه‌های مبتنی بر شیوه "ترجمه واژه به

واژه "نقصان یافت و در عوض توجه به ترجمه آزا دوبازآفرینی متون سلیس جا معیت و مقبولیت بیشتری پیدا کرد .

۹- کتاب تیتلر (Tytler) درباره ترجمه نشان دهنده ایمن واقعیت بود که تئوریهای ترجمه با ید مورد مذاقه بیشتری قرار گیرد ، در حد تئوری باقی نمانده و راه حل ها و تکنیکهای مناسبی را نیز جهت عرضه ترجمه های بهتر ارائه نماید .

۱۰- جورج کمپبل (۱۷۱۹-۹۶) (George Campell) در ترجمه کتاب انجیل مقدس به ارائه نوعی تئوری ترجمه مبتنی بر معادل سازی نحوی در ارتباط با ترجمه متون دینی همت نمود (کلی ۱۹۷۹:۲ Kelly)
۱۱- بحث وجدل پیرامون اینکه آیا باید ترجمه آزا د بر ترجمه لغوی و مقید برتری یا بدیال عکس که به ابتکار " درایدن " نهج یافته بود همچنان ادامه یافت . بسیاری از تئوریسین های ترجمه از شیوه " درایدن " پیروی می کردند و معتقد بودند که در ترجمه باید حدا عتدال رعایت گردد و ترجمه باید نه آنقدر لغوی و مقید و نه چندان آزا د باشد . بسیاری از مترجمان نیز از این اصل پیروی کردند (آموس ۱۹۲۰:۱۶۳ Amos) .

۲۰۲۰۱۰۳۰۲ قرن نوزدهم

در اوایل قرن نوزدهم ، شیوه تازه ای متداول گشت . بحث در این بود که تمام متن اصلی باید به زبان مبدا برگردان شود و هیچگونه حذف و اضافهای صورت نپذیرد مگر آنکه در متن اصلی اصول اخلاقیات زیرپا گذاشته شده باشد . از این جهت به " پاورقی نویسی " توصیه شد و بیشتر ترجمه ها حاشیه نویسی گردید و پاورقی های متعدد به متون ترجمه شده افزوده گردید .

ذیلا " ویژگیهای ترجمه در این عصر فهرست گونه عرضه می گردد :

۱- سیل آثار ادبی به زبانهای مختلف جاری گردید و مترجمان شوق

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۹۷

وافری برای ترجمه این آثار به زبان انگلیسی نشان دادند. در نتیجه، بسیاری از لغات بیگانه به زبانهای اروپایی وبه ویژه به زبان انگلیسی راه یافتند. بسیاری از مترجمان عین کلمات بیگانه را در ترجمه‌های خود بکار بردند. ترجمه کتاب "هزار و یک شب" (Arabian Nights) که در سال ۱۸۸۸ توسط ریچارد برتن (Richard Burton) ترجمه شد حاوی بسیاری از لغات عربی بود که عیناً "نقل‌گردیده بود".

۲- نیومارک (Newmark) می‌گوید: تا اوایل قرن نوزدهم، ترجمه لغوی و واژه‌به‌واژه "نوعی تمرین در زمینه واژه‌شناسی بحساب می‌آمد که از طریق آن اصلاح گرایان فرهنگی قصد داشتند ادبیات را نجات بخشند. در قرن شانزدهم شیوه علمی تری بر روند ترجمه حاکم گردید بدین معنی که برخی معتقد شدند ترجمه بعضی از متون باید دقیقاً "و بدون حذف و اضافه صورت گیرد در حالیکه ترجمه پاره‌ای از متون اصلاً "میسرنیست" (۱۹۸۱:۳۸).

۳- علی‌رغم قرن هیجدهم که روند ترجمه بیشتر برگردآوری اطلاعات و انتقال مفاهیم متکی بود، قرن نوزدهم شاهد خلق و ارائه تئوریهای نوین ترجمه و یا حداقل تکرار اصول مثبت‌ه پیشین بود (کلی ۱۹۷۹:۲۳۶). Kelly). ۲۰۲۰۲ ترجمه در قرن بیستم:

مترجمی بنام بنیامین جات (Benjamin Jowett) که یکی از طلاب دانشگاه آکسفورد بود، در سال ۱۸۷۱ آثار افلاطون را به زبانی ساده و غیر منقلب ترجمه کرد که سرآغاز انقلابی در زمینه ترجمه بود. متأسفانه این اثر تا اوایل قرن بیستم مورد عنایت قرار نگرفت. در این زمان "دقت" (accuracy) به عنوان عمده‌ترین معیار ترجمه مطرح گردید و سبک آرای محبوبیت و رونق‌خویش را از دست داد و در تقابله با عامل "دقت" قرار گرفت. از این جهت ترجمه "جات" مورد توجه خاص قرار گرفت زیرا

در آن مترجم به " دقت " در ترجمه عنایت داشت و از سبک آرایبی نشانهای نبود.

قرن بیستم " عصر تکنولوژی و مهارتها " نام گرفته است. تکنولوژی در ادامه بقاء و ایجاد تسهیلات بیشتر برای بشر نقش موثری ایفا کرده و لزوم ایجاد ارتباطات بین المللی نزدیکتر و تازه تری را طلب نمود. ترجمه نه به عنوان وسیله ای برای خلق شاهکارهای ادبی که قرنهای متمادی مورد توجه بود بلکه به عنوان وسیله ای در جهت ارضای حس کنجکاوی ملت‌ها به شناختن یکدیگر و ارزشهای حاکم بر جامعه یکدیگر و درک نیازهایی که ملت‌های مختلف با آن روبرو و دست‌گیر می‌شدند مطرح گردید و جای رفیع در ارتباطات ملت‌ها یافت. با زار ترجمه داغتر گردید و صدها مترجم از مترجمان زبیر دست گرفته تا آن‌ها که کوچکترین اطلاعاتی از تئوری ترجمه نداشته و فقط مختصر آشنایی به دوزبان داشتند سیل ترجمه‌های خوب و بد را به زار کتاب روان داشتند. اصلیت و اهلیت نویسنده مورد عنایت قرار نگرفت و آثار نویسندگان مختلف از زده‌های مختلف اجتماع به زبانهای گوناگون برگردان شد.

ترجمه تحت اللفظی (واژه به واژه) که زمانی به "معادل‌های زبانی"

(word - for - word equivalences) تعبیر می‌گردید

جای خود را به شیوه دیگری با ایده ترجمه و خلق اثر نویسنده با توجه به محتوا و متعلقات معنایی بدون توجه به تفاوت‌های صوری و روستا ختی بین دوزبان مورد نظر داد. مطابقت نحوی بین دوزبان اهمیت و ویژگی خود را از دست داد. البته در این گیرودار، خلق و با ز آفرینی آثار ادبی (منظور ترجمه آثار ادبی) هرگز قطع نشد و از عیز انتفاع خارج نگردید. در نیمه اول قرن بیستم، شاهکارهای بزرگ ادبی با مهارت و کارآیی تمام ترجمه شدند. مع هذا آنچه باید مدنظر داشت این است که این دوشیوه

درکنا رهم رشد یافته و همچنان نیز بقاء دارند. به عبارت دیگر حتی در زمان حاضر نیز درکنا رترجمه‌های شایسته‌ای که از نویسندگان بزرگ عرضه می‌گردد، تعدادی ترجمه‌های مبتذل از نویسندگان گمنام نیز راهی بازار ادب می‌گردد. در این قرن تئوریهای متفاوتی از ترجمه عرضه گردیده‌اند. در بعضی از موارد بین این تئوری‌ها و تئوریهای پیشین تفاوت‌های عمده وجود دارد در حالی که در پاره‌ای از موارد دیگر تنها تغییر در صورت و فحوی کلام مطرح است و نه تغییر بنیادی و اساسی در تئوری. در این بخش از کتاب، تئوریهای مختلف ترجمه را ابتدای قرن تا زمان حاضر عرضه گردیده است. تئوریسین‌هایی چون "ناید" (Nida) که کتب متعددی منجمله "درآمدی به سوی علم ترجمه" (۱۹۶۴) Towards a science of translating, را نوشته است، "کتفورد" (Catford) با تئوری او که در کتاب "تئوری ترجمه مبتنی بر اصول زبان‌شناسی" (۱۹۶۵) A Linguistic theory of Translation ... آمده است، "براور" (Brower) که کتاب او با عنوان "در ترجمه" (On translation) در سال ۱۹۶۶ منتشر گردید و نیز "ماکان" (Machan) که تکنیک‌های ترجمه را در سال ۱۹۸۵ عرضه نموده است معرفی شده‌اند. بدیهی است مترجمان و تئوریسین‌های دیگری نیز وجود داشته‌اند که کم و بیش در این جهت هم‌ت و الایی معمول داشته‌اند.

"ناید" (Nida) معتقد است که صفات "واقع‌گرایی محض" (radical realism) و "رهايي" (liberation) مترجمان از قیود و بندها و اشتغالات فقه‌اللفه حاکم بر عصرهایی پیشین "برازنده" این عصر است و باید جزء ویژگیهای ترجمه در قرن بیستم به حساب آید (۱۹۶۴: ۲۱).

و بالاخره نباید از انقلاب زبان‌شناسی چامسکی (از ۱۹۶۵ به بعد) که



انگیزه اصلی برای ایجاد تحول در زمینه زبان و به تبع آن ترجمه بین زبانها بود غافل ماند، اندرهمای جدید را در زمینه ترجمه و فنون آن با یدمرهون این انقلاب بنیادی و تحول ساز دانست. جوش و درخشندگی این انقلاب هنوز هم الهام بخش تئوری های نوین ترجمه است که اهل نظر و خبرگان ارائه می گردد.

به منظور آنکه بتوانیم شمای کلی تری از تئوری های ترجمه در قرن بیستم ارائه نماییم و تحولات جاری را بهتر دریابی کنیم، در این بخش به شیوه دیگری متفاوت از آنچه در بخش های پیشین معمول بوده توسط جسته ایم. حدود هشتاد تئوری که برخی تنها برگردان تئوریهای قبل بوده اند مورد بررسی و مذاقه قرار گرفتند. بدیهی است در بعضی از موارد تشابه به حدی است که قایل به تفاوت نتوان بود. به جای آنکه به شیوه بخش های پیشین به شرح و بسط ویژگیهای فردی و زمینه علمی مترجمان و تئوریسین ها بپردازیم بیشتر به روند فکری آنها در زمینه ترجمه عنایت خواهیم داشت. هدف آن است که بدانیم این تئوریسین ها چگونه به سئوالات زیر پاسخ داده و نظر خود را به ترتیب بیان داشته اند. برای آنکه بتوانیم سیر تحولات تئوری ترجمه را نیز دریابی نماییم، صاحبان اهل نظریه به ترتیب سال انتشار اثر معرفی گردیده اند و تا آنجا که در دسترس بوده است آثار و نظریات آنها مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بدیهی است بعضی از خبرگان چون نایدا (Nida) و رافائل برتون (Burton) کتب و مقالات متعددی در این باب نوشته اند در حالیکه دیگران به صورت موزبه ابراز نظر پیدا خته اند.

ذکر این نکته لازم است که در تجزیه و تحلیل بعضی از آثار فقط پاسخ به بعضی از سئوالات زیرین یافت شده و بنظر می رسد که تئوریسین ها به جهات خاص به بخشی از صفات ترجمه و یا مترجم عنایت داشته اند. به هر تقدیر، سعی بر آن

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۰۱

است که پاسخ به سئوالات زیر از لابلای نوشته‌های آنها استنباط گردد.

- ۱- چرا ترجمه لازم است؟
- ۲- ترجمه خوب کدام است؟
- ۳- ویژگیهای یک مترجم خوب کدام است؟
- ۴- بهترین شیوه انجام ترجمه کدام و چگونه است؟

۲۰۲۰/۲۰۱ کارل شولز (Karl Scholz, ۱۹۱۸)

کتاب "شولز"، "با عنوان "هنر ترجمه" (the art of translation) در سال ۱۹۱۸ انتشار یافت. در این کتاب تاریخچه‌ای از تحولات ترجمه از زبان تیتلر (Tyttler) تا زمان انتشار کتاب فراهم آمده است. "شولز" معتقد است که اگر ترجمه به شیوه مطلوبی ارائه گردد عمدتاً سه هدف اصلی بر آن مترتب است:

- ۱- اهداف بشردوستانه
 - ۲- اصالت سودمندی
 - ۳- قدردانی از هنر و ادب
- که از آن استقرار و دوام روابط فرهنگی بین ملت‌هایی که از نظر زبانی خصوصیت و تضاد دارند مراد است.
- منظور و هدف آن است که اقوام و ملل، با توسل به ترجمه، به دانش و علمی که سایر ملل به آن مجهز اند دست یازند.
- مراد آن است که از طریق ترجمه، آگاهی بیشتری به نظریه‌های جهانی در باب هنر حاصل آید و نگرشی عمیق‌تر بر حیات بدست آید.
- طبق نظر "شولز"، ترجمه موفق ترجمه‌ای است که متن اصلی به طریقی باز آفرینی شود که روح و جان کلام خدشه دار نشود و افکار نویسنده با پرده تکدر پوشیده نگردد. آنچه او از "روح و جان کلام" مراد دارد سبک و ویژگیهای زبانی و لهجه‌ای مولف است. این مسئولیت بر عهده مترجم است که

" تعادل وزن و قوافی " را به شیوه متن اصلی نگهدارد (ص ۶). هرگونه تخطی از این مقوله و فرانگری از این دایره ترجمه‌ای را بدست خواهد داد که از دقت و کمال بی بهره است.

شولز معتقد است که آشنایی کامل به دوزبان مبداء و مقصد در ترجمه حداقل توانایی است که مترجم به آن نیازمند است و هر مترجم قابل ولایق باید از این موهبت برخوردار باشد (ص ۳). مترجم باید از ذائقه هنری قابلی برخوردار باشد، علاوه بر این مترجم باید از دقت (accuracy) کافی برخوردار باشد تا بتواند توانایی درک صحیح از احساس، افکار و اعتقادات نویسنده پیدا کند و در برگردان نمودن این احساس دچار نقیصه نگردد. معهذاً "شولز" مترجمان را از اینکه کاتولیک ترازا پباشند و بیش از آن نویسنده و یا شاعر پرداخت ادبی نمایند بر حذر می‌دارد. به عبارت دیگر اگرچه مترجم باید بر حقوق مختلف، تنوع ادبی و فراوانی سبک‌های زبانی زبان مقصد و مبداء آگاهی کافی و وافی داشته باشد معهذاً نباید بیش از آنچه متن اصلی مراد داشته از تنوع ادبی بهره‌گیرد (صفحات ۲۹-۳۰).

"شولز" با نگرش بر مشکلات ترجمه زدیدگاه‌های مختلف و تجزیه و تحلیل هر کدام از آنها، در نهایت سه شیوه مختلف را برای ارائه ترجمه‌ها^ی ادبی و اصطلاحی پیشنهاد می‌نماید و نظر خود را بیان می‌دارد. معهذاً خود به دو مقوله اول و دوم رغبتی نشان نداده و شیوه سوم را ملاک قرار می‌دهد.

الف - ترجمه لغوی

استفاده از این شیوه ترجمه مقبول نیست زیرا فقط "اندیشه" (thought) نویسنده را منتقل می‌سازد ولی فحوای کلام (spirit) را با زگو نمی‌کند.

ب - ترجمه از طریق جایگزینی عبارات و لغات مصطلح که تطابق صورت داشته باشند.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۰۳

این شیوه ترجمه را نباید مرجح دانست زیرا عباراتی که بدین نحو انتخاب می‌شوند با عبارات مشابه در زبان مبدأ هم وزنی ندارند.

ج- ترجمه از طریق یافتن اصطلاحات (idioms) در زبان مقصد که با اصطلاحات معادل در زبان مبدأ برای همطرازی معنایی داشته باشند. این شیوه بهترین و کارآمدترین متد ترجمه است.

در ارتباط با ترجمه آثار آثاری که به سبک‌های لهجه‌ای آراسته‌اند، "شولز" پیشنهاد می‌کند که مترجم در استفاده از لهجه خاص تداوم و ثبات قدم داشته باشد و در ترجمه اثر سبک‌های مختلف اختیار نکند و از سبک محاوره به سبک معمول و یا بالعکس تغییر روش ندهد. (ص ۳۹).

"شولز"، به نقش نقطه گذاری در انتقال مفاهیم اهمیت ویژه می‌دهد و معتقد است که هر کدام از این علائم نشان از حکمتی دارد که مترجم نباید آن‌ها غفلت ورزد. مترجم باید به شیوه پرداخت بکارگیری این علائم عنایت ویژه نماید. (ص ۴۳).

به نظر "شولز" اگر عبارات و کلمات بیگانه (منظور کلماتی که ترجمه واژگانی معادل در زبان مقصد ندارند) بوضعیت خاص فرهنگی یک جامعه و یا یک فرد دلالت داشته و یا بدان منظور بکار رفته باشند که به ملت‌های گوناگون اشاره نمایند یا از آن جهت بکار گرفته شده‌اند که حالتی را بنمایانند، باید به صورت اصلی خود حفظ شوند بدون آنکه ترجمه واژگانی شوند. (ص ۴۸).

در مواردی که متن اصلی به عبارات قومی (folkloric expressions) آراسته‌اند بهترین شیوه ترجمه آن است که مترجم بدون تفسیر پردازی به ترجمه دقیق آن عبارات همت‌گمارد و از حاشیه روی و تاویل پردازی بپرهیزد. در غیر این صورت ترجمه حاصل آمده مفهوم و معنای اصلی خود را از دست داده و به صورت تصنعی چهره می‌نماید.

۲۰۲۰۲۰۲ ج- اس فیلیمور (J.S. Phillimore , ۱۹۱۹)

"فیلیمور" معتقد است که ترجمه سمبل بقا و تداوم سنت های بشری است. مترجمان بزرگ مرکز ثقل و محور تاریخ ادبیات یک کشور اند (ص ۴). به نظرا و، ترجمه یک دنیا زوما به و نقطه عطف تحولات یک زبان نوپا است (ص ۴). علی الظاهر، "فیلیمور" بین زبانهای برتروزبانهای دنی تر تما یز قایل می شود. احتمالا آنچه او آن به عنوان یک "زبان نوپا" یاد می کند همین وجه را نشان می دهد. به عنوان مثال، نامبرده، در بررسی و ارزشیابی ترجمه رباعیات عمر خیام توسط فتینر جرال اظهار می دارد:

منتقدان ادبی برای این عقیده اند که ترجمه رباعیات از خود اصل آن معتبرتر و از طرفی بیشتر برخوردار است. "فیلیمور" معتقد است که علت را با یدیا در "نبوغ ذاتی مترجم و یا فنا و و لایی و برتری وسیله ای که در اختیار داشته (منظور زبان مقصد است) دانست" (ص ۸). علاوه بر این او معتقد است که "... یک زبان پست تر (inferior) اجبارا "با ید از طریق ترجمه به و ام گیری و از ه ها تن در دهد تا راه تحول را بی ماید" (ص ۸).

فیلیمور نظر بعضی از تئوریسین ها را که قایل به با آفرینی یک ترجمه در حد اعتبار اصل است رد می کند و معتقد است که در انجام این امر با ید به تقریب در برابری قناعت کرد و گرنه همسانی و همقدری متن و ترجمه آن حاصل نمی گردد. بنظرا و ترجمه خوب تنها وقتی حاصل می آید که تشابهات بین دو زبان شناخته شده و معادل های دقیق و متین از زبان مقصد استخراج و جای گزین عبارات در زبان مبدا گردد (ص ۱۱۱). برای نیل به این هدف و مقصود، دستیابی به یک ترجمه دقیق و با اعتبار و زبان مبدا و مقصد "با ید از نظر قدرت بیان و شیوایی کلام همطراز باشند" (ص ۴).

مترجم با ید بکوشد تا جوهر، احساس و زیرویمی معنایی و نیز سبک بکار رفته در متن اصلی را بازشناسد و در متن ترجمه خود بکاربرد، اگر این امر

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۰۵

حاصل نیاید، ترجمه بدست آمده از اعتبار چندانی برخوردار نیست. مع هذا آنچه باید در نظر داشت این است که اصلیت اثر نویسنده نباید خدشه دار گردد.

۲۰۲۰۲۰۳ جان پوستگیت (John Postgate ۱۹۲۲)

"پوستگیت" برای رشد و تکامل زبانها فواصل قابل تفکیکی را فرض می‌دارد و معتقد است که زبان در مراحل تکامل خود از مقاطع مختلفی عبور می‌کند. در برخی از این مقاطع، زبان ادبی یک ملت ممکن است آزما دگی بیشتری برای ترجمه برخوردار باشد. از طرفی اوبه این اصل معتقد است که زبانها نیازمند به آن هستند که با فرهنگ زبانهای دیگر آشنا شوند و از غنای آنها سودجویند (ص ۵۳). فرهنگ و زبان یک ملت فی نفسه به تفحص در عقاید و مفاهیم جدید راغب است و این امر تنها از طریق ترجمه بین دوزبان میسر است. ترجمه "می‌تواند چون مرکبی را هواری تحقق این هدف و رفع این نیاز را بلفطره را میسر نماید.

"پوستگیت" سه مقوله زیر را قابل تفکیک می‌داند:

۱- ترجمه (translation)

(یعنی انتقال مفاهیم از یک وسیله ارتباطی به وسیله‌ای دیگر)

۲- برگردان (version)

(یا به عبارتی تغییر و ارائه ترجمه عبارت (metaphrasing))

۳- تاویل (Paraphrasing)

(برگردان نمودن یک نشر قدیمی به نشری جدیدتر)

بنظر او دو عامل مهم در ارزشیابی ترجمه مدخلیت دارد:

الف- وفاداری به متن اصلی که در حقیقت مهم ترین محک به شمار

می‌آید.

ب- درجه شیوایی قلم مترجم و نحوه معرفی نویسنده

مترجم نباید تصویری غلط از نویسنده ترسیم دارد.

"پوست گیت" ترجمه را به سه نوع عمده تقسیم بندی می‌کند:

۱- ترجمه لغوی

در این نوع ترجمه ".... نزدیکترین و قابل فهم ترین عبارات، -

معادل عبارتهای متن اصلی - از زبان مقصد استخراج شده و بکار می رود

۲- ترجمه مبدا - گرا (retrospective)

در این نوع ترجمه ویژگیهای نویسنده و اشرا و مضمون نظر قرار گرفته

و مترجم در بازآفرینی اثر زبان مبدا را مدنظر دارد.

۳- ترجمه مقصد - گرا (prospective)

در این نوع ترجمه، مترجم عمدتاً " به شناخت خوانندگان اثر ترجمه

شده می اندیشد و بر مبنای ارزشهایی که آنها به آن قایل اند به باز

آفرینی اثر مشغول می‌شود.

علاوه بر معیارهای مندرج در بندهای الف و ب بالا، " پوست گیت " معتقد

است که در ارزشیابی ترجمه‌های انجام یافته و تشخیص صلاحیت و کارایی آنها

منتقدان نباید از عوامل زیر نیز غافل بمانند:

۱- میزان درک و آگاهی مترجم از نحوه بهره‌گیری نویسنده از کلمات

با معانی مجازی و یا متداول آنها.

۲- میزان توانایی مترجم در پیدا کردن معادل‌های مناسب که بتواند

جایگزین عبارات و کلمات و نیز اصطلاحات زبان مبدا شود.

۳- میزان دقت مترجم در پیدا کردن سبک مناسب و نحوه پرداخت و

پیرایش کلمات و عبارات در سطح جمله و متن (ص ۲۰)

بطور کلی، از فحواي کلام " پوست گیت " چنین میتوان استنباط کرد که

حاصل ترجمه باید برگردانی باشد بر خورد را از اصطلاحات سرشار و گویا در زبان

مقصد به نحوی که خوانندگان و کسانی که به زبان مقصد سخن می‌گویند متن

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۰۷

ارائه شده را متعلق به زبان خود احساس کنند و آن بوی تفاوت و تغایر به مشام نرسد (ص ۳۳). "پوست گیت" برای این عقیده است که "...ترجمه باید به طریقی تدارک و عرضه گردد که حاصل متنی روان و قابل برای با متن اصلی باشد" (ص ۷).

پوست گیت مترجمان را به دودسته تقسیم می‌کند:

۱- مترجم نویسنده گرا (receptive)

نقش مترجم نویسنده گرا در ارتباط با متن اصلی نقش غیرفعال و پذیرا است بدین معنی که هدف مترجم آن است که اثرات ترجمه نموده و در خلق این اثر همواره به طیب و رضایت خاطر نویسنده می‌اندیشد و رضایت او را می‌طلبد.

۲- مترجم خواننده گرا (adaptative)

مترجم خواننده گرا در جهت ارضاء ذائقه خوانندگان خود، تغییراتی را در متن اصلی سبب می‌شود به طوریکه مطلوب طبع خوانندگان قرار گیرد. معذا در این تغییر و تحول، مفهوم و یا قصد نویسنده مخدوش نمی‌شود. در هر کدام از موارد فوق، شرط اولیه، آشنایی کامل مترجم به زبان‌های مبدا و مقصد است (ص ۲۰)، معذا پوست گیت توصیه می‌کند که مترجمان مگردم واردی که ترجمه توسط یک شخص دوزبانه (bilingual) انجام می‌گیرد، به صورت یکطرفه یا به عبارتی از زبان بیگانه به زبان مادری به ترجمه بپردازند. اگر زبان انگلیسی و فارسی را شاهد آوریم، طبق نظر، "پوست گیت" بهتر آن است که مترجم فارسی زبان از زبان انگلیسی به زبان فارسی ترجمه کند و ترجمه از فارسی به زبان انگلیسی را برعهده و مسئولیت مترجم انگلیسی زبانی بگذارد که با زبان و

ادبیات فارسی آشنایی دارد (ص ۲۲).

"پوست گیت"، توصیه می‌کند که ترجمه و برگردانی متون در حد امکان به صورت مقابله اصطلاحی انجام پذیرد (ص ۳۳). بنظر او هم نویسنده و هم مترجم از حقوق مساوی برخوردارند و مترجم مجبور نیست روش و شیوه نویسنده را تقلید نماید. مترجم باید از این آزادی برخوردار باشد که در مواردی را ساء قضاوت نموده و به نحو شایسته عمل نماید (صفحه‌های ۳۳-۳۴). مترجم می‌تواند بنا به تشخیص خود سبک‌های مناسب انتخاب نماید و در ترجمه معادل‌های زیبنده‌ای که بهتر بتوانند با اصل مطابقت یا بندها اختیار نماید (ص ۳۶). بدیهی است مترجم نباید از این مقوله غافل باشد که صور مختلف کلمات در هر زبان به مقتضای متنی که در آن بکار رفته با معنایی متفاوتی دارند و مترجم باید توانایی تمیز آنها را داشته باشد. برای مثال، پوست گیت به کلمه "ass" در انگلیسی و (asinus) در لاتین اشاره می‌کند. کلمه "ass" در انگلیسی بمعنای مجازی "ابله، کودن، احمق" آمده است در حالی که معادل آن "asinus" در زبان لاتین به معنای "سستی" بکار رفته است (ص ۴۴).

قرابت‌های کاذب (false cognates) یا به عبارتی کلمات متحدالشکل از دوزبان که معنایی متفاوت و یا مخالف یکدیگر داشته باشند بزرگترین خطرا را راه مترجم قرار می‌دهند. مترجم باید در تفسیر و تبیین آنها کمال احتیاط را معمول دارد.

در ارتباط با تکنیک‌هایی که مترجم باید در ترجمه آثار شعرا بکار گیرد، پوست گیت روش مبتنی بر ظرافت (crisp) و اختصار (brief) را توصیه می‌نماید. به عبارت دیگر او معتقد است که مترجم باید بر حسب ضرورت به حذف و اضافه و تنوع در سبک تن در دهد تا ترجمه به دست آمده از شیوایی، فصاحت و مقبولیت برخوردار گردد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۰۹

۲۰۲۰۲۰۴ هارلی گرنویل - بیکر (۱۹۲۴) Harley Granville-Baker

نوشته‌اوباعنوان "چگونگی ترجمه" نمایشنامه‌ها، "در سال ۱۹۲۴- انتشار یافت. در این اثر گرنویل - بیکر بدون اینکه ذکر آویژگیهای مترجم بنماید به بحث و بررسی نحوه ترجمه اشعار می‌پردازد و به نظر او که مترجم هرگز بدست نمی‌آید و تصور آن نیز دور از ذهن است. به نظر او آنچه از یک ترجمه خوب باید مراد باشد با زآفرینی مناسب و قابل قبولی از متن اصلی است (ص ۴۱). در ترجمه شعر نباید شیوه ترجمه "واژه به واژه" - توسل جست زیرا "نوعی هتک حرمت نویسنده" محسوب می‌شود (ص ۱۹). هر کدام از کلماتی که در یک قطعه شعر یکا رمی رود حاوی معانی خاصی هستند که از صور ظاهری آنها مستفاد نمی‌شود و مترجم باید به کنه مطلب و روابط معنایی مصرع‌هایی برده و در ترجمه خود آن را به شیوه‌ای مطلوبیتظار برخشد. همه جنبه‌های احساسی و عاطفی و بار معنایی مترتب بر کلمات و واژه‌ها باید دقیقاً نقل گردند تا خواننده شعر به زبان مقصد به احساسی یکسان دست یابد. بطور اجمال، مترجم باید از حد معانی ظاهری و قراردادی بگذرد و معانی واقعی کلمات را در یک چارچوب وسیع ترجمه‌تجو نماید.

۲۰۲۰۲۰۵ هیلیر بلاک (۱۹۳۱) Hillaire Belloc

در کتاب خود با عنوان "ترجمه" (translation)، "بلاک" میکوشد ترجمه را جزئی از شاخه هنر به حساب آورد که متاسفانه مورد محبت و اکرام شایسته قرار نگرفته است. این بی‌توجهی باعث گردیده تا ترجمه از اهمیت خاص خود برخوردار نبوده و آثار ترجمه شده قدر و منزلت واقعی خود را نیابند. آنچه تا کنون مورد بی‌مهری قرار گرفته ارزش واقعی ترجمه بوده است (ص ۳). بلاک معتقد است، دردنیایی که مشکلات و معضلات نظامی، فرهنگی و اقتصادی همکار بی‌بین ملت‌ها را می‌طلبد، ترجمه از جایگاهی

رفیع برخوردار است و باید به عنوان وسیله‌ای مطمئن در رفع معضلات مورد عنایت بیشتری قرار گیرد (ص ۵). میل به کشف حقایق و دستیابی به پدیده‌های ناپیدا از ویژگی‌های ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف است و به طول و عرض جغرافیایی و محدوده‌های ارضی خاصی ختم نمی‌شود. همه ملت‌ها در جهت کسب دانش می‌کوشند و هر آنگاه که این اطلاعات پراکنده گرد هم آیند مجموعه‌ای عظیم از آگاهی و دانش پدید می‌آید که نهایتاً به کشف رموز بیشتر خواهد انجامید. راهوار و مرکب مطمئن در تحقق این امر ترجمه است (ص ۹). بنا بر این به این امر مهم و حیاتی باید عنایت بیشتری مبذول گردد چه در غیر این صورت پیاپی مدهای متعاقب آن به ایجاد نزوایین ملت‌ها و فرهنگ‌ها خواهد انجامید و اگر این امر پدید آید، به نوعی خودکشی فرهنگی قابل تفسیر است (ص ۴۴).

در مقام رعایت اختصار، نظریات "بلاک" در ارتباط با ترجمه به شرح زیر خلاصه می‌شود. بلاک معتقد است که ترجمه دو هدف اساسی^۱ داخلی را دنبال می‌کند که هر چند مجزا از یکدیگر هستند مع‌هذا به نحوی در ارتباط اند. الف - نقش تعلیمی

ترجمه نقش انتقال دهنده مفاهیم و داده‌ها را از یک زبان به زبان دیگری می‌یابد. مثال و شاهد روشنی از آن کتب درسی می‌باشد که در مدارس و دانشگاه‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. ب - ناقل ادب و فرهنگ

ترجمه از یک زبان، به زبان دیگر انجام می‌پذیرد و هدف آن است که موازین ادبی بین زبان‌ها به یکدیگر انتقال یابند. از آنجمله می‌توان ترجمه داستان‌ها، مجموعه اشعار و رمان‌ها را ذکر کرد (ص ۱۰-۹). به نظر "بلاک"، ترجمه خوب نوعی از ترجمه است که بتوان آن را با اصل هم‌ترازیافت و بر آن ارزش مساوی قایل بود (ص ۲۲). تفسیر و تعبیری که

"بلاک" از ترجمه خوب دارد آن است که افکار اصیل و متعالی از طریق ترجمه در زبان مقصد بازآفرینی شود و متن آفریده شده خالی از هرگونه ابهام باشد. گفته "بلاک" در این مورد چنین است:

"ترجمه خوب باید تجلی بخش روح و اصلت متن اصلی باشد هرچند که کلمات و عبارات در ظاهراً مر با اسلوب و شیوه بکارگیری عبارات در متن اصلی متفاوت باشند. مترجم باید از نبوغی سرشار برخوردار باشد و بتواند به خلق هنری شایسته بپردازد."

(۱۹۲۴: ۱۵۳)

مترجم باید علاوه بر اینکه به دوزبان مورد نظر تسلط کافی دارد، بر این واقعیت نیز وقوف داشته باشد که کلمات و عباراتی که در زبانهای متفاوت معادل یابی میشوند از قدرت معنایی یکسانی برخوردار نیستند و تعدد معانی یک زبان دلیلی بر وجود تعدد معانی مشابه در زبان دیگر نیست (ص ۱۶-۱۵). شاید ذکر مثالی از زبان فارسی و معادل‌های آن در زبان انگلیسی خالی از لطف نباشد. کلمه فارسی "خاک" میتواند معادل کلمات "land", "soil", "earth" و غیره در انگلیسی قرار گیرد. بنا بر این، به توصیه "بلاک" درک معانی کلمات خارج از متن و به صورت انتزاعی میسر نیست و باید در چارچوب روابط نحوی و معنایی حاکم بر متن تفسیر و تعبیر یابد.

علاوه بر این مترجم باید:

"... به زبان کنایه و استعاره نیز آشنا باشد،

طیف ترکیبات زبانی را بداند و به نحوه در-

آمیختن اصطلاحات و مفاهیم گوناگون وقوف

داشته باشد تا بتواند هما نندیک پل نقل و
انتقال مفاهیم بین دوزبان را میسر نماید. (ص ۴)

مترجم باید در زبان مادری وی از زبان مبدا نویسنده ای قابل
و به تمام مشخصه ها و شیوه های نگارش آن زبان آشنا باشد. حاصل کار مترجم
باید چنین باشد که اگر خواننده ای آشنا به زبان اصلی متن ترجمه را بخواند
بر آن اثر ارزش گذارد و آنرا نه به عنوان یک ترجمه بلکه به عنوان یک اثر
هنری نگاشته شده در زبان اصلی ارج گذارد (ص ۴-۵).
"بلاک"، معتقد است که بین تکنیک ها و شیوه های بی که لازمه ترجمه نشرو
نظم می باشد تفاوت وجود دارد. مع هذا، در هر دو مورد، او بر این عقیده است
که:

- ۱- حفظ وزن متن ترجمه شده در تقابل با وزن معادل آن در متن اصلی
میسرنیست. بنا بر این به لحاظ لزوم شرح و بسط های جانبی، متن ترجمه
شده همواره مطول تر از متن اصلی است (ص ۲۳).
- ۲- ترجمه بخش به بخش و یا غزل به غزل (در شعر) غیر ممکن و غیر
مطلوب است. آنچه مهم است این است که مترجم جوهر و چکیده معنایی متن
و یا غزل را به زبان مقصد برگردان نماید (ص ۲۴-۲۵).
- ۳- در نوشتن متن و ارائه ترجمه خود، خود را همانند نویسنده ا ز قید و
بند محدودیت های مکانیکی و خشک و بی روح برها ند و دست خود را باز دارد.
(ص ۲۵).

"بلاک"، پیشنهاد می کند که در ترجمه آثاری که به نثر تحریریافته
اندگامهای زیرین برداشته شود:

- ۱- مترجم قبل از اینکه به ترجمه بپردازد باید تصویری کلی از کتاب
و یا متن مورد نظر ترسیم دارد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۱۳

۲- برای اصطلاحات موجود در متن زبان اصلی (مبداء) معادل‌های مناسب در زبان مقصد در نظر گرفته شود.

۳- در ترجمه عبارات، به جای استفاده از کلمات بیگانه، باید از معادل‌هایی که از نظر قصد و معنا هم‌طرازی با آنها استفاده گردد.

۴- مترجم باید "قرابت‌های کلامی" (cognates) یعنی کلمات دوزبان مورد نظر با صورت‌ها و معانی یکسان را از قرابت‌های کاذب (false cognates) یعنی کلمات دوزبان مورد نظر با صورت‌های یکسان ولی معانی متضاد یا متفاوت بازشناسد.

۵- مترجم باید در چنگ پیچیدگی‌ها و مشکلات کلامی نیفتد و در جهت احتراز از این ورطه به ترجمه معنایی مبادرت ورزد.

۶- مترجم باید از افزودن به متن مگر در مواردی که نویسنده به صورت ضمنی به مفهومی اشاره داشته و تقریر ضمنی آن به زبان مقصد میسر نیست پرهیز نماید. (ص ۳۷-۲۶).

در ارائه یک ترجمه مناسب از یک شعر، "بلاک" پیگیری گام‌های زیر را پیشنهاد می‌نماید:

۱- "اشعار و نوشته‌های بدیع بر ذهن انسان تاثیر عمیق می‌گذارند." مترجم باید بدو "این تاثیر را شناخته و به نحو شایسته به انتقال آن همت گمارد (ص ۳۷).

۲- الزامی نیست که مترجم شعر را به شعر برگردان نماید. ترجمه شعر به نثر امری عادی و طبیعی به نظر می‌رسد.

۳- مترجم نباید وقت خویش را در ترجمه کلماتی که ترجمه‌ناپذیر (untranslatable) هستند به هدر دهد. این قبیل کلمات و عبارات باید ترجمه نشده بجا بگذرند (ص ۴۰-۳۷).

۲۰۲۰۲۰۶ گرام ریچی (Graeme Ritchie ۱۹۴۱)

"ریچی"، ارائه طریق خاصی برای ترجمه پیشنهاد نمی‌کند. در نظر او ترجمه نمی‌تواند به هر چیزی اطلاق شود، از ارائه یک تا ویل نارسا تا ترجمه یک متن با در نظر گرفتن تمامی ابعاد آن. او معتقد است که تنوع در شیوه‌ها و سبک‌های نوشتاری، استفاده از تکنیک‌های متنوعی را می‌طلبد و بنا بر این انطباق یک تئوری خاص که دربرگیرنده همه این تکنیک‌ها باشد امری نامطلوب و غیرممکن است. هرمتنی با یدبه دقت مورد بررسی قرار گیرد و به فراخور ویژگیهای خاص آن متن شیوه‌های مناسبی اختیار گردد. به نظر "ریچی"، مترجم باید:

- ۱- معنی واقعی هر کلمه و یا عبارت را آن گونه که در متن و در چارچوب روابط معنایی حاکم بر آن بکار رفته است درک نماید.
- ۲- در انتخاب و بکارگیری واژه‌های معادل سعی نماید نزدیکترین واژه را بیابد.
- ۳- عبارات و کلمات معادل را در زبان مقصد طوری تلفیق نماید که متن با زآفرینی شده در تشابه با متن اصلی از برابری بهتری برخوردار باشد. هرچند که ارائه یک متن ترجمه شده کاملاً برابر با متن اصلی میسر نیست انتخاب یک سبک مناسب نیز باید مطمئن نظر قرار گیرد.
- ۴- با مشکلات ترجمه برخورد منطقی و واقع‌گرایانه داشته باشد و به راه حل‌های مناسب و درخور دست یا بدتا متن حاصل بتواند مقبولیت یابد.

۲۰۲۰۲۰۷ هربرت گریمستیج (Herbert Grimsditch, ۱۹۳۳)

گریمستیج، در کتاب خود با عنوان "دام‌هایی در زبان محاوره‌ای فرانسه" (pitfalls in everyday French) به مشکل "قربت‌های کاذب" (false cognates) (مورت‌های برابر با معانی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۱۵

متفادیا متفاوت (می پردا زدو آنرا یکی از مشکلات کار مترجم می‌داند ، اگر مترجم برای این مشکل صرافت نیافته و به موقع به رفع آن همت ننماید ، متن ترجمه شده زکارتایی و وضوح لازم برخوردار نبوده و عنداللزوم ابهامات و تناقضات (Paradox) فراوانی را دربرخواهد داشت . برای مثال کلمه "intimate" (صمیمی) در انگلیسی و مشابه آن "intime" (محرمانه) در فرانسه را می‌توان یکی از عدا داهای ترجمه دانست . کسانی که در ترجمه مبتدی محسوب می‌شوند اغلب در این پیچ و خم ها گرفتار می‌آیند و ترجمه‌های مضحکی ارائه می نمایند . (۱) اگرچه مثالهایی که " گریمستیج " ارائه می نماید مربوط به دوزبان انگلیسی و فرانسه است مع هذا تعمیم آن در زبانهای دیگر نیز که به نحوی با یکدیگر قرابت دارند دورا ذهن نیست (برای مثال بین زبان عربی و زبان فارسی هرچند ازدو شاخه متفاوت زبانی هستند این امر مصداق می یابد . مترجم ممکن است به دو کلمه کاملاً " یکسان در زبان عربی و زبان فارسی برخورد نماید که معانی کاملاً متفاوتی دارند .

"گریمستیج" مثالهای فراوانی از دوزبان انگلیسی و فرانسه نقل

می‌کند که نمونه‌هایی از آن به شرح زیر است :

<u>English</u>	<u>E-meaning</u>	<u>French</u>	<u>F-meaning</u>
cordial	مودت آمیز	cordial	دوستانه
loyal	وفادار	loyal	رک
ignored	غفلت شده	ignorant	آنها نمی دانستند
eventually	دیر یا زود	eventuellement	غیرممکن
library	کتابخانه	librairies	کتابفروشی

۱- نمونه‌هایی از این قبیل تله‌ها را میتوان در مقاله نیره توکلی یافت .

"گرمسویج" " " قرابت های کاذب " (گرمسویج از عبارت "کلمات دوقلو" (twin words) استفاده نموده است) را در انگلیسی و فرانسه به سه نوع تقسیم می کند :

۱- آن دسته از کلمات که مستقیماً " از فرانسه به انگلیسی وارد شده و جای خود را در آن زبان با زیافته است .

۲- آن دسته از کلماتی که هر دو زبان از زبان لاتین به عاریت گرفته اند ، برای مثال :

معنی	English
قرار داد	"Concurrence"

رقابت	French
-------	--------

۳- آن دسته از کلمات فرانسه که مستقیماً " از لاتین گرفته شده و کلماتی مشابه آنها که از زبان های ژرمن به زبان انگلیسی وارد شده و از نقطه نظر واژه شناسی هیچگونه قرابتی ندارند و تنها به آنها حسب تصادف است ، برای مثال

میساری	English
"Carousal"	

مسابقات ورزشی	French
---------------	--------

"گرمسویج" مترجمان را از افتادن به این دام ها بر حذر می دارد .

۲۰۲۰۲۰۸ ای - اس بیتس (۱۹۴۳) (E.S. Bates)

کتاب جالب " بیتس " با عنوان " تردد پذیری : بررسی در ترجمه " در سال ۱۹۳۴ منتشر گردید .

"بیتس" با "دانیل ساموئیل" (Samuel, Daniel) در این عقیده همصدا می شود که تردد بین افکار و ایده های ملل مختلف لازم است

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۱۷

واگر ترجمه رایج نگردد، رکود فکری و اندیشه و ایستایی در ارتباطات اجتماعی بین ملت‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. احساسات و عواطف انسانی ممکن است ذاتی و قریحه‌ای و تغییرناپذیر باشند اما اندیشه‌ها و تکنیک‌ها که لازمه برآورده ساختن نیازهای احساسی و عاطفی انسانهاست تغییرپذیر اند و می‌توانند و باید مورد تجدید نظر قرار گیرند. اگر این تغییر و تبدیل از قوانین جهان شمول بوده و عمومیت داشته باشند برای این ترجمه از یک زبان به زبان دیگر امری است که باید تحقق پذیرد و وسعت فراینده یا بد (ص ۷). بنا بر این، به نظر "بیتس"، ترجمه یک پدیده بین‌المللی است و به قول وی "...مشخصه و ویژگی ترجمه، خواه در ارتباط با تکنیک‌ها و چه در ارتباط با اندیشه‌ها، بنظر من امری است جهان شمول" (ص ۹). به نظر او، هدف اصلی ترجمه با دید گسترش دوستی‌ها و صمیمیت‌ها بین ملل مختلف باشد و نه این‌ها "به پیدایش دنیای بهتری بیانجامد".

وظیفه مترجم تنها این نیست که یک جمله را از یک زبان بجای جمله مشابه از زبان دیگر قرار دهد بلکه مترجم باید بر وجود تناقضات و تفاوت‌ها و قوف یا بد و ضمن رفع معضلات و نارسایی‌هایی که در زبان خود با آنها روبرو است ویژگی‌های زبان مقصد را نیز مدنظر داشته و شیوه مطلوب را در برگردان نمودن از زبان مبدا به زبان مقصد بیاورد (ص ۸-۷).

۲۰۲۰۲۰۹ با یارد کونسی مورگان (۱۹۵۶)، Bayard Quincy Morgan,

"مورگان" در مقاله خود با عنوان "ترجمه پائوندهای مونث" (on trans-

lating feminine rhymes) به بحث پیرامون این مسأله می‌پردازد

که، در ترجمه شعر، نوع دامهایی که بر سر راه مترجم قرار دارد و نوعی مشکلاتی که وی با آن روبرو است در زبان‌های مختلف متفاوت است و مترجمان نباید از آنچه ممکن است ترجمه را به مخاطره انداخته و در آن تأثیر سوء

نماید غافل بمانند. طبق نظرمورگان "...انواع ادبی و بحور شعری که در هر زبان وجود دارد ویژه آن زبان است که در ارتباط با مواد و روابط کلامی آن زبان مشخص می‌شود" (ص ۱۶۳)، خواه آن عبارات و کلمات "تک‌هجایی" (monosyllabic) باشند (مثل زبان انگلیسی) یا "دو-هجایی" (disyllabic) همانند زبانهای اروپایی. مورگان معتقد است این تفاوت بزرگترین مانع را بر سر راه مترجمانی که قصد به ترجمه از زبانهای اروپایی به انگلیسی دارند قرار داده است، بدین معنی که مثلاً "بسیاری از صفات، اسم‌ها و افعال زبان آلمانی دو هجایی هستند در حالی که معادل‌های آنها در زبان انگلیسی غالباً "تک‌هجایی" هستند. مثال‌های زیر مبین این نظر است:

<u>German</u>	<u>English</u>	
sing-en	sing	آواز خواندن
wind-e	wind	باد
die <u>weis-se</u> hand	the <u>white</u> hand	دست سفید

مورگان معتقد است که :

"...ترجمه معمولاً برای آن دسته از افرادی مناسب است که زبان اصلی را نمی‌دانند و نمی‌توانند نوشته‌های آنرا بخوانند. اما بهترین مترجمان کسانی هستند که در حین ترجمه افرادی را مدنظر دارند که بر هر دو زبان تسلط کافی دارند و می‌توانند با مقایسه و بررسی متن اصلی و متن ترجمه شده زیبایی، اهمیت و اصالت کار مترجم را مورد ارزشیابی قرار دهند." (ص ۱۶۹).

۲۰۲۰۲۰۱۰ ژوستیس روزنبرگ (Justus Rosenberg)

"روزنبرگ" در خلال نوشته‌هایش به صورت ضمنی به تئوری ترجمه خود اشاره می‌کند هر چند منظور و هدف او با زشناختن عوامل پایداری است که بر ترجمه موثر می‌افتند، قصداً آن است که نظر "رومانتیسیم" را در باب ترجمه عرضه دارد.

"روزنبرگ" معتقد است که ترجمه به معنایی که امروزه آن مراد می‌شود و شامل درهم آمیزی صورت‌های زبانی، زبان بطور کلی و معانی مترتب بر آنهاست تصویری واهی بیش نیست زیرا حاصل این امتزاج و درهم آمیزی، حتی اگر با دقت کافی نیز انجام پذیرد، چیزی بیش از شرح رویدادها توسط مترجم نیست (ص ۱۸۶).

آنچه باعث غنای ترجمه و روانی آن می‌شود طبقه‌بندی کردن صورت‌ها و معانی وابسته به آنها نیست بلکه "... ائتلاف و ترکیب (integration) و پاشیدگی آنهاست" (disintegration) عوامل بجای فرو ریختگی (ص ۱۹۰).

"روزنبرگ" روند پیدایش درک یک مقوله را با زمان خلق آن به چهار بخش تقسیم می‌کند:

۱- آگاهی از وجود پدیده‌ها و شناختن اشیاء در نفس خود

این ساده‌ترین نوع آگاهی است و به مترجم این توانایی را می‌بخشد که کلمات (nomina) یک زبان را در زبان دیگر معادل سازی نماید بدون آنکه به معنی خدش‌های وارد شود. این مرحله بر "مکانیسم فیزیکی انسانها" متکی است (ص ۱۷۲). به عبارت دیگر سامی و ارتباطات معنایی مترتب بر آنها قبل از آنکه مترجم به شناخت آنها بپردازد وجود و عینیت دارند.

۲- پدیده‌هایی که وجودشان زمینه لازم را فراهم می‌آورد تا انسان بتواند

بر مبنای آن به‌ارائه تفسیر و تعبیر پردا زد.

زبانهای مختلف الزاما "از قوا عدو قوا نین فرهنگی یکسانی تبعیت نمی‌کنند. و از طرفی در ارزشیابی پدیده‌ها از خط و ربط واحد پیروی نمی‌نمایند. نگرشهای تحقیری (Pejorative) و نگرشهای اصلاحی (ameliorative) در ارتباط کلامی زبانهای مختلف متفاوت است و برخورداری از این ویژگی‌های متفاوت وجه مشخصه یک زبان در تقابل با زبانهای دیگر است.

"روزنبرگ" با مطرح ساختن یک سوال اساسی، ارزش بسیاری از ترجمه‌های انجام یافته را به زیر سؤال می‌برد و آنها را نا موفق می‌داند. اومی‌گوید:

"... اغلب گفته می‌شود که نمایشنامه‌های آشیلوس، گوته، مولیر، چخوف و غیره ترجمه شده‌اند. نسخ آنها در کتابخانه‌ها موجود است و خواندن آنها تا حدی خوانندگان نا آشنا به زبان بیگانه را لذت می‌بخشد. اما سوال این است که چه مقدار از این نوشته‌ها دقیقا "ترجمه و بازآفرینی شده و چه مقدار از آنها در حد تقریب است؟" (ص ۷۵-۱۷۴)

۳- پدیده‌هایی کمی‌توانند در قلمرو نفوذ و اثر مترجم نه بعنوان یک فرد بلکه به عنوان یک فرهنگ خاص قرار گیرند.

پیش‌بینی حدوث این عوامل و پدیده‌ها مشکل است و بنا بر این اجتناب از آنها میسر نیست.

۴- آن دسته از فعالیت‌های ذهنی که بر محسوسات انسانها تاثیر پذیراست، این دسته از پدیده‌ها به تدریج جزء لاینفک انسانها می‌گردند و این توانایی را در او بوجود می‌آورند که بر مبنای اقتضای تجربه‌ای که می‌اندوزد به قضاوت و ارزشیابی بپردازد. اجتناب از حدوث این امر میسر نیست. به هنگام بازآفرینی یک اثر، مترجم همواره و بدون آنکه خود و قوف داشته

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۲۱

با شدا زنویسنده و یا شا عراصلی تا شیری پذیرد (ص ۷۷-۱۲۵).

"روزنبرگ"، "پیشنها د می‌کننده در ترجمه یک شعر، مترجم :

۱- قضاوت خویش را از ترجمه انجام یافته موکول به اظهار نظر نهایی

خوانندگان خود نماید. درنیل به این هدف، مترجم :

الف- باید بدانده که شاعر نسبت به وقایع زمان خود چگونه عکس

العمل نشان داده است .

ب- باید به نوع و میزان گرایش و بازتابی که شاعر نسبت به حوادث

ذکر شده در بالا داشته است وقوف کامل داشته باشد .

ج- باید بدانده که شاعر چگونه از واسطه‌های کلامی سودجسته است .

د- به نوع و میزان کارآیی مشخصه‌های واژگانی آگاه باشد .

ه- بین مشخصه‌های درونی از صورت‌های زبانی یعنی آن بافتی

که فی‌ذاته قسمت‌های مختلف یک شعر را به هم ربط داده و مرتبط می‌سازد

و نیز تظاهر خارجی آنها به صورت انواع شعر در قالب قصیده، غزل و غیره

تما یز قایل شود (ص ۱۸۳-۱۸۲).

۲- به همان میزان خلاقیت شاعر خلاق باشد . زبانشناس بودن مترجم به

تنهایی کفایت نمی‌کند و مترجم باید " فیلسوفی ظریف طبع و زیباشناس "

(aesthetic philosopher) و طراحی قابل باشد

(ص ۱۸۳).

۱۱۲۰۲۰۲ آر- بی ناکس (۱۹۵۷ R.B. Knox)

"ناکس"، در کتاب خود با عنوان "ترجمه به زبان انگلیسی" دو

سؤال عمده را به شرح زیر مطرح می‌سازد :

الف- ترجمه لغوی (ترجمه تحت‌اللفظی) و یا ترجمه ادبی کدامیک

مقدم است ؟

ب- آیا مترجم باید از سبک و شیوه خود تبعیت نماید و یا باید در ارائه

ترجمه، شیوه و اسلوب نویسنده را پی گیری نماید؟ به عبارت دیگر آیا مترجم از این حق برخوردار است که در انتقال مفاهیم شیوه خاص را آزادانه انتخاب نماید؟

"ناکس"، سعی می‌کند برای این دو سؤال پاسخ مناسب بیاورد:

۱- اگر متن ترجمه شده به کار دانش‌آموزان بیاورد ترجمه لغوی

اولی‌تر است و گرنه باید ترجمه ادبی را مرجح دانست.

۲- مسلم است که خوانندگان یک متن ترجمه شده از خواندن متن بایدهما تقدیر لذت ببرند که با خواندن متن اصلی اگر بر زبان اصلی تسلط می‌داشتند لذت می‌بردند. بدین ترتیب شیوه ترجمه نباید بر یک سری بازآفرینی‌های با سمه‌ای استوار باشد بلکه باید "... تا حدی با زمینه اصلی همخوانی داشته باشد" (ص ۲۲).

"ناکس"، معتقد است ترجمه خوب نوعی هنر آفرینی تجسمی (impersonation) است. اگر مترجم بتواند این ویژگی هنری را بنمایاند، سبک و اصطلاحات در نهایت راه خود را با زوایا هندیا فت و متن ترجمه شده را زینت خواهد بخشید. بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت که در نظر "ناکس"، ترجمه نوعی بازآفرینی هنر است.

۲۰۲۰۲۰۱۲ لئونارد فاستر (۱۹۵۸) Leonard Foster

از دیدگاه فاستر، ترجمه‌رانی نوعی انتقال معنایی دانست که از طریق آن فحوی یک متن به زبانی دیگر انتقال می‌یابد (ص ۱). بنا بر این ترجمه خوب، به گفته او، عملی است:

"... که دارای همان تاثیر کلامی در زبان

مقصود است که در زبان مبدا نیز بوده است." (ص ۶-۷)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۲۳

ترجمهء بسیاری از کتب فنی می‌تواند برای این محور انجام پذیرد و اصلت تاثیرپذیری مراد باشد. مع هذا در ترجمهء متون ادبی که به ظرافت بیشتری نیاز می‌باشد شیوه‌های مختلفی موردنظر است و ترجمه را می‌توان به یک شیوه محدود دانست (ص ۲۰۵).

ویژگیهای مترجم را می‌توان در دو مقوله عمدهء زیر خلاصه نمود:

الف - دانش عمومی

مترجم باید:

۱- بر علائم و نشانه‌های زبانی و قوف کلمات داشته و ویژگی هر کدام را به خوبی بداند.

۲- روابط زبانی حاکم بر نشانه‌های زبانی و خطوط ارتباطی و ژرف ساختی آنها را در یک چهارچوب کلی ترباشد.

ب- دانش ویژه پیرامون زبان و متنی که قصد به ترجمه آنرا دارد

مترجم باید:

۱- از هدف نویسنده در ارائه متن به زبان مبدأ اطلاع کافی داشته باشد.

۲- بدانند که نویسنده در جهت تحقق بخشیدن به اهدافی که دنبال می‌نموده از چه وسیله و شیوه‌هایی استفاده کرده است.

۳- قبل از شروع به ترجمه، سبک و شیوهء ترجمه خود و چهارچوب کلی آنرا ترسیم نموده و تخطی از آن را روا ندارد.

۴- شمایی کلی از خوانندگان آتی خود داشته باشد و ضمن شناخت آنها خود نیز بدانند که از ارائه ترجمه نیل به چه اهدافی را می‌طلبد.

"فاستر"، معتقد است که مترجم با بینشی که بر متن اصلی دارد و با شناختی که از نویسنده یافته است می‌تواند به اختیار خود آزادانه واحد نوشتار را "کلمه" بداند (هما نند شیوهء ترجمه‌ای که در عصر نسانس مرسوم بود و به ویژه

توسط لوتر در ترجمه کتاب مقدس انجیل به زبان انگلیسی بکار گرفته شد (و یا کلیت یک متن (که در آن واژه‌ها، کلمات، عبارات و جملات واحدهای تابعه هستند) ، اگر مترجم بر ماهیت متن اصلی و روابط حاکم بر آن وقوف کامل داشته باشد، تلفیق این دو حالت به مناسبت و فراخور متن می‌تواند مقبول و مطلوب باشد.

در ترجمه شعر، مترجم باید در ابتدا ندای درونی شاعر را دریافت دارد و ندای او را بدانگونه که در شعر آمده تجسم بخشد. به عبارت دیگر، در ترجمه یک شعر، روابط و صور و ساختی زبان و نحوه آراستن کلمات و عبارات فی‌نفسه بر معنای اصلی دلالت ندارد و باید بر معانی پنهان شده و ژرف ساختی عنایت شود (ص ۲۱).

۲۰۲۰۲۰۱۳ یوجین نایدا (۱۹۷۵ و ۱۹۶۹ و ۱۹۶۴ و ۱۹۵۹) (Eugene Nida,

در نوشته خود با عنوان "اصول ترجمه به شیوه‌ای که در ترجمه کتاب مقدس انجیل معمول است"

(Principles of translation as exemplified by Bible translation) (۱۹۵۹)، نایدا صریحا "اظهار می‌دارد تعاریفی که از "ترجمه خوب" می‌توان ارائه نمود به مقتضای هدفی که از ترجمه مدنظر داریم متفاوت است (ص ۱۹). مع هذا در جهت ارائه یک تعریف عام، نایدا معتقد است که ترجمه باید متنی را از زبان مبدأ به زبان مقصد بازآفرینی نماید به قسمی که برابری تعیین شده در حد امکان با متن اصلی هموزن و همطراز باشد. این همطرازی باید در همه ابعاد زبانی رعایت شود به طوریکه نه تنها مفهوم بلکه تشابه صورت و اسلوب را نیز شامل شود. ترجمه خوب هرگز نباید رنگ و بوی ترجمه داشته و به بیگانگی آلوده باشد. اما در مواردی که شبیه‌آفرینی (identical rendering) به دلایل زیر میسر نباشد، مترجم باید در تقابل معنی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۲۵

وسبک، تقدم را به معنی بدهد. عواملی که در پاره‌ای موارد انتقال همزمان معنی وسبک را از زبان مبدأ به زبان مقصد منع می‌شوند عبارتند از:

۱- زبانهای مختلف الزاما "از یک چهارچوب روابط نشانه‌ای معنایی (meaning - symbol relationships) واحدی پیروی نمی‌کنند و در این امر هر کدام حالات ویژه خود دارند.

۲- روابط بین نشانه‌های زبانی و مراجعی که به آن پیوسته اند قرار دادی (arbitrary) است و لازم نیست که همه زبانها از نوعی رابطه و احدتبعیت نمایند و یا الزاما "شبهت تام با روابط حاکم بر زبان دیگر داشته باشند.

۳- زبانهای مختلف از واقعیت‌های ملموس و غیرملموس جهان بیرون برداشت‌های متفاوتی دارند و این برداشتها، در تنوع و کیفیت از یکدیگر متمایز اند. با در نظر داشتن عوامل مذکور در بالا، در ترجمه از یک زبان به زبان دیگر، اضافه نمودن برداشته‌ها و حذف از اطلاعات متن اصلی اجتناب ناپذیر است. ترجمه خوب وقتی حاصل می‌شود که واحدهای معنایی در زبان مبدأ با زشناسی شده و در زبان مقصد با واحدهای معنایی معادل هم‌ترازیابی شود به نحوی که حتی المقدور واحدهای معنایی انتخاب شده دارای بار معنایی یکسان در زبان مقصد باشند. به عبارت دیگر میزان اطلاعات دریافت شده از متن اصلی در زبان مبدأ باید با شیوایی و فماحت ممکن در زبان مقصد بازآفرینی شود (ص ۲۷).

"نایدا" معتقد است که "عبارات اصطلاحی" "idiomatic expressions"

"الگوی‌های معنایی" (semantic patterns)

و "ساختار دستوری" (grammatical construction)

دام‌هایی هستند که هر مترجم در ترجمه متون

با آنها روبرو می‌شود و باید در مقابل آنها جانب احتیاط نگه دارد. این

ا مربه ویژه در ترجمه کتاب مقدس انجیل (و به تبع آن در کتب دینی دیگر نیز) مشهود است و مستلزم عنایت بیشتر است.

طبق نظر نایدا (۱۹۵۹)، مترجم خوب باید به کلیه الگوهای معنایی و ساختارهای دستوری هر دو زبان آگاهی داشته و از این توانایی برخوردار باشد که بتواند تنها واحدهای معنایی و ساختاری را منتقل سازد بلکه حالات مختلف کلامی (discourse) را که اهل زبان از آن در ارتباط با متن اصلی و در زمان خود آگاهی داشته اند تجسم بخشد. به عبارت دیگر مترجم:

"... باید به شیوه‌ای ترجمه نماید که اصالتا"

تشریح و تفسیر در زمانی، (exegesis)

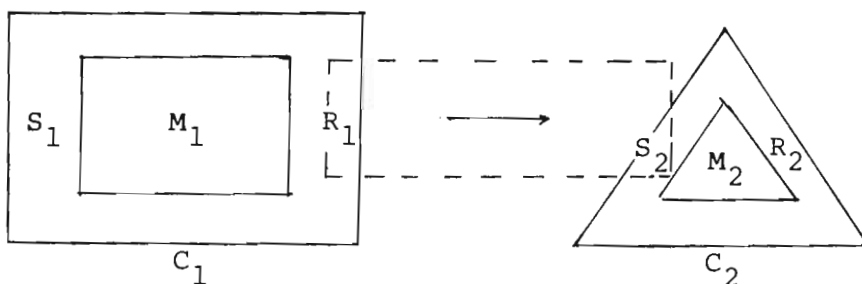
نا می‌دهد و نه به شیوه‌ای که آنرا "تشریح و

تفسیر هم زمانی" (hermeneutics)

می‌نامند و بر مبنای آن تفسیر ارائه شده در قالب

روابط زمان حاضر تغییر می‌یابد" (ص ۱۵).

اگر تصویری کلی از ترجمه به عنوان وسیله‌ای در جهت انتقال معنی و صورت ترسیم نمائیم، نمودار زیر میتواند نقش مترجم را بخوبی نشان دهد (از کتاب "نایدا" نقل شده است):



تفسیر این نمودار این است که نویسنده (S_1) در محیط معنایی ۱ (C_1) و در ارتباط با خواننده ۱ (R_1) اعاده معنایی (M_1) می‌نماید در حالیکه مترجم (S_2) با عنایت به محیط معنایی ۲ (C_2) و در ارتباط

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۲۷

با خواننده ۲ (R_2) معنی ۲ (M_2) را مراد دارد. اشکال مختلف هندسی نماینده فرهنگهای متفاوتند. در زبان مبدا مترجم نقش شنونده یا خواننده را دارد که پیام نویسنده را در محیط معنایی C_2 دریافت می‌دارد در حالیکه نقش او در محیط معنایی C_2 نقش گوینده و یا نویسنده است که ضمن تجزیه و تحلیل پیام، معادل معنایی آن را یا به صورت بیان شفاهی و یا به صورت مکتوب در محیط معنایی C_2 بازآفرینی می‌کند. (خطوط منقطع دو نقش مختلف مترجم را در ارتباط با یکدیگر نشان می‌دهد این بخش از نمودار به اصل افزوده شده است). در این روند و برشالوده نمودار فوق، بازآفرینی معنایی و ساختاری منطبق (identical) میسر نیست و فقط در مواردی که در عینیت می‌باشد در حالیکه حاصل و فرآیند تقریب در معنی و صورت است و این وجه مطلوب است. ناپیدا معتقد است که این نمودار و روند معمول بر آن می‌تواند در کلیه ترجمه‌هایی که انجام می‌گیرد، مصداق و عمومیت یابد.

نظریات ناپیدا (۱۹۶۴) بیشتر در حیطه وحوش و محور تئوری ترجمه است و گامی به سوی ارائه تئوری ترجمه به حساب می‌آید اگرچه در خلال کتاب او (۱۹۶۹) تاریخچه مختصری از ترجمه نقل گردیده است. به لحاظ اهمیت نظریات ناپیدا، آشنایی با ایده‌های او لازم می‌نماید و در اینجا سعی خواهد شد نظریات او به صورت اختصار و با حفظ رعایت ایجاز نقل گردد.

"ناپیدا" به بحث و تفسیر پیرامون نظریه یاکوبسن (۱۹۵۹ و Jakobson) می‌پردازد. یاکوبسن (توضیحات بیشتر در بخش ۲۰۲۰۲۰۱۴ آمده است) ترجمه را به سه مقوله تقسیم می‌کند:

- ۱- اندر زبانی (intralingual)
- ۲- فرا زبانی (interlingual)
- ۳- فرا نشانه‌ای (intersemiotic)

ترجمه "اندر زبانی" عبارت است از ترجمه از یک صورت و ساخت به صورت و ساختی دیگر در یک زبان واحد. ترجمه "فرا زبانی" عبارت است از ترجمه از یک زبان به زبان دیگر و بالاخره ترجمه "فرانشانه‌ای" "استحاله" (transmutation) صورثها به نشانه‌ها و یا نشانه‌ها به نشانه‌های دیگر است. "نایدا" این شیوه تقسیم بندی را نمی پذیرد و آنرا مشکل زامی دانند و دلیلی که ارائه می نماید مبتنی بر این اصل است که در این تقسیم بندی زبان تنها به عنوان یک "مجمع الرموز" code فرض داشته شده در حالیکه زبان بر یک شبکه پدیده‌های ارتباطی کلامی

(communication events) استوار می‌باشد (ص ۳). وقتی یک مترجم به ترجمه یک متن از زبان به زبان دیگر همت می‌گمارد از ساختارهای ظاهری و ارتباطات بین دوزبان مورد نظر و حتی سبک‌های غالب بر آنها (مجموعاً هدف ترجمه "فرا زبانی" را تشکیل می‌دهد) درمی‌گذرد. مترجمی‌کوشد کلیت یک پیام را با در نظر گرفتن همه تدا‌عی‌های معانی (semantic associations) منتقل نماید. بدین ترتیب معنی در ارتباط با پیوستگی با نقش مراوده‌ای (communicative role) که دارد مفهوم و اعتبار می‌یابد (ص ۹).

"نایدا" مروری اجمالی بر گرایش‌های سنتی نسبت به معنی عرضه می‌دارد و معنی را از سه بعد و به بر سه سیاق تقسیم بندی می‌کند:

۱- مفاهیم مرکز طلب (centripetal concepts)

به هسته معنایی یک صورت توجه نمی‌شود و مضافین حاشیه‌ای (peripheral) را مدنظر قرار می‌دهند.

۲- مفاهیم مرکز گریز (centrifugal concepts)

معنا در یک قالب محدود مطرح نمی‌شود و به بسامدی و توزیع آن در حاشیه عنایت می‌گردد. به عبارت دیگر، معنی در یک چارچوب معنایی وسیع مفهوم می‌یابد

۳- مفاهیم شجره‌ای (lineal concepts)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۲۹

معنی با توجه به تسلسل منطقی و در قالب پیوندهای تاریخی نقش پذیر می‌شود. "نایدا" (۱۹۶۴) همه این مفاهیم را مطرود می‌داند و بنا به دلایل زیر

از پذیر فتن آنها سر باز می‌زند:

۱- هسته معنایی عینیت نداشتن را یک صورت ممکن است متضمن معانی

عدیده‌ای باشد.

۲- معنا می‌تواند شامل و دربر گیرنده محدوددهای معنایی هسته‌ای

و هم محدوددهای معنایی حاشیه‌ای باشد.

۳- در بررسی و تجزیه و تحلیل همزمانی (synchronic) ارتباطات

زبانی، عامل روابط و پیوندهای تاریخی و نسبی بی ربط می‌نماید.

با در نظر گرفتن این نارسایی‌ها، "نایدا" به بحث در این مقوله می‌پردازد

که در ترجمه یک متن از یک زبان به زبان دیگر، علاوه بر آگاهی و تفوق کامل

به دوزبان مبداء و مقصد و سلاست بیان (fluency) در ارائه متن مکتوب به

صورت بیان شفاهی، مترجم باید:

الف- موضوع متنی را که باید ترجمه شود خوب بداند.

ب- به اهمیت نقش آفرینان که در متن آمده اند واقف باشد.

ج- درک کاملی از رموز (codes) بکار گرفته شده داشته باشد.

د- به کلیه سبک‌های مرسوم و معمول در زبان مقصد تسلط کافی داشته

باشد و بتواند به ضرورت از آنها استفاده نماید.

ه- بدانند که از متن نوشته شده چه پیاپی می‌تواند به خوانندگان آن متن

در زبان مقصد بهیبه کرد. (ص ۱۴۵-۱۲۰).

مترجم باید دائماً و بطور منظم در سبک نوشتاری خود تجدید نظر کند و

کارآیی آنرا محک زند، و باید همواره پیام نویسنده را در یابی نماید و ترجمه

خود را در زبان مقصد با در نظر گرفتن صورت‌ها و معانی موجود در زبان مبداء

تطابق دهد. رعایت موارد مطروحه فوق به خلق ترجمه‌ای خواهد انجامید که نه

تنها از سلاست بیان و شیوایی سبک برخوردار است بلکه "بارمراوده‌ای" را (communication load) به‌تروشا یسته تر به مقصدخواه‌ها رسانید هدف اصلی مترجم باید این باشد که پیا می‌های زبان مبداء در زبان مقصد بدون وقفه و مستقیماً "بازآفرینی شود". تغییرات و حذف و اضافه‌ها در شرایط ویژه لازم می‌نماید مشروط بر آنکه تحقق آنها به معنی صدمه و خدشه‌ای وارد نسا زد و به سهولت و سلاست متن بیا نجا مد (شرح نوع حذف و اضافه و تغییر در صفحه ۲۱ آمده است).

"نایدا" (۱۹۶۴) استفاده از پارو و قی و حاشیه نویسی را لازم می‌دانند و تجویز آن دوفایده را مترتب می‌داند:

- ۱- دادن اطلاعات اضافی و سودمند
- ۲- هشدار وجود تناقضات در متن اصلی و تصحیح آنها (ص ۳۹-۲۳۷). روند ترجمه آن گونه که در کتاب نایدا (۱۹۶۴) آمده است بطور اجمال به شرح زیر است:

الف- از نقطه نظر فنی

- ۱- تجزیه و تحلیل دوزبان مبداء و مقصد
- ۲- مطالعه دقیق متن و یا کتابی که باید ترجمه شود بدون آنکه نیازی به ترجمه قبل از پایان این بررسی باشد.
- ۳- پیدا کردن معادل‌های معنایی و ساختاری و بررسی کارایی آنها
- ب- از نقطه نظر متن‌آرایی
 - ۱- ارزشیابی‌های مکرر از ترجمه انجام یافته
 - ۲- مقایسه ترجمه انجام یافته با ترجمه‌هایی ز همان متن که احیاناً "توسط سایر مترجمان بعمل آمده است".
 - ۳- مراجعه به ادیبان اهل زبان مقصد و درخواست برای ارزشیابی کار انجام یافته و بررسی دقت و کارایی و میزان پیام‌رسانی متن ترجمه

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳۱

شده و نیز تجزیه و تحلیل با زتابی که آنها نسبت به متن نشان می‌دهند.

(ص ۴۷-۲۶۶)

کتاب نایدا با عنوان "یافت زبانی و ترجمه" (Language structure

and translation) در سال ۱۹۷۵ انتشار یافت که در واقع مکمل تبلور یافته نظریات پیشین او بود که در کتب و مقالات مختلف عرضه گردیده بود. در این کتاب نایدا یک سلسله پیش‌داوری‌ها را مطرح ساخته و بر هر کدام نظریه‌ای ابراز نموده است. بدواً "با ذکر این واقعیت آغاز می‌کنم که هیچ دو گفتاری راحتی در یک زبان واحد نمی‌توان یافت که علی‌رغم تشابه در صورت دارای معانی واحد و برابری باشند. در هیچ دوزبانی دوبرابریکسان را نمی‌توان یافت که نشان‌دهنده واقعیت تمام و کمال ارتباطات بین‌واژه‌ها و اشیاء جهان واقعیت باشند. در حقیقت مفهوم "مترادف" یک مفهوم ایده‌آل است که با واقعیت قرین نیست. به عبارت دیگر در هیچ زبانی نمی‌توان دو واژه متفاوت در صورت اهمیت معنی را یافت. دو واژه به ظاهر هم معنی در شرایط خاص خود معانی متفاوتی دارند و استعمال یکی بجای دیگری مجاز نمی‌باشد. با در نظر گرفتن واقعیت‌های مترتب بر مقوله اشاره شده در بالا "نایدا" این بحث را پیش می‌کشد که مراد (communication)، خواه به حالت پنهان معنایی (exocentric) و یا عیان معنایی (endocentric)، امری است نسبی و نمی‌تواند به کمال جاری گردد (ص ۵).

"نایدا" (۱۹۷۵) معتقد است که مطالعه و بررسی زبان باید با در نظر گرفتن نقشی که در مراد و بین‌اهل زبان دارد و با زده‌ی دوجانبه فرهنگی که از آن حاصل می‌آید انجام پذیرد. وقتی صحبت از معنی یک گفتار بین‌می‌آید تا می‌خواهد درون زبانی (linguistic) و برون زبانی (nonlinguistic) باید مورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت بار

معنایی بخوبی جلوه نمی نماید. ممکن است از بعضی عبارات به عیان افاده معنی گردد در حالیکه عبارات دیگر علاوه بر معنای ظاهری دارای معنایی مجازی نیز باشند (ص ۱۳-۶).

در نظریه خود در باب ترجمه، نایدا (۱۹۷۵) همان موضع خود را که در ۱۹۶۹ عرضه داشته بود مورد تاکید مجدد قرار می دهد و برای این اعتقاد است که مترجم باید در یک زنجیره بسته اما مکرر روند تجزیه و تحلیل، انتقال و نوسازی (restructuring) را پی گیرد. به عبارت دیگر مترجم باید بدواً "بر متن زبان مبدا بیندیشد، آنرا مورد بررسی قرار دهد و سپس از یافتن معادل های مناسب به نوپردازی مفاهیم به صورت عبارات در زبان مقصد بپردازد به نحوی که متن ترجمه شده با متن اصلی همطرازی معنایی و تا حدودی ساختاری داشته باشد. از طرفی وقتی مترجم به بررسی متن اصلی می پردازد، تمام جوانب معنایی اعم از معنای ظاهری (denotative) و مجازی (connotative) باید مدنظر باشد و از سویی از پرداختن و بررسی روابط نحوی نیز غفلت نکند (ص ۳۰). مثال جالبی از "نایدا" نقل می شود که نشان می دهد چگونه یک جمله از کتاب انجیل مقدس می تواند. تداعی کننده پنج معنی متفاوت باشد:

- ۱- جان (پیام را) (به مردم) ابلاغ کرد.
- ۲- جان (مردم را) غسل تعمید داد.
- ۳- (مردم) از گناهان (خود) نادم شدند.
- ۴- (خداوند) گناه (مردم را) (بر آنها) بخشید. (خداوند گناه مردم را - بخشید)

۵- (مردم) گناه کرده بودند.

بدیهی است آنچه "نایدا" به عنوان معانی مختلف این جمله بیان می دارد. در واقع اجزاء "پیش انگاری" (presuppositions) آن هستند.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳۳

به عبارت دیگر جزء ۲ و ۵ در مقایسه با احوالات‌های معنایی هستند که از حاشیه جمله فوق می‌توان دریافت. درحالی‌که "نایدا" آنها را به عنوان معانی مختلف طبقه‌بندی می‌کند.

در تبیین معنی یک جمله و یا یک گفتار، "نایدا" معتقد است که بخشی از معنی از روابط نحوی آن مستفاد می‌شود. به عبارت دیگر نقشی که کلمات یا واژه‌ها در جمله دارند (به صورت اسم و یا فعل و غیره) مبین بخشی از معناست علاوه بر آن معنی یک جمله را می‌توان حداقل از طریق حدس زدن و بر مبنای بافت معنایی زیربنایی آن مشخص نمود. همجواری کلمات (collocation) نیز می‌تواند به درک معنی کمک نماید زیرا وجود یکی ممکن است متضمن دیگری باشد.

"نایدا" پیشنهاد می‌کند که در تجزیه و تحلیل یک متن قبل از آنکه آن متن ترجمه شود به معنای ریشه‌ای (kernel) جملات توجه شود. چون زبانهای متفاوت نه تنها وجوه معنایی را در این مقطع به وضوح نشان می‌دهند بلکه تفاوتها و تشابهات را نیز عمدتاً "تجلی می‌بخشند" (ص ۹۱).

مترجم نباید از معانی مختلفی که مترتب بر جملات و یا واحدهای زبانی دوزبان مورد نظر است غافل بماند. در پارهای موارد وقتی دوزبان را در تقابل یکدیگر قرار می‌دهیم می‌بینیم که حتی استفاده از اصطلاحات نیز محدودیت خاص خود را در آوای در استعمال در یک زبان به مثابه آزادی از استفاده از عبارات و اصطلاحات مشابه در زبان ثانویه نمی‌باشد. گاهی اتفاق می‌افتد که یک واحد زبانی در زبان مبدأ باید الزاماً با دو واحد زبانی در زبان مقصد برابر دانسته شود.

در ارتباط با تعریف ترجمه، بنظر می‌رسد که موضع نایدا (۱۹۷۵) با موضع او در سال (۱۹۶۹) یکسان باشد. به نظر او ترجمه:

"... با آفرینی پیام مکشوفه از زبان مبدأ در

زبان مقصد است بنحویکه از برای برهائی مناسب که
 هم از نظر معنایی و هم از نظر نحوی تشابه نسبی
 دارند در جایگزینی استفاده شود.^۲
 (۱۹۷۵:۹۵)

"نایدا" در مدلی که برای ترجمه ارائه می‌نماید، مترجمان را به دو
 دسته تقسیم میکند:

- ۱- مترجمان مادری سو (national translators)
 منظور مترجمانی هستند که همیشه از زبان بیگانه (مرجع) به زبان مادری
 خود (مقصد) ترجمه می‌کنند.
- ۲- مترجمان بیگانه سو (foreign translators)
 منظور مترجمانی هستند که همیشه از زبان مادری (مرجع) به زبان بیگانه
 (مقصد) ترجمه می‌کنند.

حاشیه‌هایی که منتقدان بر مدل‌های ترجمه "نایدا" نوشته‌اند.
منتقدان به کرات تئوری ترجمه انتقالی (transference theory)
 "نایدا" را ————ورد انتقاد کرده و معتقدند که وی
 بیشتر به کاربرد زبانی (parole) عنایت داشته و از "توانایی
 زبانی" (Langue) که تجلی پنهانی زبان است غافل مانده است.
 کلی (Kelly) "نایدا" را به "پنهان‌سازی تئوری دروای فرمولهای
 انتقالی" متهم ساخته است (۱۹۷۹:۶۵).

"کلی" (Kelly) همچنین فرمول‌ها و قواعد عرضه شده توسط "نایدا"
 را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده و معتقد است که این‌قوا ادبیش از یک سری
 تعدیلات چیز دیگری نیست که فقط در چارچوب روابط اجتماعی مفهوم و مصداق
 می‌یابد (۱۹۷۹:۲۲). علی‌رغم آنچه "کلی" می‌گوید، تئوری ترجمه

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳۵

نایدا (۱۹۶۴) نشانه تحولی در زمینه ترجمه است زیرا اجزاء سخن (parts of speech) در قالب نقش‌های یفامی‌کننده طبقه‌بندی شده‌اند. در این بازگشایی نقش‌ها، "نایدا" جملات ریشه (Kernel sentences) را ملاک قرار می‌دهد و معتقد است که دوزبان مبداء و مقصد، دهنده (source) و پذیرنده (receptor) در این مقطع، تشابهات خود را به‌تدریج می‌نمایانند. این امر را باید تحولی نو در این باب دانست.

"نایدا" به تبعیت از اسلاف خود، زبان (language) را از سبک (style) مجزا میدانند و توصیه می‌کند که مترجمان سبک نوشتاری نویسندگان را بشناسند. این تفکیک مورد انتقاد پاره‌ای از منتقدان قرار گرفته است بطوریکه "مشونیک" (Meschonnic) فرانسوی در این ارتباط اظهار می‌دارد:

زبان، وجوه نوشتاری و گفتاری آن، فرهنگ زبان و یا مفهوم و شکل آن چیزی نیست که قابل تفکیک و تجزیه باشد. وقتی یک متن مراد باشد، کل مفهوم ترجمه پذیر است. (۱۹۷۹:۳۴۹)

۲۰۲۰۲۰۱۴ رومن یا کوبسون (Roman Jakobson, 1959)

"یا کوبسون" جمله معروف راسل (Russell) را که گفته بود "هیچ‌کس نمی‌تواند معنی "پنیر" را بفهمد مگر آنکه با جسم پنیر در ارتباط غیرزبانی آشنا باشد" مورد بررسی قرار داده و آنرا به شرح زیر تغییر می‌دهد:

"هیچ‌کس نمی‌تواند معنی "پنیر" را بفهمد مگر آنکه معنایی را که در نظام زبان انگلیسی بر آن مترتب دانسته‌اند بدانند."

(۱۹۵۹:۲۳۲)

تلاش "یا کوبسون" برای این است که معنی یک کلمه و یا یک عبارت را حاصل

روابط دال و مدلول بدا ندکه برمبنای روابط زبانی استوار است و نه یک پدیده غیر زبانی .

یا کوبسن به سه نوع ترجمه و یا در حقیقت سه نوع تبدیل کلامی معتقد است :

۱- ترجمه درون زبانی (intralingual)

که عبارت است از انتقال علائم و نشانه های کلامی (یا کوبسن ازواژه تفسیر و تعبیر "interpretation" استفاده می کند) از یک حالت زبان به حالت دیگری از همان زبان .

۲- ترجمه فرا زبانی (interlingual)

یا به عبارتی تفسیر مجدد یک صورت زبانی از یک زبان در زبان دیگر .

۳- ترجمه فرانشانه ای (intersemiotic)

یا تبدیل علائم کلامی به نشانه های غیر کلامی

یا کوبسن براین اصل اذعان دارد و براین واقعیت پرده نمی پوشد که زبانها از نظر زیربنایی معنایی و چارچوب نحوی از یکدیگر متفاوت اند . البته این را اصل می دانند که تمام زبانها بالقوه قادر به انتقال مفاهیم زبان دیگرند و می توانند آنچه را امکان انتقال داشته باشد منتقل نمایند (ص ۲۳۶) . بدیهی است زبانها به لحاظ ماهیت متفاوتی که دارند فقط آنچه را با یدنقل کنندا انتقال می دهند . براین اساس یا کوبسون به بیان این معنی می پردازد که عدم وجود یک ساختار مشخص در یک زبان دلیل بر آن نیست که آن زبان نتواند مفهوم نویی را از زبان دیگر بخود انتقال دهد و هیچ مانعی را بر سر راه مترجمان قرار نمی دهد (ص ۲۳۵) . زبانهای مختلف وقتی در رویارویی با زبانهای دیگر خود را عاری از وجود بعضی از مقوله های نحوی و دستوری می یابند ، به تظاهرات شیوه ها و تکنیک های خاص خود می پردازند

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳۷

و بنحوی شایسته با رمعنایی را به منزل مقصودی رسانند. یا کوبسون مثالهای جالبی را از زبان "چوکچی" (Chukchee) شاهد می‌ورد که در آن — بسیاری از مقوله‌های معنایی نه به صورت واژه‌های منفرد (single lexical items) بلکه به صورت عبارات تجلی می‌یابند:

<u>فارسی</u>	<u>چوکچی</u>	<u>انگلیسی</u>
پیچ	می‌گردنده	screw
فولاد	آهن سخت	steel
قلع	آهن نرم	tin
گچ	صابون که با آن می‌نویسند	chalk
ساعت مچی	قلب چکش زن	watch

وام‌گیری در ترجمه، اطنا ب در کلام (circumlocution) (مثل مثالهای فوق) انتقال معنایی (semantic shifts) و شیوه‌های نظیر آن تکنیک‌هایی هستند که مترجمان می‌توانند به وقت ضرورت به آن تشبث جویند و در رفع نارسایی‌ها از آنها استفاده نمایند.

"یا کوبسن" معتقد است که ترجمه نوعی انتقال معنایی تمام عیار است که از یک زبان به زبان دیگر انجام می‌پذیرد و نباید آن را تبادل واحد به واحد و به صورت انتزاعی فرض داشت. نقش مترجم آن است که با خواندن و بررسی متن اصلی، تصویری کلی از آن به دست آورد و سپس همان تصویر را در زبان دیگر بازآفرینی نماید.

۲۰۲۰۲۰۱۵

در گزارشی که توسط وزارت تحقیقات علمی و مورف فرهنگی هندوستان

در سال ۱۹۶۲ با عنوان "هنر ترجمه" (The Art of Translation)

انتشار یافت، نویسنده یا نویسندگان به اصول و اهداف ترجمه پرداخته
و علی الظاهر با نظر "پل والری" (Paul Valéry) که تعریفی از
ترجمه به شرح زیر ارائه نموده بود موافقت اصولی داشتند:

"... ترجمه عبارت است از با زآفرینی اثر یک

علت خاص (متن اصلی) در حد امکان به صورت

علتی دیگر در زبان دیگر" (۱۹۶۲:۲۳)

نویسنده یا نویسندگان به این نکته معترف اند که ترجمه کامل و بی نقص
میسرنیست زیرا واژگان یک زبان با بار معنایی که یدک می‌کشد به زبان دیگر
انتقال ناپذیر است و جایگزین واژگان دیگر قرار نمی‌گیرد (ص ۹-۱۰). این یک
فکر بدیع نیست و پیشینیان نیز بر این عقیده بوده‌اند. همه معترف بوده‌اند
که در ارزشیابی ترجمه عامل تقریب می‌تواند محک قرار گیرد. این گزارش در
یک تشبیه سوال برانگیز به این نکته اشاره دارد که: "... چیزی بنام
ترجمه بی نقص و کامل وجود ندارد و در هر دو صورت یک چیز به نام جنایت کامل
وجود ندارد." (ص ۱۴)

آنچه در این گزارش جلب توجه می‌کند محدوده‌ای است که برای تعریف
مترجم اختیار نشده است. به عبارت دیگر در تعریفی که از مترجم شده است
نویسنده را نیز شامل می‌شود که در حقیقت مفهوم و حالات زبانی را از نوع ساده
و بی پیرایه و روزمره آن خارج ساخته و آنرا به شکل و شمایل زیباتری
با زآفرینی می‌نماید. گزارش صراحت دارد که:

"شاعر را باید مترجم اول نامید زیرا هم او است

که به ترجمه بدوی می‌پردازد و زبان محاوره

را در قالب تجربه‌ای نو به کلامی شیوا بیان

می‌دارد." (ص ۱۷)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۳۹

به نظر گزارشگرویا گزارشگران، مترجم باید:

۱- دوزبان مبداء و مقصد را نیکو بداند.

۲- در مورد موضوع متن اطلاعات وسیع داشته باشد.

۳- (و مهمتر از همه) با تاریخ، دین، زندگی اجتماعی، آداب و سنن و شعائر و زبان مردمی که می‌خواهد پیام نویسنده را به آنها انتقال دهد آشنا و آشنایی کامل داشته باشد.

۴- به متن اصلی وفادار بماند. اما هدف از وفاداری این نیست که در جنبه‌های لغوی و ظاهری از نویسنده تبعیت نماید و خود را وابسته به آن بداند بلکه به "بیان اندیشه و افکاری که در نوشته‌های مولف حلول یافته است" عینیت بخشد (ص ۵۶)

۲۰۲۰۲۰۱۶ جیری لوی (۱۹۶۶) (Jiri Levy)

"لوی" تئوری خود را در سال ۱۹۶۶ عرضه داشت و آنرا "ترجمه‌ی یک روند تصمیم‌گیری" (Translation as a decision process) نام نهاد. "لوی" ترجمه را نوعی روند مراوده‌ای و ارتباطی می‌داند که در طی آن آگاهی و بینش از یک متن اصلی به خوانندگان آن در زبان‌های دیگر منتقل می‌شود.

در این مدل، توجه عمده به جنبهء خلاقه ترجمه معطوف گردیده است که میزان کارآیی و اثربخشی آن بر مبنای توانایی ترجمه در انتقال مفاهیم و آگاهی به خوانندگان تبیین می‌یابد (ص ۱۱۷۱).

در طی پیشرفت تدریجی ترجمه، مترجم بطور پیوسته و بی‌وقفه خود را با وضعیت‌های تازه‌ای روبرو می‌بیند و در هر مرحله حق انتخاب می‌یابد و ناچار است از چند راه یکی را که بهترین باشد برگزیند. این مراحل تکاملی به بازی شطرنج می‌ماند که در آن شطرنج با زبان الهام و ایده گرفتن از حرکت

های قبلی و با شناخت وضعیت موجود حرکت های بعدی خود را پیش بینی می کند .
 و پس از اتخاذ تصمیم حرکت نویی را آغاز می نماید . در مقایسه با شطرنج ،
 در ترجمه نیز ، هر مرحله دارای یک سری وضعیت ها و راه حل ها است و مترجم با
 آگاهی و شناختی که از آنها دارد یک قدم در ترجمه متن به پیش می رود .
 وظیفه مترجم این است که این راه حل ها و شقوق آن را بشناسد و شق صحیح
 را برگزیند . انتخاب او با یک موجه و در زبان مقصد قابل قبول باشد .

مثالی که "لوی" ارائه می نماید یا نگر چگونگی عملکرد مترجم
 در این مراحل است (ص ۱۱۷۱) . تصور کنید که مترجمی بخواهد جمله آلمانی
 زیر را به انگلیسی ترجمه نماید . مراحلی که مترجم باید طی کند مشتمل است
 بر دو "فرمان" instruction یک "وضعیت" (situation) و یک "الگو"
 (paradigm) .

Der gut mensch von sechuan.

a. The good man of Sechuan

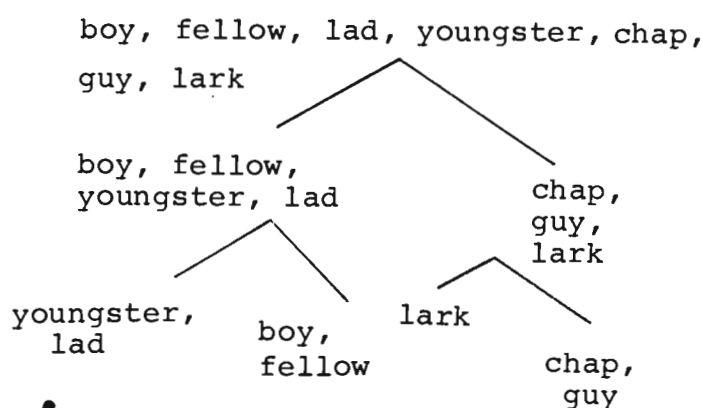
b. The good woman of Sechuan

کلمه "mensch" می تواند با توجه به مرجع آن هم بمعنای "زن" -
 باشد و هم بمعنای "مرد" . کلمه "متشابه" (homonymy) که هم
 بر "مرد" دلالت دارد و هم بر "زن" باعث بروز یک ابهام (ambiguity)
 در معنی می شود . مترجم درمی یابد که کلمه "mensch" در زبان انگلیسی
 دو معادل (man) و (woman) دارد . اولین مرحله فرمان مقرر
 مینماید که مترجم انتخاب های موجود را مشخص نماید . گام بعدی در بر-
 گیرنده "الگو" pardigm است که طی آن تعدادی انتخاب ها مشخص
 می شود . ممکن است یک یا چند انتخاب وجود داشته باشد . آخرین مرحله به تصمیم
 گیری مترجم و برگزیدن انتخاب مناسب مربوط می شود . در مورد فوق دو انتخاب
 وجود دارد ولی تعداد انتخاب ها ممکن است در موارد دیگر بسیار باشد . برگزیدن

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۴۱

انتخاب مناسب و اتخاذ تصمیم در مورد آن با الهام از حرکت‌ها و تصمیم‌های قبلی مشخص می‌شود.

این مدل که بنام "شیوه تحلیلی" (game - theory) شهرت یافته و مشتمل بر فرامین و الگوهاست نه تنها در سطح واژمجمعه بلکه در سطح بند و پا را گراف نیز عمومیت یافته و کارایی دارد. مثال دیگر در سطح کلمه که از کتاب "لوی" اختیار شده این امر را بخوبی نشان می‌دهد.



اگر مترجم با الهام از آگاهی قبلی و بینشی که از متن دارد بخواهد اتخاذ تصمیم نماید و نوع کتابی، یا ادبی یا عامیانه و یا مبتذل را انتخاب نماید الگوی او متفاوت و به تبع آن انتخاب‌ها نیز متفاوت خواهند بود (در این مورد فقط چهار انتخاب وجود دارد). این انتخاب‌ها با عنایت به مشخصه‌های معنایی (semantic component) و به نحو زیر صورت می‌پذیرند

جوانک، پسر بچه	youngster, lad	(کتابی، مرسوم، مرد جوان)
پسر،	boy, fellow	(مبتذل، غیر مرسوم، مرد جوان)
موش	lark	(مبتذل، غیر مرسوم، مرد جوان)
بچه، بچه/بارو	chap, guy	(عامیانه، غیر مرسوم، مرد جوان)

"لوی" معتقد است که امکان دارد مترجم با الهام از متن کلی به انتخاب دست‌زد و با استفاده از اصل همنشینی کلمات بهترین را انتخاب

نماید. آنچه به تنوع انتخاب‌ها می‌فزاید میدان و گستره معنایی زبان مبداء در تقابل با زبان مقصداست. برای مثال از کلمه انگلیسی "make" معانی مختلفی از آن جمله "تولید کردن"، "ساختن"، "تشکیل دادن" - می‌توان مستفا دکرد (ص ۱۱۷۰).

"لوی" با استناد به چارچوب تئوری خود، تعریف زیر را برای ترجمه ارائه می‌نماید:

"تئوری ترجمه به یک سیستم اصولی که بر معیارهای استوار استگرایش دارد و مترجم را به دست‌یازیدن به یک انتخاب مقبول و مطلوب سوق می‌دهد معیاد نقش ترجمه حرکتی است فعاله (pragmatic) که در طی آن مترجم می‌کوشد به بهترین و موثرترین انتخاب با حداقل تلاش دست‌یابد." (ص ۱۱۷۹)

۲۰۲۰-۲۰۱۷ سی - ج کت‌فورد (C.J. Catford, ۱۹۶۵)

"کت‌فورد در یک چارچوب کلی، تعریفی از ترجمه ارائه می‌نماید و آنرا نوعی عمل انتقال می‌نامد که در آن صورتی از زبان مبداء با معادل آن در زبان مقصدهمطرازی می‌شود (ص ۲۰). در جهت تقویت و تحکیم نظر خود، کت‌فورد اظهار می‌دارد که تئوری ترجمه باید بتواند زماهیت و شرایط ترجمه الگویی بدست‌دهد (ص ۲۰). بنظر او ترجمه طی مراحل مختلف، تغییری محسوب می‌شود که ضمن آن تمام یک متن و یا قسمتی از آن انتقال می‌یابد و حاصل آن تبلور یک مفهوم در یک متن جدید است.

"کت‌فورد" ترجمه را در ابعاد مختلف به شرح زیر طبقه‌بندی میکند:

۱- ترجمه کامل (full) در مقابل ترجمه بخشی (partial)

الف- در ترجمه کامل، تمام متن بدون هیچگونه کاستی به زبان

مقصد ترجمه می‌شود و همه عبارات و جملات در زبان مقصد معادل می‌یابند.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۴۳

ب- در ترجمه بخشی، فقط قسمت‌هایی از متن ترجمه می‌شود و بقیه متن ترجمه نشده‌ها می‌گردد بدون آنکه معادل سازی در زبان مقصد صورت پذیرد.

۲- ترجمه مطلق (total) در مقابل ترجمه محدود (restricted).
الف- در ترجمه مطلق، هربخش و یا فصل از متن زبان مبدأ در سطح (level) معادل خود در زبان مقصد بازآفرینی می‌شود. مترجم با در نظر گرفتن سطوح مختلف و ممکن در زبان مقصد، مناسب‌ترین را که با آن بخش از زبان مبدأ هم‌ترازی داشته باشد می‌یا بدو به ترجمه می‌بادرت می‌ورزد.

ب- در ترجمه محدود، تنوع در سطوح رعایت نمی‌شود و مترجم در طول ترجمه در یک سطح واحد عمل می‌نماید.

با عنایت به تئوری و مدلی که "کت فورڈ" ارائه می‌نماید، به آسانی می‌توان دریافت که تئوری "کت فورڈ" بر پایه تئوری زبان که توسط "هالییدی" (Halliday) با عنوان ("مقوله و میزان") (Scale and Category) عرضه گردیده استوار است که در آن در یک نمودار مرتبه‌ای اجزاء کوچک‌تر در محدوده اجزاء بزرگ‌تر قرار می‌گیرند و تسلسل عمودی و سطوح افقی رعایت می‌گردند. "کت فورڈ" از این تئوری در جهت تبیین تئوری ترجمه خود سود می‌جوید. بدین ترتیب اگر مترجمی بخواهد در انتقال و ترجمه یک متن، فی‌المثل از "وجه علمی" (scientific mode) از شیوه نوشتاری (written form) و "سبک رسمی" (formal) استفاده نماید، حاصل مسلماً "بابا زده‌ها" را ترجمه او وقتی سبک "دوستانه" (intimate) شیوه آن "گفتاری" (spoken) و وجه آن "غیر عملی" است تفاوت دارد. شیوه‌های مبتنی بر لهجه‌های متفاوت (dialectal) لهجه‌های زمانی (temporal dialectal) که تنها به یک برهه از زمان در یک زبان

مربوط می‌شود و لهجه‌های حوزه‌ای (geographical dialectal) هر کدام به نوبه خود تغییراتی را در متن باعث می‌شوند (ص ۸۵-۸۴).
 "کلی" (Kelly) از تئوری "کت فورد" انتقاد می‌کند و اظهار می‌دارد که "کت فورد" به قواعد جهانی شمول (universals) بی توجه بوده و از حد کاربرد عبارات و جملات و نقش‌های اجتماعی (social functions) آنها پارافراز ترنگذاشته است (۱۹۷۹: ۳۴). "کلی" اضافه می‌کند که مشکل واقعی تئوری ترجمه "کت فورد" (هما نند مشکل تئوری ناید) (اختلاف تئوری ترجمه در پشت برچسب "قواعد انتقال" (transfer formulas) است (۱۹۷۹: ۶۵).

۲۰۲۰۲۰۱۸ وینترورنر (۱۹۶۱) (Winter werner,

"ورنر" از ترجمه تعبیری ارائه می‌دهد که بر مبنای آن یک تعبیر از یک متن در زبان مبدأ به تعبیری مشابه در زبان دوم انتقال یافته و تعبیر دوم جایگزین تعبیر اول می‌شود (ص ۶۹). "ورنر" بر این عقیده است که برابری تمام عیار دو تعبیر در دو زبان مختلف میسر نیست زیرا هر تعبیر که بر مبنای آن یک زبان بشود از نظام زبانی آن زبان نشأت می‌گیرد و به تنهایی از خود استقلال ندارد. همین مقوله هنگامی که تعبیری در زبان مقصد جاری می‌شود مصداق می‌یابد و بر نظام زبانی آن زبان پایه‌گذاری می‌گردد. نظریه اینکه زبانها در پایه و اساس بافت زبانی از یکدیگر متمایزند، برابری معنایی و نحوی در زبان مختلف امری تقریبی و نسبی است و یک امر مطلق محسوب نمی‌شود.

به نظر "وینترورنر"، مترجم هما نند مجسمه‌سازی است که هدف غایی او شبیه‌سازی از مجسمه‌ای مرمرین است که به دست هنرمندی قابل پرداخته شده است. ممکن است او نتواند سنگ مرمری بیابا م‌تواند با استفاده از

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۴۵

گل و چوب و سنگ و فلز مجسمه‌ای شبیه به آن با زآفرینی نماید. در بسیاری موارد اگر شبیه‌ها را زقا بلیت و توانایی ویژه‌ای برخوردار بوده و دقت کافی مبدول دارد مجسمه‌ای به مراتب شکیل تر و زیبا تر خواهد آفرید (ص ۶۸).

به نظر "ورنر" میزان تشابه و تطبیق متن اصلی با متن ترجمه شده به میزان همسانی دوزبان مورد نظرو سیستم های زبانی حاکم بر آنها مربوط می‌شود. هر چه در تفاوت بین صورت‌های زبانی و معانی وابسته به آنها بیشتر باشد، اختلاف دو متن مشخص تر است.

مترجم باید در طول و روند ترجمه، موضوع تقریب و تشابه در مقایسه‌ها را را به عنوان یک اصل مسلم بپذیرد و مدنظر داشته باشد. بدیهی است انتقال مفاهیم و معانی در جوه محازی کلمات به مراتب از انتقال صورت‌های زبانی که مفاهیم مبرهن تری دارند مشکل تر است (ص ۶۹).

علت اصلی این است که ارتباط معانی لغوی با صورت‌های مربوط با قوانین معنایی جهان شمول تطبیق پذیر تر است. "ورنر" با توجه به اجتناب ناپذیر بودن نقصان معنایی در ترجمه پیشنهاد می‌کند که در حذف و تغییر و انتخاب واژگان و روابط نحوی حذفی، رعایت سلسله

۱- معنایی (semantic) - مراتب به شرح زیر بشود.

الف - مستقیم (direct)

ب - ملایم associative

۲- صوری (formal)

الف - آشکار (overt)

ب - فراگیر distributional

۱- جان کلام

۱- وزن

۲- ارتباط علمی

۲- قافیه

۳- نظم کلمات در جمله (ص ۷۶)

۳- اصوات

"ورنز" معتقد است که اگر بنا به دلایلی حذف معنی و یا صورت لازم گردد. سلسله مراتب با اولویت ۲ به ۱ با ایدرعایت شود. بدین معنی که ۳ نسبت به ۲ و ۲ نسبت به ۱ باید در حذف مرجح باشد.

۲۰۲۰۲۰۱۹ رافائل برتون (۱۹۷۱) (Raffel Burton)

"برتون" در کتاب خود با عنوان "زبان چندشاخه" (The forked tongue) به بحث و بررسی یک سری تکنیک‌ها که وی خود در ترجمه اشعار به زبان انگلیسی بکار برده می‌پردازد و در ضمن آن به صورت اجمالی و موجز به تئوری ترجمه از دیدگاه خود می‌پردازد.

"برتون" معتقد است که همه تئوری‌های ترجمه را می‌توان در دو جناح "ترجمه لغوی" و "ترجمه آزاد" خلاصه کرد. مترجمان گروه اول ترجمه را همچون تجسم شیئی در آیین می‌بینند که با اصل هیچ اختلاف ظاهری ندارد و به حذف و اضافه و تغییر نیز معتقد نیستند. همه تفاوت‌های فرهنگی زبانی و فردی که در متن اصلی مطرح گردیده است باید بدون تغییر در متن ترجمه شده تجلی یابد. مترجمان از مقوله گروه دوم، درحین ترجمه، تصویر تجسم یافته را از آیین بیرون می‌کشند و آن را با حذف و اضافه چنان تغییری می‌دهند که با مشخصه‌های فرهنگی، زبانی و فردی خوانندگان مطابقت داشته باشد (ص ۱۱).

طبق نظریه "برتون" مترجم :

"... هنرمند است و نه یک برنامه‌کامپیوتری"

IBM ، مترجم با ایده‌ها نندیک آشپزماهر

بداند که از هر ماده به چه میزان مخلوط

کند تا غذای آماده شده مطلوبیت یابد. این

امراحل تجربه و تا حدی مهارت و حدس زدن -

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۴۷

است. بدیهی است امکان خطا و اشتباه‌گریز

ناپذیراست." (ص ۱۴)

(Peter Newmark, ۲۰۲۰ پیترنیومارک (۱۹۸۱))

تئوری ترجمه و تکنیک‌های ارائه ترجمه بهترکه توسط "پیترنیومارک" در کتابی با عنوان "شیوه‌های ترجمه" در سال ۱۹۸۱ به طبع رسیده جامع‌ترین تئوری ترجمه است که تا کنون ارائه شده و حاوی یک سری رهنمودهای ارزشمند برای مبتدیان ترجمه است. به لحاظ جامعیت آن، شرح و بسط آن لازم می‌نماید و شاید بایست که با تفضیل بیشتری معرفی گردد. به لحاظ اهمیت آن، از حاشیه روی خودداری شده و سعی بر آن خواهد شد که نظریات او عیناً منعکس شود. مسلماً بیان نظریات به تنهایی گویا و رساست.

بطور کلی "نیومارک" معتقد است که ترجمه تلاشی است در جهت انتقال مکتوب یک پیام و جان‌نشین ساختن آن پیام با عبارات و جملات به زبان مقصد بنحوی که برابری حاصل آید. بدیهی است در تحقق این امر، "ترجمه جاشیه دار" (over translation) یعنی افزودن شرح و بسط اضافه بر آنچه در متن اصلی آمده است و یا "ترجمه موجز" (under translation) یعنی ارائه مختصر و تلخیص از متن اجتناب‌ناپذیر است. به عبارت دیگر، وجود عوامل مختلف حذف و اضافه را لازم میدارد. "نیومارک" این عوامل را به صورت مبسوط بیان می‌دارد که اهم و موجزی از آن در اینجا آمده است:

- ۱- ممکن است در متن اصلی عوامل معنایی ویژه‌ای وجود داشته باشد که با زبان مقصد برابری نداشته و تطبیق‌ناپذیر باشد.

۲- ممکن است نویسنده و مترجم از دو سیستم کاملاً متفاوت ارزش-

گذاری و نظریه‌های مختلف درباره روابط معنایی برخوردار باشند.

۳- ممکن است مترجم از سبک نوشتاری ویژه‌ای تبعیت نماید که با سبک

نوشتاری نویسنده متفاوت و یا درتغایر باشد.

۴- جامعهای که متن اصلی از بطن آن تراویده ممکن است از ارزشهای ادبی، فرهنگی، اجتماعی وایدئولوژیک متفاوتی برخوردار باشد که در پاره‌ای موارد نتواند با ارزشهای مشابه در زبان جامعۀ مقصدهم‌ترازی شود. "نیومارک" معتقد است که:

"...تئوری ترجمه نه یک تئوری است و نه یک شاخه علمی، بلکه به مجموعه‌ای از بینش و دانش ما اطلاق می‌شود که مترجم باید از آن در ترجمه متون سودجوید."

(ص ۱۹)

با عنایت به تعریف فوق، قطع نظر از اینکه آیا ترجمه را باید یک "تئوری" بدانیم و یا یک "علم" و یا هر چیز دیگری، "ترجمه" باید عوامل زیر را شامل باشد:

الف- "ترجمه" باید به تبیین یک سری اصول و ارزشهای لازم جهت ارزشیابی متون برگردان شده بپردازد و محدودیت‌های آن را برشمارد.
ب- "ترجمه" باید شیوه‌های مختلف برگردان ساختن متون را که بتوانند در بیشتر موارد (هرچند نه در همه موارد) مصداق یا بد معرفی نماید.
ج- "ترجمه" باید محک و معیارهای لازم را که بر پایه آنها بتوان یک متن ترجمه شده را با ترجمه دیگری از همان متن مقایسه و به انتخابی صحیح دست یافت عرضه دارد.

د- "ترجمه" باید به صورت روشن و با وضوح کامل مراحل اتخاذ تصمیم و شیوه‌های مبتنی بر اصل انتخاب اصلح را تشریح و تبیین نماید.

ه- "ترجمه" باید متکی بر اصول زبانی جهان شمول (Universally-based) باشد و باید بتواند تمام جنبه‌های معنایی، منطقی و فکی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۴۹

و فرهنگی وابسته به یک زبان منفرد و یا اصلیت جهان شمول زبان را رعایت کنند. (ص ۱۹-۱۷)

"نیومارک" دونوع ترجمه را معرفی می‌کند و معتقد است که این دونوع می‌تواند در برگردان ساختن کلیه متون به هر شکل و به هر وجه کارساز باشد:

۱- ترجمه مراوده‌ای (communicative translation)

در این نوع ترجمه، تلاش مترجم بر آن است که دوزبان مبدأ و مقصد را رویا روی قرار داده و پیام متن اصلی را چنان در زبان مقصد بازآفرینی نماید که خوانندگان متن ترجمه شده به تاثیر همانند خوانندگان متن اصلی را عارض گردیده دست یا بند و همان بار معنایی را لمس و درک نمایند.

۲- ترجمه معنایی (semantic translation)

در این نوع ترجمه، مترجم با تحزیه و تحلیل در زبان مبدأ و مقصد و بر مبنای محظورات (constraints) زبانی ویژه هر زبان "..... معنای دقیق مورد نظر نویسنده" را بازآفرینی می‌نماید.

(ص ۲۲)

تمایزی که "نیومارک" بین "ترجمه مراوده‌ای" در مقابل "ترجمه معنایی" قایل است کم و بیش مشابه با تمایزی است که قدما بین "ترجمه لغوی" (literal translation) و "ترجمه آزاد" (free translation) فرض می‌داشتند، معه‌ذا در "ترجمه مراوده‌ای" تاکید بیشتری به ترتیب بر "پیام" (message)، "خواننده" و بیان (utterance) می‌شود، در حالیکه در "ترجمه معنایی" به ترتیب "معنی" (meaning)، "روند فکری نویسنده" و "چگونگی تظاهر آن" اهمیت ویژه‌ای یا بد (ص- ۲۳). علاوه بر این "ترجمه مراوده‌ای" در تقابل با "ترجمه معنایی"، ساده‌تر، روان‌تر، منزه‌تر، مستقیم‌تر، مرسوم‌تر، با مشخصه‌های ویژه یک زبان تطبیق پذیرتر و بر خوردار از اوزان و کلمات عامه پذیر و مطلق‌تر

است. در مقابل ——— ل ، " ترجمه معنایی " پیچیده تر، ناهنجارتر، کم لطف تر، مبسوط تر، جزیی گرا تر و بیشتر مبتنی بر روند فکر و فارغ از پیام ضمنی متن است (ص ۳۹).

"نیومارک" ، معتقد است که در ترجمهء مراوده ای ، مترجم دست خود را در تمحیح متن و جایگزینی عبارات و ساختارهای بی روح و زمخت با واژه ها و ساختارهای شکیل و شیوا با ز ترمی یابد و از این اختیار عمل برخوردار است که به رفع ابهامات همت نماید، حذف ، "حشو قبیح" (tautologies) کند ، اصطلاحات غیر مصطلح را تبیین نماید و اشتباهات و لغزش های سهوی و عمدی نویسنده را بزداید. اما "ترجمه معنایی" " . . . همواره نسبت به ترجمهء مراوده ای از متن اصلی کم مرتبه تر و در مقام انتقال معنی کم اثر تر است (ص ۴۱-۴۲) .

با ایجاد تما یز و بیان وجوه افتراق بین این دو نوع ترجمه ، نیومارک پیشنهاد می کند که ترجمهء مراوده ای در موارد زیر یکا ر برده شود :

الف - متون و نوشته های غیر ادبی

ب - روزنامه نگاری

ج - مکاتبات غیر شخصی

د - تبلیغات

ه - اطلاعیه های عمومی

و - اعلانات

ز - نوشته های معمول

ح - قصص و افسانه ها

و در موارد مشروحه زیر که معادل عین عبارات مورد نظر است ، از "ترجمه

معنایی" استفاده شود :

الف - متون دینی و مذهبی

ب - متون فلسفی

ج - متون سیاسی

د - متون علمی

ه - متون فنی

و - نقل قول‌ها

ز - مکاتبات خصوصی

ح - شرح حال افراد (autobiographies) (ص ۴۴)

"نیومارک" معتقد است که مترجم باید علاوه بر تسلط کافی به زبان‌های

مبداء و مقصد دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱- از بینش و دانش در ارتباط با پیوندهای مربوط به متن‌های ادبی و غیر ادبی برخوردار باشد. در غیر این صورت مترجم نخواهد توانست از قضاوتی صحیح برخوردار بوده و بین تعابیر و تفاسیر ممکن اصلح را برگزیند. (ص ۵)

۲- دائماً "سیک نوشتاری خود را بهبود بخشد (ص ۶)

۳- از قدرت ارزشیابی در ارتباط با میزان کیفیت ادبی متن اصلی

برخوردار باشد. به عبارت دیگر مترجم باید یک منتقد ادبی باشد (ص ۶).

۴- به علم منطق و کلام تبحر داشته باشد (ص ۶).

۵- به چنان قابلیت دست‌یافتی باشد که بتواند از متن اصلی میزان وفاداری نویسنده را به معیارها و ارزشهای حاکم بر جامعه خود دریا بدو به مقتضای آن بهترین شیوه ممکن را در زبان مقصد اعمال نماید تا پیام نویسنده بی‌خدشه انتقال یابد.

۶- به صنایع بدیعی و صناعات ادبی و نیز حالات مختلف معانی تمثیلی

و مجازی و نیز فنی عبارات و اصطلاحات آشنا باشد.

۷- بین معانی اولیه (primary meaning) یعنی آن

دسته از کلمات که با معانی معمول در بین افراد جامعه مرسوم و جاری است و معانی ثانویه یا (secondary / collocational) یعنی آن دسته از کلمات که با معنایی متفاوتی داشته و در همجواری کلمات دیگر تبیین بیشتری یا بندتما یز قایل شود. برای مثال بدانکه در انگلیسی افعال مختلف در ارتباط با اشیاء مختلف بکار می‌روند و معانی خاص خود می‌یا بند که این ارتباط الزاماً "در زبان دیگری (مثلاً فارسی) مصداق عینی نمی‌یابد و در صورت متفاوت است. این عبارات در محور هم‌نشینی مفاهیم خاص خود را می‌یا بند. در انگلیسی در مقابل فعل فارسی "شکستن" افعال ویژه‌ای بنابه مورد بکار می‌رود:

شکستن پسته / فندق و امثالهم "crack"

شکستن قانون "infringe"

شکستن (در موارد عام تر) "break"

بطور کلی مترجم باید بین معانی هسته‌ای (core) و "پیرامونی" / حاشیه‌ای (peripheral) تما یز قایل شود.

(ص ۲۷-۳۰)

۸- با تکنیک‌های زیر آشنا باشد:

الف- استنساخ / سواد برداری (شامل استفاده از کلمات قرغی، اقتباسی و عبارات منتقل شده)

ب- ترجمه واژه به واژه

ج- ترجمه عاریه‌ای (loan - translation) که در آن یک واژه از زبان مقصد دقیقاً "بجای واژه معادل از زبان مبدا قرار می‌گیرد مثل عبارت "کره القدم" که در عربی در مقابل عبارت انگلیسی football بکار رفته است.

د- استفاده از مترادف‌های واژگانی یعنی ترجمه با استفاده از برابر

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۵۳

هایی از زبان مقصد که معادل نزدیک و دقیق عبارت در زبان مبدأ باشند.

ه - تجزیه و تحلیل مشخصه‌ها (componential analysis)

و - نحوه تعدیل (modulation) نظریات و تغییرات در نقطه

نظرها .

ز - جبران (compensation) کاستی‌های معنایی که عنداللزوم

در حین ترجمه حادث می‌شود .

ح - تبیین و تفسیر پرده‌زی

ط - تاویل (paraphrasing) عبارات و جملات

ی - ارائه شرح تفصیلی (expansion) یا چگونگی رفع

ابهامات با استفاده از شیوه بسط و گسترش نکات دستوری و نحوی

ک - استفاده از کلمات و عبارات مخفف جهت دوری جستن از تکرار مکررات

برای مثال : استفاده از کلمه "آنا تومی" بجای تکراری "شمر" علم

آنا تومی "

ل - نحوه بازآرایی (rearrangement) تسلسل و قایع در

طول متن

م - واژه‌آفرینی (coining) یا خلق واژه‌های جدید

و بالاخره "تیومارک" توصیه می‌کنند که در ترجمه متون ، مترجم مراحل

زیر را با دقت دنبال نماید . مترجم باید :

۱ - مطمئن شود که متن را بخوبی فهمیده ، به قصد نویسنده از نوشتن متن

و قصد خواننده از خواندن آن پی برده و بداند که خوانندگان متن ترجمه شده

از کدام طبقه اجتماعی و به کدام گروه شغلی و حرفه‌ای متعلق خواهند بود .

از طرفی بدانند که فی المثل خوانندگان بیشتر از طبقه نسوان هستند یا

رجال (ص ۲۱) .

۲ - قبل از دست زدن به ترجمه ، متن را به دقت خوانده و بداند که آیا

سیک نوشتاری نویسنده از مقولهء بیانی (expressive) "توصیفی" (descriptive)، "خبری" (informative) و یا "ندایی" (vocative) است. (ص ۲۳).

۲- بدانند که کدامیک از اصطلاحات بکار رفته طعنه آمیز و یا خالی از مفهوم است و علت بکارگیری آنها توسط نویسنده چه بوده است.

۴- با عنایت به متن، بدانند که کدامیک از جنبه های معنایی اعم از "زبانی" (linguistic)، "شاره ای" (referential)، "اجرایی" (performative)، فرهنگی (cultural)، "قیاسی" (inferential)، ضمنی (connotative)، و یا "کاربردی" (pragmatic) باید بکار برده شود.

۵- بتوانند بخش هایی از متن که مبهم و غامض است تفسیر صحیح بگذارد. (ص ۲۶)

و بالاخره

۶- مترجم باید بداند که در بافت اصلی متن، نقش آفرینان کدام اند حاصل عمل بر چه کسی وقوع یافته، چه کسی از آن عمل متاثر شده، عمل در کجا واقع گردیده، چگونه روی داده و نتیجه آشکار و پنهان آن چه بوده و نیز چه علتی بر حدوث آن عمل مترتب بوده است (ص ۲۷).

۲۰۲۰۲۰۲۱ خلاصه ترجمه در قرن بیستم

اگر سیر تکامل تئوری ترجمه را پی گیری نمایم به این نکته می رسیم. که یک اصل کلی از دیرباز تا به قرن بیستم مورد عنایت بوده و آن اصل معنایی است که به "مدل دوروی یک سکهء ارسطو" (dualistic Aristotelian model) معروف است. در قرن بیستم، این نظرگاه مورد ا معان نظربیشتر قرار گرفت و از سوی دو گروه به زیر سؤال کشیده شد:

۱- ساخت گرایان

که نظرا رسطورا مردود دانسته معتقد نبودند که "نشانه‌ها معانی را پدید نمی‌کشند" پس با رد این نظریه این مقوله پدید آختند که مترجم باید متن اصلی را طوری ترجمه و با زآفرینی نماید که برای نگیزاننده همان اثری باشد که آن متن درجا معهه اصلی خود داشته است.

۲- پیروان مدلی که "روش همخوانی با بافت مبدأ (contextual situation) نام گرفت.

این دسته برای این نظر نبودند که ترجمه باید به اندازهای خوب بوده و کار آیی داشته باشد که بتواند با بافت اجتماعی مشابه با آنچه خوانندگان اصلی از آن برخوردار بوده اند مناسبت داشته باشد.

(کلی ۱۹۷۹:۲, Kelly)

۳۰- ترجمه ماشینی

نقش مهمی که تا کنون کامپیوتر در ایجاد تحول در زندگی انسانها داشته و کاربرد وسیع آن در جهان تکنولوژی موجب آن شده است که خبرگان با اختراع و تکمیل کامپیوتری که بتواند از یک زبان به زبان دیگر ترجمه کند بیندیشند و در خلق آن بکوشند. این نیاز زو شایداً رزوی، هرچند هنوز در حد ایده آل و یک آرزوی بلند نظرانه است، از سوی کسانی که در این زمینه تجربه‌ای ندارند یک امر تخیلی فرض شده که وقوع آن امکان پذیر نخواهد بود. آنها معتقدند که ماشین ترجمه یک پدیدهٔ تجملی و غیر ضروری است که در بسیاری از موارد کارآیی نخواهد داشت. معذاً برای نکته‌بایداً ذکر داشت که هم این نیاز و هم فکر و اندیشهٔ توسعه کامپیوتر در جهت ترجمهٔ متون واقعیت‌های ملموس و انکارناپذیرند. پیشرفتهایی که در این زمینه مخصوصاً "در دهه ۱۹۸۰- تحقق یافته بسیار امیدوارکننده و نزدیک به هدفهای مورد نظر است. البته هنوز مشکلاتی بر سر راه است که باید برطرف گردد. به عبارت دیگر، تا کنون کامپیوتری اختراع نشده است که بتواند تمام کار ترجمه را از آغاز تا فرجام انجام داده و بطور کامل جایگزین نقش مترجمان باشد و بتواند را "به ترجمه اقدام کند. نیروی مترجم متخصص هنوز قرب و منزلت خود را دارد و هیچکس فکر نمی‌کند که کامپیوتر بتواند جای نشین مغز پیچیدهٔ انسان شود.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۵۷

در این بخش، سعی بر آن است تا خوانندگان را با اطلاعات جامعی در مورد فعالیت‌هایی که در زمینه ترجمه ماشینی انجام یافته آشنا سازیم. تقریباً انواع عمده کامپیوترهایی که در ترجمه انجام می‌دهند معرفی خواهند شد و شرح مختصری از نحوه عملکرد برنامه‌هایی که تا کنون فراهم آمده ارائه خواهد گردید. چهار برنامه کامپیوتری که به طرح‌های اروپا، ژاپن، آمریکا و کانادا معروفند معرفی خواهند شد. در این بخش، به نقش تئوری‌های زبانشناسی و تاثیر آنها در ترجمه ماشینی اشاره خواهد شد.

۳۰۱ تاریخ ترجمه ماشینی

در اوایل دهه ۱۹۴۰ اندیشه‌ای نضج گرفت و این تصور پیش آمد که چون مترجمان با سهولت به ترجمه متون مختلف می‌پردازند بنابراین ترجمه متون به آسانی از عهده ماشین برمی آید و علی القاعده ترجمه ماشینی نباید امر مشکلی باشد. حدود بیست سال تئوریهایی ترجمه اندیشه خود را به این امر متوجه ساختند. تصور برای این بود که حداقل کاری که ماشین می‌تواند انجام دهد ایجاد تسهیلات در کار مترجمان است مشروط بر آنکه طراحی‌های دقیقی صورت پذیرد. به عبارت دیگر، محققان معتقد بودند که ماشین‌های ترجمه و یا کامپیوتر می‌توانند بخشی از بار سنگینی را که مترجمان بردوش می‌کشند بر عهده گیرند. برای مثال انتظار داشتند که برنامه‌های کامپیوتری:

۱- به سرعت ترجمه بيفزايند و ميزان دقت و کارآمدی آن را بالا ببرند.

۲- با روند فکری مترجمان تطبیق یا بدو موازی را که انسان در ترجمه

یک متن طی می‌کند پی گیرد.

۳- لغات و معادل‌هایی را که مترجم نیاز دارد و قسمت اعظم وقت خود را به

آن اختصاص می‌دهد بیاورد و از مشکل ریشه‌یابی لغات و معانی متعدد برخی

از کلمات برهاند.

(نایرنبرگ ۱۹۸۷:۱, Nirenburg)

تلاشهای اولیه در این زمینه چندان رضایت بخش نبود. معهذاً شمره آن به پیشرفت تئوریهای زبانشناسی انجام میدو پاییهای آنچه را امروز آن با عنوان "کمپیوتروزبانشناسی" (Computational Linguistics) و "شیوههای آموزش زبان با استفاده از کمپیوتر" (Computer-assisted Language Teaching and Learning) یاد میکنند بنیاد نهاد.

ماشین ترجمه بوسیله یک دانشمند انگلیسی به نام دونالد دبوث (Donald Booth) اختراع شد. این ماشین که به دنبال وقایع مربوط به جنگ جهانی دوم ساخته شد حاصل نیازی بود که به کسب اطلاعات بیشتر وجود داشت. بدیهی است پیشرفت های صنعتی نیز در پیدایش آن بی اثر نبود. ماشین ترجمه از ابتدا با انتقادهای شدیدالحنی روبرو گردید. دکتر نوربرت واینر (Norbert Wiener) از موسسه تحقیقاتی و تکنولوژی ماسوچست این پدیده را به زیر سؤال کشید و اظهار داشت که این ماشین نمیتواند اهداف ترجمه را تامین نماید. نامبرده معتقد بود زبانهای مختلف علاوه بر روابط نحوی و معنایی از بار احساسی و عاطفی نیز برخوردارند و این ماشین قطعاً نخواهد توانست به تجلی آنها بپردازد (رونالد ۱۹۸۲:۱۱). علاوه بر این حاصل ماشین ترجمه هر چه باشد با یکدیگر مجدداً به وسیله مترجمان تصحیح شود.

در سال ۱۹۳۳، شخصی بنام پی. پی. ترویانسکی (P.P. Troyansky) کوشیده بود که ترجمه را به صورت مکانیزه درآورد ولی در این کار موفقیت چندان نیافت.

در سال ۱۹۵۴، در دفتر سازمان بین المللی خدمات ماشینی در امر

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۵۹

تجارت واقع در نیویورک، برای اولین بار، با استفاده از ماشین IBM-701 آن موسسه ترجمه، ماشینی متون از روسی به انگلیسی انجام یافت و عملکرد

آن بمعرض تماشا گذاشته شد. (پانوف، ۱۹۶۰) (Panov)

در سال ۱۹۶۶، از کامپیوتر در جهت پیدا کردن لغات و واژه‌های مورد نیاز مترجمان استفاده شد. عملکرد آن به شرح زیر بود:

- ۱- مترجم متنی را که باید ترجمه شود به دقت می‌خواند و زیر لغاتی را که معادل آنها را در زبان مقصد نمی‌داند خط می‌کشد.
- ۲- پانچ‌یست لغات زیر خط دار را روی کارت‌های مخصوص پانچ می‌کرد.
- ۳- کارت‌های پانچ شده به کامپیوتر سپرده شده و کامپیوتر در مقابل هر کلمه سه‌الی‌چهار واژه، معادل را که می‌توانست مورد استفاده مترجم قرار گیرد ارائه می‌نمود:

(آکادمی ملی علوم ۲۶: ۱۹۶۶)

۳۰۲ سیستم‌های کامپیوتری موجود

سیستم‌های کامپیوتری متعدد و هر کدام وظیفه خاصی را انجام می‌دهند. بدیهی است عملکرد آنها در بسیاری جهات مشابه است اما آنچه آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد ویژگی‌هایی فردی است که هر کدام دارند. بطور کلی همه کامپیوترها می‌توانند متنی را بر صفحه خود ظاهر سازند، سئوالاتی را مطرح نمایند، پاسخ‌های دریافت شده را مورد ارزشیابی قرار داده صحت یا عدم صحت آنرا تأیید نمایند و در برنام‌های آموزشی نتایج و نمرات دانشجویان را در حافظه خود نگهدارند. عملیاتی که توسط کامپیوتر انجام می‌گیرد اصطلاحاً " عملیات کاربردی (instructional operations) " و آنچه را مترجم استاد و یا دانشجویان انجام می‌دهد

"عملیات شناسنده" (Cognitive Operations) می نامند
(Hart, ۱۹۸۶: ۴)

در این قسمت ، سیستم های کامپیوتری که تا کنون در ترجمه ، آموزش زبان و یادگیری زبان مورد استفاده قرار گرفته معرفی می شوند . بدیهی است ، در هر قسمت به برنامه ریزیهای فراوان نیاز است .

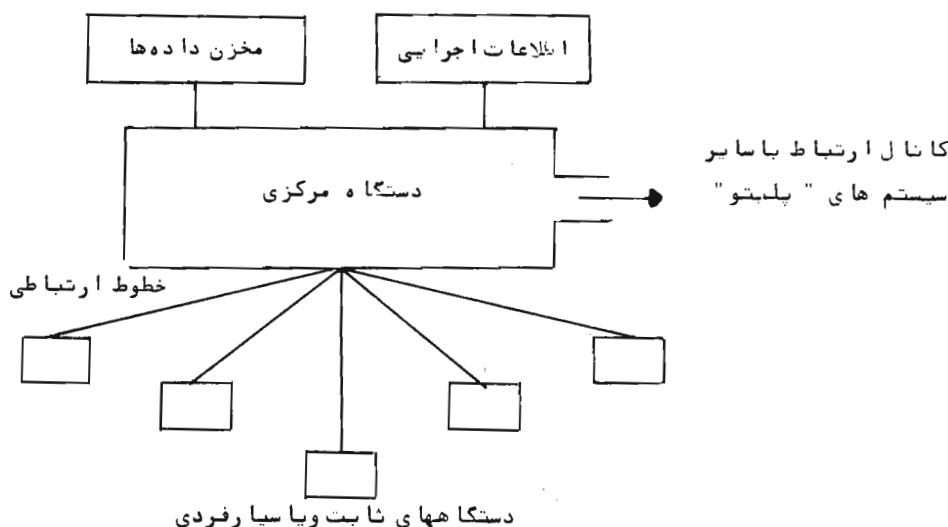
۳۰۲۰۱ سیستم پلِیتو / افلاطونی (The Plato System)

این سیستم از دو بخش عمده زیر تشکیل یافته است :

۱- یک دستگاه مرکزی که در آن تمام اطلاعات ، برنامه ها و واژگانهای مورد نیاز ضبط و نگهداری می شود .

۲- یک سری دستگاههای ثابت و یا سیار (terminals) که در دسترس محققان و دانشجویان قرار می گیرد و به دستگاه مرکزی متصل است . دستگاه مرکزی (Mainframe) نیز میتواند به دستگاههای مرکزی دیگر متصل گردد و از اطلاعات آنها استفاده نماید .

"هارت" (Hart, ۱۹۸۸) عملکرد سیستم "پلِیتو" را در نمودار زیر ترسیم داشته است :



الف- چون اطلاعات عمده‌ای که در بخش دستگاه مرکزی انجام می‌گیرد رفع موانع فنی را چندان مشکلی نیست .

ب- اطلاعات ذخیره شده می‌تواند در دسترس تمام محققان قرار گرفته و-

اگر داده‌ها و سایر موارد دنیا زگسترش یا بد در سطح جهان مورد بهره‌برداری قرار گیرد .

ج- مخازن اطلاعاتی که در دستگاه‌های مرکزی تعبیه و نگهداری می‌شود

این امکان را به محققان می‌دهد که از اطلاعات وسیعی بهره‌مند گردند .

د- می‌توانند در نظام آموزش از راه دور و خدمات ارزشمندی باشند .

الف- هزینه آن بسیار سنگین است .

ب- اگر دستگاه مرکزی دچار نقص فنی عمده‌ای بشود که تحقیق دچار وقفه

خواهد شد .

در این سیستم دستگاه مرکزی وجود ندارد . در عوض دستگاه‌های کامپیوتر

فردی (micro-computer) وظیفه اصلی را عهده‌دارند . اطلاعات

لازم و برنامه‌های آموزشی بر روی نوارهای مخصوص (floppy disks)

ضبط است . محققان از این نوارها که مواد نرم افزار (software)

(materials) خوانده می‌شوند جهت تلقین فرامین استفاده می‌کنند

و بر مبنای همین برنامه‌ریزی‌ها کامپیوتر به انجام دادن عملیات می‌پردازد .

این سیستم در آموزش و یادگیری زبان کاربرد چندانی ندارد زیرا معلم

می‌تواند نحوه عملکرد دانش‌آموز را کنترل نماید . معضله برای محققانی

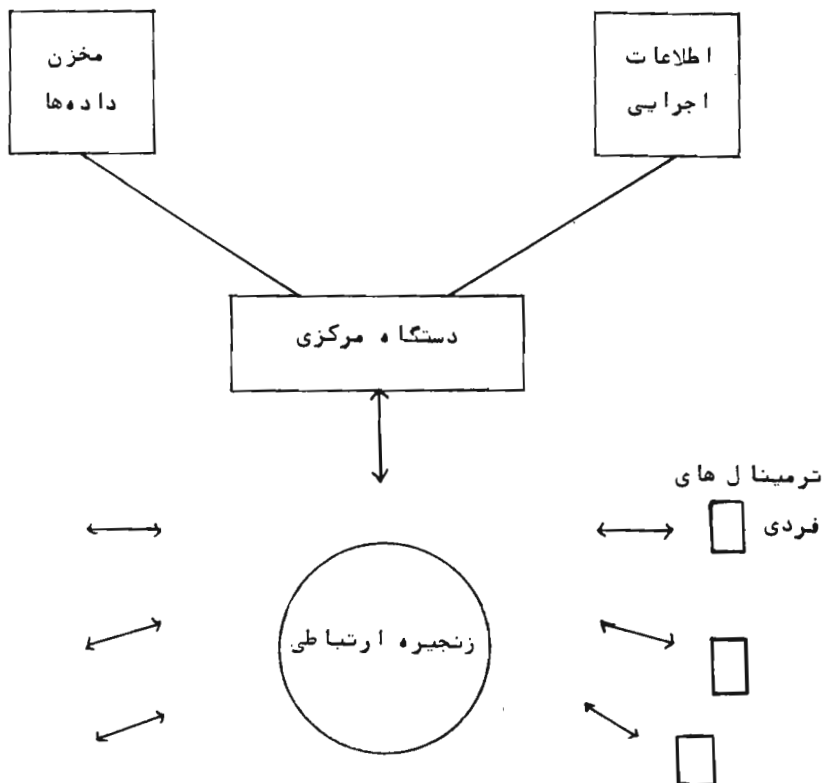
که علاقه‌مند به کارهای انفرادی می‌باشند سیستم ایده‌آلی محسوب می‌شود و

فوق العاده ارزان و به سهولت قابل استفاده است .

۳۰۲۰۳ سیستم شبکه ارتباطی محدود و سیستم شبکه ارتباطی گسترده

(Local - area, and wide network)

در این سیستم ، تعداد نا محدودی ترمینال های فردی وجود دارد که می توانند مستقلانه عمل نمایند و یا در یک شبکه زنجیره ای به دستگاه های مرکزی متصل گردند . از یکسو می توانند اطلاعات مورد نیاز را بر روی نوارهای مخصوص ضبط و بعداً "موردا استفاده قرار دهند و از سوی دیگر می توانند ضمن ایجاد تماس با دستگاه های مرکزی اطلاعات بیشتری کسب و بر روی نوارهای خود ضبط نمایند . نمودار زیر عملکرد این سیستم را نشان می دهد .



تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۶۳

این سیستم را می‌توان به سیستم ارتباطات بین‌المللی متصل ساخت، مزایای سیستم "پلیتو" و سیستم شبکه ارتباطی محدود و گسترده در این سیستم یکجا جمع است. برای مثال اگر سیستمی شبیه به آن در ایران تعبیه شود، می‌توان از طریق خطوط تلفنی بین‌المللی از آخرین پدیده‌های علمی مقالات و کتب مطلع و آنچه را مورد نیاز است در یک زمان نسبتاً "کوتاه ضبط و مورد استفاده قرار داد.

۳۰۲۰۴ شیوه‌های ترجمه ماشینی

سیستم‌های ترجمه ماشینی که در حال حاضر خدمت بشر قرار دارند متنوع و گوناگو نند. بعضی ساده‌اند و تنها در موارد جزئی مترجمان را مدد می‌دهند. و تعدادی از آنها فوق‌العاده پیچیده و بخش عمده‌ای از باری را که به‌دوش مترجم قرار دارد به عهده می‌گیرند. نقش مترجم تنها نظری اجمالی و تصحیح احتمالی متن ترجمه شده است (کاربونل ۱۹۸۷: ۷۰). (Carbone 11)

۳۰۲۰۴۰۱ شیوه کمکی در ترجمه

یکی از مشغله‌های وقت‌گیر مترجم پیدا کردن معادل‌های مناسب از زبان مقصد جهت جایگزینی عبارات متن اصلی از زبان مبدا است. در این مورد کامپیوتر به کمک مترجمان شتافته و این بخش از فعالیت را بخوبی انجام می‌دهد. مترجم با استفاده از کامپیوتر نیازهای واژگانی خود را مطرح می‌سازد و کامپیوتر با تفحص و استفاده از ذخایر واژگانی در زبان مقصد یک سری معادل‌های مناسب را با قید اولویت عرض می‌دارد و مترجم را در انتخاب کلمه و یا عبارت اصلح یاری می‌نماید. بدین ترتیب مترجم در مقابل یک عبارت از زبان مبدا چندین کلمه و یا عبارت از زبان مقصد و معانی وابسته به آنها را می‌یابد و به انتخاب صحیح دست می‌زند.

در این شیوه ترجمه، مترجم همچنان نقش عمده را ایفا می‌کند و بر تمام مراحل و روند ترجمه نظارت مطلق دارد. کاری که کامپیوتر می‌کند ایجاد تسهیلات بیشتر و کمک به مترجم در واژه‌یابی است چه در غیر این صورت مترجم باید قسمتی از وقت خود را به این امر فوق‌العاده مهم اما در ظاهر بی‌اهمیت اختصاص دهد.

۳۰۲۰۴۰۲ شیوه اصلاح پایانی (The post-editing approach)

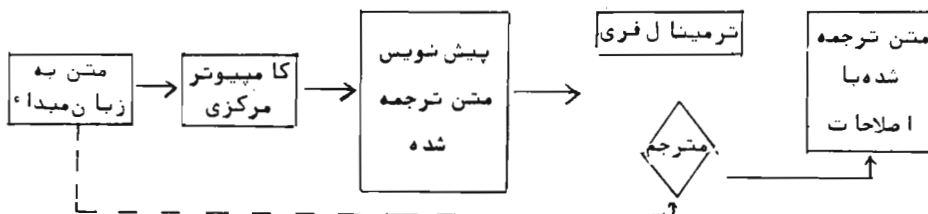
در این شیوه، تقریباً "قسمت‌های عمده" مراحل ترجمه توسط کامپیوتر انجام می‌گیرد. نقش مترجم خواندن متن ترجمه شده که توسط کامپیوتر انجام یافته است می‌باشد. مترجم تنها به تصحیح احتمالی متن می‌پردازد و آنرا ویراستاری می‌کند. برای آنکه متنی از یک زبان به زبان دیگر ترجمه شود مراحل زیر انجام می‌گیرد:

الف- متن اصلی به طریقی تایپ و نوشته می‌شود که کامپیوتر بتواند آنرا بخواند.

ب- متنی که به صورت زبان کامپیوتر نوشته شده به کامپیوتر تلقین شده و عملیات ترجمه آغاز می‌شود.

ج- پیش‌نویس ترجمه که توسط کامپیوتر انجام یافته به همراه مطالبه‌های متن اصلی در اختیار مترجم قرار می‌گیرد و مترجم متن را ویراستاری می‌نماید.

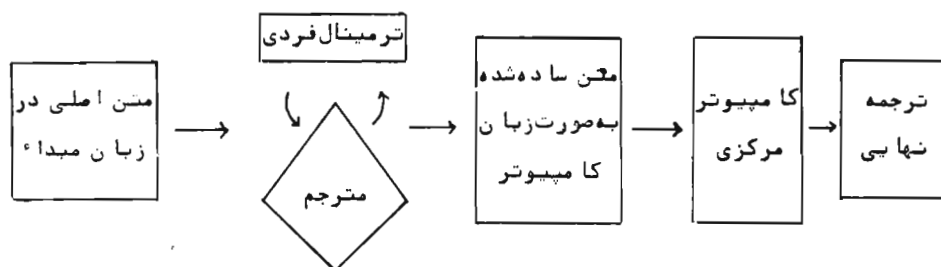
نمودار زیر مراحل مختلف ترجمه برای این شیوه را نشان می‌دهد:



تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۶۵

۳۰۲۰۴۰۳ شیوه اصلاح اولیه

در این شیوه، قبل از آنکه متن اصلی به صورت زبان کامپیوتر نوشته شود تا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، مترجم قسمت‌های عمده را ترجمه می‌نماید و ابهامات نحوی و معنایی را برطرف می‌کند. سپس متن ساده شده به زبان کامپیوتر نوشته می‌شود و در جریان ترجمه قرار می‌گیرد. کامپیوتر ترجمه متن را انجام داده و متن پاک‌نویس شده تحویل می‌گردد. در طول عملیات مترجم می‌تواند اطلاعات تازه‌تری به دستگاه تزریق نماید و یا اطلاعات مضبوط را از کامپیوتر دریافت نماید. نمودار زیر مراحل مختلف و نحوه ترجمه را در این شیوه نشان می‌دهد:

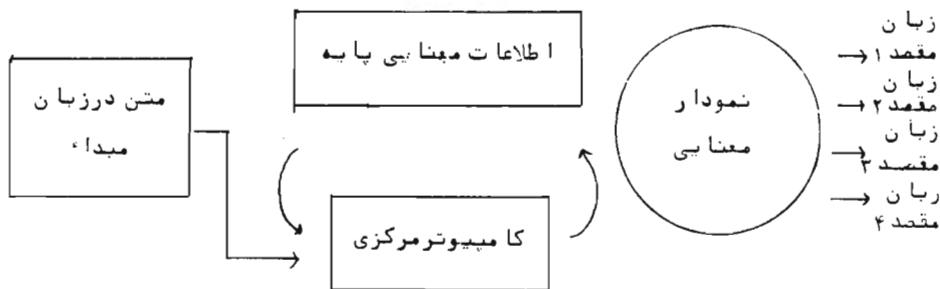


۳۰۲۰۴۰۴ شیوه تبدیلی به اطلاعات پایه

(The knowledge - based Approach)

در این شیوه که به اختصار "کام، بی، تی" خوانده شده است، ماشین ترجمه (یا در حقیقت کامپیوتری که کامترجمه را انجام می‌دهد) متن اصلی را با نوع تجسم آزاد معنایی (free-meaning representation) تطبیق می‌دهد. در این مرحله از نکات غامض و مشکل‌زایی معنایی چون مرجع یا بی‌ضمایر (چه به صورت پس‌مرجعی cataphoric چه در وجه "پیش‌مرجعی" anaphoric) رفع ابهام می‌گردد و روابط نحوی و پیچیدگی‌های درون نحوی حاکم بر متن روشن می‌شود. حاصل این مرحله

نموداری است معنایی از متن اصلی که از نظر معنایی غنی ولی از نظر صوری پیرایش نایافته است. در مرحله بعد این نمودار معنایی با صور مختلف زبانهای متفاوت تطبیق می‌یابد و در ترجمه را با توجه به این شیوه می‌توان چنین ترسیم نمود:

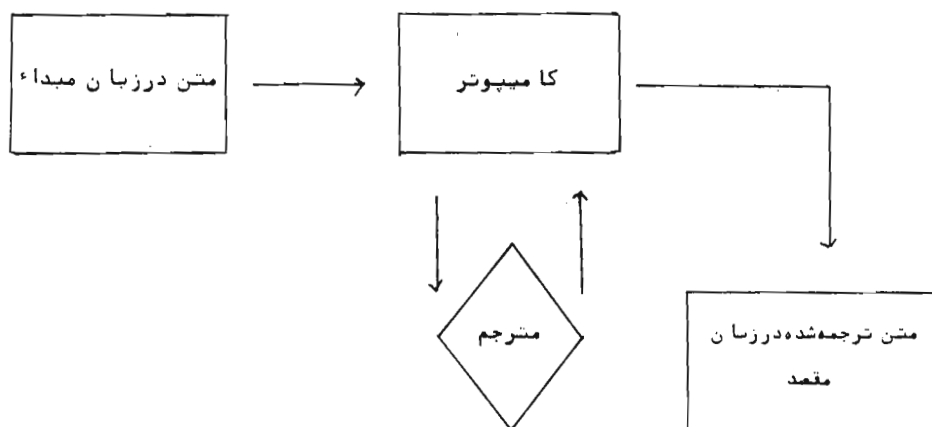


عیب عمده این شیوه آن است که حاصل ترجمه بیشتر به نوعی تاویس (paraphrasing) مانند است و کمتر در قالب ترجمه تعبیر پذیر است. بدین ترتیب، احتمالاً به کار ترجمه اشعار نمی‌آید زیرا در ترجمه شعر تسلسل و نظم کلمات نیز تعبیر خاص خود دارند.

۳۰۲۰۴۰۵ شیوه انفعالی متقابل (The interactive approach)

در این شیوه، مترجم و یا شخصی که از کامپیوتر استفاده می‌کند، ابتدا با کامپیوتر شخصی خود در ارتباط است و می‌تواند پیاپی را به کامپیوتر بدهد و یا پیاپی را از آن دریافت نماید. بدو "مترجم متنی را به زبان اصلی به کامپیوتر تزریق می‌نماید کامپیوتر نکات ابهام را شناسایی و از مترجم سؤال می‌کند و مترجم یا اهل زبان نیز پاسخ لازم را به کامپیوتر می‌دهد و اطلاعات لازم را می‌رساند. پس از طی مراحل انتقال معنایی و رفع ابهامات کامپیوتر معادل متن اصلی را به یک زبان خارجی عرضه می‌دارد. این متن نیازی به ویراستاری مجدد ندارد.

طریقه و شیوه عملکرد آن به شرح زیر است :



یکی از معایب عمده این شیوه (همانند سیستم "ک، بی، ام، تی") بازده کار بدون انجام ویراستاری مجدد است و بنظر می‌رسد که عدم دخالت مترجم در مرحله پایانی نقائصی را بر ترجمه انجام یافته باقی خواهد گذاشت. مثالهای زیر نشان می‌دهد که این سیستم چگونه کار می‌کند و چگونه ماشین می‌تواند با پیگیری مرحله‌ای و با توسل به شیوه انفعالی متقابل به رفع ابهامات ترجمه بپردازد. تصور کنید متنی از زبان فارسی برای ترجمه به ماشین تحویل گردد و در آن کلمه "ساعت" بکار رفته باشد و هدف آن باشد که این متن به انگلیسی ترجمه شود. بدیهی است در حافظه کامپیوتر کلمات چندگانه زبان انگلیسی که برابر با این کلمه فارسی قرار می‌گیرند ضبط شده است. کامپیوتر با استفاده از اطلاعات ضبط شده که در حافظه دارد به مترجم و یا استفاده کننده از کامپیوتر به شیوه زیر ارتباط می‌یابد :

بر صفحه کامپیوتر این جملات ظاهر شود :

کلمه "ساعت" در این متن معنی :

الف - وسیله‌ای را دارد که زمان را نشان می‌دهد و شخصی آن را برمی‌سج

خویش می‌بندد.

ب - وسیله‌ای داده که زمان را نشان دارد و بر دیوار آویزان می‌کنند .

ج - ۶۰ دقیقه را می‌دهد .

د - راس زمان را دارد .

معادل صحیح را انتخاب نمایید .

مترجم انتخاب صحیح را بر می‌گزیند و به کامپیوتر اطلاع می‌دهد . کامپیوتر با اطلاعات قبلی به ترتیب کلمات hour, clock, watch و o'clock را در ترجمه متن بازآفرینی می‌کند .

مثال دیگری می‌تواند در مورد ضمیر سوم شخص مفرد باشد . در زبان فارسی از سوم شخص مفرد جنسیت ادزاک نمی‌شود و یا به عبارتی برای ضمیر She , He انگلیسی معادل "او" بیان مطلب می‌کند .

بر صفحه کامپیوتر این جملات ظاهر می‌شود .

در این متن ، کلمه " او " به مرجع زیر مربوط می‌شود .

الف - دختری که نام اش "زهرا" است

ب - پسر که نام اش " رحیم " است .

ج - پسر که در محوطه مشغول بازی کردن است .

معادل صحیح را انتخاب نمایید .

با برگزیدن انتخاب صحیح توسط مترجم و یا استفاده کننده از کامپیوتر ، ماشین مطابق با شیوه مذکور در مثال یک معادل صحیح را در ترجمه متن منظور می‌نماید .

این شیوه در ترجمه متونی که ابهام کمتری داشته و از متون ساده تری برخوردارند کارایی قابل توجهی داشته است . با زده این شیوه در مقابل ابهام شیوه های دیگر از دقت عمل بیشتری برخوردار بوده است . به لحاظ نقش مترجم در دادن اطلاعات لازم ، متن ترجمه شده از ویراستاری بهتری برخوردار است .

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۶۹

تا کر (Tucker) مثال جالبی را ذکر می‌کند که تکرار آن خالی از لطف نیست (۷۸: ۱۹۸۷). در حین ترجمه، کامپیوتر با جمله ابهامی (ambiguous sentence) زیر و بروشده است:

I saw a man and a woman with a telescope

1. "a man" and "a woman"

2. "a man" and "a woman with telescope"

Number?...

1. The action "saw" takes place "with a telescope"

2. "a man and a woman" are "with a telescope" Number?...

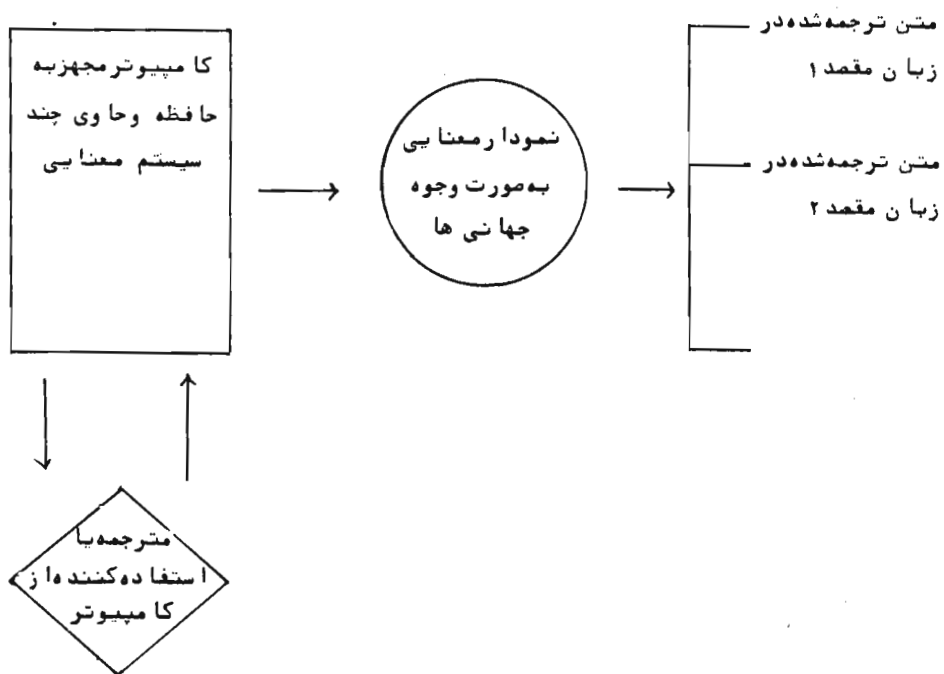
مترجم انتخاب صحیح را با ذکر شماره مورد نظریه کامپیوتر ردیکته می‌کند. این سیستم را ژاپنی‌ها ساخته و به توسعه آن پرداخته‌اند.

نوع دیگری از این شیوه به "چندگانگی متن مبدا" (Bypassing source text) شهرت دارد. کامپیوتر به سیستم پیچیده‌ای مجهز است که می‌تواند یک سری سئوالات پیچیده را مطرح و پاسخ دریافتی را که به آن تلقین می‌شود درک نماید. سیستم نحوی و معنایی زبانهای مختلف به کامپیوتر قبلاً داده شده و در حافظه آن محفوظ است. نحوه عملکرد آن به شیوه‌ای است که در نمودار زیر آمده است:

(س - ک) بجای سؤال از سوی کامپیوتر (پ - الف) بجای پاسخ استفاده کننده از کامپیوتر برگرفته است.

س - ک: زبان مبدا را مشخص نمایید.

پ - الف: فارسی / انگلیسی / روسی / آلمانی و غیره



س- ک : زبان مقصد را مشخص نمایید .

پ- الف : ترکی / آلمانی / روسی و غیره

س- ک : موضوع نامه ای که قصد به نوشتن دارید :

الف - تغییر محل سکونت

ب - تشکر بخاطر هدیه ارسالی

ج- دعوت

د- تبریک سال جدید

انتخاب ...

(پ- الف انتخاب صحیح را تایید می نماید .)

س- ک : آدرس شما چیست ؟

پ- الف : (آدرس تایید می شود)

س- ک : آدرس گیرنده ؟

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۷۱

پ- الف : آدرس تایپ می‌شود .

بقیه عملیات توسط کامپیوتر انجام می‌گیرد و متن ترجمه شده در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد .

۳۰۲۰۵ استراتژی‌های موجود در فن ترجمه ماشینی

در دهه گذشته ، سه استراتژی مهم در ترجمه ماشینی مرسوم بوده و در حد وسیعی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است . یکی نسبتاً " بدوی ترودو-تای دیگر نسبتاً " جدیدترند . این سه عبارتند از :

۳۰۲۰۵۰۱ استراتژی مستقیم در ترجمه ماشینی :

این استراتژی به شیوه‌ای تدوین یافته که داده‌ها پس از طی مراحل مختلف که غالباً " به ده مرحله بالغ می‌شود به پرداخته‌ها (outputs) تبدیل می‌شوند . اما شیوه عملکرد آن چنین است که پرداخته و یا بازده مرحله اول به عنوان داده مرحله دوم قلمداد گردیده و این روند تا آخر مرحله پایانی تسلسل می‌یابد . پرداخته نهایی که از تسلسل زنجیره‌ای حاصل می‌شود برگردان معادل متن اصلی در زبان مقصد است . تاکر (۱۹۸۷:۲۳) Tucker) این مراحل را به شرح زیر ردیف می‌نماید :

ماشین ترجمه :

۱- عبارات و واژگان مورد نیاز را یافته و تجزیه و تحلیل واژگانی آنها را انجام می‌دهد .

۲- متشابهات نوشتاری (homographs) را شناسایی می‌کند

۳- گروههای اسمی مرکب را شناسایی می‌کند .

۴- گروههای اسمی را از گروههای فعلی بازمی‌شناسد .

۵- عبارات اصطلاحی را می‌یابد .

۶- حروف اضافه را شناسایی و حدود و ثغور کارآیی آنها را ردیابی می‌کند .

۷- درجملات موجود مبتدا را از خبر با زمی شناسد .

۸- موارد ابهام را درجملات ردیابی می‌کند .

۹- اطلاعات به دست آمده را به صورت صورت‌نوشتاری در زبان مقصد معادل

سازی می‌نماید .

۱۰- در متن ترجمه شده مقصدتغییرات لازم را تعبیه می‌نماید .

این استراتژی بدواً "در دانشگاه جورج تاون (Georgetown)

مورد استفاده قرار گرفت و در ترجمه متون از روسی به انگلیسی و بالعکس بسیار موثر بوده است .

تا کر (Tucker) معتقد است که در این استراتژی ، نقش انسانی پس از عملکرد ماشین ترجمه وسعت بسیار دارد و بدون تجدید نظر وافی مترجم ، پرداخته‌های ماشین ترجمه نمی‌تواند چندان قابل توجه باشد . ایشان معتقد است که این استراتژی در مقایسه با سایر استراتژی‌های موجود به ویژه در مورد متون غامض و پیچیده از کارآیی چندان بی‌برخوردار نیست . (۱۹۸۷:۲۹)

۳۰۲۰۵۰۲ استراتژی انتقالی (Transfer Strategy)

این استراتژی اولین بار بوسیله گروه "گرونوبل" (Grenoble)

در سال ۱۹۷۵ و پس از آن بوسیله گروه "ساربروکن" (Sarbrucken)

در سال ۱۹۸۴ بکار گرفته شد و عمدتاً "هریک روندسه مرحله‌ای متکی است . در

مرحله اول ، جمله زبان مبدا به اجزاء و مشخصه‌های ژرف ساختی معنایی

خود تقسیم می‌شود . در مرحله دوم ، الگوهای واژگانی و ساختاری به صورت

برابرهایی خود در زبان مقصد معادل سازی می‌شود . در پایان مرحله سوم ،

متن ترجمه شده توسط ماشین ترجمه ارائه می‌گردد . (Tucker ۱۹۸۷:۲۳)

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۷۳

۳۰۲۰۵۰۳ استراتژی واسطه‌ای (Interlingua Strategy)

به نقل از کارنوبل، این استراتژی مشتمل بر سه مرحله است. در مرحله اول، متن اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نمودارها و مفاهیم زبانی جهان شمول تطابق می‌یابند. در مرحله دوم، عملکرد و مکانیسم خاصی به رفع ابهامات منتج می‌شود و اطلاعات لازم در جهت رفع آنها ارائه می‌گردد. بالاخره در مرحله سوم، مکانیسم دیگری نمودارها و مفاهیم جهان شمول حاصل از مرحله نخست را به صورت نمودارهای زبانی منطبق بر زبان مقصد عرضه می‌دارد. (۱۹۸۱: ۳۷۶).

۳۰۲۰۶ نتیجه

کامپیوتر امیدفرای ترجمه است. از هم اکنون این امر بر همگان مبرهن است که کامپیوتر نقش بسیار ارزنده‌ای در تحول و تکامل فن ترجمه ایفا خواهد کرد. پس لازم است که دانشجویان با این معجزه قرن آشنا شوند و برای پدیده شگرف به دیده بصیرت بنگرند و در ترجمه نوشته‌ها از زبان فارسی به زبانهای دیگر از تحولاتی که در این زمینه پدید آمده غافل نمانند. غفلت از این امر در دهه‌های آینده فرهنگ ما را به زاویه خواهد کشید و سیل کتب ترجمه شده به این سرزمین سرازیر خواهد شد قبل از آنکه فرهنگ‌زادگان ما بتوانند از فرهنگ خود نمودی ارائه نمایند.

یکی از تصورات واهی که اغلب ما حبان نظر را گهگاه بخود مشغول می دارد این تصور غلط است که چون انسانها به نوعی زبان تکلم می کنند و در بیان ایده ها و افکار خود به این وسیله مطمئن تشبث می جویند و از ظرفی همه بیان واقعیات عینی را مطمح نظر دارند پس ترجمه از یک زبان به زبان دیگر کار ساده ای است و مترجم علی القاعده نقش پرزحمتی نخواهد داشت. اما این حقیقت را نباید فراموش کرد که مترجمان، در مراحل مختلف ترجمه متون، با مشکلات عدیده ای روبرو هستند که با یدبا دقت، آگاهی و بذل عنایت فراوان برطرف گردد.

اولین مشکل اساسی نیل به درک کاملی از متن اصلی و شناخت ابهامات است. از طرف دیگر زبانها در تجلی جلوه های ظاهری کلام که مبین مرجع کلمات و عبارات در دنیای واقعیت می باشند از یکدیگر متمایزند و به نحو متفاوتی عمل می کنند. بدین ترتیب، برای آنکه مترجم بتواند تصویری صحیح از متن اصلی داشته باشد، تفحص در پیرامون کارآمدی، بار معنایی و کارکرد ارتباطی متن امری است مسلم و اجتناب ناپذیر. مترجم باید به نوعی "توانایی ترجمه ای" (translational competence) نایل گردد تا بتواند بر مبنای آن به درک کامل و جامع از ابهامات معنایی، نحوی، واژگانی، آوایی و ساختاری حاکم بر دوزبان مبداء و مقصد و نیو-شیوه های گفتاری یا نوشتاری مورد نظر دست یابد.

علاوه بر این مترجم باید از توانایی بالقوه ای برخوردار باشد تا بتواند:
الف- از متون زبانهای مبداء و مقصد تفاسیر و تعابیر دقیق و صحیح را دریابد.

ب- در ترجمه متن از زبان مبداء به زبان مقصد برگردانی روان ارائه نماید.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۷۵

ج- در یک حرکت تداوم دارمقایسه بین دوزبان موردنظر، معادل‌ها و برابری‌های کارسازی بیابد. (آندره ری کوپزینسکی ۱۹۸۰:۲۳)

یکی از مشکلاتی که اغلب مترجمان را عارض می‌گردد، عدم تسلط کافی آنها به زبان مقصد و چگونگی استفاده از آن زبان است. اهل یک زبان خاص بودن بهیچوجه ملاک و مجوز مترجمی نیست. به عبارت دیگر، آنها قادر به تکلم بودن به یک زبان کافی نیست تا به اعتبار آن شخص به ترجمه نیز بپردازد. این تصور که همه اهل یک زبان که آشنایی مختصری با زبان بیگانه نیز دارند می‌توانند به ترجمه بپردازند تصور است واهی و دور از حقیقت. هر کس که بخواهد به این‌وادی قدم گذارد باید اطلاعات وسیع و دقیقی در مورد تنوع گونه‌های زبانی، تمایزات قومی و فرهنگی، انتظارات و باورهای روانی اجتماعی مردمی که به دوزبان موردنظر تکلم می‌کنند و نیز نابرابری‌های فرهنگی داشته باشد و این مشخصه‌ها حداقل آگاهی موردنیاز یک مترجم است.

مشکل دیگری که مترجم با آن روبروست و باید قبل از آغاز ترجمه بر آن وقوف کامل داشته باشد شناخت مراحل ترجمه و آشنایی به تکنیک‌های خاصی است که باید بین مرحله شناخت و درک زبان مبدا و بکارگیری زبان مقصد بکار گرفته شود. وجود نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی، ساختاری، واژگانی و معنایی بین زبان‌ها نه تنها گهگاه روند ترجمه را بمخاطره می‌اندازد و موجب برنارسانی متن ترجمه شده می‌گردد بلکه در پاره‌ای موارد مراحل ترجمه را به بن بست می‌کشاند.

به علت وجود همین موانع و مشکلات و تعارضات، ارائه یک ترجمه کامل بین دوزبان امری غیرمحتمل است. "وینترورنر" (Winter Werner) ادعا می‌کند که "میزان تشابه بین دو نظام زبانی موردنظر" عامل مهمی در ارائه یک ترجمه دقیق و رساست (۱۹۶۱:۶۹). به عبارت دیگر و برای این عقیده است که هرچه میزان تفاضل بین دوزبان بیشتر باشد ترجمه متون از یک

زبان به زبان دیگر ناساترو غیرطبیعی تراست. لوان (Jacob Loewan) در ترجمه انجیل مقدس " (Bible Translating) نوع تضادها را به شرح زیر فهرست می‌کند:

الف - ممکن است بعضی از اجزاء زبان مبداء در زبان مقصد هرگز همطرازی نیابد.

ب - ممکن است دو زبان مورد نظر تشابه ساختاری کافی داشته باشند اما از حیث نقشی که هر ساختار دارد متفاوت باشند.

ج - ممکن است زبان مبداء و زبان مقصد از نقطه نظر اجزاء متشکله تطابق صوری داشته باشند اما از نظر تعدد و کمیت یکسان نباشند.

د - صورت‌های موجود در زبان مبداء و زبان مقصد ممکن است متشابه‌ویا حتی برابر باشند اما از نظر معنی در تضاد کامل معنایی باشند.

(۱۹۷۰: ۱۷۱)

انسانها در رویا رویی با جهان واقعیت به تجربه‌های مختلفی دست می‌یازند و از جهان برون خود تا شیر فراوان می‌یابند و نسبت به آنها عکس العمل نشان می‌دهند. به عبارت دیگر عواطف و غیرزبان‌مداماً "بر انسانها تا شیر مستقیم می‌نمایند. پاسخ و بازتاب انسانها در مقابل این تاثيرات گاهی به صورت فیزیکی و زمانی به صورت کلامی تجلی می‌یابد. انسانها نیاز به بیان احساس، عواطف و انگیزه‌های خود دارند. برای آنکه بتوانند امیال و احساسات خود را متجلی سازند با ایداز کلمات استفاده نمایند. روابط اختیاری (arbitrary) بین همه و یا بخشی از تجربیات انسانها که به صورت نمودارهای کلامی و یا نوشتاری (verbal or graphical symbols) ظاهر می‌شوند نفس‌نشانگر این واقعیت است که زبانهای مختلف در روابط صورت و معنی تفاوت‌های عمده‌ای را بروز می‌دهند. در واقع بعضی از کلماتی که در یک زبان خاص بکار می‌رود با کلماتی از همان مقوله معنایی در زبان دیگر تعارض و تفاوت نشان می‌دهد. "پوست گیت" (Postgate) اظهار می‌دارد حتی در مواردی که دو عبارت و یا دو کلمه از دو زبان مختلف در اصل معنی اشتراک دارند، مولفه‌های معنایی جانبی (accessory senses) و یا نوع تداعی (association) مترتب بر آنها به قدری متفاوت و همگون است که جایگزینی آنها عملاً "میسرنیست" (۱۹۲۲:۴۴).

کلمات عناصری هستند که به اشیاء و یا مفاهیم اشاره دارند. اگر مفاهیم در دو زبان و یا حتی در دو لهجه از یک زبان متفاوت بوده و از نظر بار معنایی تطابق نداشته باشند، استعمال یکی بجای دیگری ممکن نیست. همین امر در مورد اشیاء جهان واقعیت مصداق می‌یابد. دو فرهنگ متفاوت یک شیئی یکسان را به دو گونه می‌بینند. شکل، بعد و عواطف دیگر می‌توانند در بیان معنایی کلمه‌ای که بر شیئی دلالت دارد تاثير معنایی داشته باشند بدین

ترتیب ، در ترجمه یک متن از یک زبان به زبان دیگر ، تمام تفاوت ها باید
مطمح نظر قرار گیرد .

۴۰۱۰۱۰ وجوه صریح معنایی (Straight/Denotative meanings)
برخی از کلمات زبان مبدا - اما نه همه آنها - می توانند در زبان
مقصد را ی معادل معنایی یکسان باشند بنحوی که در تبدیل آنها به بار
معنایی خدشه دار نگردد . مفاهیم جهان شمولی چون " مادر " ، " پدر " ، " بچه ها " ،
" پسر " ، " دختر " و غیره در حالت وجه صریح معنایی ترجمه پذیرا ندهر
چند در زبانهای مختلف تعلقات جانبی نیز می یابند . برای مثال کلمه
انگلیسی father وقتی به کلمه معادل آن " پدر " در فارسی برگردان
می شود نه تنها مفهوم رابطه نسبی را در خانواده تداعی می کند بلکه به حاکمیت
او در منزل به عنوان رئیس خانواده نیز اشاره دارد . چنین تعبیری بر کلمه
" father " در انگلیسی مترتب نیست . مع هذا در لهجه های مختلف
زبان انگلیسی که به فرهنگ های متفاوت وابسته است و از سویی روابط پدر
فرزندی از شباهت و پایداری ویژه ای برخوردار نیست ، این عبارت رنگ و بوی
متفاوتی می یابد .

۴۰۱۰۲ معانی (Ironical Meaning)

برخی از کلمات و یا عبارات یک زبان ممکن است به ظاهر معنایی صریح
داشته باشند اما وقتی در یک بافت (context) خاص بکار می روند با غلبه
دارای معانی متفاوت و یا کاملاً متضاد هستند . آنچه موجب بروز این قبیل
معانی می شود محیط بسته معنایی است که کلمات و عبارات مربوط در آنها بکار
می رود . برای مثال ، وقتی در یک میهمانی ، شخصی بیش از حد معمول در -
مصرف اطعمه و یا اشرافه زیاده روی کند ممکن است دوستی و یا رفیقی جمله

زیرا بکاربرد :

"با زهم بخور"

که در معنای ظاهری با ر معنایی مثبت داشته و شنونده را به خوردن بیشتر تشویق می‌کند در حالی که وجه معنایی ضمنی آن نفی عمل است و نه ترغیب آن. بی‌اعتنایی و غفلت از این قبیل معانی پنهانی ممکن است تلاشهای مترجم را به بیراهه بکشانند و حاصل ترجمه چیزی جز یک برگردان ناقص از پینام نویسنده باشد.

معانی ثانویه که غالباً از آنها به عنوان وجوه معنایی ضمنی (connotations) یاد می‌کنند، مخصوصاً در ترجمه اشعار، نقش عمده و حیاتی دارند. بسیاری از کلماتی که توسط شعرا بکار می‌روند در ظاهر حامل پیامی متفاوت از آنچه داشته اند می‌باشند برای مثال کلماتی چون "می" (wine)، "زلف" (tress)، "پاله" (cup) و "صراحی" (goblet) و غیره که حافظ در اشعار خود بکار برده است دارای معانی ضمنی متفاوتی هستند:

- زلف (tress) کنایه از الوهیت پنهان دارد.
- خال (mole) کنایه از سیاهی روان دارد
- رندی (profligacy) کنایه از شمای وحدت دارد
- مستی (intoxication) کنایه از نیستی و عدم وجود دارد
- دیرمغان (The Magians' Cloister) کنایه از ما من و ما وای رندان دارد.
- شراب ناب (pure wine) به اسرار عشق اشاره دارد
- نغمه (melody) اشاره به "مرشد زمان" می‌کند
- ساربان (camel-driver) بمعنی سرنوشت بکار رفته است
- عطار (the perfumer) کنایه از:
- الف - خداوندی با وجود مطلق است.

ب - محمد (ص) یا جوهر همه هستی است .
 ترانه (melody) نشان دهنده " ایثار است .
 چنگ (harp) نشان دهنده " تقوی " است
 ساقی (cup - bearer) به " خداوندی قدرت مطلق " اشاره دارد .
 می (wine) به معنی " اسرار خلقت " مده است .
 صراحی (goblet) نشانگر قلب عارف و یا عالم به گنجینه اسرار
 الهی است

طره (fore-lock) نمایانگر جذبه ربوبیت است
 خمار (vintner) نشانه‌ای از عارف کامل و واقف به گنجینه
 علم لدنی است

چراغ (lamp) به معنی قلب نورانی زائر است
 چشم (eye) به ناظر آگاه بر صفات جمال حضرت حق
 اشاره دارد .

عدم توجه مترجم به این ویژگیهای معنایی و بی عنایتی و یا عدم درک صحیح
 از معانی ضمنی آنها به خلق ترجمه‌ای خواهد انجامید که از لطافت و ظرافت
 خالی بوده و مفاهیم اصلی و اخلاقی را منتقل نخواهد ساخت . معانی واقعی
 این کلمات و عبارات از دید مترجم به دور خواهد ماند مگر آنکه مترجم
 اطلاع جامع و کافی از سنن ، آداب و رسوم ، اعتقادات فرهنگی و مذهبی
 و نیز باورهای اجتماعی و مردمی مربوط به فرهنگ زبان مورد نظر داشته
 باشد .

۴۰۱۰۳ عبارات اصطلاحی و استعاره‌ای (Metaphorical Expressions)
 شاید یکی از مشکل‌ترین مسائلی که یک مترجم با آن روبروست مساله
 برگردان نمودن عبارات اصطلاحی است که در چهارچوب قوالب دستوری جهان

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۸۱

شمول مشترک زبانهای مختلف دنیا نمی‌گنجد. وظیفه سنگین مترجم آن است که این عبارات را با دقت و توجه بسیار شناسایی نماید، درک صحیحی از آنها بیا بدو بداند که چگونه مفاهیم مترتب بر آنها را به فرهنگ متفاوت بیان نماید. "ریموندوان دن بروک" (Raymond Van Den Broeck) در مقاله خود با عنوان "محدوده ترجمه پذیری..." (The Limits of translatability) به این مشکل اساسی می‌پردازد و خطراتی را که همراه مترجم قرار دارد برمی‌شمارد. طبق نظراو، برای آنکه مترجم بتواند اصطلاحات را شناسایی نموده و معادل‌های دقیق آنها را در زبان مقصد ردیابی نماید، او باید به امکانات و مهارت‌های زیردست‌تری داشته باشد:

الف - تعریفی صحیح و صریح در تمایز بین عبارات عادی و عبارات اصطلاحی در اختیار داشته باشد.

ب - آشنایی به نحوه ترجمه اصطلاحات و طریقه بکارگیری شیوه‌های کنار گذری (Zigzagging maneuvers) در برخورد با نابرابرها و موارد غیر معمول داشته باشد.

ج - آشنایی به متونی که در ترجمه آنها، بکارگیری اصطلاحات و استعارات یک نیاز است و نیز شناخت و درک کافی از محدودیت بکارگیری اصطلاحات در سبک‌های گوناگون داشته باشد.

د - شناخت و درک صحیح و کاملی از محدودیت‌هایی که از طبیعت ترجمه ناشی می‌شود و اجابا "در ترجمه متون فراراه کار مترجم قرار می‌گیرد داشته باشد. (۷۲-۷۳: ۱۹۸۱)

تعریفی که ارسطو از عبارت اصطلاحی و استعاره‌ای با عنوان "...بکارگیری یک چیز در قالب و با نام چیز دیگر...." ارائه می‌نماید هنوز هم از اعتبار کافی برخوردار است. استعارات، عبارات اصطلاحی و ضرب‌المثل‌ها همه دارای ویژگی‌های مشترک هستند به نحوی که معانی آنها یا بیش از مجموع

معانی واحدهای متشکله آنهاست و یا کاملاً " با معانی صوری و ظاهری کلمات متفاو تـند . عبارات اصطلاحی چون :

– هوس مرده رنگ دار

– شایددستی ا زغیب برون آیدوکاری بکند

– که تودربرون چه کردی که درون خانه آیی

– تا کورشو دهرآنکه نتواند دید

– بالاخانه را ا جاره داده است .

و نظایر آن دارای معانی خاصی هستند که از معانی اصلی کلمات سازنده جملات قابل استنباط نیست .

بطور کلی به دو مقوله عبارات استعاره ای می توان اشاره کرد :

الف – واژگانی شده (Lexicalized)

منظور عباراتی هستند که عناصر واژگانی آنها ویژگیهای معنایی خود را

از دست داده و جزء واژگان یک زبان خاص درآمده اند . به عبارت دیگر

معانی اصلی عناصر واژگانی فراموش شده و معانی حاصله با مجموع معانی

آن عناصر انطباق ناپذیر است . عبارات زیر را می توان از این مقوله دانست :

1. already در مقابل all ready

2. everybody در مقابل every body

3. a hardboiled character در مقابل a hard boiled

character

(Broeck ۱۹۸۱:۷۴)

عبارات اصطلاحی فارسی چون " دسته گل به آب داده " که نمی توان به

صورت " دسته های گل را به آب داده " تعمیم یا بلد اما به صورت " دسته

گل ها را به آب داده " مجاز است نشان دهنده این واقعیت است که "دسته

گل " بایده عنوان یک عنصر واژگانی پذیرفته شود و نه مجموع دو کلمه "دسته

و "گل"

ب - قراردادی (Conventional)

منظور استعاره‌ها و یا اصطلاحاتی هستند که در اکثر استعمال جای خود را در زبان باز نموده و با یک فرهنگ خاص عجین شده اند بطوری که اهل زبان هرچند نه همه آنها - درک صحیحی از آنها داشته و در گفتار و یا نوشتار از آن سود می‌جویند. به مثالهای زیر که از زبان انگلیسی اختیار شده توجه نمائید:

(خداوند، : صاحب بهشت "heofon-ward"

"narc (narcotics) (مواد مخدر)

"smog" (smoke+fog) (مه همراه بادود)

"yamyam" (چیز خوشمزه)

"damdam" (ا بله، کودن)

"brunch" (صبحانه و ناهار که در یک زمان صرف شود)

(breakfast+lunch)

۴۰۱۰۴ خلاهای معنایی

زبانهای مختلف در بیان مفاهیم مختلف از عباراتی استفاده می‌کنند که الزاماً " در زبان جوامع دیگریافت نمی‌شوند حتی اگر کلمات تقریباً مشابهی نیز یافت شوند بندرت می‌توانند حامل پیام در زبان مقصد باشند. در این زمینه به دو مقوله عمده بر می‌خوریم :

الف - عناصری که به عوامل برون زبانی مربوط می‌شوند.

در این مقوله ، آن دسته از کلمات مورد نظر است که در زبان مبدا دارای - مرجع مشخصی هستند اما مکان دارد که در زبان مقصد دارای مرجع خاص و یا روشن نباشند. مثال واضحی از این مقوله را در گفتگوی زیر در زبان فارسی می‌توان یافت :

حسن : علی !

علی : جانم / جونم

در اینجا عبارت " جانم / جونم " که در پاسخ خطاب " حسن " بکار رفته است در بسیاری از زبانهای موجود و احتمالاً " زبان انگلیسی دارای معادل مرجع دار نیست .

ب - عناصری که به عوامل درون زبانی یا اندرزبانی مربوط می شوند .
 در این مقوله ، کلمات و عباراتی وجود دارند که ممکن است از نظر مفهوم دوزبان مبداء و مقصدانطبق پذیر باشند اما از نظر تجلی صورت کاملاً از یکدیگر متمایز و متفاوتند . علت وجود تعارضات از آن جهت است که سیستم های واژه آرایشی دلا ارتباط با تجارب مشترک متفاوت از یکدیگرند (داگوت ۱۹۳۱ Dagut)
 مثال های زیر در این ارتباطند :

hypocrite	بادمجان دورقاب چین
to be cautious	دست به عمارا ه رفتن
Jack-of-all-trades	نخودهرآش
a junk car	ماشین مشدی ممدلی
a gentleman	آدم استخوان دار
eternally-cursed	آق والدین

۴۰۱۰۵ مشکل اسامی خاص

اسامی خاص علاوه برآنکه به اشخاص حقیقی اشاره دارند درجوامع زبانی مختلف دارای بارمعنایی متفاوت هستند . شعر مشهور شهریار شاعر بزرگ معاصر ایرانی بنام " حیدربا " که به زبان ترکی آذری سروده شده است مملو از اسامی خاصی است که برای اهل زبان مفاهیم مشخصی دارد و معانی ثانویه ای به غیر از اسم خاص دارند . جای تعجب نیست اگر تا کنون ترجمه مناسبی از این شعر جاویدان به زبان فارسی ارائه نگردیده هر چند که دو

فرهنگ وابسته همگونی بسیاری دارند.

اگر از عبارت انگلیسی "A Mr. Smith" که معمولاً در فرودگاهها بکار می‌رود به فارسی ترجمه تحت‌اللفظی ارائه گردد، خلاء معنایی ایجاد می‌شود و ارتباط کلامی برقرار نمی‌گردد مگر آنکه عبارت و یا کلمه‌ای نزدیک به آن در زبان مقصد بازسازی شود. اساسی خاص که در جملات زیر بکار رفته است ترجمه نا پذیر و غیر قابل انتقال اند مگر آنکه دو فرهنگ مبدا و مقصد تشابه نزدیکی فوق‌العاده‌ای داشته و در زبانهای مربوط به دوجا معنی مفاهیم کاملاً مشابه وجود داشته باشد:

۱- سردار قادیسیه چه خوابهای طلایی می‌دید.

۲- کار بجایی رسیده که هرکوری اسمش را می‌گذارد چراغ علی

۳- مشهدی جواد بقال سرکوجه ما بود.

۴- سرش مثل خورشید برق می‌زند اما اسمش را گذاشته زلفعلی.

در این موارد، مترجمان باید برای نکته واقف باشند که کلمات بیگانه التزام دارای معانی محدود نیستند و ممکن است دارای وسعت معنایی فراوانی باشند. پیدا کردن عبارات و کلمات مشابه در زبان مقصد یکی از بزرگترین مشکلاتی است که فراراه کار مترجم قرار دارد. واسیلی تردیاکوفسکی (Vasily Trediakovsky) تئوریسین قرن نوزدهم معتقد است که عدم توجه به این ظرافت‌های معنایی به بازآفرینی ترجمه‌های بسیار ضعیف و کم‌ارزش خواهد انجامید. بوت (Booth) نیز معتقد است که مترجمان باید به این نکته وقوف داشته باشند که:

"تنها تفاوت بین ساختارهای متفاوت مشکل‌زا نبوده بلکه آنچه باعث مشکل ترجمه است تفسیرها و تعبیر متفاوتی است که کلمات و عبارات

ساده یدک می‌کشند. (۱۹۵۸:۲۵)

نایدا (Nida) در کتاب "ساخت زبان و ترجمه" (Language Structure and Translation) اظهار می‌دارد که در دوزبان - متفاوت، سیستم و نظام ساختاری یکسان که بر اساس آن کلمات و معانی در ارتباط مشابه باشند وجود ندارد (۲۷-۲۶: ۱۹۷۵). به عبارت دیگر در جایی که اشیاء درجهان واقعیت یکسان و شاید مفاهیم نیز در دوزبانها بیشتر از زبانها نسبتاً "مشابه هستند، معذاً نظام های نحوی متفاوت دوزبان را از یکدیگر متمایز می‌سازند همه زبانها دارای گروههای اسمی، گروههای کنشی، گروه حروف اضافه و مشدها (modifiers) هستند اما آنچه آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد تفاوت در محدودیت های توزیع صوری آنهاست. نایدا (Nida) در کتاب ۱۹۷۵ خود، این تفاوت ها را به شرح زیر طبقه بندی می‌کند:

الف- واژه (words)

کلمه "تطبیق اختیاری اصوات و معانی" است (Akmajian ۱۹۸۴:۵۷) این رابطه قراردادی و اختیاری است. به عبارت دیگر، اصوات یک کلمه فی ذاته دارای مشخصه هایی هستند که نمایانگر روابط طبیعی موجود بین آن و معانی و مفاهیم می باشند. از طرف دیگر، هیچ دلیل مبرهنه‌ای نمی‌توان ارائه نمود که چرا اصوات در یک ارتباط خطی (concatanation) معین و نه غیر از آن می‌توانند دارای معنایی خاص باشند (Akmajian ۱۹۸۴:۵۷).

کلمات ممکن است به صورت ساده و یا مرکب وجود داشته باشند و این بستگی به آن دارد که کلمات دارای یک تکواژ بوده و یا تکواژهای متعددی داشته باشند. کلمات ساده و یا آنچه بعضی از زبان‌شناسان با عنوان کلمات "ثقل" (core) از آن نام می‌برند (رونالد کارتر Ronald

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۸۷

Carter ۱۹۸۷:۳۵) عناصر معنایی پایه هستند که دیگر کلمات در ارتباط با آنها عناصر پیرامونی (peripheral) محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر کلمات "غیر ثقل" (non-core) نمی‌توانند به آسانی جای کلمات "ثقل" را بگیرند. برای مثال، کلمات انگلیسی "eat", "lunch", "devour" (به عنوان فعل)، و "stuff" همگی می‌توانند به وسیله فعل "eat" که عنصر ثقلی بحساب می‌آید جایگزین شوند در حالیکه کلمات دیگر نمی‌توانند به آسانی در متون مختلف بجای "eat" قرار گیرند. (رونالد کارتر Ronald Carter ۱۹۸۷:۳۵).

طبقه‌بندی کلمات به اسم، فعل، صفت، قید و حروف اضافه پدیده جدیدی نیست، معهذاتنگاهی اجمالی به تفاوت‌هایی که زبان‌های مختلف بروز میدهند نشان دهنده این واقعیت است که اگرچه تمایز بین کلمات بنظر میرسد یک تمایز جهان شمول باشد ولی روندواژه سازی و روابط ارتباطی خطی عوامل متشکله آنها در زبان‌های مختلف کاملاً متفاوت است. در زبان انگلیسی، با افزودن پسوندهای -er, -or به بعضی افعال، حالات فاعلی ساخته می‌شود. اما این روند الزاماً در سایر زبان‌ها مصداق نمی‌یابد. احتمال می‌رود در بعضی از زبان‌ها بجای استفاده ازوندها از تعدد کلمات استفاده شود و بجای یک کلمه ساده از کلمات مختلف استفاده گردد. در زبان انگلیسی و نیز سایر زبان‌های هندواروپایی، تمایز شکل، اندازه و طبقه از یک اسم ساده مستفاد نمی‌شود اما در زبان‌های دیگر چون سواحیلی (Swahili) تمایز در طبقه خود یک پدیده مهم و حیاتی است. عبارات اسمی زیر را با عبارات معادل آن در فارسی مقایسه کنید:

- | | |
|------------------|------------------------------|
| 1. mtoto msuri | ۱- یک بچه خوب / زیبا |
| 2. watoto wazuri | ۲- چند بچه خوب / بچه‌های خوب |
| 3. dada mzuri | ۳- یک خواهر خوب / زیبا |

- ۴- چندخواهر زیبا / خواهرهای زیبا 4. dada wazuri
- ۵- یک درخت نارگیل خوب 5. mnazi mzuri
- ۶- چنددرخت نارگیل خوب / درخت های نارگیل خوب 6. minazi mizuri
- ۷- یک انبه خوب 7. embe zuri
- ۸- چند انبه خوب / انبه های خوب 8. maembe mazuri
- ۹- یک سبزیبا / خوب 9. kikapu kizuri
- ۱۰- سبدهای خوب / سبدهای زیبا 10. vikapu vizuri
- ۱۱- یک جوان خوب / جوانک خوب 11. kijana mzuri/*kizuri
- ۱۲- جوانهای خوب 12. vijana wazuri/*vizuri
- ۱۳- یک کرگدن زیبا / کرگدن خوب 13. kiboko mzuri/*kizuri
- ۱۴- کرگدنها زیبا 14. viboko wazuri/vizuri
- ۱۵- یک خانه زیبا / خوب 15. nyumba mzuri
- ۱۶- خانه های خوب / زیبا 16. nyumba nzuri
- ۱۷- سگ قشنگ / خوب 17. mbwa mzuri
- ۱۸- سگهای خوب / زیبا 18. mbwa wazuri/*nzuri
- ۱۹- یک پرندۀ مردۀ زیبا / خوب 19. ndege mzuri
- ۲۰- پرندگان مردۀ زیبا 20. ndege nzuri/*wazuri
- ۲۱- یک پرندۀ زندۀ زیبا / خوب 21. ndege mzuri
- ۲۲- پرندگان زندۀ زیبا 22. ndege wazuri/*nzuri

در این زبان ، نه تنها اسم بلکه صفت نیز دارای "وند" است و این تمایز در مورد اسمهای مفرد و جمع نیز مصداق دارد. این تمایز در مورد جاندار و غیر جاندار نیز مشهود است و اساسی بر طبق آن رده بندی می شوند. تا آنجا که مثالهای فوق نشان می دهند شش گروه اسمی قابل تشخیص است :

الف - بچه toto

خواهر dada

اسامی این گروه از نظر مشخصه های اسمی متفاوت اما از نظر مشخصه های مربوط به صفات یکسان اند .

ب - نارگیل nazi

که از نظر " وندها " حالت استثنایی دارد .

ج - انبه embe

در این گروه برای صفات و اسم های مفرد پیشوندی بکار نمی رود اما در حالت اسم جمع دارای مشخصه های مشابه هستند .

د - سبد kapu

در این گروه در مورد صفت و اسم پیشوندهای مشخصی بکار نمی رود . پیشوند مربوط به صفت عینا " در اسم تکرار شده است .

ه - جوان jana

کرگدن boko

در حالت اسم پیشوند ندارند اما پیشوندی که بر صفات قرار می گیرد ، مشابه گروه الفاست .

و - خانه nyumba

پرند nedege

در این مورد برای اسم پیشوند بکار نرفته درحالی که صفات دارای پیشوند می باشند . توجه نماید که کلمه معادل " پرند " وقتی حیوان مرده مراد باشد دنیا زمند مشخصه ای در حالت وصفی است که با مشخصه مربوط به همان حیوان در حالت حیات تفاوت دارد . با مقایسه این مثالها با معادل های آنها در زبان فارسی مشخص می شود که زبانها چگونه بر واقعیات زندگی می نگرند و چگونه پدیده ها را به طرق مختلف طبقه بندی می کنند . در ترجمه متون از

زبان مبداء به زبان مقصد، مترجم نباید از این قبیل تمایزها غافل بماند.

نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که طبقه‌بندی کلمات اگرچه ممکن است در همه زبانها انجام پذیرد اما ماهیت آنها از نظرویزگیهای متصف به آنها و نیز نحوه تحقق و تجلی طبقه‌بندی آنها متفاوت است. تصوری که همه زبانها با افزودن پسوندهایی شبیه به -ها و -ان فارسی اسم جمع می‌سازند تصوری باطل است. پسوند جمع در فارسی نمیتواند در مورد همه زبانها مصداق یابد. در جائیکه زبان ژاپنی بین کلمات "کتاب" به صورت مفرد و "کتابها" در حالت جمع تمایز قایل نمیشود و در هر دو مورد کلمه hon بکار میرود (Akmajian ۱۹۸۴:۶۴). سایر زبانها ممکن است از پیشوند، پسوند، میانوند، میانوند منقطع (interfix) و هموند (simulfix) و نیز تکرار (reduplication) استفاده نمایند. در زبان پاپاگو (Papago) که یکی از زبانهای سرخپوستان آمریکاست، کلمه "chair" با صورت "daikud" بکار میرود در حالیکه حالت جمع آن به صورت dadaikud استعمال می‌شود. (Akmajian ۱۹۸۴:۶۴).

از طرفی این امکان وجود دارد که یک زبان خاص از تکنیک‌های متفاوت استفاده نماید.

ب- روابط دستوری (grammatical relations)

منظور از روابط دستوری طریقه‌ای است که سازه‌های (constituents) یک جمله در محدوده آن ایفای نقش می‌کنند. بهمین ترتیب مقوله‌های دستوری (grammatical categories) نمایانگر این هستند که مثلاً اسم، فعل و غیره چه نقشی در جمله برعهده دارند. در زبان انگلیسی روابط دستوری به عینه در سطح جمله مشهود نیستند بلکه عوامل دیگری چون

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان

آرایش واژه‌ها مشخص‌کنندهٔ ایفاگران نقش درجمله‌اند. در زبان فارسی، پسوند " را " نشانهٔ مفعول است در حالی‌که فاعل دارای علامت نشانه نیست. به همین ترتیب فاعل درجملهٔ انگلیسی بی نشان است و علیرغم نقشی که بر عهده دارد در ساخت جمله علامت مشخصی را بیدک نمی‌کشد. در این مورد، زبانهای مختلف به طرق مختلف عمل می‌کنند و ممکن است بر حسب نقشی که یک مقوله دستوری درجمله ایفا می‌کند دارای نشانه‌های مختلف باشند.

هرچه تعداد ساژه‌های نشان دارد درجمله بیشتر باشد، روابط دستوری عوامل تشکیل دهندهٔ یک جمله آشکارتر و عیان‌ترند. بعضی از زبانها نشانه‌های یکسانی برای حالات مختلف اسم چون فاعلی، مفعولی بی واسطه، مفعولی با واسطه، و غیره دارند. برای مثال، همانطور که ذیلاً مشاهده می‌شود، زبان لاتین از نشانه‌های مختلفی در تعریف حالات مختلف اسم استفاده می‌کند.

	<u>Singular</u>	<u>Farmer</u>	<u>Garden</u>
فاعلی	Nominative	agricola	hortus
افاضهٔ ملکی	Genitive	agricolae	horti
مفعول با واسطه	Dative	agricolae	horto
مفعول بی واسطه	Accusative	agricolam	hortum
مفعول عنه	Ablative	agricola	horto

	<u>Plural</u>		
فاعلی	Nominative	agricolae	horti
افاضه ملکی	Genitive	agricolarum	hortorum
مفعول با واسطه	Dative	agricolis	hortis
مفعول بی واسطه	Accusative	agricolas	hortos
مفعول عنه	Ablative	agricolis	hortis

اکنون مثالهای بالا را با حالت صرفی کلمات انگلیسی garden, farmer مقایسه کنید:

Singular

Common	farmer	graden
Possessive	farmer's	garden's

Plural

Common	farmers	gardens
Possessive	farmers'	gardens'

(Besnier 1988:74)

حالا حالات صرف شده فوق را با حالات صرفی در مورد صفات زبان انگلیسی عهد قدیم مقایسه نمائید. حالات صرفی مربوط به کلمه "god" به معنی "خوب" می شود .

Singular:

Nominative	goda	goda	goda
Accusative	godan	godan	gode
Genitive	godan	godan	godan
Dative/instrument	godan	godan	godan

Plural:

Nominative	godan
Accusative	godan
Genitive	godara
Dative	godum

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۱۹۳

در ترجمه * متون به زبانهای مختلف ، مترجم نباید از این تفاوت ها غافل باشد زیرا این کلمات نه تنها با معنایی خاصی را به همراه دارند بلکه حا مل پیامهای خاصی هستند . هرگونه بی دقتی در این مورد از میزان پیام رسانی ترجمهء انجام شده می کاهد .

ج- تسلسل کلمات در محور همنشینی

زبانهای مختلف دنیا از نقطه نظرجایگیری کلمات در محور همنشینی با زتاب های متفاوتی از خود نشان می دهند و از انعطاف های مختلفی برخوردارند . بعضی از این زبانها به تحرک و انعطاف سازه ها (constituents) میل دارند . تعدادی از انعطاف نسبی برخوردارند و بعضی از زبانها نیــــز هیچگونه انعطافی را مجاز نمی دانند . مثال های زیر را در نظر بگیرید و با هم مقایسه کنید :

۱- وقتی جملهء "The farmer saw the ghost" (کشاورز شبح را دید) را

به زبان لاتین برگردان نمائیم جملات معادل زیر حاصل میشوند که از نظر معنی یکسان اگرچه از نظر ترتیب قرار گرفتن کلمات از یکدیگر متمایزند .

agricola	vidit	umbram	الف
کشاورز	دید	شبح	
agricola	umbram	vidit	ب
umbram	agricola	vidit	ج
umbram	vidit	agricola	د
vidit	agricola	umbram	ه

نظربه آنکه اسم در حالت فاعلی و مفعولی نشان دار است و همین نشانه ها نقش دستوری آنها را مشخص می سازد لذا آزادی و انعطاف در ترتیب قرار گرفتن کلمات خدشهای به معنی وارد نمی آورد .

۲- جمله "The farmer saw the ghost" را می‌توان به جملات مختلف زیر در زبان فارسی ترجمه کرد بدون آنکه تغییر عمده‌ای در معنی ایجاد شود معه‌ذا در مقایسه با زبان لاتین، حرکت و جایابی سازه‌ها از آزادی مطلق برخوردار نیست.

الف- کشا ورز شب را دید.

ب- کشا ورز دید شب را.

ج- دید کشا ورز شب را

د- شب را کشا ورز دید

ه- دید شب را کشا ورز

بعضی از فارسی زبانان جملات ج و ه را قابل قبول نمی‌دانند.

۳- جمله "The farmer saw the ghost" را می‌توان به طرق

مختلف در زبان انگلیسی مرتب کرده و چند استثنای "a" بقیه قابل قبول نیستند. علامت * نشان دهنده غیر دستوری و غیر قابل قبول بودن جملات

a. The farmer saw the ghost. است.

b. The ghost saw the farmer.

(این جمله از نظر دستوری کاملاً صحیح اما معنی کاملاً تغییر یافته است)

*c. Saw the ghost the farmer.

*d. Saw the farmer the ghost.

مترجمان نباید از این مهم غافل بمانند. انعطاف پذیری و یا عدم قابلیت انعطاف در ترتیب کلمات در محور هم نشینی از ویژگیهای زبانهای مختلف است و مترجم نباید اهمیت آنها را به دیده اغماض بنگرد.

ج- سبک (Style)

ج. اس فیلیمور (Phillimore) در مقاله خود با عنوان "نکاتی چند

در باب ترجمه و مترجم" می‌گوید:

"...تشخیص آهنگ و سبک نویسنده از مشکل ترین مسایلی است که مترجم با آن روبروست.... تا زمانی که شناختی کامل از سبک نویسنده به دست نیاید، همواره خطر خطا در ترجمه وجود دارد."

(۱۹۱۹:۱۲)

مترجم در بازآفرینی سبک نویسنده در زبان مقصد مسئولیت عظیمی را بر عهده دارد. نویسنده، خواه آگاهانه و خواه ناآگاهانه، به سبکی خاص گرایش دارد و این سبک را از آن جهت برمیگزیند که با محتوای پیام همسانی و همگونی داشته باشد. هر سبکی فرهنگ، واژگان و الگوهای خاص خود را دارد و از اوزان و ویژه‌ای تبعیت می‌نماید. اگرچه معانی ضمنی (connotative) و یا به قول نایدای معانی بیرون مرکزی (exocentric) می‌توانند در یک سبک خاص کارآیی قابل توجهی داشته باشند معیها همین مفاهیم در سبک‌های دیگر نقش منفی خواهند داشت. برای مثال وقتی متنی برای کودکان نوشته و به تحریر درمی‌آید، معانی صریح (denotative) و یا به قول نایدای معانی درون مرکزی (endocentric) مناسب‌ترند. اگر قرار باشد متنی برای کودکان نوشته و یا ترجمه گردد این شیوه و سبک با تمام این ابعاد و ویژگی‌هایش باید مورد نظر باشد. کونی چوکا و سکی (Konei Chukovsky) می‌گوید: "...گاهی لغزش در انتخاب یک کلمه تمام متن ترجمه را به مخاطره می‌اندازد." (۱۹۸۴:۱۱).

در ترجمه اشعار، انتخاب آهنگ و وزن مناسب، بازی با کلمات به تناس و آوایی (Alliteration) و تکرار بعضی از عبارات و کلمات در زبان مقصد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. غفلت از این ظرایف باعث خواهد شد که متن ترجمه شده از قدرت ارتباطی (Communicative Power) عاری باشد (آفیک ۱۹۸۱:۲۶۹). ترجمه نشر از آن جهت از ترجمه

شعر متما یزاست که ترجمه نثر آزاد ازادی انتخاب بیشتری برخوردار است .

بیتس (Bates) میگوید :

"ترجمه شعریکی از بزرگترین معضلاتی است که فرراه یک مترجم قرار دارد . دست یازیدن به آن نیاز به آگاهی کافی و وافی به ویژگیهای دارد که هر زبان در بر دارد . انتقال این ویژگیها کار چندان آسانی نمی نماید . این ویژگیها باید بدوا " بوسیله کسی که قصد به ترجمه دارد شناخته شود . مترجم باید با تطبیق این ویژگیها کاستیها را در زبان مقصد لمس کند و به رفع معضلات بکوشد تا انتقال ویژگیها میسر گردد ."

(۸-۷ : ۱۹۴۳)

وروزنبرگ (Rosenberg) در همین زمینه اظهار نظر نموده و بطور اختصار بیان میکند که " در ترجمه شعر مترجم باید دارای خلاقیتی همپایه شاعر باشد " (۱۸۸ : ۱۹۵۶) . رکس روت (Rexroth) مساله انتخاب سبک صحیح را در ترجمه مورد مذاقه قرار داده و میگوید :

"... ترجمه شعری از سرودن شعر مشکل تر است . مترجم باید انگیزه شعروشا عرا درک کند و بطن پیام را بشکافد . مترجم باید تمام می درک ، خرد و احساس خود را در تفحص و کشف منشاء الهامی که از سوی خداوند در شا عربه ودیعه گذاشته شده بکار گیرد . پس از کشف رموز را زشا عرو جوهر آن و با ز- سازی روند معنوی و ملکوتی که در شعر نهفته است ، مترجم باید مشکلات دیگری را نیز از سیر راه

خود بردارد. بدواً " با یداز سازه‌ای که در ذهن
آفریده تصویری عینی و مکتوب بیا فریند و بکوشد
که هر کلمه، هر سطر و هر آهنگ کلام (cadence)
مقام خویش را بیا بدو تجلی یا بد " (۱۹۶۱:۶۳)
هـ - فرا معنایی (Pragmatic)

هرگاه قواعد دستوری و نظم و ترتیب کلمات در جمله مخدوش گردند عبارات و
جملاتی حاصل می‌شوند که از نظر ساختاری ناموزون اند اما وقتی قواعد فرا-
معنایی نقض گردند، اینها در معنی ایجاد می‌شود که الزاماً " به قطع ارتباط
کلامی خواهند انجامید. در ترجمه متون، مترجم باید از مقوله‌های فرا معنایی
غافل نماند، تفاسیر و تعبیری را که فراسوی معانی صوری و ظاهری جملات
قرار دارد با زشناسد و در روند کار خود این ویژگیها را ملحوظ نماید. گفته‌ها
(utterance) ممکن است از بعد معنایی (semantics) دارای معانی
خاصی باشند که با جنبه‌های فرا معنایی تفاوت فاحش دارند. شعر زیر که از
دیوان شمس تبریزی اختیار شده نمایانگر معانی پنهانی و پیام‌های
اختفایی است که از صورتهای ظاهری جملات استنباط نمی‌شود وقتی مجموعه
عبارات و جملات را در نظر بگیریم، پیام واقعی شاعر مبرهن می‌گردد:

نگفتمت مرو آنجا که آشنات منم؟
در این سراب فنا چشمه حیات منم؟
نگفتمت که به نقش جهان مشوراضی؟
که نقش بند سرا پرده رضات منم؟
نگفتمت که منم بحرو تو یکی ماهی؟
مرو به خشک که دریای با صفات منم؟
نگفتمت که چو مرغان به سوی دام مرو؟
بیا که قوت پرواز و پروپات منم؟

نگفتمت که صفت های زشت در تونهنند ؟

که گم کنی که سرچشمه صفت منم ؟

نگفتمت که نگو کار بنده از چه جهت ؟

نظام گیر د خلاق بی جهات منم ؟

اگر چراغ دلی دانک راه خانه کجاست ؟

و گر خدا صفتی دانک کد خدا ت منم

دو مصرع آخر این غزل تأییدی است برگشتا روپیا می که شا عرد در خلال مصرع های قبل مدنظر داشته است . جملاتی که به ظاهر حالت سئوالی دارند تصریح (assertion) پیام را قوت بخشیده اند . احتمالاً "انتقال پیام از زبان فارسی به زبان انگلیسی با حفظ ورعایت بافت صوری جملات میسر است اما تکرار این روند در ترجمه متون از فارسی به زبان های دیگر محققاً "با مشکلات عدیده ای روبرو خواهد بود . مترجم باید در زبان های مقصد جملات و عباراتی را بیابد که پیام شاعر را به عینه منتقل سازند .

آیات قرآن کریم و ادعیه ای که از ائمه اطهار (ص) بجای مانده مملو از پیام هایی است که در قالب عباراتی بظاهر معمول بکار رفته اما معنایی مستفاد شده و رای آن است . به عبارت دیگر در بعضی موارد ، عباراتی که به فرم سئوالی مطرح گردیده هدف پرسش سئوال و کسب اطلاعات نداشته اند . انگیزه اصلی آنها نهی و اخطا بر رفتارهای سوء و عواقب مترتب بر آن است . در دعای کمیل آمده است :

"الهی وربی من لی غیرک اسئله کشف ضری والنظرفی امری . الهی و مولای اجریت علی حکما "ناتبع فی هوی نفسی ولم احترس فی ه من تزیین غدوی .

(خداوند! پرودگار! جز تو مرا کیست که رفیع زیانم نماید و در کارم نظر کند؟ معبود! سرور! بر من مفتوح داشتی باب تبعیت از نفس را و آنکه

در مقابل دشمن خود احتیاط ننمایم)

و در جای دیگر از همین دعای شریفه می‌خوانیم :

لا جدمفرا " ماکان منی و لامفرعا " توجه الیه فی امری غیر قبولگ
عذری و ادخالک ایای فی سعه رحمتک . الهم ما قبل عذری ...

(ا) آنچه کردم مرا گریزی نیست و مرا پناهاهی نیست تا بدان روکنم
و مرا کس جز تونیست که پذیرفتن عذرم را از او بخواهم و کس جز تونیست که
رحمت از او بجویم . پروردگار! عذر مرا پذیرا باش!

جمله پایانی با مطلع ما قبل عذری (عذر مرا پذیرا باش!) — بر
این فرض صحنه می‌گذارد که جمله آغازی یعنی "من لی غیرک اسئله"
(آیا من کسی جز تو را دارم که ...) جمله‌ای است به ظاهر پرسشی اما آنچه از
فحوای آن استنباط می‌شود بیان این نکته است " من (= شخص نادم) کسی
را جز تو ندارم . " در همین دعا آمده است :

یا مولای فکیف یبقی فی العذاب و هویر جو ما سلف من حلمک ام کیف تولمه
النار و هو یا مل فضلک و رحمتک ام کیف یحرقه لهیبا و انت تسمع صوته و تری
مکانه

(خداوند! پروردگار! چگونه در عذاب جاودانگی یا بد آنکه به لطف
تو میدوای راست؟ چگونه آتش قهر تو آن کس را بسوزاند که امیدوار فضل و
رحمت توست؟ چگونه به لهیب آتش گرفتار آید؟ و به راستی که تو میشنوی
آوایش را و می بینی مکانش را ")

معنی و پیام واقعی جمله آن است که من (= شخص نادم) اطمینان کامل
دارم که تو (= پروردگار) طالب و جوینده بخشش و لطف خود را از درگاهات
نخواهی راند .

در قرآن کریم می‌خوانیم :

"ویل للمکذبین " (وای بر دروغ پردازان)

حالت فرامعنایی آن بیان فرمانی است به بندگان خدا که هرگز گرد خطا
نگردند و خود را به گناه آلوده ننمایند.

۵- ویژگیهای یک ترجمه خوب

برای آنکه بتوانیم از نظریات کلیه صاحب نظران در باب ویژگیهای یک ترجمه خوب آگاهی یابیم ، از اطناب کلام پرهیز نموده و نظریات را به صورت یک جمع بندی و فهرست گونه عرضه می داریم و بحث پیرامون درجه قانومندی آنرا به عهده دانش پژوهیان محول می داریم .

ترجمه خوب باید :

۱- تصویر (image) متن اصلی را حفظ نماید (هورس ، قرن اول قبل

از میلاد)

۲- درک کلی استخراج شده از متن زبان مبدا را به زبان مقصد منتقل سازد و علاوه بر آن شیوایی کلام را به آن بیفزاید (مانتی ، قرن پنجم قبل از میلاد)

۳- آنچه را در متن زبان مبدا آمده با دقت و ظرافت کافی به زبان مقصد منتقل سازد (برونس ، ۱۴۲۶ ، کارنر ۱۸۹۳ ، پوست گیت ۱۹۲۲)

۴- به حدی شیوا باشد که بتواند در خوانندگان متن در زبان مقصد همان تاثیر و نفوذ را داشته باشد که متن اصلی در زبان مبدا داشته است (وود هو- سلی ۱۷۹۷ ، ماتیو آرنولد ۱۸۶۱ ، تولمن ۱۸۰۱ ، اسکوتر ۱۹۲۰ ، پروچاسکا ۱۹۵۵ ، تاکس ۱۹۵۷ ، میلیگان ۱۹۵۷ ، فاستر ۱۹۵۸)

۵- بطورکامل نمایانگرچهرهء واقعی نویسند مو قدرت خلاقهء او باشد
(تردیا کونسکی)

۶- بتوانند در فرهنگ هر دوزبان دارای تاثیر مشترک و یکسان باشد.
(استسانلی نوین ، فیلیمور ۱۹۱۹).

۷- اصالت اصل را بنمایاند (پوست گیت ۱۹۲۲ ، فیلیپس ۱۹۵۳ ، یاکوبسن
۱۹۵۹ ، ریبنیکا ۱۹۶۸ ، راباسا ۱۹۷۱ ، توبین ۱۹۸۱)

۸- در مفهوم و نه تنها در روساخت شیوا و زیبا باشد (آندرویل ۱۹۳۸ ، -
وینتر ۱۹۶۸ ، هاریت ۱۹۶۸ ، برتون ۱۹۷۳)

۹- بتوانند محاسن و ویژگیهای کارنویسنده را برگزیده و از عهدهء باز
آفرینی آنها در زبان مقصد برآید (اورا ۱۹۴۱ ، اولیور ۱۹۵۷ ، ناکس ۱۹۵۷ .
ورنر ۱۹۶۱ ، لوی ۱۹۶۶ ، زولا فسکی ۱۹۶۸ ، نیومارک ۱۹۸۱)

۱۰- نه تنها در انتقال محتوای متن از یک زبان به زبان دیگر موفق
باشد بلکه باید عباراتی را برگزیند که در ظاهر نیز با متن اصلی همخوانی
و یکرنگی دارند (فاستر ۱۹۵۸ ، لاول ۱۹۶۸) .

۱۱- بتوانند نزدیک ترین معادل عبارتهایی را که در متن اصلی وجود
دارد در زبان مقصد دریابی نموده و عرضه نماید به نحوی که بدوا " از نظر
معنایی و آنگاه از بعد حالات صوری جملات و سبک نوشتاری تباین کافی وجود
داشته باشد (نایدا ۱۹۵۹ ، اسمیت ۱۹۶۱ ، کتفورد ۱۹۶۵ ، والری ۱۹۶۵ ،
یاکوبسن ۱۹۶۶ ، دادلی ۱۹۶۸ ، گرس ۱۹۷۱ ، مک کی ۱۹۷۳) .

۶- ویژگیهای یک مترجم قابل

صاحبان و اهل نظر در مورد ویژگیهایی که یک مترجم قابل باید داشته باشد سخنان بسیار گفته و ازدیدگاههای مختلف مشخصههایی را برشمرده اند، اما در اجماع براین اصل اتفاق نظر دارند که:

"تنها آگاهی به یک یا دو زبان (در بعد محدود

کلمه) کفایت نمی کند و این قابلیت را در شخص

بوجود نمی آورد که به ترجمه متون از یک زبان به

زبان دیگر همت گمارد "

سراستانلی روین می گوید:

"تعداد کسانی که خود را به غلط شایسته پرداختن

به فن ترجمه می دانند فراوان در حالیکه تعداد

افراد لایق و شایسته که به این هنر آشنا و پند بسیار

اندک است . این اندیشه و پیش داوری که تنها

تبحر در سخنوری به یک زبان و یا دو زبان کفایت

ترجمه می کند تفکر عبثی است . حتی جامع ترین

نوع دانش نیز که با توانایی واقعی و عینی و

ملموس منطبق نباشد کافی و واقعی به مقصود نیست

اولین اصل تبخرو توانایی مترجم به نویسندگی
در زبان مادری خویش است . "

(۱۹۶۲:۶۲)

رافایل برتون (Raffel Burton) معتقد است :

"شخصی که فقط به زبان مادری خود مسلط است و یا
حتی به زبان دیگری نیز تسلط کافی دارد و احیاناً
از طریق آموزش زبان در آن تبحر یافته است
نمی تواند ادعای ترجمه داشته باشد"

(۱۹۷۳:۱۵)

آنچه فهرست گونه نقل خواهد شد عمده ویژگی‌هایی است که بر مترجم قابل
و توانا فرض داشته اند ، خواه مترجم متون فنی و تخصصی باشد و یا برگردان
کننده آثار هنری . تا ملو تفکر بر این پندارها جایز بلکه توصیه می شود چه
در مواردی دو نکته در تباین با یکدیگرند .
مترجم قابل باید :

۱- ذاتاً " از قدرت خلاقیت بهره مند باشد .

۲- وقتی به ترجمه می پردازد ، شخصیت و تجسم فکری خویش را در برگردان
کردن متون ملحوظ و منظور ندارد و آن متاثر نشود .

۳- نویسنده را آن گونه که هست و نه آنچه نیست معرفی نماید .

۴- در ترجمه متونی که در دست دارد حفظ وفاداری نماید .

۵- از عمده صفاتی که به نویسنده متن اصلی متصف است برخوردار باشد .

۶- در ترجمه شعر ، قریحه و ذوق شاعر را در متن برگردان شده متجلی و

متظاهرها سازد .

۷- با تئوری های ترجمه و سیر تکاملی آن آشنا باشد .

۸- علاوه بر سازیر توانا ثیها ، حداقل به دوزبان مبداء و مقصد تسلط کامل

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۰۵

داشته باشد. منظور از آگاهی آن نیست که فقط به آن دوزبان تکلم کند بلکه به تمامی بعد فرهنگی زبان آشنا باشد.

۹- ازدانش کافی برخورداروبه موضوع در دست ترجمه وقوف کافی داشته باشد.

۱۰- به فرهنگ جامعه‌ای که متن اصلی از بطن آن تراویده و نیز به فرهنگ جامعه‌ای که به زبان آن متن برگردان شده آشنایی کافی داشته باشد.

۱۱- در ترجمه یک متن خاص از واژگان، ساخت و سبک یکنواختی بهره‌مند گردد.

۱۲- با تنوع گویش‌های زبانی (dialect variations) زبانهای مبدأ و مقصد آشنا باشد.

۱۳- با اصطلاحات و استعارات و نحوه بکارگیری آنها به عنوان یک کانال مطمئن ارتباطی و پیام‌رسانی آشنا باشد و از آنها در غنی‌تر کردن متن ترجمه شده استفاده نماید.

۱۴- به موضوع متن و علومی که غیر مستقیم به آن مربوط می‌شود آشنایی کافی داشته باشد.

۱۵- به تجزیه و تحلیل زبان‌شناسانه آشنایی داشته و از درکی صحیح پیرامون تنوع گونه‌های زبانی و قدرت بالفعل و بالقوه زبانها در انتقال پیام‌ها برخوردار باشد.

۱۶- با مشخصه‌ها و ویژگیهای واژگانی، ساختاری و معنایی جهان شمول (universal properties) که زیربنای همه زبانهای موجود جهان است آشنا باشد.

۱۷- در فرهنگ‌شناسی قومی خود تخصص کافی داشته باشد.

۱۸- قبل از دست‌یازیدن به ترجمه، با تاریخ، دین، زندگی اجتماعی

و آداب و سنن جامعه زبانی که متن اصلی از آن نشأت یافته و بدان تحریر گردیده آشنا شود.

۱۹- از قابلیت و توانایی در نقدهنری و ادبی و قضاوت در باب آن که لازمه انتخاب موارد صالح است برخوردار باشد.

۲۰- سبب حرفه خویش عشق بورزد و بر آن به "باری به هر جهت" نیندیشد.

۲۱- بین تنوع سبکهای شعری و نثری در دوزبان مورد نظر تما یزقا یل باشد.

۲۲- بطور مداوم وبی وقفه در تقویت سبک نوشتاری خود بکوشد و پیوسته براین امر تلاش داشته باشد که کاستی‌های دانش زبانی خود را چه از نظر زبان مبدا و چه از نظر زبان مقصد مرتفع نماید.

۲۳- بطور مداوم وبی وقفه زمینه افزایش اطلاعات عمومی خود را درهمه زمینه‌ها عم از اینکه به متن در دست ترجمه مربوط باشد یا نباشد فراهم آورد.

۲۴- به علم منطق (logic) روی آورد چون این آگاهی "..... به او کمک خواهد کرد تا به ارزشهای نهفته و حقیقی که در زیربنای متن در دست ترجمه قرار دارد پی ببرد." (نیومارک ۱۹۸۱: ۶)

۲۵- با تکنیک‌ها و شگردهای مختلف ترجمه و شیوه تجزیه و تحلیل متون غامض آشنا باشد.

۲۶- از درایت و نبوغ و نیز احساس کافی برخوردار باشد.

۲۷- در مسایل فلسفی، تسلط و تبجربگی داشته باشد.

۷- ترجمهء همزما (interpretation)

جای تعجب و شگفت است که غالب مردم و گهگاه اهل ادب نیز، در استنباط خود از دو مقولهء متفاوت "ترجمه" (translation) و "ترجمهء همزما" (interpretation) دچار اشتباه شده و یکی را بجای دیگری بکار می گیرند. معهذا باید در نظر داشت که استفاده از هر کدام از این واژه ها باید با توجه به زمینهء عملی و کاربردی آن انجام پذیرد در غیر این صورت تصویری از هر کدام مجسم می گردد که الزاما نمیتواند نمایانگر چهرهء دیگری باشد. این تصور غلط که هر "مترجم مکتوب" (translator) میتواند به وقت ضرورت در مقام "مترجم همزما" (interpreter) قرار گیرد و ایفای نقش نمایان را برنمیافزاید، می شود که اهل سخن بین این دو مقوله تفاوتی نمی بینند. این دو مقوله از آن جهت از یکدیگر متمایز پذیرند که مبین دو نوع درک مختلف اند. تفاوت این دو روند تنها در کمال ارتباطی که یکی "مکتوب" و دیگری "شفاهی" است خلاصه نمی شود.

جین هربرت (Jean Herbert)، یکی از زبده ترین مترجمان همزمان عصر حاضر، ترجمهء مکتوب و ترجمهء همزمان را روی قرار داده و در مقام مقایسه این دو مقوله را به دو مفهوم کاملاً متفاوت نسبت می دهد و چنین اظهار می دارد که "این دو مقوله را نمیتوان درهم آمیخت" (رونالد

۱۹۸۲:۵ Ronald). بنظر او عدهٔ خیلی از جمع مترجمان قادر به پرداختن به این مهم هستند و می‌توانند از عهدهٔ آن برآیند. سلسکوویچ (Seleskovitch) نیز معتقد است که ترجمهٔ همزمان را نباید تنها هر ثانویه ترجمه مکتوب دانست. آنچه مترجم همزمان باید انجام دهد، کشف معانی داده‌ها و بیان صریح آنهاست (۱۹۷۹:۸) و نامبرده سپس می‌فزاید:

" ترجمهٔ همزمان بیشتر به هنر نقاشی می‌ماند تا به هنر عکاسی. در عکاسی، شما ویریدون کشف معانی رخ می‌نمایند، در حالیکه در نقاشی، نقاش سعی دارد پیام را آن‌طور که در بطن واقعیت می‌بیند بر پرده نقش دهد" (۱۹۷۹:۱۹)

درست است که در عصر حاضر از ترجمه روند کپی کردن (Copying Job) مراد نمی‌شود ولی آنچه مسلم و محقق است این است که ترجمه همزمان یا تبادل شفاهی یک پیام بین دوزبان مبداء و مقصد، هرگز ترجمهٔ کلمه به کلمه محسوب نمی‌شده و تصور آن نیز دور از ذهن است (سلسکوویچ ۱۹۷۹:۱۹)

به نظر هاگ (Hugh)، آنچه مترجم مکتوب را از مترجم همزمان متمایز می‌سازد این واقعیت است که مترجم همزمان با قرائت گرفتن در یک محیط ارتباطی ملموس و تکرارناپذیر (non-repeatable) اجباراً "از تکنیک‌ها و شگردهایی استفاده می‌کند که حاصل آن عبارات و جملاتی است که ترجمهٔ کلمه به کلمه محسوب نشده و فقط در زمان وقوع عمل می‌تواند دارای مفهومی و پذیرفته شده باشد.

آنچه این دونوع فعالیت را در کنار هم قرار می‌دهد و وجه مشترک آنها در انتقال ایده‌ها، نظریات و مفاهیم است (رونالد ۱۹۷۲ Ronald). این دو مقوله از آن جهت نیز به یکدیگر شبیه‌اند که هر دو می‌توانند و باید مفاهیم مجزا از یک زبان را به زبان دیگر انتقال دهند بدون آنکه به تک

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۰۹

تک واژه‌ها تکیه‌نما بیند. هرچند تکواژها عناصر زبانی (linguistic elements) و نما یا نگریا مهای کلامی هستند معیذا با رمعنا یی و رای حدخودندارند و به مفا هیم‌اشاره نمی‌کنند. بدین ترتیب، هم در ترجمه مکتوب و هم در ترجمه همزمان، کلمه واحد پیام رسان محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، در بسیاری موارد، اگر کلمه خارج از متن بکار رود به عینیت‌های مختلفی ازجهبـان واقعیت‌اشاره می‌نماید که گاهی کاملاً از یکدیگر متمایزند. مثال ساده و روشنی از آن کلمه (cousin) در زبان انگلیسی است که اگر خارج از متن بکار رود می‌تواند حداقل هشت معادل مختلف در زبان فارسی داشته باشد. در واقع به موارد متنوعی از روابط خویشاوندی نسبی - مادری (maternal) و خویشاوندی نسبی - پدری اشاره می‌نماید که هر کدام در زبان فارسی معادل ویژه خود دارد.

رونالد (۱۹۸۲) معتقد است که ماهیت ترجمه (translation)

ایجاب می‌کند که کار به‌کندی صورت گرفته و جرح و تعدیل‌هایی انجام پذیرد. به عبارت دیگر، مترجم فرصت فراوانی در اختیار دارد که متن ترجمه شده را به دفعات تصحیح نماید بدون آنکه به قید زمان و مکان گرفتار آید. در مقابل آن، ترجمه همزمان نمی‌تواند با کندی صورت پذیرد. مترجم همزمان فرصت تغییر دادن عبارات، تصحیح ساختار جملات و انتخاب سبک‌های گوناگون را ندارد و رعایت زمان در بعضی موارد یک نیاز محسوب می‌شود. تنها مزیتی که مترجم همزمان از آن برخوردار است ولی مترجم مکتوب از فیض آن بی بهره است استفاده از پیام‌های جانبی است که از عوامل غیر زبانی چون حرکات دست و چهره گوینده منبعت می‌شود. بدین ترتیب، عوامل غیر کلامی (nonverbal factors) نشان دهنده شادی، خشم، نفرت، انعطاف - پذیری، انعطاف‌ناپذیری، صراحت، جدی بودن، و یا حالات فراغت بالی است که گوینده را عارض می‌شود. با تکیه بر این عوامل، مترجم

همزمان می‌تواند پیامها و اطلاعات بیشتری را دریافت داشته و در ترجمه خود از آن استفاده نماید

کوپژنیکسکی (Kopczynski) تفاوت‌های عمده ترجمه مکتوب و ترجمه شفاهی یا همزمان را به شرح زیر فهرست می‌کند:

الف - در ترجمه مکتوب

۱- نویسنده، مترجم و خواننده سه وضعیت بافتی (Contexts of situation) متفاوت دارند.

۲- مترجم معمولاً با نویسنده متن و خواننده متن ترجمه شده در ارتباط نیست.

۳- مترجم همیشه از این مزیت برخوردار است که با توجه به بازنه خوانندگان چاپ اول متن ترجمه شده، حاصل کار خویش را مورد بررسی و امکان نظر مجدد قرار دهد.

۴- علامت‌گردانی (encoding) و علامت‌برگردانی (decoding) پیامها از طریق نوشتاری انجام می‌پذیرد.

۵- پیامی که از سوی نویسنده صادر شده تغییر نمی‌یابد و معمولاً نویسنده در تجدید چاپ کتاب خود، در اصل پیام خود دگرگونی ایجاد نمی‌نماید.

ب- در ترجمه همزمان

۱- وضعیت بافتی برای گوینده که منشاء پیام، مترجم که ناقل آن و شنونده که گیرنده پیام است یکسان است.

۲- مترجم با توجه به شرایط ویژه گوینده و یا شنونده / شنوندگان می‌تواند از لحظه‌های بسیار کوتاه و گذرا استفاده نموده و با زنگری‌های اندکی در ترجمه خود بینماید.

۳- پیام از ماهیت طرفه العینی (transient) برخوردار است.

۴- علامت‌گردانی و علامت‌برگردانی پیامها شفاها " انجام می‌پذیرد.

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۱۱

گلیکمن (Glickman) (۱۹۸۰) از دو مقوله منعبت‌آزاد و زمینه‌متفاوت، سخن می‌گوید که در آن نقش مترجم همزمان، متکلم و شنونده و ارتباط بین آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در مقایسه ترجمه مکتوب با "ترجمه شفاهی همزمان"، گلیکمن به نکات عمده و تفاوت‌های با رزی - اشاره می‌کند که اهم آن به شرح زیر است:

ترجمه همزمان	ترجمه مکتوب
۱- گفتار در زمان حال وقوع می‌یابد.	۱- تحریر متن اصلی در زمانی گذشته انجام یافته است.
۲- گفتار در حال شکل گرفتن است و پویایی خود را حفظ کرده - است و از سویی قطع روند گفتار و یا پیش‌بینی تداوم آن بعید می‌نماید.	۲- متن اصلی انجام یافته و تغییر در آن میسر و محتمل نیست.
۳- گفتار ارائه شده توسط متکلم عینیت ملموس نمی‌یابد. و در زمان محو می‌شود. آنچه باقی می‌ماند نقش مفاهیم در ذهن مترجم است.	۳- متن ترجمه شده را می‌توان به دفعات مورد نیاز نظر مجدد قرار داد و از سویی دخل و تصرف در آن در هر زمان میسر است.
۴- حرکات فیزیکی گوینده پیام را روشنی بیشتری می‌بخشد و به غنای بهتری می‌دهد. مترجم همزمان با عنایت به حرکات رفتاری گوینده و با سودجستن	۴- به استثنای مواردی که تصاویر و یا نمودارهای کتاب را تزئین می‌دهد، بقیه متن کتاب به صورت نوشتاری و معمولاً بدون اطلاعات جانبی و اضافی به دست مترجم

ترجمه همزمان	ترجمه مکتوب
از واقعیت حاضر و ملموس درک بهتری از قصد گوینده دارد.	می‌رسد. مترجم از موقعیتی که در آن متن آفریده شده بی‌خبر است و بنا بر این برای پیدا کردن درک صحیح از رویدادها اجباراً "باید". تعمق بیشتری در متن بنماید.
۵- مترجم همزمان، در یک لحظه با گویندگان مختلف رویا روی می‌شود و غالباً "باید روند فکری و سبک سخن (ترجمه) خود را با حالات و رفتار آن گروه تطبیق دهد.	۵- معمولاً "متونی که به رشته تحریر در می‌آیند پر داخته ذهن یک نویسنده اند. بنا بر این مترجم، می‌تواند سبک نوشتاری و روند فکری خود را با سبک و فکر آن نویسنده همسان و یکسوز نماید.
۶- مترجم همزمان نه تنها از حالات احساسی و عاطفی گوینده مطلع می‌شود بلکه در بسیاری موارد لبه تیغ متوجه خود اوست.	۶- به علت اینکه بین مترجم و مولف بعد مکانی و احتمالاً زمانی وجود دارد و روند متن و انتقال حالات احساسی که مولف در متن نوشته خود منظور داشته تا چیر و یا اصولاً وجود ندارد.
۷- ترجمه همزمان از گفتار گوینده بطور مستقیم به سمع شنونده می‌رسد. عکس العمل و بازتاب فوری که در شنونده حاصل می‌گیرد قابل بررسی و احتمالاً	۷- غالباً "دوری مترجم از مولف و یا نویسنده در حد بعد مکانی و زمانی است که او با خوانندگان آینده اثر خود دارد. گاهی اتفاق می‌افتد که مترجم از خوانندگان آینده خود

ترجمه همزمان	ترجمه مکتوب
قا بل بهره برداری در ترجمه های لحظاتی است .	نیز تصویری در ذهن ندارد و از طرفی چون با زتاب و عکس العمل خواننده نسبت به اثر ترجمه شده با فاصله زمانی بعد صورت می گیرد بنا بر این اثر عکس العمل ها بر مترجم مدت زمانی پس از خلق اثر تحقق می یابد .
۸- مترجم همزمان با دیدار کار خود دارای چنان ذوق و ظرافتی باشد که ترجمه به دست آمده عاری از عیب و نقص باشد زیرا فرصتی برای تصحیح و تجدید نظریا با زآفرینی وجود ندارد .	۸- متون ترجمه شده را می توان مورد تجدید نظر قرار داد ، نقائص را بر طرف نمود و قبل از آنکه به زیور طبع آراسته شود تصحیح و برآن حاشیه نوشت و یا اصولاً بخشی از آن را حذف نمود .
۹- گوینده و شنونده هر دو در یک مکان و در یک زمان در ارتباط اند . از سویی بسیاری از حالات و تجربه ها بین دو گروه فوق مشترک است . مترجم همزمان نیز که در این ارتباط سهیم است از رویدادها و تبادل نظرها بهره فراوان می برد .	۹- ارتباط بین مترجم و نویسنده فقط از طریق کتابی است که در دست ترجمه است . فاصله بین آن دو گاه بسیار وسیع و در ابعاد زمانی و مکانی مشهود است .

۷۰۱- تعریف ترجمه همزمان

"اگر مترجم همزمان پیام را به صورت واژه به واژه ارائه نماید، " زبان مقصد را ارائه داده است اما ما حاصل از مفهوم خالی بوده و از آن اعاده معنی نمی شود"

(سلسکویچ ۱۹۷۸:۲۳)

دانیکا سلسکویچ (Danica Seleskovitch) یکی از مبتکران و متولیان تئوری ترجمه همزمان، تعریفی از ترجمه همزمان به شرح زیر ارائه می دهد:

"ترجمه همزمان برگردان شفاهی واژه ها نیست بلکه بازشناسی معنی یک پیام و بازگو کردن آن در قالب زبانی دیگر است."

(۱۹۷۸:۹)

بنظر سلسکویچ، ترجمه همزمان باید از سه مرحله متمایز از یکدیگر بگذرد.

الف- درک شنیداری (Auditory Perception)

در این مرحله توجه مترجم همزمان به درک صحیح پیام گوینده معطوف میگردد. مترجم به معانی واژه ها به صورت پراکنده عنایتی ندارد و در مجموع

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۱۵

عبارات و مفاهیم بنیادی را ردیابی می‌کند. این مرحله یکی از حساس‌ترین مراحل ترجمه همزمان است و اگر مترجم در بعد زمانی دچار رکود فکری و تامل بیش از حد شود در مرحله دوم با مشکلات جدی روبرو خواهد شد.

ب- مرحله واژه زدایی (discarding of lexical words)
و تقویت مفاهیم وابسته به پیام.

در این مرحله، لازم است که مترجم با سرعت و با ظرافت خاصی عمل نماید در غیر این صورت از مجموعه پیام به استثنای معانی کلمات و واژه‌های پراکنده و نیز پاره‌ای ساختارهای ناپیوسته چیزی در ذهن وی باقی نخواهد ماند.

ج- تولید جملات همپایه به زبان مقصد در اسرع وقت
در این مرحله، مترجم نه تنها معادل همپایه مفاهیم را در زبان مقصد با زآفرینی می‌کند بلکه مطلوبیت آنرا نزد شنونده یا شنندگان زبان مقصد محک می‌زند. سلسکویچ معتقد است که میزان قابل قبول بودن ترجمه ارائه شده بستگی به نحوه ارائه آن دارد. (۱۹۷۹:۱۴)

"براون" (۱۹۸۴ Browen) از تعریفی که سلسکویچ از ترجمه همزمان می‌دهد استقبال می‌کند و به شیوه روشن‌تری به بیان مراحل مختلف آن پرداخته، ترجمه همزمان را مشمول سه مرحله پیوسته الف- درک صحیح از زنجیره گفتار در باب مقال (language discourse) در زبان مبدا.

ب- درک صحیح از زنجیره گفتار در زبان مقصد.
ج- پیدا کردن عبارات مطلوب معادل و بکارگیری آن در ارائه زبان مقصد. "براون" ضمن برشمردن مراحل گوناگون و تکنیک‌های ویژه هر مرحله، انتظارات و توقعاتی را که از ترجمه همزمان دارند با آنچه تئوری ترجمه

همزمان معقول و مقبول و میسوری شنا سدمقا پسه می کند و بطور اجمال سی مترجمان ترجمه همزمان منقطع (consecutive) را به رعایت اصول زیر سفارش می دهد. بدیهی است این موارد می تواند در مورد همه مترجمان همزمان صدق یابد. به نظرا و، مترجم همزمان نباید:

۱- واقعیت های ملموس و مهم را نادیده انگارد.

۲- واقعیت ها را تحریف نماید.

۳- پیام را مخدوش و یا از آن اعاده معنی معکوس نماید.

۴- از حد سبک ارائه شده در بیان و سخن اصلی پا را فراتر گذارد.

از سوی دیگر، ترجمه همزمان:

۱- نوعی فعالیت که در آن واژه ها به واژه های معادل، عبارات به

عبارات برابر و جملات به جملات یکسان ترجمه می شوند محسوب نمی گردد.

۲- نباید از تنظر تعدد عبارات و واژه ها همپای اصل باشد.

۳- نباید از متن اصلی به دور افتد.

(۱۹۸۴:۱)

۷۰۲ انواع ترجمه همزمان

ترجمه همزمان پدیده جدیدی نیست. درازمنه های دور، مردم قبا ییل و ملت های گوناگون با یکدیگر در ارتباط بوده و بدون شک افرادی نیز به عنوان رابط، ایفاگر نقش مترجم همزمان بوده اند. به احتمال قریب به یقین تنها ترجمه منقطع (consecutive interpretation) مرسوم بوده و انواع دیگر آن معمول نبوده است. علت کاملاً واضح است. نخست اینکه شناختی از انواع دیگر ترجمه شفاهی حامل نبوده و دوم اینکه اصولاً نیازی به آن نبوده است.

انواع دیگر ترجمه شفا هی بویژه " ترجمه همزمان "

(conference interpreting)

از جنگ جهانی دوم مورد توجه قرار گرفته است (هربرت ۱۹۸۵:۵). در آن زمان ، ترجمه همزمان از آن جهت نضج گرفت که بتوانند بین بلند مرتبگان انگلیسی زبان و فرانسه زبان که بر حسب تعادف به زبان یکدیگر آگاهی نداشتند ارتباط کلامی برقرار نمایند . البته قبل از این زمان ، مترجمان همزمان ، بلافاصله پس از پایان گرفتن سخنرانی ، چکیده سخنان سخنران را به زبان مقصد ارائه می نمودند . معهذ قبل از آغاز جنگ جهانی دوم " ترجمه همزمان " مرسوم گشت و مترجمان از طریق دستگاهی که به hushphones معروف بود سخنان گوینده را بطور همزمان ترجمه می نمودند (هربرت : ۱۹۷۸:۷ Herbert) .

در حال حاضر سه نوع ترجمه همزمان در سازمانهای بین المللی بویژه در سازمان ملل متحد معمول است که عبارتند از :

الف - ترجمه همزمان مقطع (consecutive interpreting)

ب - ترجمه همزمان همردیف (simultaneous interpreting)

ج - مکتوب همزمان (Trans - interpreting) *

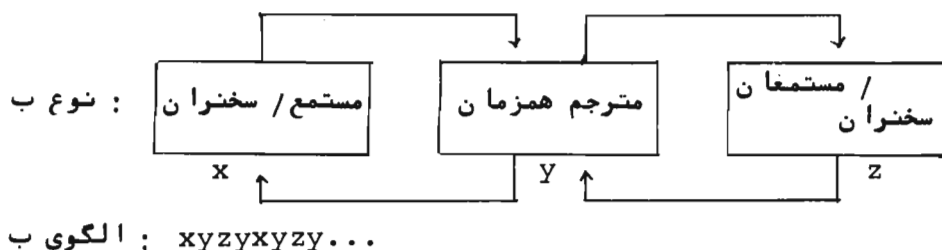
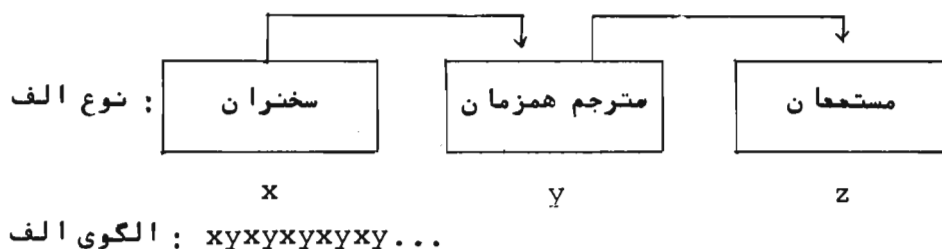
۷۰۲۰۱ ترجمه همزمان مقطع

این نوع ترجمه اولین بار پس از جنگ جهانی دوم و در دادگاه نورنبرگ

* این واژه در تاریخچه ترجمه همزمان بکار رفته است . منظور نوعی از ترجمه همزمان است که ضمن آن مترجم متن ترجمه شده را همپای سخنران قرائت میکند ولی در عین حال نیز اگر به ضرورت عبارتی را سخنران شفاها " اضافه نماید به موقع ترجمه می نماید .

بکار رفت. اما در حال حاضر در بسیاری از کنفرانسها و سازمانهای بین-المللی مورد استفاده قرار میگیرد استفاده از این نوع ترجمه همزمان در سطوح عالی مذاکرات سیاسی، خطابهها، کنفرانسهای مطبوعاتی و سخنرانیهایی که بمناسبتهای مختلف ایراد میشود تا کمالات اهمیت است. (باون ۲: ۱۹۸۰ Bowen).

روند ترجمه مذکور در نمودار زیر و بطور عمده در دو نوع نشان داده شده است.



در "ترجمه همزمان مقطع"، مترجم با استفاده از فاصله زمانی که پس از قطع موقت کلام گوینده حادث گردیده، مفاهیم را که یا به صورت یادداشت و یا به صورت ذهنی در اختیار دارد در زبان مقصد بازآفرینی میکند. این فاصله زمانی میتواند معادل دوویاسه جمله باشد و در بعضی موارد به چند دقیقه نیز برسد. هرچه طول این مدت یعنی زمانی که گوینده سخنان خود را ایراد می نماید، بیشتر باشد، ترجمه ارائه شد منیز کلی تر خواهد بود. مع هذا برخی از مترجمان همزمان به قطعات کامل و طولانی تر را غایب اند

زیرا از بسیاری از موارد مبهم رفع ابهام خواهد شد. (سلسکویچ ۳۳-۳۱ :

۱۹۷۸ Seleskovitch)

روند ترجمه به ترتیبی است که مترجم همزمان بطور پیوسته متن را در زبان مبدأ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و پیام دریافت شده را به معادل آن در زبان مقصد با زسازی و یا به عبارت بهتر با زآفرینی می‌نماید. — به لحاظ آنکه مترجم بر عباراتی که توسط گوینده ایراد می‌گردد هیچگونه کنترلی ندارد لذا آنچه تولید می‌کند تقریبی است از مفاهیمی که در جمیع از گفتار گوینده استنباط کرده است.

باون (Bowen) معتقد است که:

"... یا دداشت برداری ودقت در گوش دادن می‌تواند

در میزان درک مترجم از گفتار گوینده موثر باشد"

(۱۹۸۰:۴)

دقت در گوش دادن مهارتی است که مترجمان همزمان آینه می‌توانند کسب نمایند منوط بر آنکه مترجم از توانایی‌های بالقوه‌ای برخوردار باشد. عمل شنیدن بطور ناخودآگاه و بدون نیاز به کوشش و تلاش شنونده انجام می‌پذیرد در حالیکه عمل گوش دادن نیاز به توجه ودقت و پیوسته دارد. برای تقویت این توانایی، لازم است که دانشجویان رشته مترجمی همزمان وقت فراغت خویش را به تماشای فیلمهای مناسب با صدای صلی، سخنرانی‌های مقامات مملکتی که به زبانهای بیگانه را شنیده، مباحثه شخصیت‌های مختلف که در زمینه‌های مختلف به ایراد سخنرانی پرداخته‌اند و نیز اساتیدی که مطالب علمی، اقتصادی سیاسی و فرهنگی را به زبانهای مادری و یا بیگانه عرضه داشته‌اند عنایت نمایند. آشنایی قبلی مترجمان همزمان به گوینده و ویژگیهای قومی، زبانی و فرهنگی او و نیز تمایلات و اهداف اجتماعی او می‌تواند در برگردان کردن هر چه بهتر

سخنرانی ارائه شده موثر باشد، آشنایی مترجم با مقوله‌های مذکور زمینه را برای درک سریع تر و روشن تر از پیام گوینده آماده می‌سازد.

علاوه بر این، برای آنکه مترجم بتواند بر قدرت مهارت خود در شنیدن بیفزاید و عادت‌های شنیداری خود را تقویت بخشد، باید بکوشد میزان تبحر خود را در مهارت شنیداری (protective listening skill) بالا برد. به عبارت دیگر، مترجم همزمان باید به یاد داشته باشد که چگونه، ضمن استماع و درک پیام، به عوامل غیرزبانی که می‌توانند مغل فهم باشد به توجهِ باشد. از طرف دیگر مترجم همزمان باید مهارت شنیداری چکیده‌ای (۱) (selective listening skill) خود را تقویت نماید. بدین معنی که توجهِ خود را به آن جنبه‌هایی از متن معطوف دارد که نقش عمده‌ای در پیام رسانی دارد. در مجموع، برای نیل به مهارت زبانی درون سو (concentrated linguistic skill) مترجم همزمان باید:

الف- تمایل به گوش دادن داشته باشد.

ب- از طریق تقویت قوه شنیداری مصون ساز (protective skill) خود، عوامل مزاحم بیرون بافتی را از محیط معنایی بزداید.
ج- بکوشد زنجیره گفتاری گوینده را به شنونده منتقل نماید.
د- بتواند بر تفاذهای فکری و عقیدتی که بین خود و گوینده مشاهده می‌نماید فائق آید.

ه- از تمامی قوای محسوسه خود (sensual) به نحو احسن بهره‌گیرد
(باون ۷-۸: ۱۹۸۰ Bowen)

و- سریعاً "به شناختی از گوینده، از موضوع مورد بحث، از ویژگیهای شنونده یا شنوندگان و اینکه آیا بحث مورد نظر ترغیبی (persuasive)

۱- واژه "مهارت شنیداری چکیده‌ای" را مدیون دکتر ضیاء حسینی هستم.

ویا اخباری (informative) است نایل گردد.

۷۰۲۰۱۰۱ اطلاعات بکردمقابل با اطلاعات حشوی (rdundant)

باون (Bowen) بین "اطلاعات بکرو" "اطلاعات حشوی" تمایزی را قایل می‌شود که با بد در ترجمه همزمان مورد توجه قرار گیرد:

الف - اطلاعات حشوی

منظور مجموعه اطلاعاتی است که مترجم قبل از ایفای نقش واسطه‌گر در ترجمه بین گوینده و مستمعان ویا بین دو گوینده مختلف برآن وقوف داشته و از آن سود می‌جوید. در مناظرات و گفتگوهای دوجانبه، عبارات و اصطلاحات کلیشه‌ای وجود دارد که با توجه به محتوای گفت و شنود قابل پیش‌بینی است. مترجمان همزمان که در سطح کنفرانسهای بین‌المللی فعالیت دارند به نوع اصطلاحات و عبارتهایی که توسط گویندگان و سخنرانان در یک زمینه خاص بکار برده می‌شود وقوف کامل دارند. برای مثال در - اجلاس سیاسی سازمانهای بین‌المللی، عبارتهایی چون "hegemony" (سلطه‌گر)، imperialism (امپریالیسم)، "capitalism" (سرمایه‌داری)، "the oppressed" (مظلوم)، "the oppressors" (ظالم)، "invasion" (اشغال)، "Violation of human rights" (نقض حقوق بشر)، "treaties" (عهدنامه / قرارداد)، و غیره کارارا "مورد استفاده قرار می‌گیرد. مترجم قبل از آغاز به کار باید با این قبیل واژه‌ها و مقوله‌های معنایی آشنایی کامل داشته باشد.

ب - اطلاعات بکرو

کلیه اصطلاحات و عبارتهایی که بهیچوجه قابل پیش‌بینی نبوده و از

فحوای کلام گوینده تشخیص محدودهء حدوث آنها میسر نمی‌باشد. زوَمَرهء -
 "اصطلاحات بکر" محسوب می‌شوند. این احتمال همواره وجود دارد که مترجم
 همزمان با مقوله‌های معنایی پیش‌بینی نشده روبرو گردد. این قبیل
 اطلاعات و مفاهیم بدیع که در تاریخچهء علم و موضوع مورد بحث سابقه‌ای
 نداشته است مشکل بزرگ‌تر مترجم بوده و دقت کافی می‌طلبد. مترجم
 همزمان با پیدا زبانش خاص و سرعت عمل ویژه برخورداریا شدت در رویا رویی
 با این قبیل مشکلات، با ظرافت و دقت کافی معادل واژگانی مناسب را در
 زبان مقصد یافته و از آن استفاده نماید.

۷۰۲۰۱۰۲ چگونه بر تبحر و قابلیت خود در ترجمهء همزمان مقطع بیفزاییم.
 مترجمان همزمان باید بطور مداوم دربار آوردن قابلیت سخنوری خود
 بکوشند. یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند موثر باشد آن است که دانشجویان
 مترجمی همزمان سخنان طرفیان خود را در ذهن خویش به زبان مقصد ترجمه
 نمایند. به عبارت دیگر لازم است که ذهن خویش را بطور مداوم به ترجمه
 مشغول نمایند. اگر این روند از حالت ذهنی نیز بیرون آمده و به دانشجویان
 دیگر که زبان مقصد را می‌دانند منتقل گردد، مسلماً "نتیجه مطلوب‌تری به
 دست خواهد آمد."

در جهت تعالی بیشتر این قابلیت، هورن (۱۹۷۲) Horn مواردی را
 نقل می‌کند که شایسته است مورد توجه دانشجویان رشتهء مترجمی همزمان
 قرار گیرد. وی به دانشجویان توصیه می‌کند.

الف - جملات خود را با سلاست و روانی خاص بیان نمایند تا در شنوندگان
 اطمینان لازم را بوجود آورند.

ب - از واژه‌های مناسب استفاده نمایند و بطوری سخن بگویند که تسلط
 کامل آنها بر دوزبان مبداء و زبان مقصد بر شنونده محرز گردد.

ج- در ترجمه خود از جملاتی استفاده نمایند که بیا نگریم ما هم که مل باشند و نه فقط بخشی از آن مفاهیم .

د- در انتقال نقل قول ها ما سعی نکنند و سعی نمایند آنها را به طور کامل عرضه نمایند .

ه - سعی کنند در تمام موارد بیان آنها واضح و گویا باشد .

و- سعی نمایند لحن گفتاری آنها طبیعی بوده و یکنواخت نباشد .

ز- سعی نمایند تا آنجا که ممکن است رفتار عادی داشته باشند .

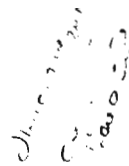
ح- بیشتر از یک دوشصت کلمه در دقیقه ترجمه نمایند و از سویی سعی نمایند سرعت بیان آنها از نود کلمه در دقیقه کمتر نباشد (۱) . مع هذا نوسان گفتار در طیف مذکور می‌تواند به ترجمه ارائه شده مطلوبیت بیشتری بدهد .
ط - وضوح در گفتار را تا پایان جمله حفظ نمایند .

ی - وقتی انتقال دو مفهوم کامل و متفاوت منظور نظر است ، سعی نمایند ابتدا یک مفهوم را منتقل نمایند و پس از اطمینان از انتقال و درک یک مفهوم به عرضه مفهوم دیگر اقدام نمایند .

ک - سعی کنند عوامل متشکله یک جمله را با اختیار مکث‌های بی مورد متلاشی نسازند . برای مثال اگر عبارتی را با حرف اضافه آغاز کرده‌اند فاصله‌ای بین آن و بقیه اجزاء عبارت ننندازند .

ل - با استفاده از مهارت‌های غیرکلامی (nonverbal communicative skills) به ترجمه خود غنای بیشتری ببخشند . بدین معنی که با استفاده از حرکات دست و صورت احساس‌گوینده را به شنونده منتقل سازند

۱- این میزان در ترجمه زبانهای اروپایی ملحوظ نظر بوده است .



دادی است و در پاره‌ای موارد در حد محدودی قابلیت تربیت و تقویت است. این قابلیت چیست و چگونه می‌توان آن را تقویت بخشید؟ مری است که با یادپس از تفحص‌های بیشتر روشن شود. بهرحال بحث آن در این مختصر نمی‌گنجد. "ولف گانگ" (Wolfgang) در مقاله خود، به این نکته اشاره می‌کند که حتی مترجمان همزمان که دارای حافظه قوی هستند هرگز کلمات را به صورت متوالی در ذهن خویش ثبت نمی‌کنند بلکه "کلّیت یک اندیشه و پیام" را در حافظه نگه میدارند. (۱۹۷۰). *

"باون" (Bowen) حافظه "زابه" دو طبقه تقسیم‌بندی میکند:

۱- حافظه کوتاه مدت

۲- حافظه بلند مدت

و سپس نوعی تقسیم‌بندی بر مبنای "شگردهای کلامی و غیر کلامی" ارائه می‌دهد به نظر او، در بهترین شرایط ممکن، حافظه کوتاه مدت نمیتواند بیش از ۲۰ الی ۳۰ ثانیه مفاهیم را در خود نگهدارد (۱۸: ۱۹۸۴). سرعت بیان گوینده (که البته در افراد مختلف متفاوت است) با قدرت حافظه مترجم همزمان نسبت مستقیم دارد. به عبارت دیگر هرچه تعداد کلمات به کار رفته توسط یک گوینده در یک واحد زمانی مشخص بیشتر باشد، قابلیت ضبط کلمات در حافظه مترجم کمتر خواهد بود. به عقیده "باون"، نسبت آن از ۱۲۰ الی ۱۵۰ کلمه در هر دقیقه در نوسان است. البته موارد استثنایی نیز گزارش شده که یک گوینده بیش از ۳۲۰ کلمه در هر دقیقه تولید کرده است.

* برای بررسی بیشتر در مورد قدرت حافظه و نقش آن به کتاب زیر مراجعه

1. Graphic features

نمایشید.

"Wolfgang Zielke Conditioning your memory" New York: Sterking Publishing Company, Inc., 1970.

۷۰۲۰۱۰۳ مشکلاتی که مترجمان همزمان غالباً " با آن روبرو هستند .

مشکلاتی که معمولاً " هر مترجم همزمان ممکن است با آن روبرو شود به طور عمده بوجه نوع تقسیمی شود :

الف - عدم برخورداری از سرعت کافی در یادداشت برداری و نیز مشکل خواندن یا دداشتهایی که از بیانات ارائه شده تهیه شده است .

ب - به خاطر نیاز وردن بعضی از قسمت های بیانات ارائه شده توسط گوینده یا سخنران .

ج - نداشتن توانایی وقابلیت لازم در ارائه سریع ترجمه بیانات با سرعتی متناسب با گوینده .

الف - مشکل دستخط

"مارگارت باون" (Margaret Bowen) به نکته جالبی اشاره می کند ، او می گوید

"...بی سوادى هم بلیه است و هم عطیه ، از آن -

جهت بلیه است که تیشه بر جان حافظه میزند ."

(۱۹۸۴:۱۵)

و برای این عقیده است که اگر افرادمانند کودکان نمی توانستند بنویسند و بخوانند از حافظه ای قوی همچون آنها برخوردار بودند . در اینکه آیا این ادعا پایه و اساس علمی دارد یا نه جای تعمق و تفحص بسیار است . اما در ارتباط با یادداشت برداری ، این حقیقت وجود دارد که مترجم باید تنها آن مواردی را یادداشت نماید که نقش کلیدی در گفتار دارد . بدیهی است یادداشت برداری کلمه به کلمه و با سرعتی برابر با گوینده نه ممکن است و نه ضروری . بعضی از زبان شناسان معتقدند که مترجم همزمان باید بتواند کلمات کلیدی را شناسایی و انتخاب نماید ، به عبارت دیگری از

ویژگیهای مترجم همزمان توانایی انتخاب^(۱) است. این زبان‌شناسان
براین عقیده‌اند که مترجم همزمان منقطع با پیدان قبیل کلماتی را بر صفحه
کاغذ درج نماید که بعداً می‌توانند یادآوری مطالب مطرح‌شده را آسان‌تر
نمایند.

مترجم همزمان باید در یادداشت برداری حتی الامکان از علایم اختصاری
استفاده نماید مشروط بر آنکه در بازنگری مجدد بتواند آن علایم را به
مفاهیم بیان شده ربط دهد. آزمایشهای انجام شده به این نتیجه رسیده
است که افراد مختلف در طول زندگی خود از یک نوع الگوی خاص نوشتاری —
استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر شکل و حالت انحاء و نحوه تامل حروف
در اشخاص متفاوت فرقی‌کنند و این تفاوت به عنوان ویژگی یک فرد در تقابل
با دیگران تا پایان عمر او باقی می‌ماند متخصصان پیشنهاد می‌کنند که
مترجمان همزمان با توجه به قدرت حافظه خود تعداد کلمات مورد نیاز برای
یادآوری مجدد را در یادداشت‌های خود منظور نمایند. علاوه بر این، مترجمان
همزمان باید "ویژگیهای نوشتاری"^(۱) را به طور وضوح در یادداشت برداری
خود ملحوظ بدارند. برای مثال، در یادداشت برداری سریع، شکل نوشتاری
"ممکن است بعداً" "حسن"، "حُسن" و یا "حس" خواننده
شود. بنابراین درج "نقطه‌ها" و "عرب‌ها" لازم می‌نماید زیرا نقش
اساسی در یادآوری دارد.

ب- حافظه

قبل از هر چیز، ذکر این نکته لازم است که داوطلب رشته مترجمی همزمان
باید الزماً "از قدرت حافظه نسبتاً" خوبی برخوردار باشد. چون بدون
برخورداري از آن، ترجمه همزمان میسر نیست. این قابلیت تا حدی خدا

"سلسکویچ" معتقد است که مترجم همزمان باید از قدرت "حافظه نقش پذیر" (۱) برخوردار باشد و این موهبتی است خدایی. از ظرفی به این نکته نیز اشاره می‌کند که هرچه اطلاعات داده شده با مفهوم بیشتری همراه باشد، یادآوری آن آسان تر است (۳۵: ۱۹۷۸). بر همین اساس، حافظه را به دو نوع تقسیم بندی می‌کند:

- الف - حافظه جوهری (substantive memory) (۲)
ب - حافظه عملی (verbatim memory)

وقتی اطلاعات کسب شده جذب گردد به عنوان بخشی از حافظه جوهری ضبط و ثبت می‌شود این حالت حاصل تجزیه و تحلیلی است که بر پیام انجام می‌پذیرد و این امر در درک گفتار نقش مهم دارد. در مقابل، برای آنکه مقوله‌ای جزء حافظه عملی قرار گیرد به مدت زمان بیشتری نیاز است در جهت کمک به حافظه برای درک و به خاطر آوردن متن یا اطلاعات ارائه شده، بعضی از متخصصان استفاده از علایم را مخصوصاً "در ترجمه همزمان قطع پیشنهاد و توصیه می‌کنند."

"ج- اف، هنری" J.F. Henry پیشنهاد می‌کند از علایم زیر در نشان دادن بعضی از مفاهیم استفاده شود:

فارسی	انگلیسی
از	from
به	to
معادل / مساوی	equal

	فارسی	انگلیسی
×	ضرب	multiply
<	کمتر از	less/fewer than
>	بیشتر از	more than
+	بیشتر	more
-	کمتر	less/fewer
÷	تقسیم	divided by
≠	تعدادی	a number of

برای مثال :

1. The United States proposed to the USSR...

US → R

2. Over the peaceful uses of atomic energy

peace → atom

3. The Soviet Delegate stated that his country's contribution was greater than that of the United States.

R.d. their cont. > US cont.

ج - ۳۰۲۰۱۰۳

تفاوت عمده‌ای بین گوینده و مترجم همزمان وجود دارد. گوینده از محتوای پیامی که قصد به عرضه آنرا دارد آگاه است درحالیکه مترجم همزمان باید به انتظار باشد تا بداند که گوینده چه پیامی دارد. درحقیقت بینارائه مطلب توسط گوینده و درک مترجم از آن موضوع یک فاصله زمانی وجود دارد. اگر این فاصله زمانی به حداقل خود برسد و سرعت گوینده بالا

درک و تولید زبانی مترجم همزمان برای برویا نزدیک شود حالت ایده‌آلی به دست آمده است اما این نکته روشن است که مترجم همزمان هر قدر دارای — قدرت حافظه قوی باشد، نمی تواند تمام کلمات و عبارات را در ذهن خویش نگهدارد و با سرعت یکسان معادل سازی نموده و عرضه نماید. در جهت کمتر کردن این فاصله زمانی، بعضی از مترجمان همزمان به شیوه تندنویسی (shorthand) توسل می جویند اگرچه این شیوه از سوی بسیاری دیگر از مترجمان مورد استفاده قرار نمی گیرد. دسته اخیر به جای استفاده از "تندنویسی" شیوه اختصاری خاص خود دارند و از آن به نحو نیکو استفاده می نمایند.

بعضی از مترجمان همزمان از علائم نویسه‌ای (graphological symbols) خاصی که نمایانگر مفاهیم ویژه‌ای است استفاده می‌نمایند. "باون" مودی را نقل می‌کند که مترجمی از تصویر رسم شود (که غالباً " برای مفهوم "کارخانه" استفاده می‌شود) در بیان مفهوم "صنعت" استفاده نموده است. تعدادی دیگر از مترجمان همزمان از حروف IND برای همین منظور استفاده می‌کنند و مثلاً از مجموع دو حرف AG برای کلمه Agriculture (کشاورزی) سود می‌برند (۱۹۸۴:۲۲)

مشکل اساسی در به کارگیری "تصاویر نموداری" این است که مترجم باید علائم ویژه‌ای را خلق کند، آنها را به خاطر داشته باشد و با لاخره در مواردی که به ندرت پیش می‌آید از آنها سود جوید. از طرفی، ممکن است تصاویر به لحاظ شباهت فوق العاده و نزدیک حامل دوویا چندپیمای متفاوت باشند. در این صورت، اگر مترجم از حافظه‌ای قوی برخوردار نباشد، مسلماً "ابهامات فراوانی را به همراه خواهد داشت. به عبارت بهتر، وقتی نوبت به مترجم همزمان می‌رسد تا مفاهیم را بازگو کند، بازنگری بر تصاویری که رسم نموده ممکن است او را به گمراهی بکشاند و حافظه او را

در یادآوری اصل مطالب مدد ننماید. در مقایسه، استفاده از علائم اختصاری نسبتاً "ساده و عملی تر است."

"باون" هر دو مورد بالا را مطرود می‌داند و معتقد است که کارآیی چندانی ندارند. پیشنهاد مشخص او این است که مترجمان همزمان، از علائمی در ارتباط با "مفاهیم" استفاده نمایند. علت آن است که مترجم، در باز آفرینی کلامی گفتار گوینده در زبان مقصدتنها به انتقال "برشهای مفهومی" (concept chunk) می‌پردازد. به نظرو، یادداشت برداری مبتنی بر "کلمه‌نگاری" به‌تنها میسر نیست بلکه نامقبول است. نامبرده به ذکر این مسأله می‌پردازد که "...اگر مترجم همزمان بتواند روشی خاص و سهل در یادداشت برداری ابداع کند، بیش از نیمی از کار ترجمه خود را به انجام رسانده است" (۱۹۸۴:۲۳).

در کتاب خود با عنوان "گامهای موثر در یادگیری ترجمه همزمان"، — "باون" مثال جالبی را شاهده می‌آورد که نقل آن می‌تواند موضوع را روشن تر نماید.

(متن زیر برای مترجم خوانده شده است)

The discovery, identification and subsequent curing of an illness in animals is a task so fraught with difficulty that it might have made even the stout heart of Florence Nightingale quail. Imagine a patient who not only cannot tell you where the pain is but, in many cases, takes great care to cover up all its symptoms; a patient who, having decided that you are trying to poison it, refuses all medication, regardless of how carefully embedded in meat, banana or chocolate it is; a patient who (because you cannot explain), interprets everything you do, from x-ray

to injection, as a calculated assault on its life, its dignity or both. With sick animals, you find that you have to have the patience of Job, the grim determination of Sisyphus, the duplicity of Judas, the strength of Samson, the luck of the devil and the bedside manner of Solomon before you can hope to achieve results.

یادداشت برداری به شیوه زیر توسط یک مترجم همزمان منقطع انجام پذیرفته است. مترجم با اتکاء بر این یادداشت به بازآفرینی پیام در زبان مقصدهمت می‌گمارد (۱)

Dis, Id, cur
difficulty Florence Nightingale
quail
pain, where coverup
patient ref med.
served embedded
meat, ban.
interprets care on
life assault or both
Job, Sisyphus, Judas
Samson, Devil, Solomon
bedsid manr

یک نکته قابل توجه است و آن اینکه مترجم قویاً " بردانش زیربنایی خود را به عبارت بهتر به آگاهی علمی خود در زمینه مورد بحث متکی است. بدون این آگاهی از آثاء ترجمه مطلوب میسر نخواهد بود.

۱- توصیه می‌شود که در جهت درک بهتر شیوه ای که بکار رفته است، متن اصلی با یادداشت‌ها چندین بار مطالعه بقت شود.

۷۰۲۰۲ ترجمه همزمان همردیف

در حال حاضر، از ترجمه همزمان همردیف در بسیاری از نشست‌های مختلف سازمان‌های بین‌المللی استفاده می‌شود و از آن جمله می‌توان "سازمان ملل" را نام برد. در این سازمان بین‌المللی، نمایندگان همه کشورهای عضو می‌توانند به یکی از زبان‌های انگلیسی، چینی، اسپانیولی، عربی و فرانسه به ایراد سخنرانی بپردازند. البته در مواردی نیز که یکی از سران کشورهای عضو به زبان ملی خود سخن می‌گوید، امکان ترجمه همزمان آن وجود دارد. مثال روشن آن، ترجمه همزمان سخنرانی اخیر آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران بود که در مجمع سال ۱۹۸۷ سازمان ملل ایراد گردید. به گفته "لدرر" (Lederer) زبان‌های مربوط به کشورهای عضو "جامعه اروپا" در نشست‌های مختلف این جامعه بکار برده می‌شود. (۱۹۸۱: ۱۵)

قبل از آنکه به مکانیسم این فعالیت پی برده و با آن آشنا شویم، بهتر است تعریفی از "ترجمه همزمان همردیف" ارائه نمایم. این واژه به نوعی ترجمه اطلاق می‌شود که در آن مترجم یا همزمان با ادای عبارات و جملات و یا تنها لحظه‌ای پس از پایان آن به ترجمه مبادرت می‌ورزد. بدیهی است نباید چنین تصور شود که "ترجمه همزمان همردیف" نوعی روند "شنیداری گفتاری" است. وقتی کسی سخن می‌گوید، توقفی در روند پنداری او وجود نمی‌آید. به عبارت بهتر پندار و گفتار همزمان به پیش می‌روند (سلسکوچ ۱۹۸۷: ۳۱).
ما همزمان با پندار خود به تولید زبانی می‌پردازیم. از طرف دیگر، به قول سلسکوچ، ".... مترجم به جمله دوم گوینده (که پس از جمله نخست تولید نموده است) گوش فرا نمی‌دهد بلکه توجه او به ترجمه جمله نخست است که خود تولید می‌نماید (۱۹۷۸: ۳۲).
گزارش شده است که برخی از مترجمان همزمان که از مهارت فوق العاده‌ای

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۳۳

برخوردا ر بوده و درکار خودمما رست بسیارداشته اندتوانسته انددریک زمان واحد هم به جملات گوینده گوش فرادهند ، با دیگر مترجمان سخن گویند ، چیزی را بنگارند به تفحص در اسناد بپردازند و در عین حال مواظب گذشت زمان باشند . همه این فعالیت ها در زمانی اتفاق می افتد که مترجم ضمن گوش فرا دادن به گوینده ، جملات و پیام بیانات او را نیز ترجمه می نماید (گرور ۱۲۳: ۱۹۷۵) (Gerver) .

ترجمه همزمان همردیف فرایندیک سری فعالیت های ذهنی و عملی پیچیده ای است که توسط مترجم انجام می پذیرد . اجمالی از این فعالیت های پیچیده به شرح زیر است :

الف - درک پیام از زبان مبدا و خلق واژه ها و عبارات معادل در زبان مقصد به صورت همزمان .

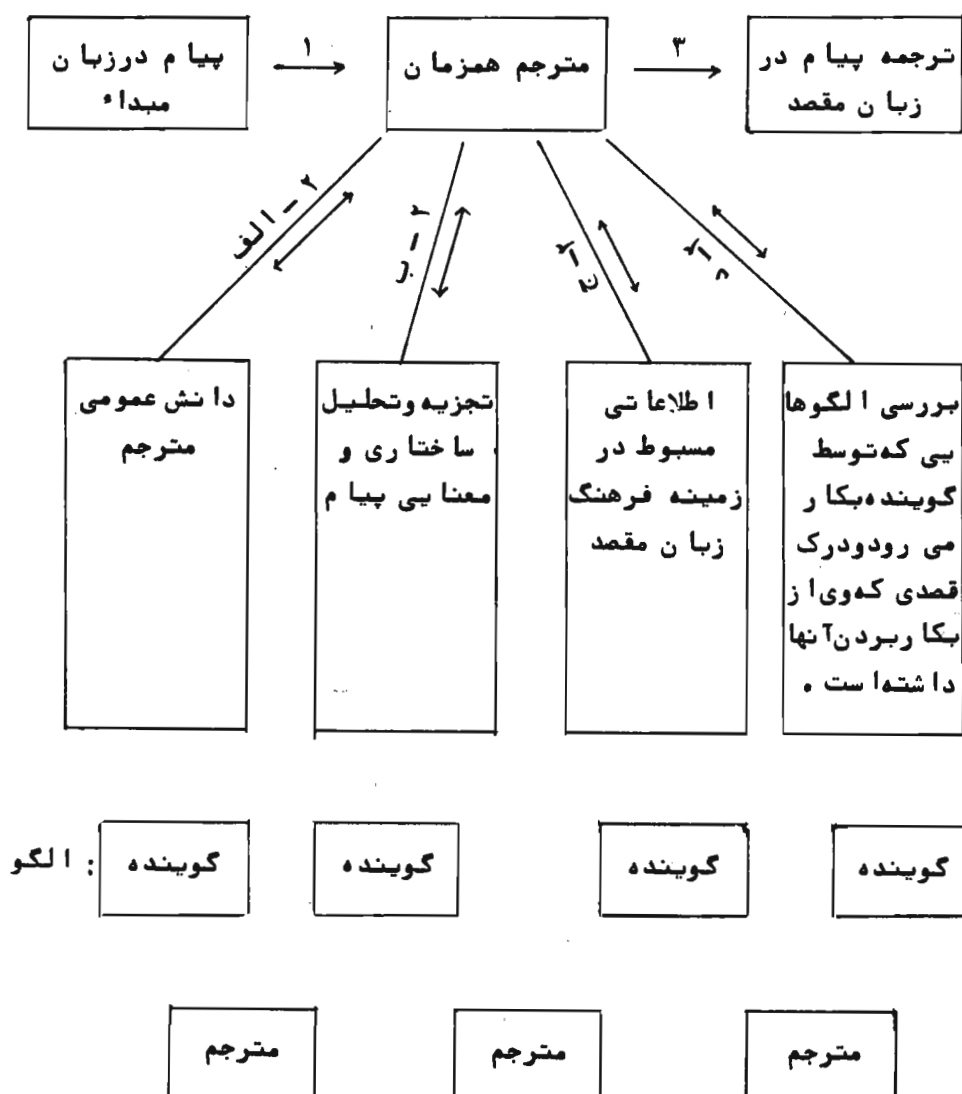
ب - پیش بینی مستمر پیام گوینده و اندیشیدن به جلوه های ساختاری و معنایی معادل آنها .

ج - استفاده مستمر از دانش عمومی ما و رای بحث معمول در جهت درک - بهتر پیام گوینده . به عبارت دیگر ، مترجم از دانش قبلی خود در ارتباط با زمینه مطرح شده سود می جوید . این امر کمک می کند تا مترجم از ترجمه تکواژها و عبارات مجرد و منقطع بپرهیزد .

د - بررسی مداوم پیام گوینده و انطباق دادن آن با ویژگی های فرهنگی مستمعان . برای مثال ، گاهی اتفاق می افتد که اگر لطیفه ای با فرم ظاهری آن از زبان مبدا به زبان مقصد ترجمه شود نه تنها حاصل نوعی "توهین" گوینده نسبت به حضار است بلکه ممکن است به کدورت نیز بیانجامد . در اینجا رسالت مترجم آن است که با تغییر حالت و فرم و استفاده از عبارات استعاری و اصطلاحی ظرافت بکار رفته را به شکل قابل قبول در زبان مقصد بازآفرینی نماید .

ه - تطبیق آهنگ کلام با آهنگی که بر کلام گوینده غالب است به نحوی که بتوان احساس گوینده را به شنوندگان منتقل نمود. بکار بردن نواخت ها، تکیه ها (stress) و ریتم مناسب می تواند توجه شنوندگان را به مطالب بیان شده معطوف دارد.

نمودار زیر نشان دهنده شکل پذیری روند "ترجمه همزمان همزمان همردیف" است.



هما‌نطور که مشاهده می‌شود، به محض اینکه جمله یا جملاتی از گوینده شنیده شود، مترجم در ابتدا عبارات را در قالب وجه‌ها و چوب اطلاعات پیشین بکار می‌گیرد. بدیهی است که این یک روند رفت و برگشتی است. عبارات و یا جملات دریافت شده تجزیه و تحلیل معنایی می‌گردد. مترجم به‌طور مرتب و بی وقفه اطلاعات پیشین خود را در زمینه موضوعی که توسط گوینده مطرح گردیده با مفاهیمی که از گفتار او استنباط می‌شود تطبیق می‌دهد. این امر کمک می‌کند تا مترجم بتواند نسبت به قصد و نیت گوینده از گفتاری که عرض می‌دارد بینش بیشتری یافته، وجود خود را در سلسله گفتار بیشتر احساس نماید. در نمودار بالا، یک نکته اساسی روشن می‌شود و آن این است که روند ترجمه همزمانی بر انتقال مستقیم از زبان مبدا به زبان مقصد نیست بلکه مترجم همزمان از دانش زبانی، فرهنگی و اطلاعات خود در باب مقوله مطروحه به نحو شایسته‌ای استفاده می‌کند تا پیام منتقل شده نه تنها قابل قبول بلکه مطلوب باشد.

واژه‌نامه

Accessory senses	مولفه های معنایی جانبی
Accuracy-Accurate	دقت - دقیق
Adaptative	مترجم خواننده‌گرا
Adaptative	اقتباس
Aesthetics	زیباشناسی
Ambiguity	ابهام
Ameliorative	اصلاحی
Analogical	قیاس
Anaphoric	پیش مرجعی
Apposition	عطفی
Aptitude	قابلیت
Arbitrary	روابط اختیاری
Assertion	تصریح
Assosiation	تداعی معانی
Associative	ملازم درک
Auditory Perception	درک شنیداری

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۳۷

Bilinguals	افراد دوزبانه
Books of precepts	کتاب احکام
Brief	اختصار
Cadence	آهنگ
Calque	کپی‌گری
Cataphoric	پس مرجعی
Centrifugal concepts	مفاهیم مرکزگریز
Centripetal	مفاهیم مرکزطلب
Cleft sentences	جملات پیوندی
Close translation	ترجمه مقید
Code	مجمع الرموز
Cognates	قرابت‌های کلامی
Coining	واژه‌آفرینی
Collocation	همجوارهای کلمات
Combined translation	ترجمه مرکب
Communication events	پدیده‌های ارتباطی کلامی
Communication load	بار مراوده‌ای
Communicative role	نقش مراوده‌ای
Concatanation	ارتباط خطی
Concentrated linguistic skill	مهارت زبانی درون‌سو
Concept chunk	برشهای مفهومی
Conjunctions	کلمات عطفی
Connotations	وجه معنایی ضمنی
Connotative	معانی ضمنی

Consecutive interprefation	ترجمه همزمان منقطع
Constituent	سازه
Contextual Situation	روش همخوانی با بافت مبداء
Conventional	قراردادی
Copying	کپی کردن
Core...	ثقلی
Correct	صحیح
Crisp	ظرافت
Decoding	علامت برگردانی
	معانی ظاهری
Denotative meanings	وجوه صریح معنایی
Descriptive	توصیفی
Dialect variations	گویش‌های زبانی
Dialogues	گفت‌و شنود
Diligentia	
Discarding of lexical words	واژه زدایی
Discourse	باب‌مقال
Dissyllabic	دوهجایی
Disintegration	فروریختگی
Distributional	فراگیر
Doctrine	آگاهی زبانی
Doublets	قرینه
Double translation	ترجمه مضاعف

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۳۹

Echo translatcion	ترجمه مکرر
Elliptical expressions	عبارات مستوره
Empty introductory clauses	عبارات مبتدی بی مرجع
Encoding-decoding	حرکت رفت و برگشتی زبانی
Endocentric	عیان معنایی
Exegesis	تفسیرزمانی
Exocentric	پنهان معنایی
Exposition	ترجمه تشریحی
Expressive	بیانی
False cognates	قرابت‌های کاذب
Fides	ایمان
Fidelity	وفاداری
Fluency	سلاست بیان
Folkloric expressions	عبارات عامیانه
Formal	صوری
Free-meaning representation	تجسم معنایی آزاد
Free rendering	ترجمه آزاد
Free translation	ترجمه آزاد
Game-theory	شیوه تحلیلی
Geographical-dialects	لهجه‌های حوزه‌ای
Grammatical construction	ساختار دستوری
Graphic features	ویژگیهای نوشتاری
Graphical symbols	نشانه‌های نوشتاری
Grapholglical symbols	علامت نویسه‌ای

Hermeneutics	تفسیر همزمانی
Homographs	متشابهات نوشتاری
Homonymy	متشابه
Identical rendering	شبه آفرینی
Idiomatic translation	ترجمه اصطلاحی
Image	تصویر
Imitation	اقتباس
Imitation	ترجمه تقلیدی
Impersonation	هنر آفرینی تجسمی
Inferential	قیاسی
Informative	خبری
Instruction	فرمان
Instructional operations	عملیات کاربردی
Integration	اشتلاف و ترکیب
Intellectualism	خردگرایی
Inteligibility	قابلیت فهم
Interactive approach	شیوه انفعالی متقابل
Interfix	میانوند منقطع
Interlinguai strategy	استراتژی واسطه‌ای
Interlingual	فرازبانی
Interlingual translation	ترجمه فرازبانی
Interpretation	ترجمه همزمان
Interpretation	تفسیر
Interpreters	مترجمان همزمان

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۴۱

Intersemiotic	فرا نشانه‌ای
Intersemiotic translation	ترجمه فرانشانه‌ای
Intimate	دوستانه
Intralingual	درزبانی
Intralingual translation	ترجمه درزبانی
kernel	ریشه‌ای
Langue	توانایی زبانی
Level	سطح
Lexicalized	واژگانی شده
Lexical property	بارواژگانی
Liberation	رهايي
Linguistic	زبانی
Linguistic elements	عنصرزبانی
Linguistic misunderstanding	سوء تفاهات زبانی
Literal translation	ترجمه واژه به واژه
Literalism	واژه‌گرایی
Literary aesthetics	زیباشناسی ادبی
Loan translation	ترجمه عاریه‌ای
Logic	منطق
Meaning-symbol relationships	روابط نشانه‌ای-معنایی
Message	پیام
Metaphrase	ترجمه عبارتی یا تحت‌اللفظی
Metaphrasing	تک‌هجایی
Monosyllabic	ترجمه عبارتی

Meters	بحور
Modulation	تعدیل
National enthusiasm	هواخواهی ملی
Natura	قریحه
Naturalization	بومی سازی
Non-core	غیرثقلی
Non-repeatable	تکرارناپذیر
Nonlinguistic	غیرزبانی
Nonverbal communicative skill	مهارت‌های غیرکلامی
Nonverbal factors	عوامل غیرکلامی
Over loose	گشاده دستی
Over strict	تنگ نظری
Overt	آشکار
Over translation	ترجمه حاشیه‌دار
Paradigm	الگو
Paraphrasing	تاویل
Paradox	تناقضات
Parole	کاربرد زمانی
Parts of speech	اجزاء سخن
Patriotic enthusiasm	عرق وطنی
Pejorative	تحقیری
Performative	اجرائی
Peripheral concepts	مفاهیم حاشیه‌ای
Philological translation	ترجمه لغوی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۴۳

Photographic memory	حافظه نقش‌پذیر
Post-editing approach	شیوه‌ا اصلاح با پانی
Pragmatic	جنبه‌های کاربردی
Presuppositions	پیش‌انگاری
Primary meaning	معانی اولیه
Prospective	ترجمه مقصدگرا
Protective listening skill	مهارت شنیداری
Public acceptibility	قبولیت عامه
Purity	خلوص
Radical realism	واقع‌گرایی محض
Rearrangement	بازآرایی
Receptive translator	مترجم نویسنده‌گرا
Receptor	پذیرنده
Redundant	حشو
Reduplication	تکرار
Referential	اشاره‌ای
Restricted	محدود
Retrospective	ترجمه مبدا‌گرا
Scientific mode	وجه علمی
Secondary meaning	معانی ثانویه
Selective listening skill	مهارت شنیداری چکیده‌ای
Self-inferiority	خوددرون‌نگری
Semantic component	مشخصه‌های معنایی
Semantic patterns	الگوهای معنایی

Semantic shifts	انتقال معنایی
Sense for sense translation	ترجمه مفهوم به مفهوم
Sensual	محسوس
Simple	ساده
Simplification	ساده کردن
Simulfix	هموند
Simultaneous interpretation	ترجمه همزمان و همردیف
Situation	وضعیت
Social functions	نقش‌های اجتماعی
Software materials	نرم افزار
Spirit	فحوای کلام
Spoken	گفتاری
Stress	تکیه
Substantive memory	حافظه جوهری
Synchronic	همزمانی
Tautology	حشو
Temporal dialectal	لهجه‌های زمانی
Terminals	واحدهای سیار (در سیستم کامپیوتر)
Thought	اندیشه
Transference theory	تئوری ترجمه انتقالی
Transfer formulas	قواعد انتقالی
Transfer strategy	استراتژی انتقالی
Transmutation	استحاله
Transient	طرفه العینی

تئوری‌های ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان ۲۴۵

Translational	توانایی ترجمه‌ای
Under translation	ترجمهء موجز
Universal	جهان شمول
Untranslatable	ترجمه ناپذیر
Verbal	نشانه‌های کلامی
Verbatim memory	حافظه عملی
Version	برگردان
Vocative	ندایی
Word for word equivalences	معادل‌های واژگانی
Written form	صورت نوشتاری
Zigzagging Manuevers	شیوه‌های کنارگذاری

B I B L I O G R A P H Y

- Ahmad, K., et al. (1985) Computers language larning and language teaching. Cambridge Univ. press, Cambridge.
- Anderson, R. Bruce. (1976) perspectives on the role of interpreter. In Translation: application and research, R. Brislin, ed., Gardener, New York.
- Angel, Juvenal Londorio. (1959) Careers in translating and interpreting. World Trade Academy press, New York.
- Amog, Flora Ross. (1920) Early theories of translation. Columbia University Press, New York.
- Aphek, Edna. (1981) Problems in the translation of literary systems. The Journal of Literary Semantics 10/11, 32-43.
- Aphek, Edna and Tobin, Yissai. (1981) S.Y. Agnon: word systems and translation. Text 1/3, 269-277.
- Arrowsmith, William. (1961) The craft and context of translation. A symposium edited by William Arrowsmith and Troger Shattuck. University of Texas Press for Humanities Research, Austin.
- Baine, Linda. (1983) Training program. Cleveland State University, Ohio.
- Baker, G.P. and Hacker, P.M.S. (1983) Meaning and understanding. Blackwell, Oxford.
- Bartscht, Walteraud Erika. (1986) Computer analysis of multiple translations: an alternative method for literary interpretation. University of Texas, Dallas.
- Bates, Ernest Stuart. (1943) Intertraffic: Studies in translation. J. Cape, London.
- Bausch, Karl Richard. (1970) The science of translation: an analytical bibliography. Tubingen.
- Beidelman, T.O. (1971) The translation of cluture: essays to E.E. Evans-Pritchard. London.
- Belloc, Hilaire. (1931) on translation. Oxford.
- Blois, J. "et al". (1968) Problems de la traduction authomatique. University of Alabama Press, Alabama.
- Boecker, Eberhard. (1973) William Faulkner's later

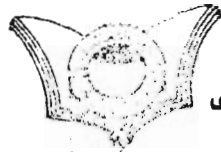
- novels in German: a study in the theory and practice of translation. Niemeyer, Tubingen.
- Booth, A.D. (1958) Aspects of translation. Secker and Warburg, London.
- Bott, M.F. (1970) Computational linguistics. In New Horizons in Linguistics, J. Lyons, ed. penguin, Harmondsworth, 215-228.
- Bowen, David and Bowen, Margareta. (1984) Steps to consecutive interpretation (2nd ed.). Pen and Booth, Washington D.C.
- Bowen, David. (1986) The intercultural component in interpreter and translator training: a historical survey. League of Nations. United Nations, Neuremberg.
- Bower, William W. (1959) International manual of linguistics and translators. Scarecrow, New York.
- Bradley, M.C. (1969) How never to know what you mean. In Journal of Philosophy 66, 119-124.
- Brislin, Richard W. (1976) Translation: applications and research. Halsted Press, New York.
- Brower, Rueben Arthur. (1966) On translation. Oxford University Press, New York.
- Burton, Raffel. (1971) The forked tongue: a study of translation process. The Hague, Mouton.
- Burton, Raffel. (1973) Why re-create?: A conversation about translations with Burton Raffel. Chandler and Sharp Publishers, San Francisco.
- Butler, C. (1985) Computers in Linguistics. Basil Blackwell, Oxford.
- Cary, Edmund. (1956) La traduction dans le monde moderne. Librairie de l'Universite.
- Casagrande, Joseph B. (1954) The ends of translation. In International Journal of American Linguistics 20, 335-340.
- Catford, John Cunnison. (1965) A linguistic theory of translation: an essay in applied linguistics. Oxford University Press, London.
- Chukovskii, Kornei. (1984) The art of translation.
- Citroen, I.J. (1967) International Federation of

- Translators: ten years of translation. Pergamon Oxford.
- Cohen, J.M. (1962) English translators and translations. Longman, London.
- Cokely, Dennis Richard. (1985) Towards a sociolinguistic model of the interpreting process: focus on ASL and English. Georgetown University, Washington D.C.
- Dolet, Etienne. La maniere de bien traduire d'une langue en autre.
- Ekvall, Robert Brainerd. (1960) Faithful echo. Twayne Publishers, New York.
- Ellis, R. (1982) The choices of the translator in the late Middle English period. In The Medieval Mystical Tradition in England, Marion Glasscoe, ed. Short Run Press Ltd., Exeter, 18-46.
- Fellheimer, Jeannette. (1971) Geoffrey Fenton: a study in Elizabethan translation. Yale University Diss.
- Furley, D.J. Physicalism and indeterminacy of translation. In NOUS 9, 353-374.
- Gerver, D. and Sinaike, H.W. (1978) Language interpretation and communication. Plenum Press, New York.
- Goffman, Ervin. (1981) Forms of talk. Blackwell, Oxford.
- Granville-Baker, Harley. (1877) on translating plays.
- Grierspn, Sir Herbert Hohn Clifford. (1948) Verse translation, with special reference to translation from Latin. Oxford University Press, London.
- Grimsditch, Herbert Borthwick. (1933) Pitfalls in everyday French. Sir Pitman and Sons Ltd., London.
- Grishman, Ralph (1986) An Introduction to computational linguistics: studies in natural language Processing. Cambridge University Press, London.
- Guenther, P. Faithful ugliness or faithful beauty: the translator's problem.
- Haak, Sussan. Analyticity and logical truth in the roots of reference. In Theoria 2, 129-143.

- Harman, Gilbert. (1969) An introduction to translation and meaning. In Word and Object. Davidson and Hintikka (eds.).
- Harries, Brian. (1981) Prolegomenon to a study of the difference between teaching translation and teaching interpretation. In L'enseignement de l'interprétation et de la traduction, Delisle, ed. University of Ottawa Press, Ottawa.
- Hayward, Ralph Malcolm. (1971) Dante Gabriel Rossetti's "The early Italian poets": a study in the art of translation. Tulane Univ. Diss.
- Hellman, Geoffrey. (1974) The new riddle of radical translation. In Philosophy of Science 41, 227-246.
- Henry, J.F. (1969) Your future in translation and interpretation. Richards Rosen Press, New York.
- Herbert, Jean. (1952) The interpreter's handbook, how to become a conference interpreter. Librairie de l'Université Georg, Geneve.
- Herbert, Fean. (1957) Conference terminology, a manual for conference members and interpreters in English, French, Spanish, Russian, Italian and German. Amsterdam.
- Herbert, Jean. (1980) Mantel de l'interprete comment en devient interprete de conferences. Librairie de l'Université Georg, Geneve.
- Holcomb, M. and Lawrence, S. Introduction to interpreting (course materials). Ohlone College, - California.
- Holmes, James S. (ed.). (1970) The nature of translation. The Hague Mouton.
- Hoof, Henri Van. (1962) Theorie et pratique de l'interprétation, avec application particuliere a l'anglais et au freancais. M. Heuber, Munchen.
- Hoof, Henry Van. (ed.). (1973) International bibliography of translation.
- House, Julianne. (1977) A model for translation quality assessment. TBL-Verlag Narr, Tubingen.
- Hundt, Michael GV Working with the Weinder machine-aided translation system. In Lawson, 45-51.
- Ingram, R. and Ingram, B. (eds.). (1975) Hands across

- the sea: proceedings of the First International Conference on interpreting. Washington D.C.
- Iuding, Gali Gennadiyevna. Learn to interpret by interpreting.
- Jakobson, R. (1959) On linguistic aspects of translation. In On Translation, R.B. Bower, ed. Harward University Press, Cambridge.
- Jacobsen, Eric. Translation a traditional Craft: an introductory sketch with a study of Marlowe's Elegies. Glydebd, Copenhagen.
- Johnson, Judith. Simultaneous communication program. Dept. of Education, Callaudet College, Washington D.C.
- Kaiser, Frances E. (1965) Translators and translations: services and sources in science and technology. Special Library Association, New York.
- Kaiser, Walter. Selection and training of conference interpreters. In Language, interpretation and communication, Gerver D. and H.W. Sinaiko, eds. Plenum, London.
- Kebel, John. (1812) On translation from dead languages: a prize essay recited in the theater of Oxford, June 10, 1812. Prin. Print, Oxford.
- Kelly, Louis G. (1979) The true interpreter. St. Martin's, New York.
- Kettunen, K. (1986) Is Mt linguistics? In Computational Linguistics 12.1, 37-38.
- Kirk, Richard. (1986) Translation determinends. Oxfordshire, Oxford.
- Knox, Ronald Arbuthnott. (1957) On Translation. Clarendon Press, Oxford.
- Nida, Eugene A. (1964) Towards a science of translation, with special referencé to principles and procedures involved in Bible translating. Brill, Leiden.
- Nida, Eugene A. and Taber, Charles R. (1969) Theory and practice of translating. Brill, Leiden.
- Nida, Eugene A. (1971) Semantic components in translation theory. In Application of Linguistics: selected papers of the Second International Con-

- gress of Applied Linuistics, G.E. Perron and J.L.M Trim, eds. Cambridge University Press, London.
- Nida, Eugene A. (1975) Language structure and translation: essays by Nida. Standford University Press.
- Nida, Eugene A. (1975) Exploring semantic structures. Fink, Munchen.
- Norton, Glyn P. (1984) The ideology and language of translation in Renaissance France and their humanist antecedents.
- Norton, Albert. Translation, interpretation and text linguistics. In *Studia Linguistica* 35/1-2, 130-115.
- Newmark, Peter. (1981) Approaches to translation. Pergamon Press, Oxford.
- Nugel, Bernfried. (1971) A new English Horace. Frankfurt.
- Panov, Dimitrii Iur'evich. (1960) Automatic translation. Pergamon Press, London.
- Persson, Lisa Christina. (1962) Translation of children's books. Lund, Sweden.
- Phillimore, John Swinnerton. (1919) Some remarks on translation and translators. Oxford University Press, Oxford.
- Picken, Catriona. (1983) The translator's handbook. ASLIB, London.
- Postgate, John Percival. (1922) Translation and translations: theory and practice. G. Bell and Sons Ltd., London.
- Proetz, Victor. (1971) The astonishment of words: an experiment in the comparison of languages. University of Texas Press, Austin.
- Quine, Willard Van Orman. (1959) Meaning and translation. In *On Translation*, R.A. Browed ed., Harvard, Cambridge.
- Rajagopala, Chariet al. (1962) The art of translation: a symposium. Delhi.
- Reiss, Katharina. (1981) Type, kind and individuality of text: decision making in translation. In *Theory of Translation and intercultural relations*, I. Evan-Zohar and G. Toury, eds., The Porter Institute



- for Poetics and Semiotics, Telaviv.
- Richards, Ivor Armstrong. (1932) *Mentus* on the mind: experiments in multiple definition. K. Paul, Trench, Trubner and Co., Ltd., London.
- Ritchi, Robert Lindsay Grame. (1941) *Essays on translation from French*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Ronald, Ruth A. (1982) *Translating world affairs*. McFarland, Jefferson, N.C.
- Rose, M.G. *Translation spectrum: essays in theory and practice*. State of New York Press, Albany.
- Rozan, Jean Francois. (1956) *La prise de notes en interpretation consecutive*. Librairie de l'Univer
- Rozn, Jean Francois. (1956) *La prise de notes en interpretation consecutive*. Librairie de l'University.
- Rozencvejg, R. *Mavhine translation and applied linguistics*.
- Ruffino, J. Richard. (1982) *Coping with machine translation*. In Lawson, 57-60.
- Savory, Theodore Horace. *The art of translation*. London.
- Scholz, Karl William Henry. (1918) *The art of translation*. Philadelphia, Pa.
- Seleskovitch, Danica. (1968) *L'interprete dans les conferences internationales: problemes de langage et de communication*. Letters moderne.
- Seleskovitch, Danica. (1975) *Langage, langues et memoire: etude de la prise de notes en interpretation consecutive*. Letters moderne, Paris.
- Seleskovitch, Danica. (1976) *Interpretation: a psychological approach to translating*. In *Translation: applications and research*, R. Brislin, ed., Gardner, New York, 92-118.
- Seleskovitch, Danica. (1977) *Why interpreting is not tantamont to translating languages*. In *AIIC-Bulletin 3*, 76-87.
- Seleskovitch, Danica. (1978) *Interpreting for international conferences*. Pen and Booth Publishers,

Washington D.C.

- Seleskovitch, Danica. (1980) Language learning and professional training in interpretation. National Resource Center for translation and Interpretation, Washington D.C.
- Sreda, Stanely P. (1982) Practical experience of machine translation. In Lawson, 119-125.
- Sherma, Dharma Dutta. (1966) Some problems of translation: a linguistic comparison of texts in English and Hindi. Edinburrgh.
- Smith, B. (1976) Journals in translation. The British Library, Boston Spa, Wetherby.
- Steiner, George. (1966) Poem into poem: world poetry in modern verse translation. Penguin Books, Baltimore.
- Steiner, Thomas R. (1970) Precursors to Dryden: English and French theories and translation in the 17th century. In Comparative Literature Studies 7, 50-81.
- Thouin, Benolt. (1982) The METEO system. In Lawson, 39-44.
- Titford, A.E. and Hieke. Translation in foreign Language teaching and testing.
- Titford, Christopher. and A.E. Hieke. (1985) Translation in foreign language teaching and testing. Gunter-Narr, Tübingen.
- Toury, Gideon. Translation: cultural-semeiotic Perspective. Encyclopedic Dictionary of Semeiotics, T.A. Sebeok, ed.
- Toury, Gideon. (1980) In search of a theory of translation. Porter Institute for Poetics and Semeiotics, Jerusalem.
- Toury, Gideon. (1980) The translator as a nonconformist-tobe, or: how to train translators so as to violate translational norms. In Angewandte Übersetzungswissenschaft, S.O. Poulsen and W. Wills, eds.
- Trinklein, Michael. (1970) Luther's insights into the translator's task. In the Bible Translator 21, 80-88.

- Trubner Georg. (1970) History of Translation. In Babel: Internationale de la traduction 16, 150-155.
- Tuana, Nancy. (1981) Taking the indeterminacy of translation one step further. In Philosophical Studies 40, 283-291.
- Vinary, Jean Paul. (1958) Stylistique comparee du francais et de l'anglais: methode de traduction. **Paris.**
- Wallace, John. (1979) Only in the Context of a sentence do words have any meaning. In Contemporary. Perspectives in the philosophy of language, Peter A. French, T.E. Uchling, and H.K. Wettstein, eds. University of Minnesota Press, 305-325.
- Whitelock, P.J. (1983) Machine translation. In AISB Quarterly: Newsletter of the Society for the Study of artificial Intelligence and Simulation of Behavior 48, 18-30.
- Will, Frederic. (1973) The knife in the stone: essays in literary theory. The Hague, Mouton.
- Williams, Leonard. (1923) Models for translating English into Spanish. London.
- Wilss, Wolfram. Translation strategy, translation method and translation technique: towards a clarification of three translational concepts. In Revue de Phonetique Appliquee 66-68, 143-152.
- Wills, Wolfram. (1978) Syntactic anticipation in German-English simultaneous interpreting. In Language, interpreting and communication, D. Gerver and H.W. Sinaiko, eds., Plenum, New York, 345-351.
- Wills, Wolfram. (1982) The science of translation: Problems and methods. Narr, Tubingen.
- Wills, Wolfram. and Gisela Thöme. (1984) Translation theory and its implimentation in the teaching of translating and interpreting.
- Woodhouslee, Alexander Fraser Tytler. (1797) Essays on the principles of translation. London.
- Yoken, Carol. (1979) Training: the state of art. National Academy of Gallaudet College, Washington D.C.
- Youssef, Atef Faleh. (1986) Cognitive processes in written translation. University of Houston, Diss.**

